

پیوست ها

صفحه	پیوست
۶۰۹	۱. یکی از معجزات بزرگ [۷۴:۳۵]
۶۳۸	۲. رسول میثاق خدا [۳:۸۱]
۶۴۹	۳. ما قرآن را آسان کردیم [۵۴:۱۷]
۶۵۰	۴. چرا قرآن به زبان عربی نازل شد؟
۶۵۱	۵. بهشت و دوزخ
۶۵۲	۶. عظمت خدا
۶۵۳	۷. اصلاً چرا خلق شدیم؟
۶۵۵	۸. افسانه‌ی شفاعت
۶۵۶	۹. ابراهیم، بنیانگذار دین اسلام
۶۵۷	۱۰. چرا خدا از ضمیر اول شخص جمع استفاده کرده است
۶۵۷	۱۱. روز رستاخیز
۶۵۸	۱۲. نقش محمد، پیامبر خدا
۶۵۹	۱۳. اولین ستون دین اسلام
۶۶۰	۱۴. سرنوشت از پیش مقدر شده
۶۶۱	۱۵. تکالیف دین: هدیه‌ای از جانب خدا
۶۶۷	۱۶. تحریم مواد غذایی
۶۶۷	۱۷. مرگ
۶۶۹	۱۸. قرآن، یگانه چیزی که به آن نیاز دارید
۶۶۹	۱۹. حدیث و سنت از بدعت‌های شیطانی است
۶۷۰	۲۰. قرآن، غیر از کتابهای دیگر
۶۷۰	۲۱. شیطان، فرشته‌ای که از درگاه رانده شد
۶۷۱	۲۲. عیسی
۶۷۳	۲۳. ترتیب نزول و ترتیب شماره گذاری سوره‌ها
۶۷۴	۲۴. تحریف کلام خدا
۶۹۶	۲۵. پایان دنیا
۶۹۸	۲۶. سه رسول دین اسلام
۷۰۱	۲۷. خدای شما کیست؟
۷۰۲	۲۸. تمام آیه‌های نازل شده را محمد با دست خود نوشت
۷۰۳	۲۹. نبود بسم الله
۷۰۷	۳۰. چند همسری (تعدد زوجات)
۷۰۸	۳۱. روند تکامل به فرمان خداست
۷۰۹	۳۲. چهل سالگی، کمال بلوغ
۷۱۰	۳۳. چرا خدا حالا رسول فرستاد؟
۷۱۲	۳۴. دست نخوردگی: از خصوصیات مومنان راستین
۷۱۲	۳۵. مواد مخدر و الکل
۷۱۳	۳۶. یک ملت بزرگ چه قیمتی باید بپردازد
۷۱۴	۳۷. احکام جزایی در اسلام
۷۱۵	۳۸. امضای آفریدگار

پیوست ۱

یکی از معجزات بزرگ [۷۴:۳۵]

پدیده‌ی بی‌مانندی که در قرآن وجود دارد در هیچ کتابی که به دست انسان نوشته شده است یافت نمی‌شود. گذشته از محتوای ارزشمند قرآن، میان هر یک از عناصر آن - سوره‌ها، آیه‌ها، واژه‌ها، تعداد حروف، تعداد کلماتی که از یک ریشه هستند، گوناگونی و تعداد نامهای خدا، نگارش بعضی از لغات، غیبت و یا تغییر عمدی بعضی از حروف در بعضی از کلمات، و بسیاری دیگر از چیزهای بنیادی- رابطه‌های پیچیده‌ای از لحاظ ریاضی وجود دارد. نظام ریاضی قرآن دو جنبه‌ی بسیار مهم دارد: (۱) ترکیب ادبی - ریاضی، و (۲) نوشتار ریاضی میان شماره و تعداد سوره‌ها و آیه‌ها. بخاطر وجود این کد ریاضی که تمام جوانب قرآن را دربرمیگیرد، کوچکترین تغییر یا تحریف، در متن قرآن، یا در سایر نظم و ترتیب‌های این کتاب فوراً آشکار می‌شود.

آسان از نظر فهم غیر قابل همانند سازی

برای نخستین بار در طول تاریخ، کتابی در دست داریم که نوشتار ریاضی آن بسی فراتر از هوش و توانایی بشر است و همین ثابت می‌کند که قرآن کتاب خداست.

خوانندگان این کتاب بآسانی می‌توانند به درستی معجزه‌ی قرآن پی ببرند. واژه "خدا" (الله) در سراسر قرآن با حروف پُر رنگ به چاپ رسیده است. عددی که در گوشه سمت راست هر صفحه، در پایین مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که از آغاز قرآن تا پایان آن صفحه چند بار واژه "الله" آمده است. عددی که در گوشه سمت چپ هر صفحه، در پایین، مشاهده می‌شود، حاصل جمع شماره‌ی آیه‌هایی است که واژه "الله" در آنها آمده است. در آخرین صفحه، صفحه ۶۰۴، نشان می‌دهد که واژه "الله" جمعاً چند بار در قرآن آمده است و همانطور که مشاهده می‌شود جمعاً ۲۶۹۸، یا ۱۹×۱۴۲ واژه "الله" در سراسر قرآن وجود دارد.

در ضمن، حاصل جمع شماره آیه‌هایی که واژه "الله" در آنها آمده است، ۱۱۸۱۲۳ می‌باشد، که آن نیز مضرب ۱۹ است ($۱۱۸۱۲۳ = ۱۹ \times ۶۲۱۷$). مخرج مشترک این نظام ریاضی در سراسر قرآن عدد ۱۹ است.

این پدیده‌ی انکار ناپذیر به تنهایی دلیل روشنی است که به جهانیان ثابت می‌کند که قرآن پیام خداست. هیچ انسانی هر اندازه توانا و با دقت باشد هرگز نمی‌تواند در ذهن خود حساب ۲۶۹۸ واژه "الله" را همراه با حاصل جمع شماره‌ی آیاتی که این واژه در آنها آمده بیاد سپرد، خصوصاً با در نظر داشتن این دو نکته: (۱) قرآن در عصر جاهلیت نازل شد، (۲) سوره‌ها و آیه‌های نازل شده از لحاظ زمانی و مکانی بطور فاحش از یکدیگر فاصله داشته‌اند. ترتیب نزول سوره‌ها و آیه‌ها، با ترتیب قرار گرفتن نهایی آنها بکلی فرق داشت (پیوست ۲۳). ولی نظام ریاضی قرآن تنها به واژه "الله" محدود نمی‌شود بلکه بسیار گسترده‌تر، پیچیده‌تر، و فراگیرتر از آن است.

حقایق ساده

مانند خود قرآن، بخشی از محاسبات ریاضی این کتاب بسیار ساده، و بخشی دیگر بسیار پیچیده است. حقایق ساده، آن دسته از مشاهداتی است که برای بررسی آنها به هیچ ابزاری نیاز نیست ولی برای مشاهده ی حقایق پیچیده به یک ماشین حساب یا رایانه [کامپیوتر] نیاز داریم. برای پی بردن به درستی حقایقی که در زیر نوشته شده، به هیچ ابزاری نیاز نیست. ولی خواهشمند است بیاد داشته باشید که برای بررسی و کنکاش درباره هر موردی که گفته شده باید به متن اصلی قرآن که عربی است مراجعه کرد:

۱. اولین آیه (۱:۱)، معروف به "بسم الله" دارای ۱۹ حرف است.
۲. قرآن دارای ۱۱۴ سوره است، که می شود..... 19×6 .
۳. قرآن دارای ۶۳۴۶ آیه است، یا 19×334
[۶۲۳۴ آیه که شماره دارند، و ۱۱۲ آیه (بسم الله) شماره ندارند $6346 = 112 + 6234$]؛ توجه شود که $6 + 3 + 4 + 6 = 19$ مساوی است با.....
۴. در قرآن ۱۱۴ "بسم الله الرحمن الرحيم" وجود دارد، علیرغم غیبت مرموز آن در سوره ۹ (دو بار در سوره ۲۷ آمده است.) و ۱۱۴ مساوی است با..... 19×6 .
۵. از سوره ی نهم که بسم الله ندارد تا سوره ۲۷ که دو بسم الله دارد، ۱۹ سوره است.
۶. حاصل جمع کل شماره سوره ها از سوره ۹ تا سوره ۲۷ ($27 + 26 + \dots + 12 + 11 + 10 + 9$) برابر است با ۳۴۲، یا..... 19×18 .
۷. عدد بدست آمده (۳۴۲) با تعداد کلماتی که در فاصله دو بسم الله در سوره ۲۷ آمده نیز برابر است، و مساوی با ۳۴۲ است 19×18 .
۸. اولین آیه هایی که نازل شد (۵ - ۱ : ۹۶) دارای ۱۹ کلمه است.
۹. این ۱۹ کلمه ای که نخست نازل شد، دارای ۷۶ حرف است..... 19×4 .
۱۰. سوره ۹۶ که نخستین سوره ای است که وحی شد، دارای ۱۹ آیه است.
۱۱. اولین سوره نازله، از آخر به اول قرآن، ۱۹ هُمین سوره می شود.
۱۲. سوره ۹۶ دارای ۳۰۴ حرف از الفبای عربی است، و ۳۰۴ مساوی است با..... 19×16 .
۱۳. آخرین سوره نازله (سوره ۱۱۰) دارای ۱۹ کلمه است.
۱۴. اولین آیه از آخرین سوره نازله (۱ : ۱۱۰) دارای ۱۹ حرف است.
۱۵. ۱۴ حرف مقطع قرآن (از قبیل ا. ل. م. در ۱ : ۲)، به ۱۴ ترکیب مختلف در آغاز ۲۹ سوره از قرآن آمده است. به جمع این اعداد توجه کنید ($57 = 14 + 14 + 29$) که مساوی است با 19×3 .
۱۶. حاصل جمع شماره ی این ۲۹ سوره ای که حروف مقطع دارند ($68 + 50 + \dots + 7 + 3 + 2$) مساوی است با ۸۲۲ و $14 + 822$ (۱۴ ترکیب حروف مقطع) برابر است با ۸۳۶، یا..... 19×44 .
۱۷. میان اولین سوره با حروف مقطع (سوره ۲)، تا آخرین سوره با حروف مقطع (سوره ۶۸)، درست ۳۸ سوره وجود دارد که هیچ حرف مقطعی ندارند..... 19×2 .
۱۸. از اولین سوره ای که حروف مقطع دارد تا آخرین سوره ای که حروف مقطع دارد، دقیقاً ۱۹ بار سوره هایی که حروف مقطع دارند به سوره هایی که حروف مقطع ندارند، و بعکس تبدیل می شوند.
۱۹. سی عدد گوناگون در قرآن آمده است که عبارتند از: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۹، ۱۰۰، ۲۰۰، ۳۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰، ۵۰۰۰، ۵۰۰۰۰، ۱۰۰۰۰۰. حاصل جمع تمام این اعداد ۱۶۲۱۴۶ است، که مساوی است با 19×8534 .

این چکیده ای از چند واقعیت ساده است که بطور فشرده بیان شده است.

نوشتار ریاضی - ادبی

جدول ۱: فهرست حروف مقطع قرآن، با ذکر نام سوره هایشان

تعداد	شماره سوره	نام سوره	حروف مقطع
۱	۲	بقره	ا.ل.م.
۲	۳	آل عمران	ا.ل.م.
۳	۷	اعراف	ا.ل.م.ص.
۴	۱۰	یونس	ا.ل.ر.
۵	۱۱	هود	ا.ل.ر.
۶	۱۲	یوسف	ا.ل.ر.
۷	۱۳	رعد	ا.ل.م.ر.
۸	۱۴	ابراهیم	ا.ل.ر.
۹	۱۵	حجر	ا.ل.ر.
۱۰	۱۹	مریم	ک.ه.ی.ع.ص.
۱۱	۲۰	طه	ط.ه.
۱۲	۲۶	شعرا	ط.س.م.
۱۳	۲۷	نمل	ط.س.
۱۴	۲۸	قصص	ط.س.م.
۱۵	۲۹	عنکبوت	ا.ل.م.
۱۶	۳۰	روم	ا.ل.م.
۱۷	۳۱	لقمان	ا.ل.م.
۱۸	۳۲	سجده	ا.ل.م.
۱۹	۳۶	یس	ی.س.
۲۰	۳۸	ص	ص.
۲۱	۴۰	غافر	ح.م.
۲۲	۴۱	فصلت	ح.م.
۲۳	۴۲	شوری	ح.م.ع.س.ق.
۲۴	۴۳	زخرف	ح.م.
۲۵	۴۴	دخان	ح.م.
۲۶	۴۵	جاثیه	ح.م.
۲۷	۴۶	احقاف	ح.م.
۲۸	۵۰	ق	ق.
۲۹	۶۸	قلم	نون

قرآن دارای پدیده ی ویژه ای است که هرگز در هیچ کتابی یافت نمی شود. ۲۹ سوره از قرآن با ۱۴ مجموعه ی گوناگون از حرف یا حروف مقطع آغاز می شوند که هر کدام دارای یک تا ۵ حرف هستند. نیمی از حروف الفبای عربی، یعنی ۱۴ حرف، در این مجموعه ها بکار رفته اند. معنای حروف مقطع قرآن برای ۱۴ قرن از اسرار الهی بود.

قرآن در آیات (۲۰: ۱۰) و (۶- ۴: ۲۵) درباره معجزه اش که ثابت می کند قرآن کتاب خداست، به آگاهی می رساند که از پیش مقدر شده بود که این معجزه برای مدت معینی از اسرار الهی باشد:

گفتند، "چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشد؟" بگو، "فقط خدا آینده را می داند. پس، منتظر باشید، و من هم با شما در انتظارم." [۲۰: ۱۰]

کسانی که ایمان نیاوردند گفتند، "این چیزها بطلانی است که او آنها را با کمک دیگران بر ساخته است." بیگمان، آنها کفر گفته اند؛ گفتارشان باطل است. بعضی دیگر گفتند، "افسانه هایی است که از قبل بوده و او آنها را نوشته؛ روز و شب به او دیکته شده است." بگو، "آن از جانب کسی فرستاده شده که "راز را" در آسمانها و زمین می داند." بیگمان، او آمرزنده، و بخشایشگر است.

[۶- ۴: ۲۵]

حروف مقطع بخش قابل توجهی از معجزه ی ریاضی قرآن را که بر پایه ی عدد ۱۹ بنا شده تشکیل می دهند.

سابقه ی تاریخی

در سال ۱۹۶۸ متوجه شدم که هیچیک از ترجمه هایی که به زبان انگلیسی از قرآن وجود دارد، پیام حقیقی آخرین کتاب خدا را نمی رسانند. برای مثال، دو نفر از معروف ترین مترجمان قرآن، یوسفعلی [Yusuf Ali] و مارمادوک پیکتال [Marmaduke Pickthall]، وقتی آیه ۴۵: ۳۹ را که از مهمترین ملاکهای ارزیابی قرآن است، ترجمه می کردند، نتوانستند بر عقاید کهنه و تحریف شده خود غلبه کنند.

هرگاه فقط نام خدا برده شود، قلب های کسانی که به آخرت ایمان ندارند با بیزاری می گیرد. اما وقتی نام دیگران در کنار نام او برده شود، راضی می شوند.

[۴۵: ۳۹]

یوسفعلی کلمه بسیار مهم "فقط" را در ترجمه ی خود از قلم انداخت، و مفهوم آیه را با اضافه کردن کلمه "(خدایان)"، در پرانتز، بکلی تغییر داد. و بدین ترتیب او مهمترین ملاک ارزیابی قرآن را بکلی تحریف کرد. او آیه ۴۵: ۳۹ را چنین ترجمه کرد:

هرگاه نام خدا، یگانه یکتا، برده شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند به وحشت می افتد؛ ولی هرگاه نام دیگر (خدایان) در کنار او آورده شود، بنگر، که شادمان می شوند. (به تعبیر یوسفعلی) [۴۵: ۳۹]

مفهوم جمله ی "هرگاه نام خدای یگانه یکتا می آید" با مفهوم جمله ی "هرگاه فقط نام خدا می آید" بکلی فرق دارد. ممکن است کسی نام خدای یگانه یکتا را بیاورد و نام عیسی، محمد، موسی و غیره را نیز در کنار نام خدا بیاورد و کسی ناراحت، یا معترض نشود. ولی اگر "فقط نام خدا برده شود"، دیگر شما نمی توانید نام کس دیگری را هم بیاورید، و آنوقت است که بسیاری از مردم که افرادی مانند محمد، یا مسیح را مانند خدا بالا می برند ناراحت، معترض، و برآشفته می شوند. به همین دلیل، یوسفعلی نتوانست خود را راضی کند که حق مطلب را در ترجمه ی این آیه ادا کند زیرا حقیقت، انحراف عقیدتی او را آشکار می کرد.

مارمادوک پیکتال کلمه "فقط" را درست ترجمه کرده است ولی او نیز با افزودن عقاید شخصی خود در پرانتز، این ملاک قرآنی را تحریف کرد. او ۴۵: ۳۹ را چنین ترجمه کرد:

هرگاه فقط نام خدا برده شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند بیزاری می جوید، ولی هرگاه نام کسانی که در کنار او (می پرستند)، برده شود، بنگر! چه خوشنود می شوند.

(به تعبیر مرمادوک پیکتال) [۴۵: ۳۹]

هنگامی که دیدم حقیقت کلام خدا اینطور تحریف شده، تصمیم گرفتم که لااقل بخاطر فرزندانم هم که شده قرآن را ترجمه کنم. با آنکه خودم یک شیمی دان هستم، ولی خانواده من از لحاظ دینی پشت در پشت بسیار مذهبی بود – پدر من یکی از پیشوایان مشهور صوفی در مصر بود – من با خدا عهد کردم که اگر مفهوم آیه ای را کاملاً درک نکنم آیه ی بعدی را ترجمه نکنم.

از اینرو، همه جا جستجو کردم، و تمام ترجمه ها و تفاسیری را که می شد پیدا کرد، خریدم، و آنها را بروی میز بسیار بزرگی نهادم، و ترجمه ام را آغاز کردم. ترجمه ی اولین سوره – سوره کلید – ظرف چند روز کامل شد. اولین آیه از سوره دوم، "ا. ل. م." است. ترجمه ی این آیه چهار سال به درازا کشید، و به آشکار شدن " آن سیر " الهی منجر شد: معجزه ی بزرگ ریاضی قرآن.

کتابهای تفسیر قرآن، جمعاً اتفاق نظر داشتند که هیچکس معنا و مفهوم حروف مقطع ا. ل. م. و یا سایر حروف مقطع را نمی داند. من تصمیم گرفتم قرآن را داده پرداز می کنم، و آنرا به کامپیوتر بدهم و از لحاظ آماری به تجزیه و تحلیل آن بپردازم تا چنانچه میان این حروف از نظر ریاضی رابطه ای وجود داشته باشد بدان پی ببرم.

من با استفاده از شبکه اشتراک وقت، با بهره برداری از ترمینال، بوسیله یک خط تلفن، با کامپیوتر گول پیکری ارتباط برقرار کردم. و تصمیم گرفتم که حروف مقطع "تک حرفی" قرآن را بررسی کنم تا ببینم که آیا فرضیه ام درست است یا نه. این حروف عبارتند از: "ق" در سوره های ۴۲ و ۵۰، "ص" در سوره های ۷، ۱۹، ۳۸، "نون" در سوره ۶۸. همانطور که در اولین کتاب خود تحت عنوان "معجزه ی ریاضی قرآن: معنا و مقصود از حروف رمز" گفته شد (انتشارات اسلامی، سال ۱۹۷۳)، کوشش بسیاری از افراد برای پی بردن به این راز در گذشته با شکست مواجه شده بود.

حرف مقطع "ق" (قاف)

محاسبات کامپیوتری نشان داد که حرف "ق" در سوره های ۴۲ و ۵۰ که تنها سوره هایی هستند که دارای این حرف مقطع می باشند، به تعداد یکسان بکار رفته است؛ هر کدام ۵۷ "ق" دارد. این اولین علامتی بود که نشان می داد که ممکن است نظام سنجیده ای از نظر ریاضی در قرآن وجود داشته باشد.

نام سوره ۵۰، "ق" است، و با "ق" شروع می شود، و نخستین آیه اش این است: "ق، و قرآن که ستایش- برانگیز است." همین نشان می دهد که این مشاهدات با حرف "ق" شروع می شود، و تعداد "ق" ها در دو سوره ای که با این حرف مقطع شروع می شوند ۱۱۴ است که به ۱۱۴ سوره قرآن اشاره دارد ($۵۷ + ۵۷ = ۱۱۴$)، و ($۱۹ \times ۶ = ۱۱۴$). این واقعیت که در قرآن، ۵۷ بار از قرآن یاد شده، درستی نظریه فوق را تقویت کرد.

خدا، در سوره "ق"، از قرآن بعنوان کتابی که ستایش برانگیز است (مجید)، یاد می کند، و ارزش رقمی "مجید" ۵۷ است: $م (۴۰) + ج (۳) + ی (۱۰) + د (۴) = ۵۷$.
سوره ۴۲ دارای ۵۳ آیه است، و ($۱۹ \times ۵ = ۹۵ = ۴۲ + ۵۳$).
سوره ۵۰ دارای ۴۵ آیه است، و ($۴۵ + ۵۰ = ۹۵$)، که همان عددی است که در سوره ۴۲ بدست آمد.

اگر حرف "ق" را در تمام آیه های شماره ۱۹ قرآن بشماریم، ۷۶ ق، یا (۱۹×۴) بدست می آید. در اینجا چکیده ای از محاسبات درباره حرف "ق" نوشته شده است:

۱. سوره "ق" (سوره ۵۰) دارای ۵۷ "ق" است، یا ۱۹×۳ .
۲. در سوره دیگری که حرف مقطع "ق" در آن آمده نیز به همین تعداد "ق" یافت می شود، (سوره ۴۲) ۵۷ "ق".
۳. در دو سوره ای که با این حرف مقطع آغاز می شوند جمعاً ۱۱۴ "ق" وجود دارد، که با تعداد سوره - های قرآن برابر است.
۴. "قرآن"، ۵۷ بار در قرآن آمده است.
۵. وصف قرآن بعنوان کتابی "مجید"، به تعداد "ق" ها در هر یک از دو سوره ای که حرف مقطع "ق" را دارد مربوط می شود. ارزش رقمی "مجید" ۵۷ است.
۷. سوره ۴۲ دارای ۵۳ آیه است، و $۴۲ + ۵۳$ می شود ۹۵، یا ۱۹×۵ .
۸. سوره ۵۰ دارای ۴۵ آیه است، و $۴۵ + ۵۰$ نیز می شود ۹۵، یا ۱۹×۵ .
۹. تعداد "ق" ها در تمام آیات شماره "۱۹" در سراسر قرآن ۷۶، یا ۱۹×۴ می باشد.

با یک نگاه اجمالی، نشانه هایی از وجود یک معجزه ی ریاضی در قرآن نمایان شد. برای نمونه، مشاهده شد که در (۱۳: ۵۰) از مردمی که به لوط ایمان نیاوردند سخن به میان آمده است - توجه شود که جمعاً در ۱۳ آیه از آنها سخن گفته شده - که بترتیب [از راست به چپ، شماره ی سوره، شماره ی آیه / آیه ها] عبارتند از: (۷: ۸۰) (۵۴: ۳۳) (۱۳: ۵۰) (۳۸: ۱۳) (۲۹: ۲۸) (۵۶: ۵۴) (۲۷: ۵۴) (۲۶: ۱۶۰) (۲۲: ۴۳) (۲۱: ۷۴) (۸۹: ۷۴, ۷۰: ۷۰) (۱۱: ۷۰)

قرآن در تمام آیات از آنها بعنوان "قوم لوط" نام برده است، جز یک استثنا که آن هم در سوره ۵۰ است که با حرف مقطع "ق" شروع می شود و در آنجا از آنها بعنوان "اخوان لوط" نام می برد. روشن است که اگر واژه "قوم" که "ق" دارد، در آنجا بکار می رفت، تعداد "ق" ها در سوره ی "ق" به ۵۸ می رسید، و این پدیده از میان می رفت. با آگاهی از حساس بودن علم ریاضی می دانیم، که اگر فقط یک حرف جابجا شود یا تغییر پیدا کند، رابطه هایی که میان آنها وجود دارد از میان می رود.

یک نمونه دیگر در همین رابطه، مکه است که در ۹۶:۳ بشکل "بکه" نوشته شده است! نگارش ناشناخته ی این شهر شناخته شده تا قرن ها برای علمای مسلمان یک معما بود. با آنکه "مکه" در قرآن ۴۸:۲۴ درست نوشته شده است، ولی در ۹۶:۳ بجای حرف "م"، حرف "ب" بکار رفته است. از قرار، علتش این است که چون سوره ۳ دارای حرف مقطع "م" است، اگر "مکه" در ۹۶:۳ با نگارش شناخته شده اش نوشته می شد، شمارش حرف "م" با کد ریاضی قرآن مغایرت پیدا می کرد.

نون

این حرف مقطع در نوع خود بی نظیر است؛ فقط در سوره ۶۸ آمده است، این حرف در متن اصلی قرآن که به زبان عربی است با سه حرف - نون و او نون- نوشته شده است. بنابراین، دو "ن" بحساب می آید. تعداد "ن" ها در سوره ای که این حرف مقطع را دارد، ۱۳۳ است که مضرب ۱۹ است (۱۹ × ۷ = ۱۳۳).

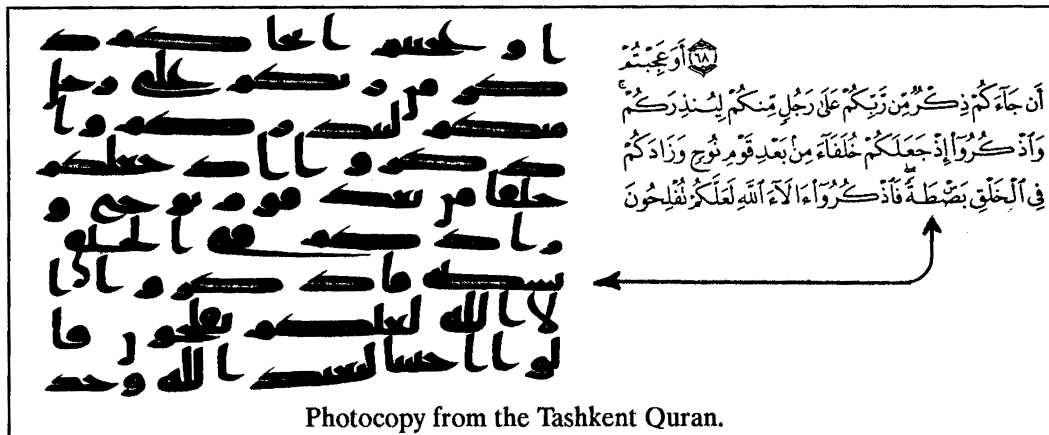
"ن"، آخرین حرف مقطع در قرآن است (جدول ۱) و این واقعیت با مشاهدات ویژه ای همراه است. برای مثال، از ۲:۱ که اولین حروف مقطع در آن آمده تا ۶۸:۱ که آخرین حرف مقطع در آن آمده است ۵۲۶۳ آیه، یا (۲۷۷ × ۱۹) آیه وجود دارد.

واژه "الله" از اولین آیه ای که حرف مقطع دارد تا آخرین آیه ای که حرف مقطع دارد، ۲۶۴۱ یا (۱۳۹ × ۱۹) بار آمده است. از آنجا که واژه "الله" ۲۶۹۸ بار در تمام قرآن آمده است، در نتیجه، ۵۷ (۳ × ۱۹) واژه "الله" در خارج از بخش حروف مقطع آمده است (از اول قرآن تا ۲:۱ که هنوز حرف مقطع ندارد و از ۶۸:۱ تا آخر قرآن که دیگر حرف مقطع ندارد). جدولهای ۹ تا ۲۰ ثابت می کنند که "نون" باید با دو "ن" نوشته شود.

جدول ۲: شمارش "ص" در سوره هایی که دارای حرف مقطع "ص" هستند	
شماره سوره	شمارش "ص"
۷	۹۷
۱۹	۲۶
۳۸	۲۹
	۱۵۲
	(۱۹ × ۸)

ص (صاد)

این حرف مقطع در آغاز سه سوره ۷، ۱۹، و ۳۸ آمده است. تعداد کل "ص" ها در این سه سوره ۱۵۲، (۸ × ۱۹) است (جدول ۲). درخور توجه است که واژه "بسطه" در آیه ۶۹:۷ بجای "س"، با "ص" نوشته شده است. این تغییر، کار بسیار اشتباهی است زیرا به فروپاشی نظم ریاضی قرآن منتهی می شود. با نگاهی به قرآن تاشکند، که کهن ترین قرآن موجود است، معلوم شد که "بسطه" باید با "س" نوشته شود (به فتوکپی زیر از قرآن تاشکند نگاه کنید).



فتوکپی از قرآن تاشکند

یک یادداشت تاریخی

این کشف فوق العاده مهم که عدد ۱۹ مخرج مشترک قرآن است در ژانویه ۱۹۷۴ برابر با ذیحجه ۱۳۹۳ انجام شد. وحی قرآن از ۱۳ سال پیش از هجرت آغاز شده بود. بنابراین، از تاریخ نزول وحی قرآن تا زمان کشف معجزه ی قرآن، ۱۴۰۶ سال فاصله بود ($19 \times 74 = 1406 = 13 + 1393$). همانطور که در بالا گفته شد، معجزه ی قرآن در ژانویه ۱۹۷۴ میلادی کشف شد. ارتباط میان 19×74 سال قمری با ۱۹۷۴ سال میلادی را نمی توان نادیده گرفت. این مطلب، بویژه با در نظر گرفتن اینکه عدد ۱۹ در سوره ۷۴ آمده است بسیار درخور توجه است.

ی. س. (یا سین)

این دو حرف در آغاز سوره ۳۶ آمده است. حرف "ی" ۲۳۷ بار، و حرف "س" ۴۸ بار در این سوره آمده است. پس جمعاً ۲۸۵، یا 15×19 "ی" و "س" در این سوره وجود دارد. درخور توجه است که حرف "ی" در قرآن به دو شکل نوشته شده است؛ یکی (ی) معلوم، و دیگری با همزه که از نظر گریزنده است (ئ). ممکن است این نوع (ئ / ی) برای کسانی که به زبان عربی آشنایی کافی ندارند گیج کننده باشد. یک مثال مناسب، واژه "أرئیتی" است که دو بار در (۳۶: ۱۲) آمده است. حرف "ی" دو بار در این واژه بکار رفته است، اولین (ئ) که از نظر گریزنده است و دومین (ی) که معلوم است. در سوره ۳۶ حتی یک بار هم (ئ) که از نظر گریزنده باشد بکار نرفته است. این پدیده ای است درخور نگرش، و معمولاً در سوره ای مانند سوره ۳۶ که نسبتاً طولانی است پیش نمی آید. من در کتابم: *نمایش بصری معجزه ی قرآن* (انتشارات اسلامی، سال ۱۹۸۲) تمام "ی" ها و "س" ها را در سوره ۳۶ با ستاره ای علامت گذاری کرده ام.

ح. م. (حا میم)

هفت سوره ی متوالی در قرآن با حروف "ح"، "م"، "م" آغاز می شوند؛ از سوره ۴۰ تا سوره ۴۶. این دو حرف در این هفت سوره جمعاً ۲۱۴۷، یا 113×19 بار آمده اند. ارقام ریز آن در جدول ۳ نشان داده شده است. طبیعتاً، تغییر تنها یک "ح" یا یک "م" در یکی از این هفت سوره این پدیده بغرنج را بهم خواهد ریخت.

جدول ۳: شمارش "ح. م." در هفت سوره ای که با حروف مقطع "حم" آغاز می شوند			
شماره سوره	"ح"	"م"	"ح+م"
۴۰	۶۴	۳۸۰	۴۴۴
۴۱	۴۸	۲۷۶	۳۲۴
۴۲	۵۳	۳۰۰	۳۵۳
۴۳	۴۴	۳۲۴	۳۶۸
۴۴	۱۶	۱۵۰	۱۶۶
۴۵	۳۱	۲۰۰	۲۳۱
۴۶	۳۶	۲۲۵	۲۶۱
	۲۹۲	۱۸۵۵	۲۱۴۷
			(19×113)

ع. س. ق. (عین سین قاف)

این حروف، آیه دوم سوره ۴۲ است، و این سه حرف جمعاً ۲۰۹، یا 11×19 بار در این سوره آمده است. ۹۸ "ع" (عین)، ۵۴ "س" (سین)، ۵۷ "ق" (قاف).

ا. ل. م. (الف لام میم)

(ا. ل. م.) به همین ترتیبی که مجموعه ی حروف مقطع را درست می کنند - اول "ا"، بعد "ل"، بعد "م"، بیش از سایر حروف در زبان عربی بکار می روند. این حروف در آغاز شش سوره آمده اند - سوره های ۲، ۳، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ - و حاصل جمع این سه حرف، در هر یک از این شش سوره، مضرب ۱۹ است:

[بترتیب]

۹۸۹۹ حرف (۱۹ × ۵۲۱)،

۵۶۶۲ حرف (۱۹ × ۲۹۸)،

۱۶۷۲ حرف (۱۹ × ۸۸)،

۱۲۵۴ حرف (۱۹ × ۶۶)،

۸۱۷ حرف (۱۹ × ۴۳)،

۵۷۰ حرف (۱۹ × ۳۰).]

بنابراین، این حروف در این شش سوره جمعاً ۱۹۸۷۴ (۱۹ × ۱۰۴۶) بار آمده است که اگر فقط یک حرف پس و پیش شود این پدیده از میان می برد.

ا. ل. ر.

(الف لام را)

این حروف مقطع در سوره های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵ آمده اند. این سه حرف در هر یک از این سوره ها بترتیب عبارتند از:

۲۴۸۹ حرف (۱۹ × ۱۳۱)،

۲۴۸۹ حرف (۱۹ × ۱۳۱)،

۲۳۷۵ حرف (۱۹ × ۱۲۵)،

۱۱۹۷ حرف (۱۹ × ۶۳)،

۹۱۲ حرف (۱۹ × ۴۸)؛

به جدول ۵ نگاه کنید.

سوره	ا	ل	م	جمع کل
۲	۴۵۰۲	۳۲۰۲	۲۱۹۵	۹۸۹۹ (۱۹×۵۲۱)
۳	۲۵۲۱	۱۸۹۲	۱۲۴۹	۵۶۶۲ (۱۹×۲۹۸)
۲۹	۷۷۴	۵۵۴	۳۴۴	۱۶۷۲ (۱۹×۸۸)
۳۰	۵۴۴	۳۹۳	۳۱۷	۱۲۵۴ (۱۹×۶۶)
۳۱	۳۴۷	۲۹۷	۱۷۳	۸۱۷ (۱۹×۴۳)
۳۲	۲۵۷	۱۵۵	۱۵۸	۵۷۰ (۱۹×۳۰)
	۸۹۴۵	۶۴۹۳	۴۴۳۶	۱۹۸۷۴ (۱۹×۱۰۴۶)

سوره	ا	ل	ر	جمع کل
۱۰	۱۳۱۹	۹۱۳	۲۵۷	۲۴۸۹ (۱۹×۱۳۱)
۱۱	۱۳۷۰	۷۹۴	۳۲۵	۲۴۸۹ (۱۹×۱۳۱)
۱۲	۱۳۰۶	۸۱۲	۲۵۷	۲۳۷۵ (۱۹×۱۲۵)
۱۴	۵۸۵	۴۵۲	۱۶۰	۱۱۹۷ (۱۹×۶۳)
۱۵	۴۹۳	۳۲۳	۹۶	۹۱۲ (۱۹×۴۸)
	۵۰۷۳	۳۲۹۴	۱۰۹۵	۹۴۶۲ (۱۹×۴۹۸)

ا. ل. م. ر. (الف لام میم را)

این حروف مقطع فقط در یک سوره وجود دارد، سوره ۱۳، و این چهار حرف، جمعاً ۱۴۸۲، یا ۱۹×۷۸ بار در این سوره بکار رفته اند. ۶۰۵ "ا"، ۴۸۰ "ل"، ۲۶۰ "م"، و ۱۳۷ "ر".

ا. ل. م. ص. (الف لام میم صاد)

این حروف مقطع فقط در سوره هفتم آمده است. در این سوره ۲۵۲۹ (ا)، ۱۵۳۰ (ل)، ۱۱۶۴ (م) و ۹۷ (ص) آمده است. بنابراین، این چهار حرف، جمعاً، ۵۳۲۰ بار در این سوره بکار رفته اند، یا $(۱۹ \times ۲۸۰) = ۵۳۲۰ = (۲۵۲۹ + ۱۵۳۰ + ۱۱۶۴ + ۹۷)$.

نکته ای که باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد، حرف "ص" است. این حرف مقطع در سوره های ۱۹ و ۳۸ نیز آمده است. حرف "ص" در سوره ۷ باعث می شود که تعداد حروف مقطع در این سوره مضرب ۱۹ باشد. در ضمن تعداد حرف "ص" در این سوره باعث می شود که تعداد "ص" ها در سه سوره ای که این حرف مقطع در آنها آمده (۷ و ۱۹ و ۳۸) مضرب ۱۹ باشد (صفحه ۶۱۴).

بعلاوه، حرف مقطع "ص" (صاد) با مجموعه "ک. ه. ی. ع." (کاف ها یا عین) در سوره ۱۹، باعث می شود که حاصل جمع آنها عددی باشد که مضرب ۱۹ است (به صفحه ۶۱۷ نگاه کنید). این رابطه های ناگسستنی - که مختص حرف "ص" نیست - نشان می دهند که کد ریاضی قرآن تا چه اندازه پیچیده است.

از دیگر ویژگی های ریاضی حروف مقطع

جدول ۸: چهارده حرفی که حروف مقطع را تشکیل می دهند		
حرف	ارزش رقمی	نخستین سوره
ا (الف)	۱	۲
ل (لام)	۳۰	۲
م (میم)	۴۰	۲
ص (صاد)	۹۰	۷
ر (را)	۲۰۰	۱۰
ک (کاف)	۲۰	۱۹
ه (ها)	۵	۱۹
ی (یا)	۱۰	۱۹
ع (عین)	۷۰	۱۹
ط (طا)	۹	۲۰
س (سین)	۶۰	۲۶
ح (حا)	۸	۴۰
ق (قاف)	۱۰۰	۴۲
ن (نون)	۵۰	۶۸
	۶۹۳	۲۹۵
$۲۹۵ + ۶۹۳ = ۹۸۸ = ۱۹ \times ۵۲$ و $۲۹ + ۶۹۳ = ۷۲۲ = ۱۹ \times ۱۹ \times ۲$ (سوره)		

حروف مقطع قرآن از چهارده حرف (نصف حروف الفبای عربی) درست شده اند که به ۱۴ شکل مختلف، در آغاز ۲۹ سوره از قرآن آمده است. اگر ارزش رقمی این ۱۴ حرف را با تعداد سوره هایی که حرف مقطع دارند جمع کنیم، ۷۲۲، یا $۱۹ \times ۱۹ \times ۲$ بدست می آید.

بعلاوه، اگر ارزش رقمی این ۱۴ حرف مقطع را با شماره ی اولین سوره ای که برای اولین بار حرف مقطع در آنجا آمده جمع کنیم، عدد ۹۸۸، یا (۱۹×۵۲) بدست می آید. جدول ۸ شاخص این داده ها است.

فهرست ۱۴ حرف مقطع در جدول ۸ آمده است، اگر بسامد یکایک ۱۴ حرف مقطع را در سوره ها حساب کنیم و آنرا با شماره ی سوره هایی که هر یک از این حروف در آنها آمده جمع کنیم، ۲۰۳۳، یا ۱۹×۱۰۷ بدست می آید. به جدول ۹ نگاه کنید.

جدول ۹: نوشتار ریاضی پراکندگی حروف مقطع			
این حرف	در چند سوره آمده	سوره هایی که این حرف مقطع را دارند	جمع کل
ا (الف)	۱۳	$۲ + ۳ + ۷ + ۱۰ + ۱۱ + ۱۲ + ۱۳ + ۱۴ + ۱۵ + ۲۹ + ۳۰ + ۳۱ + ۳۲ +$	۲۲۲
ل (لام)	۱۳	$۲ + ۳ + ۷ + ۱۰ + ۱۱ + ۱۲ + ۱۳ + ۱۴ + ۱۵ + ۲۹ + ۳۰ + ۳۱ + ۳۲ +$	۲۲۲
م (میم)	۱۷	$۲ + ۳ + ۷ + ۱۳ + ۲۶ + ۲۸ + ۲۹ + ۳۰ + ۳۱ + ۳۲ + ۴۰ + ۴۱ + ۴۲ + ۴۳ + ۴۴ + ۴۵ + ۴۶ +$	۵۱۹
ص(صاد)	۳	$۷ + ۱۹ + ۳۸ +$	۶۷
ر (را)	۶	$۱۰ + ۱۱ + ۱۲ + ۱۳ + ۱۴ + ۱۵ +$	۸۱
ک(کاف)	۱	$۱۹ +$	۲۰
ه (ها)	۲	$۱۹ + ۲۰ +$	۴۱
ی (یا)	۲	$۱۹ + ۳۶ +$	۵۷
ع (عین)	۲	$۱۹ + ۴۲ +$	۶۳
ط (طا)	۴	$۲۰ + ۲۶ + ۲۷ + ۲۸ +$	۱۰۵
س (سین)	۵	$۲۶ + ۲۷ + ۲۸ + ۳۶ + ۴۲ +$	۱۶۴
ح (حا)	۷	$۴۰ + ۴۱ + ۴۲ + ۴۳ + ۴۴ + ۴۵ + ۴۶ +$	۳۰۸
ق (قاف)	۲	$۴۲ + ۵۰ +$	۹۴
ن (نون)	۲	۶۸	۷۰
	۷۹	۱۹۵۴	۲۰۳۳
			۱۹×۱۰۷

جدول ۱۰: حاصل جمع ارزش رقومی حروف مقطع در سوره هایشان			
سوره	حروف مقطع	شمارش	حاصل جمع ارزش رقومی
۲	ا.ل.م.	۹۸۹۹	۱۸۸۳۶۲
۳	ا.ل.م.	۵۶۶۲	۱۰۹۲۴۱
۷	ا.ل.م.ص.	۵۳۲۰	۱۰۳۷۱۹
۱۰	ا.ل.ر.	۲۴۸۹	۸۰۱۰۹
۱۱	ا.ل.ر.	۲۴۸۹	۹۰۱۹۰
۱۲	ا.ل.ر.	۲۳۷۵	۷۷۰۶۶
۱۳	ا.ل.م.ر.	۱۴۸۲	۵۲۸۰۵
۱۴	ا.ل.ر.	۱۱۹۷	۴۶۱۴۵
۱۵	ا.ل.ر.	۹۱۲	۲۹۳۸۳
۱۹	ک.ه.ی.ع.ص.	۷۹۸	۱۷۵۷۵
۲۰	ط.ه.	۲۷۹	۱۵۰۷
۲۶	ط.س.م.	۶۱۱	۲۵۲۹۷
۲۷	ط.س.	۱۲۱	۵۸۸۳
۲۸	ط.س.م.	۵۸۱	۲۴۶۹۱
۲۹	ا.ل.م.	۱۶۷۲	۳۱۱۵۴
۳۰	ا.ل.م.	۱۲۵۴	۲۵۰۱۴
۳۱	ا.ل.م.	۸۱۷	۱۶۱۷۷
۳۲	ا.ل.م.	۵۷۰	۱۱۲۲۷
۳۶	ی.س.	۲۸۵	۵۲۵۰
۳۸	ص.	۲۹	۲۶۱۰
۴۰	ح.م.	۴۴۴	۱۵۷۱۲
۴۱	ح.م.	۳۲۴	۱۱۴۲۴
۴۲	ح.م.ع.س.ق.	۵۶۲	۲۸۲۲۴
۴۳	ح.م.	۳۶۸	۱۳۳۱۲
۴۴	ح.م.	۱۶۶	۶۱۲۸
۴۵	ح.م.	۲۳۱	۸۲۴۸
۴۶	ح.م.	۲۶۱	۹۲۸۸
۵۰	ق.	۵۷	۵۷۰۰
۶۸	نون	۱۳۳	۶۶۵۰
		۴۱۳۸۸	۱۰۴۸۰۹۱
			($۱۰۸۹۴۷۹ = ۱۹ \times ۵۷۳۴۱$)
			$۱۰۴۸۰۹۱ + ۴۱۳۸۸ = ۱۰۸۹۴۷۹$

جدول ۱۰ نشان می‌دهد که حروف مقطع چند بار در سوره‌ها آمده‌اند، و ارزش رقومی آنها در آن سوره، جمعاً، چه عددی است. حاصل جمعی که از همه حروف مقطع در تمام قرآن بدست می‌آید، ۱۰۸۹۴۷۹ است. این عدد، که از یک میلیون بزرگتر است، مضربی از ۱۹ است ($۱۰۸۹۴۷۹ = ۱۹ \times ۵۷۳۴۱$). کوچکترین تغییر یا تحریف این نظام را بهم می‌زند.

توجه: ارزش رقومی هر حرف مقطع را می‌نویسیم و بسامد هر حرف مقطع را در سوره حساب می‌کنیم (یعنی می‌بینیم که آن حرف چند بار در آن سوره آمده). سپس اینرا در ارزش رقومی آن حرف مقطع ضرب می‌کنیم تا حاصل جمع ارزش رقومی حروف در هر سوره بدست آید.

بزرگترین نسبت میانگین حروف مقطع قرآن (سوره‌ها، آیه‌ها، بسامد، نخستین سوره، و آخرین سوره)

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که اگر شماره‌ی سوره‌ها و آیه‌هایی را که حرف / حروف مقطع دارند، با نخستین سوره‌ای که حروف مقطع دارد، و بسامد هر حرف، و شماره‌ی نخستین سوره‌ای که حروف مقطع دارد، و آخرین سوره‌ای که حرف مقطع دارد، جمع کنیم، ۴۴۲۳۲ بدست می‌آید که مضرب ۱۹ است، ($۴۴۲۳۲ = ۱۹ \times ۲۳۴۸$).

در نتیجه، پخش کردن و پراکندگی این حروف در سوره‌ها به همان اندازه پیچیده و بغرنج است که شمارش و جای دادن آنها در سوره‌ها، با حاصل جمعی که مضرب ۱۹ باشد، کار پیچیده‌ای است.

درخور توجه است که حرف مقطع "ن"، در متن اصلی قرآن بشکل "نون" نوشته شده است زیرا باید دو "ن" حساب شود.

جدول ۱۱: نسبت میانگین هر یک از ۱۴ حرف مقطع قرآن

ابن حرف	چند بار در سوره آمده	اولین سوره	آخرین سوره
ا (الف)	۲:۱ (۴۵۰۲); ۳:۱ (۲۵۲۱); ۷:۱ (۲۵۲۹); ۱۰:۱ (۱۳۱۹); ۱۱:۱ (۱۳۷۰); ۱۲:۱ (۱۳۰۶); ۱۳:۱ (۶۰۵); ۱۴:۱ (۵۸۵); ۱۵:۱ (۴۹۳); ۲۹:۱ (۷۷۴); ۱:۳۰ (۵۴۴); ۳۱:۱ (۳۴۷); ۳۲:۱ (۲۵۷)	۲	۳۲
ل (لام)	۲:۱ (۳۲۰۲); ۳:۱ (۱۸۹۲); ۷:۱ (۱۵۳۰); ۱۰:۱ (۹۱۳); ۱۱:۱ (۷۹۴); ۱۲:۱ (۸۱۲); ۱۳:۱ (۴۸۰); ۱۴:۱ (۴۵۲); ۱۵:۱ (۳۲۳); ۲۹:۱ (۵۵۴); ۳۰:۱ (۳۹۳); ۳۱:۱ (۲۹۷); ۳۲:۱ (۱۵۵)	۲	۳۲
م (میم)	۲:۱ (۲۱۹۵); ۳:۱ (۱۲۴۹); ۷:۱ (۱۱۶۴); ۱۳:۱ (۲۶۰); ۲۶:۱ (۴۸۴); ۲۸:۱ (۴۶۰); ۲۹:۱ (۳۴۴); ۳۰:۱ (۳۱۷); ۳۱:۱ (۱۷۳); ۳۲:۱ (۱۵۸); ۴۰:۱ (۳۸۰); ۴۱:۱ (۲۷۶); ۴۲:۱ (۳۰۰); ۴۳:۱ (۳۲۴); ۴۴:۱ (۱۵۰); ۴۵:۱ (۲۰۰); ۴۶:۱ (۲۲۵)	۲	۴۶
ص (صاد)	۷:۱ (۹۷); ۱۹:۱ (۲۶); ۳۸:۱ (۲۹)	۷	۳۸
ر (را)	۱۰:۱ (۲۵۷); ۱۱:۱ (۳۲۵); ۱۲:۱ (۲۵۷); ۱۳:۱ (۱۳۷); ۱۴:۱ (۱۶۰); ۱۵:۱ (۹۶)	۱۰	۱۵
ک (کاف)	۱۹:۱ (۱۳۷)	۱۹	۱۹
ه (ها)	۱۹:۱ (۱۷۵); ۲۰:۱ (۲۵۱)	۱۹	۲۰
ی (یا)	۱۹:۱ (۳۴۳); ۳۶:۱ (۲۳۷)	۱۹	۳۶
ع (عین)	۱۹:۱ (۱۱۷); ۴۲:۲ (۹۸)	۱۹	۴۲
ط (طا)	۲۰:۱ (۲۸); ۲۶:۱ (۳۳); ۲۷:۱ (۲۷); ۲۸:۱ (۱۹)	۲۰	۲۸
س (سین)	۲۶:۱ (۹۴); ۲۷:۱ (۹۴); ۲۸:۱ (۱۰۲); ۳۶:۱ (۴۸); ۴۲:۲ (۵۴)	۲۶	۴۲
ح (حا)	۴۰:۱ (۶۴); ۴۱:۱ (۴۸); ۴۲:۱ (۵۳); ۴۳:۱ (۴۴); ۴۴:۱ (۱۶); ۴۵:۱ (۳۱); ۴۶:۱ (۳۶)	۴۰	۴۶
ق (قاف)	۴۲:۲ (۵۷); ۵۰:۱ (۵۷)	۴۲	۵۰
ن (نون)	$\frac{۶۸}{۴۳۴۲۳}$ (۱۳۳)	$\frac{۶۸}{۲۹۵}$	$\frac{۶۸}{۵۱۴}$

$$۵۱۴ + ۲۹۵ + ۴۳۴۲۳ = ۴۴۲۳۲ = ۱۹ \times ۲۳۲۸ = \text{جمع کل}$$

کد ریاضی ویژه ای شماره آیت‌های را که حروف مقطع در آنها آمده تصدیق می‌کند. همانطور که در جدول ۱۱ نشان داده شده، تمام حروف مقطع در آیه‌های شماره ۱ یافت می‌شوند، به استثنای سوره ۴۲ (که آیه شماره ۲ نیز علاوه بر آیه شماره ۱ دارای حروف مقطع است). پدیده‌ی ریاضی که در جدول ۱۲ آمده گواه این واقعیت است.

جدول ۱۲: کد ریاضی شماره‌ی آیه‌هایی که حروف مقطع دارند		
شماره سوره	تعداد حروف مقطع	در چند آیه
۲	۳	۱
۳	۳	۱
۷	۴	۱
۱۰	۳	۱
۱۱	۳	۱
۱۲	۳	۱
۱۳	۴	۱
۱۴	۳	۱
۱۵	۳	۱
۱۹	۵	۱
۲۰	۲	۱
۲۶	۳	۱
۲۷	۲	۱
۲۸	۳	۱
۲۹	۳	۱
۳۰	۳	۱
۳۱	۳	۱
۳۲	۳	۱
۳۶	۲	۱
۳۸	۱	۱
۴۰	۲	۱
۴۱	۲	۱
۴۲	۵	۲
۴۳	۲	۱
۴۴	۲	۱
۴۵	۲	۱
۴۶	۲	۱
۵۰	۱	۱
۶۸	۲	۱
۸۲۲	۷۹	۳۰
$۳۰ + ۷۹ + ۸۲۲ = ۹۳۱ (۱۹ \times ۴۹)$		

اگر دو ستون آخر جدول ۱۲ را بجای اینکه با هم جمع کنیم، در هم ضرب کنیم، باز هم عددی بدست می‌آید که مضرب ۱۹ است (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: بجای اینکه ۲ ستون اول را مانند جدول ۱۲ جمع کنیم، آنها را ضرب می‌کنیم			
شماره سوره	تعداد حروف مقطع	در چند آیه	آیه
۲	×	۳	۱
۳	×	۳	۱
۷	×	۴	۱
-	-	-	-
۴۲	×	۵	۲
-	-	-	-
۵۰	×	۱	۱
۶۸	×	۲	۱
.....		
۲۰۲۲			۳۰
$۳۰ + ۲۰۲۲ = ۲۰۵۲ (۱۹ \times ۱۰۸)$			

واضح است که دو آیه در سوره ۴۲ حتماً باید حروف مقطع داشته باشند، تا با کد ریاضی قرآن هماهنگی پیدا کند. فقهای مسلمان و خاورشناسان در ۱۴ قرن اخیر در شگفت بودند که چرا "ح. م."، آیه اول، و "ع. س. ق."، آیه دوم سوره ۴۲ است!

تا پایان این پیوست مشاهده خواهید کرد که اصالت هر عنصری در قرآن با ریاضیات تصدیق می‌شود. عناصری که اینک آنها را بررسی می‌کنیم عبارت است از "تعداد حروف مقطع در تمام سوره‌هایی که حرف مقطع دارند"، و "تعداد آیه‌هایی که حرف مقطع دارند". جدول‌های ۱۱ تا ۱۳ در رابطه با این موضوع است.

جدول‌های ۱۴ و ۱۵ محاسبات دیگری را از لحاظ ریاضی نشان می‌دهند. در جدول ۱۴ می‌بینیم که اگر شماره همه سوره‌هایی را حروف مقطع دارند با تعداد آیت هر سوره، و تعداد آیه‌هایی که حروف مقطع دارند، ارزش رقمی آنها جمع کنیم، ۷۰۳۰، یا (۱۹×۳۷۰) بدست می‌آید.

جدول ۱۴: ویژگیهای ریاضی سوره هایی که حروف مقطع دارند				
شماره سوره	تعداد آیات	چند آیه اش حروف مقطع دارد	ارزش رقمی حروف مقطع	جمع کل
۲	۲۸۶	۱	۷۱	۳۶۰
۳	۲۰۰	۱	۷۱	۲۷۵
۷	۲۰۶	۱	۱۶۱	۳۷۵
۱۰	۱۰۹	۱	۲۳۱	۳۵۱
۱۱	۱۲۳	۱	۲۳۱	۳۶۶
۱۲	۱۱۱	۱	۲۳۱	۳۵۵
۱۳	۴۳	۱	۲۷۱	۳۲۸
۱۴	۵۲	۱	۲۳۱	۲۹۸
۱۵	۹۹	۱	۲۳۱	۳۴۶
۱۹	۹۸	۱	۱۹۵	۳۱۳
۲۰	۱۳۵	۱	۱۴	۱۷۰
۲۶	۲۲۷	۱	۱۰۹	۳۶۳
۲۷	۹۳	۱	۶۹	۱۹۰
۲۸	۸۸	۱	۱۰۹	۲۲۶
۲۹	۶۹	۱	۷۱	۱۷۰
۳۰	۶۰	۱	۷۱	۱۶۲
۳۱	۳۴	۱	۷۱	۱۳۷
۳۲	۳۰	۱	۷۱	۱۳۴
۳۶	۸۳	۱	۷۰	۱۹۰
۳۸	۸۸	۱	۹۰	۲۱۷
۴۰	۸۵	۱	۴۸	۱۷۴
۴۱	۵۴	۱	۴۸	۱۴۴
۴۲	۵۳	۲	۲۷۸	۳۷۵
۴۳	۸۹	۱	۴۸	۱۸۱
۴۴	۵۹	۱	۴۸	۱۵۲
۴۵	۳۷	۱	۴۸	۱۳۱
۴۶	۳۵	۱	۴۸	۱۳۰
۵۰	۴۵	۱	۱۰۰	۱۹۶
۶۸	۵۲	۱	۵۰ + ۵۰	۲۲۱
-----	-----	-----	-----	-----
+ ۸۲۲	۲۷۴۳	+ ۳۰	+ = ۳۴۳۵	۷۰۳۰
				۱۹ × ۳۷۰

درخور توجه است که اگر دو ستون اول جدول ۱۴ را بجای اینکه با هم جمع کنیم، در هم ضرب کنیم، باز هم عددی بدست می آید که مضرب ۱۹ است (جدول ۱۵).

تعداد آیات هر سوره، و شماره ای که برای هر آیه تعیین شده از عناصر اصلی قرآن است. رمز ریاضی قرآن نه تنها درست بودن این عناصر را ثابت می کند، بلکه نشان می دهد که همه سوره ها بطور جداگانه کد شده اند - چه حرف مقطع داشته باشند یا نداشته باشند. از آنجا که اینک با سوره هایی سر و کار داریم که حروف مقطع دارند، جدول ۱۶ نشان می دهد که اگر شماره ی این سوره ها، و تعداد آیات هر سوره، و حاصل جمع شماره ی هر آیه را $(1 + 2 + 3 + \dots + n)$ با هم جمع کنیم، ۱۹۰۱۳۳ ، یا (۱۹×۱۰۰۰۷) بدست می آید.

اینک، شماره هر سوره را با شماره سوره قبلی جمع کنیم، و بعد این حاصل جمع را با شماره سوره بعد جمع کنیم، و اینکار را تا آخر قرآن ادامه دهیم، برای هر سوره، عددی ویژه خواهیم داشت. پس، حساب سوره الفاتحه،

جدول ۱۵: بجای آنکه ۲ ستون اول اعداد را مانند جدول ۱۴ با هم جمع کنیم، آنها را در هم ضرب					
	تعداد آیات	چند آیه اش حروف مقطع دارد	ارزش رقمی حروف مقطع	جمع کل	
×	۲۸۶	+	۱	+	۷۱ = ۶۴۴
×	۲۰۰	+	۱	+	۷۱ = ۶۷۲
×	۲۰۶	+	۱	+	۱۶۱ = ۱۶۰۴
	-		-		-
×	۴۵	+	۱	+	۱۰۰ = ۲۳۵۱
×	۵۲	+	۱	+	(۵۰ + ۵۰) = ۳۶۳۷

	۰.۷۱	+	۳۰	+	۳۴۳۵ = ۶۳۵۳۶
۱۹ × ۳۳۴۴					

جدول ۱۶: نوشتار ریاضی آیات سوره هایی که حروف مقطع دارند			
شماره سوره	تعداد آیات	جمع آیه ها	جمع کل
۲	۲۸۶	۴۱۰۴۱	۴۱۳۲۹
۳	۲۰۰	۲۰۱۰۰	۲۰۳۰۳
۷	۲۰۶	۲۱۳۲۱	۲۱۵۳۴
-	-	-	-
۵۰	۴۵	۱۰۳۵	۱۱۳۰
۶۸	۵۲	۱۳۷۸	۱۴۹۸
۸۲۲	۲۷۴۳	۱۸۶۵۶۸	۱۹۰۱۳۳
(۱۹ × ۱۰۰۰۷)			

جدول ۱۷: حساب بدست آمده از جمع متوالی شماره سوره ها	
شماره سوره	حساب آنچه محاسبه شده
۲	۳
۳	۶
۷	۲۸
۱۰	۵۵
۱۱	۶۶
۱۲	۷۸
۱۳	۹۱
۱۴	۱۰۵
۱۵	۱۲۰
۱۹	۱۹۰
۲۰	۲۱۰
-	-
۴۴	۹۹۰
۴۵	۱۰۳۵
۴۶	۱۰۸۱
۵۰	۱۲۷۵
۶۸	۲۳۴۶
	۱۵۶۷۵
(۱۹ × ۸۲۵)	

۱، (۱) است، حساب سوره ۲: $(۳ = ۱ + ۲)$ ، حساب سوره ۳: $(۶ = ۳ + ۳)$ ، حساب سوره ۴: $(۱۰ = ۴ + ۶)$ ، و همین کار را تا پایان قرآن ادامه می دهیم. حاصل جمع همه سوره هایی که حروف مقطع دارند، و نیز حاصل جمع همه سوره هایی که حروف مقطع ندارند، هر کدام بطور جداگانه مضرب ۱۹ است. جدول ۱۷، سوره هایی را که حرف یا حروف مقطع دارند به اختصار نشان می دهد. عددی که از حاصل جمع سوره های بی حرف مقطع بدست می آید، ۲۳۷۷۸۵ است که آن نیز مضرب ۱۹ است $(۲۳۷۷۸۵ = ۱۹ \times ۱۲۵۱۵)$.

کد ریاضی برای کلمات ویژه واژه "خدا" (الله)

[۱] همانطور که نشان داده شد، واژه "الله" ۲۶۹۸ بار در قرآن آمده است، ۱۹×۱۴۲ .

[۲] حاصل جمع شماره آیه هایی که واژه "الله" در آنها آمده، ۱۱۸۱۲۳ است که آن هم مضرب ۱۹ است، $(۱۱۸۱۲۳ = ۱۹ \times ۶۲۱۷)$. هنگامی که کار شمارش را آغاز کردیم، همین پدیده ساده - شمارش واژه "الله" - دشواریهای زیادی برای ما ایجاد کرد. ما، گروهی بودیم که همگی دارای تحصیلات دانشگاهی بودیم، و یک کامپیوتر هم در اختیار داشتیم. با اینحال، هنگام شمارش و محاسبه، و گاه، حتی هنگام نوشتن تعداد واژه "الله" چندین بار اشتباه کردیم. با توجه به اینکه پیامبر هرگز به دانشگاه نرفته بود، و کامپیوتری هم نداشت، ادعای کسانی که معتقدند قرآن، نوشته ی اوست، بکلی غیرمنطقی است.

جدول ۱۸: واژه "الله"، چند بار در بخشی که خارج از حرف / حروف مقطع است، آمده

سوره	چند بار آمده	کدام آیه ها
۱	۲	۲، ۱
۶۹	۱	۳۳
۷۰	۱	۳
۷۱	۷	(۳، ۴، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۵)
۷۲	۱۰	(۴، ۵، ۷، ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳)
۷۳	۷	۲۰
۷۴	۳	۳۱، ۵۶
۷۶	۵	۶، ۹، ۱۱، ۳۰
۷۹	۱	۲۵
۸۱	۱	۲۹
۸۲	۱	۱۹
۸۴	۱	۲۳
۸۵	۳	۸، ۹، ۲۰
۸۷	۱	۷
۸۸	۱	۲۴
۹۱	۲	۱۳
۹۵	۱	۸
۹۶	۱	۱۴
۹۸	۳	۲، ۵، ۸
۱۰۴	۱	۶
۱۱۰	۲	۱، ۲
۱۱۲	۲	۱، ۲
-----	-----	-----
۱۷۹۸	۵۷	۶۳۴
(۱۹ × ۳)		

حاصل جمع شماره این سوره ها و آیه ها
 $۱۷۹۸ + ۶۳۴ = ۲۴۳۲ = ۱۹ \times ۱۲۸$

واژه "الله" در خارج از بخشی که سوره ها حرف مقطع دارند، جمعاً $۵۷ = (۱۹ \times ۳)$

[۳] از نخستین آیه ای که حروف مقطع دارد (ا.ل.م. در ۲:۱)، تا آخرین آیه ای که حرف مقطع دارد (نون در ۶۸:۱)، ۲۶۴۱ واژه "الله" آمده است، (۱۳۹ × ۱۹).

[۴] واژه "الله" در بخشی که خارج از حرف یا حروف مقطع است، جمعاً ۵۷ بار آمده است. یعنی از اول قرآن تا سوره بقره که هنوز حرف مقطع ندارد و از (۶۸:۲) تا پایان قرآن که دیگر حرف مقطع ندارد (جدول ۱۸).

[۵] اگر شماره سوره ها و آیه هایی که این ۵۷ واژه "الله" در آنها آمده را با هم جمع کنیم، ۲۴۳۲، یا ۱۹×۱۲۸ بدست می آید (جدول ۱۸).

[۶] واژه "الله" در ۸۵ سوره آمده است. اگر تعداد آیات هر سوره را از اولین تا آخرین آیه ای که واژه "الله" در آن آمده حساب کنیم، (آیه اول و آیه آخر هم حساب می شوند)، و با شماره سوره جمع کنیم، ۸۱۷۰، یا ۴۳۰×۱۹ بدست می آید. جدول ۱۹ این شمارش ها را به اختصار نشان می دهد.

جدول ۱۹: تمام سوره هایی که واژه "الله" در آنها آمده

سوره	اولین آیه	آخرین آیه	تعداد آیات از اولین تا آخرین آیه
۱	۱	۲	۲
۲	۲	۲۸۶	۲۸۰
۳	۳	۲۰۰	۱۹۹
-	-	-	-
۸۳	۱۴۰	۶	۱
۸۴	۱۱۰	۲	۲
۸۵	۱۱۲	۲	۲
-----	-----	-----	-----
	۳۹۱۰		۴۲۶۰
	$۴۲۶۰ + ۳۹۱۰ = ۸۱۷۰ = ۱۹ \times ۴۳۰$		

نمودار ریاضی، تمام بخش هایی که واژه "الله" در آن قسمت آمده

[۷] مهم ترین پیام قرآن این است که فقط "یک خدا" وجود دارد. واژه "یک"، که در عربی "واحد" است، ۲۵ بار در قرآن آمده است. شش مورد از آنها به غیر خدا عطف می شود (یک نوع غذا، یک در، و غیره). ۱۹ مورد دیگر به خدا عطف می شود. این اطلاعات را می توان در لغت نامه ی قرآن پیدا کرد.

اهمیت واژه "واحد" از اینجا معلوم می شود که ۱۹ مخرج مشترک قرآن است، و پیام قرآن که بر پایه ی "یکتایی" است با ارزش رقیمی "واحد" (یک) که ۱۹ است، یکی است.

چرا ۱۹!

همانطور که بعداً در این پیوست به آن اشاره خواهیم کرد، قرآن تنها کتابی نیست که بر پایه عدد ۱۹ پی ریزی شده است بلکه همه کتاب های آسمانی از طریق ریاضیات بر پایه عدد "۱۹" کد گذاری شده اند. این علامت الهی در هر گوشه از این جهان پهناور نیز یافت می شود. عدد ۱۹ را می توان بمنزله ی امضای آفریدگار پنداشت که در آنچه خلق کرده پدیدار می شود (پیوست ۳۸). عدد ۱۹ در ریاضیات دارای ویژگیهایی است که اعداد دیگر ندارند و چون شرح آن در این پیوست نمی گنجد فقط به ذکر چند نمونه از آن اکتفا می شود:

[۱] نوزده، عدد اول است.

[۲] مرکب است از اولین شماره (۱) و آخرین شماره (۲)، تو گویی می خواهد همان را اعلام کند که ۵۷:۳ درباره خدا اعلام کرده است: " او اول است و آخر."

[۳] تنها عددی است که در همه زبانهای دنیا به یک شکل نوشته می شود. ۱ و ۹، هر دو، تنها شماره هایی هستند که در تمام زبانها یکسان به چشم می آیند.

[۴] این عدد در ریاضیات دارای ویژگیهایی است که اعداد دیگر ندارند. برای مثال، ۱۹، هم حاصل جمع توان اول ۹ و ۱۰ است، و هم ما به تفاوت توان دوم ۹ و ۱۰.

با توجه به اینکه ارزش رقمی "واحد" در همه زبانهایی که کتابهای آسمانی بدانها نازل شده – آرامی، عبری، و عربی – ۱۹ است، اینک متوجه می شویم که چرا خدا جهان هستی را با این عدد کد گذاری کرده است.

بنابراین، عدد ۱۹، اولین فرمان تمام کتابهای آسمانی را اعلام می کند: فقط یک **خدا** وجود دارد. همانطوریکه در جدول ۷ نشان داده شده است، مطابق روشی که در آن زمان متداول بود، از حروف الفبای آرامی، عبری، و عربی برای شمارش اعداد هم استفاده می شد. واژه عبری برای "یک"، "واحد" است که ("وَحَدٌ" تلفظ می شود). در عربی "یک"، "واحد" است که (واحد تلفظ می شود). به جدول ۲۰ نگاه کنید.

خدا، پروردگار ما یکی است!
بنابراین، با تمام قلب خود،
با تمام روح خود،
با تمام فکر خود،
و با تمام نیرو و توان خود،
خدا را، که پروردگار تست
عبادت کن.

[سفر تثئیه ۵-۴:۶]

[مرقس ۲۹:۱۲]

[قرآن ۲۳-۲۲ : ۱۷ ; ۱۶۳:۲]

واژه "قرآن"

واژه "قرآن" ۵۸ بار در قرآن آمده است، که یکی از آنها – در ۱۵: ۱۰ – به "قرآنی دیگر" اشاره دارد. بنابراین، این در محاسبه حساب نمی شود. پس، در سراسر قرآن، ۵۷ واژه "قرآن" آمده که به "این قرآن" اشاره دارد ($۱۹ \times ۳ = ۵۷$).

جدول ۲۰: چرا "۱۹"!

حروف		
عبری	عربی	ارزش رقمی
ו	و	۶
א	ا	۱
ח	ح	۸
ד	د	۴

۱۹		

جدول ۲۱ : سوره ها و آیه هایی که واژه "قرآن" در آنها آمده

سوره	آیه	سوره	آیه
۲	۱۸۵	۳۰	۵۸
۴	۸۲	۳۴	۳۱
۵	۱۰۱	۳۶	۲
۶	۱۹	-	۶۹
۷	۲۰۴	۳۸	۱
۹	۱۱۱	۳۹	۲۷
۱۰	۳۷	-	۲۸
-	۶۱	۴۱	۳
۱۲	۲	-	۲۶
-	۳	۴۲	۷
۱۵	۱	۴۳	۳
-	۸۷	-	۳۱
-	۹۱	۴۶	۲۹
۱۶	۹۸	۴۷	۲۴
۱۷	۹	۵۰	۱
-	۴۱	-	۴۵
-	۴۵	۵۴	۱۷
-	۴۶	-	۲۲
-	۶۰	-	۳۲
-	۷۸	-	۴۰
-	۸۲	۵۵	۲
-	۸۸	۵۶	۷۷
-	۸۹	۵۹	۲۱
-	۱۰۶	۷۲	۱
۱۸	۵۴	۷۳	۴
۲۰	۲	-	۲۰
-	۱۱۳	۷۵	۱۷
-	۱۱۴	-	۱۸
۲۵	۳۰	۷۶	۲۳
-	۳۲	۸۴	۲۱
۲۷	۱	۸۵	۲۱
-	۶	-----	-----
-	۷۶	۱۳۵۶	۳۰۵۲
-	۹۲		
۲۸	۸۵	۴۴۰۸	$۳۰۵۲ + ۱۳۵۶ =$

$$(۱۹ \times ۲۳۲)$$

از نظر دستوری، قرآن به دو شکل دیگر، در ۱۲ آیه نوشته شده است: "قرآن" و "قرآنهُ".

یکی از آنها در ۱۳:۳۱ آمده که به قرآنی اشاره دارد که کوهها از آن متلاشی می شوند. دیگری در ۴۱:۴۴ آمده که به "قرآنی که عربی نیست" اشاره دارد. بنابراین، باید ایندو را در محاسبه حذف کرد.

جدول ۲۱، فهرست سوره ها و آیه-هایی را که واژه ی "قرآن" در آنها با شکل های مختلف دستوری آمده نشان می دهد.

پایه ای استوار

اولین آیه ی قرآن، "بسم الله الرحمن الرحيم"، است که به بسم الله معروف است، و دارای ۱۹ حرف الفبای عربی است. تعداد یکایک کلماتی که در این عبارت آمده از اول تا آخر قرآن عددی است که مضرب ۱۹ است.

اولین کلمه	"اسم"	۱۹ بار	در قرآن آمده است.
دومین کلمه	"الله"	۲۶۹۸ بار (۱۹ × ۱۴۲)	در قرآن آمده است.
سومین کلمه	"الرحمن"	۵۷ بار (۱۹ × ۳)	در قرآن آمده است.
چهارمین کلمه	"الرحیم"	۱۱۴ بار (۱۹ × ۶)	در قرآن آمده است.

استاد سزار ماجل (Cesar Majul) ارزش رقمی بیش از ۴۰۰ اسم را که به خدا نسبت داده شده بررسی کرد و به این نتیجه رسید که فقط چهار اسم وجود دارد که ارزش رقمی آنها مضرب ۱۹ است:

ارزش رقمی	اسم های الهی
۱۹	۱. "واحد" (یک)
۲۶۹۸	۲. "ذوالفضل العظیم" (دارای لطف و موهبت بیکران)
۵۷	۳. "مجید" (ستایش شده)
۱۱۴	۴. "جامع" (جمع آورنده)

همانطور که در بالا گفته شد، تنها اسم های خدا که ارزش رقمی آنها مضرب ۱۹ است، ارزش رقمی شان درست با چهار کلمه ای که در عبارت "بسم الله الرحمن الرحیم" آمده، برابر است. این پدیده ی قابل توجه در شکل زیر نشان داده شده است:

نام	اسم	۱۹	واحد	یک
خدا	الله	← ۲۶۹۸	→ ذوالفضل العظیم	دارای لطف و موهبت بیکران
رحمتگر	رحمن	← ۵۷	→ مجید	ستایش شده
بخشایشگر	رحیم	← ۱۱۴	→ جامع	جمع آورنده

چهار کلمه ی سمت راست، کلمات عبارت "بسم الله الرحمن الرحیم" هستند، و چهار کلمه ی سمت چپ تنها اسم های خدا هستند که ارزش رقمی آنها مضرب ۱۹ است. اعدادی که در وسط نوشته شده به ما می گوید که این کلمه ها چند بار در قرآن آمده اند، و ارزش رقمی اسم های خداوندی چیست.

پنج ستون دین اسلام

گرچه قرآن دارای دستورات بسیار مهمی است که بر تمام جوانب زندگی حکمفرماست (برای نمونه به آیات ۲۲ تا ۳۸ از سوره ۱۷ مراجعه کنید)، ولی از قدیم تأکید کرده اند که ستون دین بر پنج استوار است:

۱. تشهد: شهادت به اینکه خدایی در کنار خدا نیست.
۲. نماز: بر پا داشتن ۵ وعده نماز روزانه.
۳. روزه: روزه داری در ماه نهم از تقویم اسلامی (ماه رمضان).
۴. زکات: دو و نیم درصد از درآمد خالص بعنوان صدقه به کسانی که در آیه نام برده شده، داده می شود.
۵. حج: برای کسانی که استطاعت دارند واجب است که در طول زندگی خود، یکبار، برای حج به مکه روند.

مطالب فوق نیز مانند سایر مطالب قرآنی زیر بنای ریاضی دارند و حساب شده هستند.

۱. یک خدا (شهادة):

همانطور که گفته شد، کلمه ی "یک"، ۱۹ بار در قرآن به خدا عطف می شود. ۵ مورد، عبارت "فقط خدا" دیده می شود، که حاصل جمع شماره ی این سوره ها و آیه ها ۳۶۱، یا (۱۹ × ۱۹) است. اولین ستون دین اسلام "لا اله الا هو" (خدایی نیست جز او) در ۱۸:۳ آمده است. این عبارت حیاتی در ۱۹ سوره وجود دارد که برای نخستین بار در ۱۶۳:۲ دیده می شود، و برای آخرین بار در ۷۳:۹. جدول ۲۲ نشان می دهد که از حاصل جمع شماره سوره ها، و آیه ها- از نخستین بار که "لا اله الا هو" در آیه ای آمده تا آخرین بار که "لا اله الا هو" در آیه ای آمده - بعلاوه جمع شماره ی آیه ها، ۳۱۶۵۰۲، یا ۱۶۶۵۸ × ۱۹ بدست می آید.

در ضمن، اگر شماره این ۱۹ سوره ای را که عبارت "لا اله الا هو" در آنها آمده، با شماره ی آیه-هایی که این عبارت بسیار مهم در آنها یافت می شود، جمع کنیم و عدد ۲۹ را به آن اضافه کنیم (زیرا تشهد توحیدی ۲۹ بار در این ۱۹ سوره بازگو شده)، ۲۱۲۸، یا (۱۹ × ۱۱۲) بدست می آید. جدول ۲۳ این داده ها را نشان می دهد.

۲. نماز (صلاة):

واژه "صلاة" (نماز) ۶۷ بار در قرآن آمده است، و اگر شماره ی این ۶۷ سوره را با شماره ی آیه هایی که نماز در آنها آمده، جمع کنیم، ۴۶۷۴، یا (۱۹ × ۲۴۶) بدست می آید (به فهرست لغات قرآن نگاه کنید).

۳. روزه (صيام):

فرمان روزه در این چند آیه آمده است که حاصل جمع آنها ۱۳۸۷، یا (۱۹ × ۷۳) است. [از چپ بر راست، سوره، آیه]: (۱۹۶، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳:۲) (۵۸:۴) (۳۵، ۳۳:۳۵) (۵:۸۹، ۹۵) (۴:۹۲) درخور توجه است که کلمه "روزه" در ۳۳:۳۵ دو بار گفته شده است، یکبار برای مردان مومن، و یکبار برای زنان مومن.

سوره	شماره آیه	حاصل جمع شماره آیه ها	جمع کل
۲	۱۲۳	۲۷۶۷۵	۲۷۸۰۰
۳	۲۰۰	۲۰۱۰۰	۲۰۳۰۳
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
-	-	-	-
۷۲	۲۸	۴۰۶	۵۰۶
۷۳	۹	۴۵	۱۲۷
۲۷۰۰	۵۳۱۲	۳۰۸۴۹۰	۳۱۶۵۰۲

(۱۹ × ۱۶۶۵۸)

تعداد	سوره	آیه ی با تشهد	چند بار تشهد بازگو شده
۱	۲	۲۵۵, ۱۶۳	۲
۲	۳	۱۸, ۱۸, ۶, ۲	۴
۳	۴	۸۷	۱
۴	۶	۱۰۶, ۱۰۲	۲
۵	۷	۱۵۸	۱
۶	۹	۳۱	۱
۷	۱۱	۱۴	۱
۸	۱۳	۳۰	۱
۹	۲۰	۹۸, ۸	۲
۱۰	۲۳	۱۱۶	۱
۱۱	۲۷	۲۶	۱
۱۲	۲۸	۸۸, ۷۰	۲
۱۳	۳۵	۳	۱
۱۴	۳۹	۶	۱
۱۵	۴۰	۶۵, ۶۲, ۳	۳
۱۶	۴۴	۸	۱
۱۷	۵۹	۲۳, ۲۲	۲
۱۸	۶۴	۱۳	۱
۱۹	۷۳	۹	۱
	۵۰۷	۱۵۹۲	۲۹

$۲۹ + ۱۵۹۲ + ۵۰۷ = ۲۱۲۸ = ۱۹ \times ۱۱۲$

۴. زکات (زکاة) : و

۵. زیارت حج به مکه:

سه ستون نخست اسلام برای همه مردان و زنان مسلمان واجب است ولی زکات و حج فقط برای کسانی واجب است که استطاعتش را داشته باشند. پدیده ی ریاضی بسیار جالبی در رابطه با زکات و حج وجود دارد که توجه شما را به آن جلب می کنم. آیاتی که درباره زکات سخن می گویند [از چپ به راست - سوره، آیه] عبارتند از:

(۲ : ۴۳ , ۸۳ , ۱۱۰ , ۱۷۷ , ۲۷۷) (۴ : ۷۷ , ۱۶۲) (۵ : ۱۲ , ۵۵) (۷ : ۱۵۶) (۹ : ۵ , ۱۱ , ۱۸ , ۱۸۰) (۲۷ : ۳) (۲۴ : ۳۷ , ۵۶) (۲۳ : ۴) (۲۲ : ۴۱ , ۷۸) (۲۱ : ۷۳) (۱۹ : ۱۳ , ۳۱ , ۵۵) (۱۸ : ۸۱) (۹۸ : ۵) (۷۳ : ۲۰) (۵۸ : ۱۳) (۴۱ : ۷) (۳۳ : ۳۳) (۳۱ : ۴) (۳۰ : ۳۹)

اگر همه این اعداد را با هم جمع کنیم، ۲۳۹۵ بدست می آید. این عدد مضرب ۱۹ نیست؛ یکی زیاد است.

آیاتی که درباره حج سخن می گویند عبارتند از:

(۲۲ : ۲۷) (۹ : ۳) (۲ : ۱۸۹ , ۱۹۶ , ۱۹۷)

اگر این اعداد را با هم جمع کنیم، ۶۴۵ بدست می آید که مضرب ۱۹ نیست؛ یکی کم است. [یعنی عکس مشاهدات قبلی که یکی باقیمانده می آورد، اینجا یکی کسر دارد تا نشان دهد اینها بهم وابسته اند.] بنابراین، زکات و حج، با هم، مضرب ۱۹ هستند.

($19 \times 340 = 6460 = 645 + 2395$)

نوشتار ریاضی قرآن

نه تنها میان سوره ها، آیه ها، کلمات، و حروف قرآن از لحاظ ریاضی رابطه وجود دارد، بلکه این رابطه ها و حساب آن بقدری پیچیده است که ممکن نیست بشر بتواند از عهده ی تنظیم آن برآید، و، شاهکار ادبی آن غیر از نوشتار ریاضی آن است.

از آنجا که قرآن بر پایه ی صد در صد ریاضی استوار است، انتظار می رود که اعدادی که در قرآن ذکر شده اند با کد ریاضی کتاب بر پایه ۱۹ هماهنگ باشند.

۳۰ عدد در قرآن آمده است، و حاصل جمع همه این اعداد، ۱۶۲۱۴۶ است که مضرب ۱۹ است ($162146 = 19 \times 8534$). جدول ۲۴، فهرست همه این اعداد را - بی آنکه تکرار شوند - نشان می دهد.

اعدادی که فقط یکبار در قرآن آمده اند عبارتند از ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۵۰، ۶۰، ۸۰، ۹۹، ۳۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰، ۵۰۰۰، ۵۰۰۰۰، ۱۰۰۰۰۰. همه اعدادی که در قرآن آمده اند - با تکراری ها - ۲۸۵ عدد است، و ۲۸۵ هم مضرب ۱۹ است (19×15).

جدول ۲۴: جدول همه عددهایی که در قرآن آمده	
عدد	برای نمونه در این آیه یافت می شود
۱	۲ : ۱۶۳
۲	۴ : ۱۱
۳	۴ : ۱۷۱
۴	۹ : ۲
۵	۱۸ : ۲۲
۶	۲۵ : ۵۹
۷	۴۱ : ۱۲
۸	۶۹ : ۱۷
۹	۲۷ : ۴۸
۱۰	۲ : ۱۹۶
۱۱	۱۲ : ۴
۱۲	۹ : ۳۶
۱۹	۷۴ : ۳۰
۲۰	۸ : ۶۵
۳۰	۷ : ۱۴۲
۴۰	۷ : ۱۴۲
۵۰	۲۹ : ۱۴
۶۰	۵۸ : ۴
۷۰	۹ : ۸۰
۸۰	۲۴ : ۴
۹۹	۳۸ : ۲۳
۱۰۰	۲ : ۲۵۹
۲۰۰	۸ : ۶۵
۳۰۰	۱۸ : ۲۵
۱۰۰۰	۲ : ۹۶
۲۰۰۰	۸ : ۶۶
۳۰۰۰	۳ : ۱۲۴
۵۰۰۰	۳ : ۱۲۵
۵۰۰۰۰	۷۰ : ۴
۱۰۰۰۰۰	۳۷ : ۱۴۷
(19×8534) = ۱۶۲۱۴۶	

شماره سوره ها و آیه ها

شماره ی سوره ها و آیه های قرآن از هرگونه دستبردی کاملاً محفوظ مانده است؛ فقط در چند چاپ معدود، و غیرمجاز، شماره ی آیه ها با نسخه ی اصلی یکی نیست که آن هم براحتی قابل تشخیص است.

جدول ۲۵: کد ریاضی شماره سوره ها و آیه ها

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع شماره آیه ها	جمع کل
۱	۷	۲۸	۳۶
۲	۲۸۶	۴۱۰۴۱	۴۱۳۲۹
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
-	-	-	-
۱۱۳	۵	۱۵	۱۳۳
۱۱۴	۶	۲۱	۱۴۱
-----	-----	-----	-----
۶۵۵۵	۶۲۳۴	۳۳۳۴۱۰	۳۴۶۱۹۹

($۱۹ \times ۱۹ \times ۹۵۹$)

وقتی شماره همه سوره ها را، با تعداد آیات هر سوره جمع کنیم، و حاصل جمع شماره آیه های هر سوره را به آن اضافه کنیم، ۳۴۶۱۹۹ ، یا $۱۹ \times ۱۹ \times ۹۵۹$ بدست می آید. اطلاعات مربوط به این پدیده بطور خلاصه در جدول ۲۵ آمده است. بنابراین، کوچکترین تغییر یا تبدیل در هر یک از سوره ها یا آیه ها این نظام بدیع را بهم می زند. همانطور که در جدول ۱۶ نشان داده شده است، اگر فقط ۲۹ سوره ای را که حروف مقطع دارند در نظر بگیریم، عددی که از حاصل جمع داده های آن بدست می آید، مضرب ۱۹ است. بنابراین، حاصل جمع آنها نیز مانند حاصل جمعی که از سوره های بدون حروف مقطع بدست می آید مضرب ۱۹ است. جدول ۲۶، این بسامد را در ۸۵ سوره ای که حرف مقطع ندارند به اختصار نشان می دهد.

جدول ۲۶: کد ریاضی ۸۵ سوره ای که حرف مقطع ندارند

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع شماره آیه ها	جمع کل
۱	۷	۲۸	۳۶
۴	۱۷۶	۱۵۵۷۶	۱۵۷۵۶
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
-	-	-	-
۱۱۳	۵	۱۵	۱۳۳
۱۱۴	۶	۲۱	۱۴۱
-----	-----	-----	-----
۵۷۳۳	۳۴۹۱	۱۴۶۸۴۲	۱۵۶۰۶۶

(۱۹×۸۲۱۴)

اینک ببینید به مجموعه دیگری از معجزات که با شماره سوره ها و آیه ها ارتباط پیدا می کنند نگاه کنیم. شماره سوره را بنویسید، سپس تعداد آیات سوره را بنویسید، به دنبال آن، شماره هر آیه، سپس حاصل جمع آیات را بنویسید. پس، برای سوره ۱، نخست، عدد ۱ را می نویسید، سپس عدد ۷ را که تعداد آیات این سوره است، سپس شماره هر آیه را (۱۲۳۴۵۶۷)، سپس حاصل جمع شماره آیه ها را که ۲۸ است. بنابراین، مجموعه ای که شاخص سوره ۱ است، ($۱۲۳۴۵۶۷ ۲۸$) است، و مجموعه ی شاخص سوره ۲، ($۲۸۶ ۴۱۰۴۱ ۱۲۳۴۵ \dots ۲۸۶ ۲۸۶$) است. اینکار را برای هر ۱۱۴ سوره قرآن انجام دهید، سپس همه این اعداد را با هم جمع کنید. عددی که بدست می آید ۷۵۹ رقم است و مضرب ۱۹ است.

جدول ۲۷: سوره ها، تعداد آیات هر سوره، شماره یکایک آیات، و حاصل جمع شماره آیات

شماره سوره	شماره سوره، تعداد آیات، شماره هر آیه، حاصل جمع شماره آیه ها
۱	۱۷۱۲۳۴۵۶۷۲۸
۲	۲۲۸۶۱۲۳۴۵ ۲۸۶۴۱۰۴۱
-	-
۱۱۴	۱۱۴۱۲۳۴۵۶۶۲۱

سرانجام، یک عدد ۷۵۹ رقمی بدست می آید که مضرب ۱۹ است.

اینک تعداد آیات هر سوره را بنویسید، سپس حاصل جمع شماره آیات هر سوره را بنویسید. اعداد را زیر هم از سمت چپ ردیف کنید. برای نمونه، سوره یکم ۷ آیه دارد، و حاصل جمع شماره آیات آن ۲۸ است. بنابراین، ($۷ ۲۸$) شاخص سوره ۱ است، و ($۲۸۶ ۴۱۰۴۱$) شاخص سوره ۲ است، و ($۲۰۰ ۲۰۱۰۰$)، شاخص سوره ۳ است؛ همین کار را تا سوره ۱۱۴ ادامه دهید. عددی که شاخص سوره ۱۱۴ می باشد، ($۶ ۲۱$) است.

بیاد داشته باشید که عددها را باید طبق جدول ۲۸ از چپ به راست زیر هم بنویسید. سپس طبق معمول، آنها را از راست به چپ با هم جمع کنید. از حاصل جمع این اعداد، ۴ ۸۵۹ ۳۰۹ ۷۷۴، بدست می آید که مضرب ۱۹ است (19×255753146).

اینک همان عملیات را دوباره انجام دهید (و اعداد را مثل بالا از چپ به راست زیر هم بنویسید)، ولی اینبار بجای تعداد آیات، شماره هر آیه را بنویسید. برای مثال، عددی که اینبار شاخص سوره ۱ می باشد، (۲۸ ۱۲۳۴۵۶۷) است؛ یعنی شماره ی هر هفت آیه سوره ۱ را پشت سر هم می نویسیم و سپس حاصل جمع این هفت عدد را که ۲۸ است، می نویسیم.

سوره	تعداد آیات، و حاصل جمع آنها
۱	۷۲۸
۲	۲۸۶۴۱۰۴۱
۳	۲۰۰۲۰۱۰۰
-	-
۱۱۴	۶۲۱

	۴۸۵۹۳۰۹۷۷۴ =
	(19×255753146)

سوره	شماره یکایک آیه ها و حاصل جمعشان
۱	۱۲۳۴۵۶۷۲۸
۲	۱۲۳۴ ۲۸۶۴۱۰۴۱
-	-
۱۱۴	۱۲۳۴۵۶۲۱
	سرانجام، یکعدد ۷۵۷ رقمی بدست می آید که مضرب ۱۹ است.

بنابراین، عدد مرکبی که شاخص سوره ۱ می باشد، (۲۸ ۱۲۳۴۵۶۷) است، و عدد مرکبی که شاخص سوره ۱۱۴ (الناس) می باشد، (۲۱ ۱۲۳۴۵۶) است. این روند در جدول ۲۹ نشان داده شده است. از حاصل جمع تمام این عددها که از چپ به راست مرتب شده اند، یکعدد ۷۵۷ رقمی بدست می آید، که آن هم مضرب ۱۹ است.

نوشتار عددی بسی فراتر از هوش و توانایی بشر

اینک تعداد آیات هر سوره را می نویسیم، و به دنبال آن، شماره ی هر آیه را می نویسیم. بنابراین، سوره ۱ که ۷ آیه دارد، به این شکل نشان داده می شود (۷ ۱۲۳۴۵۶۷). در این بخش شماره آیه ها را پشت سر هم می نویسیم، و اعدادی که بدست می آوریم بسیار دراز است. برای سوره ۲، نخست، تعداد آیات سوره را بنویسید، که ۲۸۶ است، سپس شماره ی هر آیه را بنویسید؛ بنابراین، عددی که شاخص سوره ۲ است به این شکل است:
 $286 \ 12345 \dots 286285286$
 دو عددی که شاخص این دو سوره هستند این است:

$$7 \ 1234567 \ \text{و} \ 286 \ 12345 \dots 286 \ 285 \ 286$$

این دو عدد را کنار هم می نویسیم تا یک عدد بدست آید که شاخص دو سوره اول باشد:

$$7 \ 1234567 \ 286 \ 12345 \dots 286 \ 285 \ 286$$

همین کار را برای یکایک سوره های قرآن انجام می دهیم، و وقتی یکایک آیه های قرآن را به روشی که گفته شد بنویسیم، عدد بسیار درازی بدست می آید. عددی که شاخص همه آیه های قرآن است مضرب ۱۹ است و دارای ۱۲۶۹۲ رقم است، که این نیز مضرب ۱۹ است.

۷ ۱۲۳۴۵۶۷ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵ ... ۲۸۶ ... ۵ ۱۲۳۴۵ ۶ ۱۲۳۴۵۶

نخستین عدد: این عدد بسیار دراز دارای ۱۲۶۹۲ رقم (۶۶۸ × ۱۹) است و شامل همه آیه های قرآن است. نخست، تعداد آیات هر سوره را می نویسیم، و به دنبال آن، شماره ی هر آیه را می نویسیم. یک برنامه ی ویژه کامپیوتری که می تواند اعداد دراز را تقسیم کند نشان داده است که این عدد بسیار دراز مضرب ۱۹ است.

اینک بجای اینکه تعداد آیات را پیش از شماره آیه ها بنویسیم، آنها را پس از شماره آیه ها می نویسیم. بنابراین، عددی که شاخص سوره ۱ است بجای (۷ ۱۲۳۴۵۶۷)، این است: (۱۲۳۴۵۶۷ ۷). عددی که شاخص سوره ۲ است بجای (۲۸۴۲۸۵۲۸۶ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵)، این (۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۴ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵) است. دو عددی که شاخص دو سوره اول می باشند به این شکل خواهند بود:

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۶ و ۷ ۷ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

این دو عدد را کنار هم می نویسیم تا یک عدد بدست آید که شاخص دو سوره اول باشد؛ و به این شکل خواهد بود:

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۷ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۶

از آنجایی که تعداد آیات هر سوره را در پایان هر سوره می نویسیم، باید تعداد کل آیات قرآن را (۶۲۳۴) نیز در پایان این عددی که از کل قرآن بدست می آید بنویسیم. بنابراین، آخرین شماره های این عدد، که شاخص آخرین سوره قرآن است، (۶ ۱۲۳۴۵۶) است، که به دنبال آن تعداد کل آیات قرآن (۶۲۳۴) نوشته شده است:

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۶ ۶۲۳۴ >>> ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۶ ۶۲۳۴

وقتی همه آیه های هر سوره را می نویسیم، عدد درازی بدست می آید که دارای ۱۲۶۹۶ رقم است، و مضرب ۱۹ است.

۱۲۳۴۵۶۷ ۷ ۱۲۳۴۵...۲۸۶ ۲۸۶ ... ۱۲۳۴۵ ۵ ۱۲۳۴۵۶ ۶ ۶۲۳۴

دومین عدد: برای آغاز، شماره ی هر آیه را در هر سوره می نویسیم، سپس تعداد آیات سوره را می نویسیم؛ ۱۱ رقم آخری که در بالا مشاهده می کنید، عبارت از ۶ آیه ی آخرین سوره قرآن، و تعداد آیات آن سوره، و سپس تعداد کل آیات قرآن (۶۲۳۴) است. عدد نهایی، که بسیار دراز می باشد، مضرب ۱۹ است.

اینک شماره هر سوره را نیز به آن می افزاییم.

شماره ی آیه های هر سوره، سپس شماره ی سوره، سپس تعداد آیات همه سوره ها را بنویسید. بنابراین، عددی که شاخص سوره ۱ است چنین می شود (۱ ۷ ۱ ۷ ۶ ۷ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱). عددی که شاخص سوره ۲ است چنین می شود (۲ ۲۸۶ ۲ ۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۴ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱). عددی که شاخص آخرین سوره قرآن (سوره ۱۱۴) است به این شکل است (۶ ۱۱۴ ۶ ۱۱۴ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱). در پایان، عدد (۶۲۳۴) را که تعداد آیات شماره دار قرآن است می نویسیم. عددی که شاخص تمام قرآن است، **مضرب ۱۹ است**؛ و به این شکل است:

۶۲۳۴ ۱۱۴ ۶ ۱۲۳۴۵۶ ... ۲۸۶ ۲ ۲۸۶ ... ۱۲۳۴۵ ۱ ۷ ۱۲۳۴۵۶۷

سومین عدد: شماره ی هر آیه، سپس شماره ی سوره، سپس تعداد آیات سوره را پشت سر هم می نویسیم. تعداد کل آیات شماره دار قرآن را در پایان این عدد می نویسیم. این عدد دراز (۱۲۹۳۰ رقمی) مضرب ۱۹ است.

اینک بجای آنکه شماره سوره را پس از شماره آیه ها بنویسیم، آنرا پیش از شماره آیه ها می نویسیم. بنابراین، عددی که شاخص سوره ۱ است، بجای (۱ ۷ ۱۲۳۴۵۶۷)، این است: (۱ ۱۲۳۴۵۶۷ ۱)، و عددی که شاخص سوره ۲ است، بجای (۲ ۲۸۶ ۲ ۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۴ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱)، این است: (۲ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵ ۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۴ ۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵). این عدد بسیار دراز که شاخص تمام قرآن است **مضرب ۱۹ است**.

۶۲۳۴ ۱۱۴ ۶ ۱۲۳۴۵۶ ... ۲۸۶ ۲ ... ۶ ۱۲۳۴۵۶۷ ۱ ۲۸۶ ۱۲۳۴۵ ... ۲۸۶ ۲

چهارمین عدد: تعداد آیات هر سوره، سپس شماره ی هر آیه، سپس شماره ی سوره را می نویسیم. ۱۴ رقم آخری که در بالا می بینید، عبارت است از تعداد آیات آخرین سوره (۶)، شماره هر شش آیه اش (۱۲۳۴۵۶)، شماره ی سوره (۱۱۴)، آنگاه تعداد کل آیات شماره دار قرآن. عدد بسیار دراز ی که بدست می آید، (دارای ۱۲۹۳۰ رقم است) و مضرب ۱۹ است.

اینک، شماره ی آیه های هر سوره، سپس حاصل جمع شماره آیات را بنویسید. سوره ۱ دارای ۷ آیه است، و حاصل جمع شماره آیات آن ۲۸ است ($۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ = ۲۸$). بنابراین، عددی که شاخص سوره ۱ است چنین می باشد: (۲۸ ۱۲۳۴۵۶۷).

حاصل جمع شماره ی آیه های سوره ۲ ($۱ + ۲ + ۳ + \dots + ۲۸۶$)، ۴۱۰۴۱ می باشد. بنابراین عددی که شاخص سوره ۲ می باشد به این شکل است: (۴۱۰۴۱ ۲۸۶ ۲۸۵ ۲۸۴ ... ۱۲۳۴۵).

آخرین سوره ۶ آیه دارد، و حاصل جمع آنها ۲۱ می باشد ($۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶ = ۲۱$). بنابراین، عددی که شاخص آن است به این شکل است (۲۱ ۱۲۳۴۵۶).

عدد نهایی که شاخص تمام قرآن است، دارای ۱۲۸۳۶ رقم است و مضرب ۱۹ است. به این شکل می شود:

۱۲۳۴۵۶۷ ۲۸ ۱۲۳۴۵ ... ۲۸۶۲۸۵۲۸۶ ۴۱۰۴۱ ... ۱۲۳۴۵۶ ۲۱

پنجمین عدد: شماره ی آیه های هر سوره، سپس حاصل جمع شماره آیه ها نوشته شده اند. این عدد دراز که دارای ۱۲۸۳۶ رقم است، مضرب ۱۹ است.

درخور توجه است که اگر جای شماره آیه ها را با حاصل جمع آیه ها در عدد پنجم پس و پیش کنیم، به بیان دیگر، اگر عددی را که از حاصل جمع آیه ها بدست می آید در آغاز قرار دهیم، و شماره هر آیه را پس از آن بنویسیم، باز هم عددی بدست می آید که مضرب ۱۹ است.

۲۸ ۱۲۳۴۵۶۷ ۴۱۰۴۱ ۱۲۳۴۵ ۲۸۵۲۸۶ ۲۱ ۱۲۳۴۵۶

ششمین عدد: بجای اینکه حاصل جمعی را که از شماره آیه ها بدست می آید در پایان بنویسیم، آنرا در آغاز می نویسیم، و عدد بسیار درازی بدست می آید که دارای ۱۲۸۳۶ رقم است و آن هم مضرب ۱۹ است.

حتی اگر سوره ها را بعکس، از آخر به اول بنویسیم، و حاصل جمعی را که از شماره آیات بدست می آید پس از شماره سوره قرار دهیم، باز هم آنچه بدست می آید مضرب ۱۹ است.

۱۲۳۴۵۶ ۲۱ ۱۲۳۴۵ ۱۵ ... ۱۲۳۴۵ ... ۲۸۶ ۴۱۰۴۱ ۱۲۳۴۵۶۷ ۲۸

هفتمین عدد: سوره ها را بترتیب از آخر به اول می نویسیم - شماره هر آیه را می نویسیم، و حاصل جمع بدست آمده از شماره آیه ها را پس از آن می نویسیم، عدد بسیار درازی بدست می آید که دارای ۱۲۸۳۶ رقم است. این عدد ۱۲۸۳۶ رقمی، مضرب ۱۹ است.

حاصل جمع بدست آمده از همه آیات قرآن را بنویسید (۳۳۳۴۱۰)، سپس تعداد همه آیات شماره گذاری شده ی قرآن را بنویسید (۶۲۳۴)، سپس تعداد کل سوره های قرآن را بنویسید (۱۱۴). سپس شماره هر سوره، و تعداد آیاتش را بنویسید. عددی که شاخص سوره ۱ است: ۷ ۱، و عددی که شاخص سوره ۲ است: ۲۸۶ ۲ می باشد. عددی نهایی، که از همه قرآن بدست می آید، دارای ۴۷۴ رقم است، و مضرب ۱۹ است که به این شکل است:

۳۳۳۴۱۰ ۶۲۳۴ ۱۱۴ ۱ ۷ ۲ ۲۸۶ ۳ ۲۰۰ ... ۱۱۳ ۵ ۱۱۴ ۶

هشتمین عدد: حاصل جمع بدست آمده از همه آیات (۳۳۳۴۱۰)، و تعداد آیات شماره دار قرآن (۶۲۳۴)، و تعداد سوره های قرآن (۱۱۴)، و سپس، شماره سوره و تعداد آیات آن پشت سر هم نوشته شده اند.

اینک جای سوره و آیه را عوض می کنیم و عکس آنچه را که در "عدد هشتم" آورده شده است می نویسیم، بنابراین، عددی که شاخص سوره ی یکم می باشد، بجای ۷ ۱، این (۷ ۱) است، و عددی که شاخص سوره دوم است، بجای ۲۸۶ ۲، این (۲۸۶ ۲) است. عدد نهایی که دارای ۴۷۴ رقم است، باز هم مضرب ۱۹ است و به این شکل است:

۳۳۳۴۱۰ ۶۲۳۴ ۱۱۴ ۷ ۱ ۲۸۶ ۲ ۲۰۰ ۳ ۵ ۱۱۳ ۶ ۱۱۴

نهمین عدد: با آنکه جای شماره سوره و شماره آیه عوض شد، باز هم عدد درازی که بدست می آید مضرب ۱۹ است.

اگر حاصل جمع شماره آیات سوره ۱ را بنویسیم (۲۸)، سپس حاصل جمع شماره آیات سوره ۲ را بنویسیم (۴۱۰۴۱)، و اینکار را تا پایان قرآن ادامه دهیم، و حاصل جمع همه آیات را در پایان این عدد بنویسیم (۳۳۳۴۱۰)، عدد درازی بدست می آید (دهمین عدد) که دارای ۳۷۷ رقم است، و مضرب ۱۹ می باشد.

۲۸ ۴۱۰۴۱ ۲۰۱۰۰ ۱۵ ۲۱ ۳۳۳۴۱۰

دهمین عدد: حاصل جمع شماره آیات هر سوره بترتیب کنار هم نوشته شده است، در پایان، حاصل جمع همه آیه های قرآن را می نویسیم (۳۳۳۴۱۰). این عدد دراز (۳۷۷ رقمی) مضرب ۱۹ است.

اگر تعداد سوره های قرآن را بنویسیم (۱۱۴)، و به دنبال آن، تعداد آیات شماره دار (۶۲۳۴)، سپس شماره هر سوره، سپس، حاصل جمعی که از شماره آیات هر سوره بدست می آید را بنویسیم، عدد آخر که بسیار دراز است (عددی ۶۱۲ رقمی است) که مضرب ۱۹ است.

۱۱۴ ۶۲۳۴ ۱ ۲۸ ۲ ۴۱۰۴۱ ۳ ۲۰۱۰۰ ۱۱۳ ۱۵ ۱۱۴ ۲۱

یازدهمین عدد: تعداد سوره های قرآن را می نویسیم، سپس، تعداد آیات شماره دار، و شماره هر سوره با حاصل جمع شماره آیه هایش را می نویسیم، این عدد دراز (که دارای ۶۱۲ رقم است)، مضرب ۱۹ است.

برای آنکه کسی نیندازد که پارامتر قرآنی نمی هست که کد ریاضی قرآن حافظ آن نیست، به بررسی چند پارامتر دیگر می پردازیم.

اگر تعداد سوره های قرآن را بنویسیم (۱۱۴)، سپس تعداد آیات شماره دار قرآن را (۶۲۳۴)، سپس حاصل جمع همه آیه های قرآن (۳۳۳۴۱۰)، سپس شماره ی هر سوره و هر آیه اش را بنویسیم، عدد بسیار درازی بدست می آید که (دارای ۱۲۷۱۲ رقم است و) مضرب ۱۹ است.

۱۱۴ ۶۲۳۴ ۳۳۳۴۱۰ ۱ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ... ۱۱۴ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶
دوازدهمین عدد

اگر تعداد آیات هر سوره را بنویسیم، یک عدد ۲۳۵ رقمی بدست می آید که مضرب ۱۹ است. برای اینکار، نخست، تعداد آیات شماره دار قرآن را بنویسیم (۶۲۳۴)، سپس تعداد آیات هر سوره را، و در پایان باز هم تعداد آیات شماره دار را بنویسیم. عدد آخر که بسیار دراز است اینطور نشان داده می شود:

۶۲۳۴ ۷ ۲۸۶ ۲۰۰ ۱۷۶ ۱۲۷ ۵ ۴ ۵ ۶ ۶۲۳۴
(تعداد کل آیات) (۴ سوره آخر) (سوره ۹) (۴ سوره اول) (تعداد کل آیات)
شماره دار سیزدهمین عدد شماره دار

اگر تعداد آیات شماره دار قرآن را بنویسیم (۶۲۳۴)، سپس تعداد سوره های قرآن (۱۱۴)، و به دنبال آن شماره آیه های هر سوره، و به دنبال آن باز هم تعداد کل آیات (۶۲۳۴)، و تعداد سوره ها (۱۱۴) را بنویسیم، عددی بدست می آید که دارای ۱۲۴۷۹ رقم است، و مضرب ۱۹ است.

۶۲۳۴ ۱۱۴ ۱۲۳۴۵۶۷ ۱۲۳۴۵ ... ۲۸۶ ... ۱۲۳۴۵۶ ۶۲۳۴ ۱۱۴
چهاردهمین عدد

عدد دراز دیگری که دارای ۱۲۷۷۴ رقم است این است که نخست، شماره هر آیه را در هر سوره می نویسیم، سپس شماره سوره را با تعداد آیات جمع می کنیم، و به دنبال آن می نویسیم. سوره ۱ شامل ۷ آیه است، که حاصل جمع آن ۸ است ($1 + 7 = 8$). بنابراین، عددی که اینبار شاخص سوره ۱ است چنین خواهد بود (۱۲۳۴۵۶۷ ۸). از آنجا که سوره ۲ دارای ۲۸۶ آیه است، عددی که شاخص سوره ۲ است، این (۲۸۸ ۲۸۶ ... ۱۲۳۴) است. اینکار را برای یکایک سوره های قرآن انجام می دهیم. عدد نهایی دارای ۱۲۷۷۴ رقم است، و مضرب ۱۹ است.

۱۲۳۴۵۶۷ ۸ ۱۲۳۴۵ ۲۸۶ ۲۸۸ ۱۲۳۴۵۶ ۱۲۰
(۱ + ۷) (۲ + ۲۸۶) (۱۱۴ + ۶)
پانزدهمین عدد

در پیوست های ۲، ۹، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۷ اعداد مرکب دیگری گزارش شده که موردهای ویژه ای را زیر بررسی و کنکاش می گذارد.

شاهدی از بنی اسرائیل [۴۶:۱۰]

اعلام دار: "چه می کنید اگر این از جانب خدا باشد، و شما به آن ایمان نیاورده باشید؟ شاهدی از بنی اسرائیل به پدیده ای مشابه آن گواهی داده است، و او ایمان آورده است، در صورتی که شما متکبرتر از آن شده اید که ایمان آورید. خدا ستمگران را هدایت نمی کند." [۴۶:۱۰]

مطلب زیر از کتاب بررسی هایی در عرفان یهودیت نقل می شود، (بنیاد مطالعات یهودیان، کمبریج، ماساچوست؛ تألیف از: Joseph Dan و Franc Talmage، صفحه ۸۸، چاپ سال ۱۹۸۲). آنها درباره پژوهش های خاخام یهودا، (قرن ۱۲ میلادی)، می نویسند:

مردم [یهود] در فرانسه این را آیین خود کرده اند که چند کلمه [به نماز صبح] اضافه کنند: "اشری تمیمی درخ [نعمت باد آنان را که در راه راست گام برمی دارند]" و خاخام متدین ما، با آن حافظه خدادادی اش، نوشت که یهودیان فرانسه در اشتباه محض بسر می برند. و این کارشان بطلانی سهمگین است، زیرا نام مقدس فقط ۱۹ بار [در آن بخش از نماز صبح] می آید ... و مشابه آن، واژه "الهییم" نیز ۱۹ بار در قطعه ی منتخب: "در سفر شموت" آمده است... در ضمن، همانطور که دیده می شود درست ۱۹ بار از فرزندان اسرائیل بعنوان "پسران" نام برده شده است، و نمونه های بسیار دیگر.

همه این ۱۹ ها، مانند زنجیر بهم متصل هستند، و حامل اسرار و معانی محرمانه ای هستند، که در کتاب قطوری که هشت جلد است گزارش شده است ...
در ضمن، این قطعه، دارای ۱۵۲، یا (۸ × ۱۹) کلمه است...

تشکر و قدردانی

همه ی ستایش ها از آن خداست که اراده کرد معجزه ی قرآنش در این برهه از زمان آشکار شود. او به لطف خود به این چند نفر اجازه داد تا در کشف برخی از این پدیده های شگرف سهیم باشند: عبدالله اریک، محمود علی ابیب، لیبسا اسپری، ادیپ یوکسل، احسان رمضان، فیروز کارمالی، اسماعیل برکت، گاتوت آدیسوما، احمد یوسف (از لائوس)، سزار الف. ماجل، محتشم اریسون، و امیلی کی استرت.

پیوست ۲

رسول میثاق خدا

رسول میثاق خدا، رسولی است که برای ایجاد همبستگی فرستاده می شود. مأموریت او این است که ادیان کنونی را پاکسازی کند و آنها را به یک دین واحد تبدیل کند: اسلام (تسلیم).

اسلام، یک اسم نیست؛ بلکه یک ماهیت است بدینگونه که آدمی خود را از هر دیدگاه فقط به خدا و او می گذارد و اشخاصی از قبیل عیسی، مریم، محمد، یا ائمه را بت نمی کند، و فقط به خدا اخلاص می ورزد. هر کس این مشخصات را داشته باشد یک "مسلمان" (تسلیم شده) است. بنابراین، یک فرد می تواند یک یهودی مسلمان، یک مسیحی مسلمان، یک هندوی مسلمان، یک بودایی مسلمان، یا یک مسلمان مسلمان باشد.

رسول میثاق، دستور خدا را که می گوید "تنها دین مورد قبول خدا تسلیم است" (۳:۱۹)، به مردم می رساند و یاد آور می شود که "هرکس دینی جز تسلیم اختیار کند، از او پذیرفته نمی شود" (۳: ۸۵).

رسول خدا باید دلیل روشنی برای رسالتش نشان دهد. هر رسولی با نشانه های روشنی از سوی خدا نزد مردم فرستاده می شود که ثابت می کند که خدا برای رساندن پیام خود به وی مجوز داده است. موسی چوبدستی اش را انداخت که به مار تبدیل شد، عیسی جذامیان را به اذن خدا شفا داد و مرده را به اذن خدا زنده کرد، نشانه روشن صالح آن شتر معروف بود، ابراهیم جان سالم از آتش بدر بُرد، و قرآن معجزه ی محمد بود (۵۱ - ۵۰ : ۲۹).

قرآن (۳۳:۴۰ ; ۳۳:۷ ; ۳:۸۱)، و نیز تورات و انجیل (ملاکی ۳- ۳:۱) از پیش، خبر از ظهور رسولی داده اند که برای ایجاد همبستگی و اتحاد می آید، رسول میثاق خدا. مسلم است که از رسولی که چنین مأموریت خطیری را بعهده دارد باید با یکی از محکم ترین معجزات پشتیبانی کرد (۳۵- ۷۴:۳۰). معجزات رسولان پیشین از لحاظ زمان و مکان محدود بود، در صورتی که معجزه ای که خدا بوسیله ی آن از رسول میثاقش پشتیبانی کرد، همیشگی است؛ هر کس، در هر برهه از زمان، و در هر نقطه از جهان می تواند شاهد آن باشد.

در این پیوست، برخی از شواهد عینی، قابل بررسی، قابل پژوهش، و انکارناپذیر گزارش شده است که ثابت می کنند رشاد خلیفه، رسول میثاق خداست.

حقیقت قرآنی

یکی از پیشگویی های مهم قرآن این است که پس از آنکه همه پیامبران آمدند و همه کتابهای آسمانی را آوردند، رسول میثاق ظهور خواهد کرد.

خدا از پیامبران میثاقی گرفت، و گفت: "من کتاب آسمانی و حکمت را به شما خواهم داد. پس از چندی، رسولی برای تصدیق همه کتابهای آسمانی موجود خواهد آمد. به او ایمان بیاورید، و از او پشتیبانی کنید. و گفت: "آیا موافق هستید، و عهد می بندید که این میثاق را به انجام رسانید؟" گفتند، "ما موافقیم." گفت: "پس شما شهادت داده اید، و من هم با شما شاهد هستم." (۳:۸۱)

محمد مارمدوک پیکتال آیه (۳:۸۱) را چنین ترجمه کرده است:

وقتی الله با پیامبران میثاق بست، (گفت): بنگرید که من کتاب آسمانی و دانش را به شما داده ام. بعدها رسولی نزد شما خواهد آمد؛ که آنچه را دارید تصدیق می کند. به او ایمان آورید، و یاری اش دهید. و گفت: آیا موافق هستید، و از این بار سنگین (که من بعهده شما می گذارم) استقبال می کنید؟ پاسخ گفتند: ما موافقیم. او گفت: پس شهادت داده اید. من نیز با شما شاهد هستم.

از سوره ۳۳ می فهمیم که محمد یکی از پیامبرانی بود که خدا از او میثاق گرفت.

هنگامیکه از پیامبران میثاق گرفتیم، و از تو (ای محمد) و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، میثاقی محکم گرفتیم. (ترجمه محمد مارمدوک پیکتال) ۳۳:۷

آیه ۳:۸۱، یکی از آیاتی است که معنی "نبی" (پیامبر) و "رسول" (فرستاده) را بطور واضح تعریف می کند. پس، "نبی" آن رسولی است که از جانب خدا کتاب آسمانی می آورد، در صورتی که "رسول" کسی است که برای تصدیق کتابهای آسمانی موجود از سوی خدا فرستاده می شود و هیچ کتاب جدیدی نمی آورد. طبق قرآن، هر نبی، رسول نیز هست؛ ولی هر رسولی، نبی نیست.

به همه رسولان الزاماً کتاب آسمانی داده نمی شود. برخلاف اعتقاد بعضی از فقهای مسلمان، هیچ منطقی نیست که خدا به پیامبری کتاب آسمانی بدهد، سپس از او بخواهد که آنرا فقط برای خود نگاه دارد (۱۵۹، ۱۴۶، ۲:۴۲) کسانی که به اندازه کافی با قرآن آشنایی ندارند خیال می کنند که هارون از آن جهت "نبی" خوانده شده (۵۳: ۱۹) که کتاب آسمانی نداشته است! در صورتی که قرآن بصراحت گفته است که فرقان به هر دو داده شد - موسی و هارون (۳۷: ۱۱۷؛ ۲۱: ۴۸).

قرآن در ۳۳:۴۰ به ما تعلیم می دهد که محمد آخرین پیامبر (نبی) خدا بود، ولی او آخرین فرستاده (رسول) خدا نبود:

محمد پدر هیچیک از مردان شما نبود؛ او یک فرستاده (رسول) خدا بود و آخرین پیامبر (نبی). [۳۳:۴۰]

کد ریاضی قرآن این مهم را تصدیق می کند. اگر ارزش رقومی "محمد خاتم النبیین" (آخرین پیامبر) را با شماره سوره و آیه ای که این عبارت در آن آمده (۳۳:۴۰) جمع کنیم، ۱۳۴۹ بدست می آید که مضرب ۱۹ است (۷۱ × ۱۹). ولی عبارت "محمد خاتم المرسلین" (آخرین رسول) که نادرست است مضرب ۱۹ نیست.

تا آنجا که تاریخ بیاد دارد، هرگاه رسولی نزد قومی رفت، مردم زمان خودش رسالتش را تکذیب کردند. زمانی بود که می گفتند یوسف "خاتم المرسلین است" (۳۴: ۴۰). در صورتی که بسیاری از رسولان خدا از جمله موسی، داود، سلیمان، عیسی، و محمد پس از یوسف آمدند.

میثاق انجام شد

اگرچه از لحاظ این دنیا، پیامبران مُرده اند، ولی می دانیم که روحشان، که شخص اصلی است اکنون در همان باغ عدنی که آدم و حوا در آن زندگی می کردند بسر می برند. بسیاری از آیات مانع از آن است که ما، مومنانی را که کالبدشان را رها می کنند و از این دنیا می روند، مُرده بپنداریم (۴:۶۹ ; ۳:۱۶۹ ; ۲:۱۵۴). اگرچه، آنها نمی توانند به دنیای ما بازگردند (۲۳:۱۰۰)، ولی در بهشت "زنده" هستند. لطفاً به پیوست ۱۷ نگاه کنید.

وقتی برای زیارت حج به مکه رفته بودم، پیش از برآمدن آفتاب، روز سه شنبه، سوم ذیحجه سال ۱۳۹۱ هجری قمری، برابر با ۲۱ دسامبر سال ۱۹۷۱، من، رشاد خلیفه، روح من، که شخص اصلی است، نه کالبدم، به نقطه ای از کائنات برده شد و من بعنوان رسول میثاق خدا به تمام پیامبران معرفی شدم. من خودم از جزئیات و معنای حقیقی این رویداد تا رمضان ۱۴۰۸ بی اطلاع بودم.

آنچه من، در هشیاری کامل، شاهدش بودم، این بود که من همچنان نشسته بودم، و پیامبران، یکایک، نزد من آمدند، به چهره ام نگاه کردند، و سرشان را به نشانه ی تصدیق تکان دادند. خدا آنان را به همان گونه که در زمان خودشان می زیستند، با لباس دوران خودشان به من نمایاند. جوّی آکنده از شکوه، شادی، و احترام در آنجا حکمفرما بود.

هویت هیچیک از پیامبران بر من آشکار نشد بجز ابراهیم. من می دانستم که همه پیامبران از جمله موسی، عیسی، محمد، هارون، داود، نوح، و بقیه در آنجا حضور دارند. فکر می کنم هویت ابراهیم به این دلیل بر من آشکار شد که خودم در آنباره سوال کردم. او شباهت زیادی به افراد خانواده ام داشت – به خودم، پدرم، عموهایم. آنجا بود که در شگفت شدم، "این پیامبر کیست که تا این اندازه به خویشاوندان من شباهت دارد؟" پاسخ فرارسید: "ابراهیم." هیچ گفتگویی به زبان انجام نشد. تمام ارتباط ها، ارتباط های روحی و فکری بود.

درخور توجه است که تاریخی که میثاق با پیامبران در آن به انجام رسید، سوم ذیحجه ۱۳۹۱ بود. اگر شماره ماه (۱۲)، و روز (۳)، و سال (۱۳۹۱) را با هم جمع کنیم، عدد ۱۴۰۶ بدست می آید، یا ۱۹×۷۴ . و این مطلب که مخرج مشترک قرآن ۱۹ است در سوره ۷۴ آمده است. توجه شود که از نزول قرآن تا آشکار شدن معجزه ی قرآن نیز ۱۴۰۶ سال فاصله است (پیوست ۱).

رسالت رسول میثاق خدا این است که کتابهای آسمانی موجود را تصدیق کند، خالص کند، و پیام خدا را بصورت یک پیام واحد استوار کند. قرآن می گوید که وی وظیفه دارد پیام خدا را به اصل خود بازگرداند تا مومنان درستکار – از یهودی، مسیحی، مسلمان، بودایی، سیک، هندو، و غیره – از تاریکیها بیرون آیند و به روشنایی برسند (۶۵:۱۱ ; ۵:۱۹). او باید اعلام کند که اسلام (تسلیم همه جانبه به خدا) تنها دینی است که نزد خدا پذیرفته می شود (۳:۱۹).

هان، اینک رسولم را می فرستم تا راه را پیش روی من آماده سازد؛
پروردگاری را که می جویید، و رسول میثاقی که طالبش هستید
ناگهان به معبد خواهد آمد.

آری، او می آید، این قول ربّ الجنود است.

اما کیست که بتواند روز آمدن او را متحمل شود؟

و کیست که بتواند هنگام ظهور او بایستد؟

زیرا او مثل آتش سوزانی است که فلز را پالایش می کند، یا مانند تیزاب سفید کننده خواهد بود.

[کتاب مقدس؛ ملاکی، فصل ۳، آیات ۱ تا ۳]

اثبات

نام رسول میثاق خدا، بصورت رمز از طریق ریاضی، بعنوان "رشاد خلیفه" در قرآن آمده است. بیگمان در عصر کامپیوتر این بهترین روش معرفی رسول خدا به جهانیان است.

(۱) همانطور که در پیوست ۱ نشان داده شد، معجزه ی بزرگ خدا در قرآن بر پایه عدد اول ۱۹ است که بمدت ۱۴۰۶ سال (۷۴ × ۱۹) از اسرار بود. قادر متعال از پیش تعیین کرده بود که این معجزه ی مبهوت کننده از طریق رشاد خلیفه فاش شود. تلاش صدها فقیه مسلمان و خاورشناس بمدت ۱۴ قرن بی حاصل ماند، و به هیچیک از آنان اجازه داده نشد که بمعنای حروف مقطوع قرآن پی ببرند.

(۲) قرآن برای مومنان و جویندگان راستین آسان شده است (۴۰, ۳۲, ۲۲, ۱۷:۵۴; ۲۸:۳۹). قانون لاتغییر خدا این است که هیچکس اجازه ندارد به مفاهیم قرآن پی ببرد مگر آنکه برآستی مومن باشد و خدا به او اجازه داده باشد، چه رسد به اینکه کسی بخواهد بدون مجوز خدا به معجزه ی بزرگ او در کتاب آسمانی پی ببرد (۴۶-۱۷:۴۵) (۵۷:۱۸) (۴۴:۴۱) (۷۹:۵۶). آشکار شدن معجزه ی قرآن توسط رشاد خلیفه، از نشانه های مهم رسالت اوست.

(۳) ریشه ی نام رشاد "رشد" (پیرو راه راست) است. ریشه ی این نام، ۱۹ بار در قرآن آمده است. عدد ۱۹، مخرج مشترک قرآن است (به فهرست لغات قرآن - کشف الآیات - چاپ اول، صفحه ۳۲۰ نگاه کنید).

(۴) واژه "رشاد" در آیه های ۳۸, ۲۹: ۴۰ آمده است. واژه "خلیفه" در ۳۰: ۲ و ۲۶: ۳۸ آمده است. توجه داشته باشید که اولین خلیفه، به خلیفه ای اشاره دارد که بشر نیست، یعنی به شیطان اشاره دارد، در صورتی که دومین "خلیفه" (سوره ۳۸)، به خلیفه ای اشاره دارد که بشر است. اگر شماره سوره ها و آیه هایی را که "رشاد" (۳۸, ۲۹:۴۰) و "خلیفه" (۲۶:۳۸) در آنها آمده با هم جمع کنیم، چنین بدست می آید:

$$(40 + 29 + 38 + 38 + 26 = 171 = 19 \times 9)$$

(۵) از حاصل جمع شماره سوره ها و آیه هایی که دارای واژه ای هستند که از ریشه ی "رشد" گرفته شده، و یا لغت "خلیفه" در آنها آمده - ۱۴۶۳، یا 77×19 بدست می آید، (جدول ۱).

(۶) از حاصل جمع تمام سوره ها و آیه هایی که ریشه ی نام "رشاد" در آنها آمده است عدد ۱۳۶۹ یا $[(72 \times 19) + 1]$ بدست می آید، و از حاصل جمع تمام سوره ها و آیه هایی که "خلیفه" در آنها آمده عدد ۹۴ یا $[1 - (5 \times 19)]$ بدست می آید. جالب است که عددی که از "رشد" بدست می آید یکی اضافه می آورد، و عددی که از "خلیفه" بدست می آید یکی کسر دارد و این گویای آن است که نام این رسول دقیقاً باید "رشاد خلیفه" باشد، نه هر "رشاد"، یا هر "خلیفه" نامی.

جدول ۱: سوره ها و آیه ها "رشد" و "خلیفه"				
آیه	سوره	خلیفه		تعداد
		سوره	آیه	
۳۰	(۲)	۱۸۶	۲	۱
۲۶	۳۸	۲۵۶	-	۲
		۶	۴	۳
		۱۴۶	۷	۴
		۷۸	۱۱	۵
		۸۷	-	۶
		۹۷	-	۷
		۱۰	۱۸	۸
		۱۷	-	۹
		۲۴	-	۱۰
		۶۶	-	۱۱
		۵۱	۲۱	۱۲
		۲۹	۴۰	۱۳
		۳۸	-	۱۴
		۷	۴۹	۱۵
		۲	۷۲	۱۶
		۱۰	-	۱۷
	(سوره ۲)	۱۴	-	۱۸
	(تکراری است)	۲۱	-	۱۹
۵۶	۳۸	۱۱۴۵	۲۲۴	
$56 + 38 + 1145 + 224 = 1463 = 19 \times 77$				

(۷) ارزش رقمی "رشاد" ۵۰۵ است، و ارزش رقمی "خلیفه" ۷۲۵ (جدول ۷، پیوست ۱).

اگر ارزش رقمی "رشاد خلیفه" (۱۲۳۰) را با شماره سوره ها و آیه هایی که از اول قرآن تا آیه ای که برای اولین بار واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رَشَدَ" گرفته شده جمع کنیم، ۱۴۲۵، یا (۷۵ × ۱۹) بدست می آید. جزئیات آن در جدول ۲ آمده است.

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع آیات
۱	۷	۲۸
۲	۱۸۵	۱۷۲۰۵
۳	۱۹۲	۱۷۲۳۳
		(۱۹ × ۹۰۷)

(۸) اگر از اول قرآن تا آیه ای که برای اولین بار واژه ای در آن آمده که از ریشه "رَشَدَ" گرفته شده، شماره هر آیه را با هم جمع کنیم (۱ + ۲ + ۳ + ... + n)، و حاصل جمع شماره سوره هایشان را به آن اضافه کنیم، ۱۷۲۳۳، یا (۹۰۷ × ۱۹) بدست می آید (جدول ۲).

همچنین: رشاد (۵۰۵) + خلیفه (۷۲۵) + حاصل جمع شماره سوره ها (۳) + و آیه ها (۱۹۲) = ۵۰۵ + ۷۲۵ + ۳ + ۱۹۲ = ۱۴۲۵ = ۱۹ × ۷۵

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع
۲	۲۸۶	۲۸۸
۴	۱۷۶	۱۸۰
۷	۲۰۶	۲۱۳
۱۱	۱۲۳	۱۳۴
۱۸	۱۱۰	۱۲۸
۲۱	۱۱۲	۱۳۳
۴۰	۸۵	۱۲۵
۴۹	۱۸	۶۷
۷۲	۲۸	۱۰۰
۲۲۴	۱۱۴۴	۱۳۶۸
		(۱۹ × ۷۲)

(۹) حروف مقطع، زیر بنای معجزه ی قرآن هستند. سوره هایی که دارای حروف مقطع هستند عبارتند از سورهای: ۲، ۳، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۶۸.

اگر حاصل جمع این اعداد را (۸۲۲)، با ارزش رقمی "رشاد خلیفه" (۱۲۳۰) جمع کنیم، ۲۰۵۲، یا ۱۰۸ × ۱۹ بدست می آید.

(۱۰) همانطور که در جدول ۳ نشان داده شد، اگر شماره همه سوره هایی را که واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رَشَدَ" گرفته شده با هم جمع کنیم، و تعداد آیات را نیز به آن اضافه کنیم، ۱۳۶۸، یا ۷۲ × ۱۹ بدست می آید.

(۱۱) اگر بترتیب - از چپ به راست- شماره ی سوره، سپس تعداد آیات آن سوره، و سپس شماره ی هر آیه را پس از اولین (۲:۱۸۶) تا آخرین آیه ای (۲۱:۷۲) که واژه ای در آن آمده است که از ریشه ی "رَشَدَ" گرفته شده، بنویسیم، عدد بسیار درازی بدست می آید که دارای ۱۱۰۸۷ رقم است و مضرب ۱۹ است. این عدد دراز با شماره ی سوره ۲ آغاز می شود، و به دنبال آن تعداد

آیات سوره ۲ - از اولین آیه ای که "رَشَدَ" در آن آمده (آیه ۱۸۶) تا پایان سوره (که ۱۰۰ آیه است) نوشته می شود. پس، این عدد با (۲ ۱۰۰) شروع می شود. به دنبال آن، شماره ی یکایک آیه ها را از آیه ۱۸۷ تا آیه ۲۸۶ پشت سرهم می نویسیم. پس، عددی که شاخص سوره ۲ است (۲۸۵ ۲۸۶ ۱۸۹ ۱۸۸ ۱۸۷ ۱۰۰ ۲) است. همین کار را تا پایان ۲۱:۷۲ که "رَشَدَ" برای آخرین بار در آیه ای بکار رفته است، انجام می دهیم. عدد آخر به این شکل است:

۲ ۱۰۰ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۷۲ ۲۱ ۱ ۲ ۳ ۱۹ ۲۰ ۲۱

بترتیب: شماره ی سوره، سپس تعداد آیات طبق آنچه گفته شد، سپس شماره هر آیه (از ۲:۱۸۷ تا ۲۱:۷۲) یعنی پس از اولین آیه تا آخرین آیه ای که واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رَشَدَ" گرفته شده، نوشته شده است. عددی که بدست می آید دارای ۱۱۰۸۷ رقم است؛ این عدد ۱۱۰۸۷ رقمی، مضرب ۱۹ است.

جدول ۴: سوره ها و آیه ها از اولین "رشد" تا "خلیفه"		
شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع
۲	۱۰۰	۱۰۲
	(از ۱۸۷ تا ۲۸۶)	
۳	۲۰۰	۲۰۳
۴	۱۷۶	۱۸۰
۵	۱۲۰	۱۲۵
-	-	-
۳۶	۸۳	۱۱۹
۳۷	۱۸۲	۲۱۹
۳۸	۲۶	۶۴
۷۴۰	۳۸۰۱	۴۵۴۱
		(۱۹ × ۲۳۹)

(۱۲) اگر شماره سوره ها و آیه ها را پس از آیه ای که برای اولین بار واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رشد" گرفته شده تا ۳۸:۲۶ که برای آخرین بار واژه "خلیفه" در آن آمده بررسی کنیم، متوجه می شویم که از حاصل جمع شماره این سوره ها با تعداد آیتشان، ۴۵۴۱، یا (۱۹ × ۲۳۹) بدست می آید. (جزئیات در جدول ۴).

(۱۳) وقتی ارزش رقمی "رشاد" (۵۰۵)، و سپس ارزش رقمی "خلیفه" (۷۲۵) را بنویسیم، و به دنبال آن، شماره ی سوره هایی را بنویسیم که دارای واژه ای هستند که از ریشه ی "رشد" گرفته شده، و سپس شماره ی هر آیه را از آیه ای که برای اولین بار واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رشد" گرفته شده (۲:۱۸۶) تا آیه (۳۸:۲۶) که واژه "خلیفه" در آن آمده به دنبال هم بنویسیم، عدد درازی بدست می آید که مضرب ۱۹ است.

آیه ۲:۱۸۶ اولین آیه ای است که واژه ای در آن آمده که از ریشه "رشد" گرفته شده است. از اینرو، می نویسیم:

۱۸۶ ۲. دومین آیه ای که واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رشد" گرفته شده، آیه ۲:۲۵۶ است. پس، ۲۵۶ را می نویسیم؛ روشن است که شماره ی سوره را دوباره نمی نویسیم. آیه ی بعدی، ۴:۶ می باشد. از اینرو، می نویسیم: (۴ ۶) و همینطور ادامه می دهیم تا سرانجام عدد ۳۸ ۲۶ نوشته شود (واژه "خلیفه" در ۳۸:۲۶ آمده است). عدد نهایی به این شکل است:

۲۶	۳۸	۶	۴	۲۵۶	۱۸۶	۲	۷۲۵	۵۰۵
بترتیب: ارزش رقمی "رشاد"، ارزش رقمی "خلیفه"، سپس شماره سوره و شماره تمام آیه هایی که واژه ای در آنها آمده که از ریشه "رشد" گرفته شده تا شماره ی سوره و آیه ای که "خلیفه" در آن آمده است ۳۸:۲۶.									

تنها دین پذیرفته شده از سوی خدا اسلام است [۱۹ : ۳]

(۱۴) قرآن، سه رسول دین اسلام (تسلیم) را مشخص می کند:

ابراهیم، کسی است که تکالیف دین اسلام را آورد. ارزش رقمی نام او = ۲۵۸
 محمد، کسی است که قرآن را آورد. ارزش رقمی نام او = ۹۲
 رشاد، کسی است که حجّت دین اسلام را آورد. ارزش رقمی نام او = ۵۰۵
 حاصل جمع ارزش رقمی این سه نام = ۲۵۸ + ۹۲ + ۵۰۵ = ۸۵۵
 (۱۹ × ۴۵)

یهودیت راستین، مسیحیت راستین، و اسلام راستین به یک دین واحد تبدیل می شوند - از هر لحاظ به خدا تسلیم بودن، و تنها به او اخلاص ورزیدن.

ادیان کنونی، از جمله یهودیت، مسیحیت، و اسلام سخت تحریف و تباه شده اند، و نابود خواهند شد (۳۳: ۹)، (۲۸: ۴۸)، (۹: ۶۱).

(۱۵) از آنجا که قرآن در بسیاری از آیه ها به "ابراهیم، اسماعیل، و اسحاق" اشاره می کند، پیشنهاد شد که نام اسمعیل و نام اسحق نیز به این سه رسول اضافه شود. قابل توجه است که اگر ارزش رقمی اسمعیل و اسحق را به آن اضافه کنیم، باز هم عددی بدست می آید که مضرب ۱۹ است. همانطور که در جدول ۵ نشان داده شده، عدد جدیدی که از این حاصل جمع بدست می آید ۱۲۳۵، یا (۱۹ × ۶۵) است. اگر نام یکی از این سه رسول: ابراهیم، محمد، رشاد حذف شود، عدد بدست آمده دیگر مضرب ۱۹ نخواهد بود.

چرا ۸۱؟ آیه ۸۱ و سوره ۸۱

(۱۶) آیه ۸۱ از سوره ۳ از ظهور رسول میثاق خدا خبر داده است. اگر ارزش رقمی "رشاد" (۵۰۵)، "خلیفه" (۷۲۵) را با شماره این آیه (۸۱) جمع کنیم، ($۱۹ \times ۶۹ = ۱۳۱۱ = ۷۲۵ + ۵۰۵ + ۸۱$) بدست می آید.

جدول ۵: ارزش رقمی این پنج رسول		
نام	ارزش رقمی یکایک حروف	حاصل جمع
ابرهیم	$۴۰ + ۱۰ + ۵ + ۲۰۰ + ۲ + ۱$	۲۵۸
اسمعیل	$۳۰ + ۱۰ + ۷۰ + ۴۰ + ۶۰ + ۱$	۲۱۱
اسحاق	$۱۰۰ + ۸ + ۶۰ + ۱$	۱۶۹
محمد	$۴ + ۴۰ + ۸ + ۴۰$	۹۲
رشاد	$۴ + ۱ + ۳۰۰ + ۲۰۰$	۵۰۵

	۱۲۳۵	۱۲۳۵
	۱۹ × ۶۵	

(۱۷) اگر سوره ۸۱ را بررسی کنیم، می بینیم که در آن از رسولی سخن گفته شده که از سوی خدا مجوز دارد، و از وی سخت پشتیبانی می شود (آیه ۱۹). پس، آیه ۸۱ سوره آل عمران و آیه نوزده سوره ۸۱ ارتباط محکم و مسلّمی با اسم "رشاد خلیفه" دارند: ($۱۹ \times ۶۹ = ۱۳۱۱ = ۷۲۵ + ۵۰۵ + ۸۱$)

(۱۸) اگر از اول قرآن تا آیه ۳:۸۱ که از ظهور رسول میثاق خبر می دهد، شماره سوره ها را با تعداد آیاتشان جمع کنیم، ۳۸۰، یا ۱۹×۲۰ بدست می آید. ارقام ریز این داده ها در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: سوره ها و آیه ها از ۱:۱ تا ۳:۸۱		
سوره	تعداد آیات	حاصل جمع
۱	۷	۸
۲	۲۸۶	۲۸۸
۳	۸۱	۸۴
---	---	---
۶	۳۷۴	۳۸۰
		(۱۹×۲۰)

(۱۹) ارزش رقمی آیه ی ۳:۸۱، (۱۳۱۴۸) یا (۱۹×۶۹۲) است. این عدد از حاصل جمع ارزش رقمی یکایک حروف در این آیه بدست آمده است.

(۲۰) اگر به آن بخش از آیه ۳:۸۱ که بطور خاص به رسول میثاق اشاره دارد نگاه کنیم:
جَاءَ كُمْ رَسُولٌ مِّنْكُمْ لِمَا كُنتُمْ
 "رسولی خواهد آمد که آنچه را آورده اید تصدیق کند"
 متوجه می شویم که ارزش رقمی این عبارت کلیدی ۸۳۶، یا (۱۹×۴۴) است.

"بیگمان، تو یکی از رسولان هستی" (۳ : ۳۶)

(۲۱) توسط جبریل، فرشته ی خدا، بطور قطع به من گفته شد، که آیه ۳ از سوره ۳۶، بطور خاص به من اشاره دارد. اگر فقط سوره هایی را که حروف مقطع دارند بشماریم، یعنی از سوره ۲ شروع کنیم، سپس سوره ۳، سپس سوره ۷، و.... می بینیم که سوره ۳۶، "سوره یاسین"، نوزدهمین سوره است.

(۲۲) آیه ۳ از سوره ۳۶ می گوید: "بیگمان، تو یکی از رسولان هستی." ارزش رقمی این جمله ۶۱۲ است. از حاصل جمع این عدد (۶۱۲)، با شماره این سوره (۳۶)، و این آیه (۳)، و ارزش رقمی "رشاد خلیفه" (۷۲۵ + ۵۰۵)، چنین بدست می آید ($۱۹ \times ۹۹ = ۱۸۸۱ = ۷۲۵ + ۵۰۵ + ۶۱۲ + ۳ + ۳۶$).

(۲۳) سوره ۳۶ دارای ۸۳ آیه است. اگر شماره این سوره (۳۶)، و تعداد آیات آنرا (۸۳) با ارزش رقمی نام "رشاد خلیفه" (۷۲۵ + ۵۰۵) جمع کنیم، ($۱۹ \times ۷۱ = ۱۳۴۹ = ۷۲۵ + ۵۰۵ + ۳۶ + ۸۳$) بدست می آید.

جدول ۷: سوره ها و آیه ها از سوره ۱ تا آیه سوم از سوره ۳۶

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع آیات
۱	۷	۲۸
۲	۲۸۶	۴۱۰۴۱
۳	۲۰۰	۲۰۱۰۰
-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸
-	-	-
۳۴	۵۴	۱۴۸۵
۳۵	۴۵	۱۰۳۵
۳۶	۲	۳
۶۶۶	۳۷۰.۵	۲۵۷۹۲۵
	(۱۹ × ۱۹۵)	(۱۹ × ۱۳۵۷۵)

جدول ۸: سوره ها و آیه ها از اولین "رشد" تا ۳: ۳۶

تعداد	شماره سوره	حاصل جمع آیات
۱	۲ (از ۱۸۶ تا ۲۸۶)	۲۳۸۳۶
۲	۳	۲۰۱۰۰
۳	۴	۱۵۵۷۶
۴	۵	۷۲۶۰
-	-	-
۱۰	۹	۸۱۲۸
-	-	-
۳۳	۳۴	۱۴۸۵
۳۴	۳۵	۱۰۳۵
۳۵	۳۶ (از ۱ تا ۳)	۶
۳۵	۶۶۵	۲۴۰۶۹۵
	(۱۹ × ۳۵)	

$۲۴۰۶۹۵ + ۶۶۵ + ۳۵ = ۲۴۱۳۹۵ (۱۹ \times ۱۲۷۰۵)$

(۲۴) از ۸۱: ۳ که از ظهور رسول میثاق خبر میدهد تا سوره ۳۶، درست ۳۳۳۰ آیه است. اگر ارزش رقمی نام "رشاد خلیفه" (۱۲۳۰) را با تعداد آیه ها (۳۳۳۰) جمع کنیم، (۴۵۶۰ = ۳۳۳۰ + ۷۲۵ + ۵۰۵) بدست می آید که مضرب ۱۹ است (۴۵۶۰ = ۱۹ × ۲۴۰).

(۲۵) از ۳:۸۱ تا ۳:۳۶ درست ۳۳۳۳ آیه است. با افزودن این عدد به ارزش رقمی "رشاد" (۵۰۵)، این (۲۰۲ × ۱۹ = ۳۸۳۸ = ۳۳۳۳ + ۵۰۵) بدست می آید.

(۲۶) از ۱:۱ تا ۳:۳۶ درست ۳۷۰۵ آیه وجود دارد، یا ۱۹ × ۱۹۵ (جدول ۷).

(۲۷) حاصل جمع شماره آیه ها از ۱:۱ تا ۳:۳۶، ۲۵۷۹۲۵، یا (۱۹ × ۱۳۵۷۵) است. (جدول ۷).

(۲۸) از حاصل جمع شماره سوره ها - از سوره ۱ تا سوره ۳۶، عدد ۶۶۶ بدست می آید (جدول ۷). اگر این عدد را با ارزش رقمی "رشاد خلیفه" (۵۰۵ + ۷۲۵) جمع کنیم، و ارزش رقمی آیه ۳ از سوره ۳۶ را که میگوید، "قطعاً، تو یکی از رسولانی" (۶۱۲) به آن اضافه کنیم، (۲۵۰۸ = ۶۱۲ + ۷۲۵ + ۵۰۵ + ۶۶۶) بدست می آید که مضرب ۱۹ است (۲۵۰۸ = ۱۹ × ۱۳۲).

(۲۹) اگر عددی را که از حاصل جمع یکایک آیه ها بدست می آید (۱ + ۲ + ۳ + ... + n) - از ۲:۱۸۶ که برای اولین بار واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رشد" گرفته می شود تا ۳:۳۶ (که تو از رسولانی) - حساب کنیم، و عدد (۳۵) را که تعداد این سوره هاست، بعلاوه شماره ی سوره ها به آن اضافه کنیم، ۲۴۱۳۹۵، یا (۱۹ × ۱۲۷۰۵) بدست می آید (جدول ۸).

(۳۰) از حاصل جمع شماره سوره ها از سوره ای که برای اولین بار واژه ای در آن آمده که از ریشه ی "رشد" گرفته شده تا ۳:۳۶، عدد ۶۶۵، یا ۱۹ × ۳۵ بدست می آید. توجه داشته باشید که تعداد این سوره ها ۳۵ تا است (جدول ۸).

"رسولی برای اهل کتاب" (یهودیان، مسیحیان، و مسلمانان)

ای مردمی که کتاب آسمانی دارید، رسول ما، پس از مدت ها بی رسولی نزد شما آمده است، تا چیزهایی را برای شما روشن کند. مبدا بگویید، "هیچ پند دهنده یا هشدار دهنده ای برای ما نیامده است." اکنون پند دهنده و هشدار دهنده ای نزد شما آمده است. خدا بر همه چیز تواناست. [۵:۱۹]

(۳۱) پیداست که شماره این آیه ۱۹ است، که مخرج مشترک قرآن است و توسط رشاد خلیفه کشف شد، و ۱۹ واژه در قرآن وجود دارد که از ریشه ی "رشد" گرفته شده اند.

جدول ۹: سوره ها و آیه ها از اول قرآن تا ۵:۱۹		
شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع
۱	۷	۸
۲	۲۸۶	۲۸۸
۳	۲۰۰	۲۰۳
۴	۱۷۶	۱۸۰
۵	۱۹	۲۴
----	----	----
۱۵	۶۸۸	۷۰۳
		(۱۹ × ۳۷)

(۳۲) اگر ارزش رقومی نام "رشاد خلیفه" (۱۲۳۰) را با شماره این سوره (۵)، و این آیه (۱۹) جمع کنیم، چنین بدست می آید ($۱۹ \times ۶۶ = ۱۲۵۴ = ۱۲۳۰ + ۵ + ۱۹$).

(۳۳) از حاصل جمع شماره سوره ها با تعداد آیاتشان از اول قرآن تا این آیه (۵:۱۹) چنین بدست می آید: ۷۰۳، یا (۱۹×۳۷). به جدول ۹ نگاه کنید.

(۳۴) آیه ۲ از سوره ۹۸ که "حجّت" یا "دلیل روشن" نام دارد، از ظهور رسول میثاق که برای اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، و مسلمانان) خواهد آمد، خبر می دهد. اگر ارزش رقومی نام "رشاد خلیفه" را ($۷۲۵ + ۵۰۵$) به شماره این سوره (۹۸)، و این آیه (۲) اضافه کنیم، چنین بدست می آید: ($۱۹ \times ۷۰ = ۱۳۳۰ = ۷۲۵ + ۹۸ + ۲$).

آن عده از اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، مسلمانان) که ایمان ندارند، و نیز مشرکان، علیرغم نشانه های واضحه که به آنها داده شده ایمان نخوانند آورد [۹۸:۱].
رسولی از جانب خدا صحیفه های مقدس را برای آنها تلاوت می کند [۹۸:۲].

(۳۵) قابل توجه است که واژه "بینه" که "حجت" معنی می دهد، و نام سوره ۹۸ است، فقط ۱۹ بار در قرآن بکار رفته است. این هم یکی دیگر از تصدیق های ریاضی است که نشان می دهد خدا ۱۹ را که عدد اول است حتی قرار داده که ثابت می کند قرآن کتاب اوست، و رسولی که در ۹۸:۲ از او صحبت شده، "رشاد خلیفه" است.

رسولی روشنگر آمده است [۱۳ : ۴۴]

جدول ۱۰: سوره ها و آیه ها از ۱:۱ تا ۴۴:۱۳		
شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع
۱	۷	۸
۲	۲۸۶	۲۸۸
۳	۲۰۰	۲۰۳
۴	۱۷۶	۱۸۰
۵	۱۲۰	۱۲۵
-	-	-
۹	۱۲۷	۱۳۶
-	-	-
۴۱	۵۴	۹۵
۴۲	۵۳	۹۵
۴۳	۸۹	۱۳۲
۴۴	۱۳	۵۷
۹۹۰	۴۴۲۵	۵۴۱۵
		$۱۹ \times ۱۹ \times ۱۵$

(۳۶) از حاصل جمع شماره سوره ها و تعداد آیات هر سوره از ۱:۱ تا ۴۴:۱۳ چنین بدست می آید ۵۴۱۵، یا $۱۹ \times ۱۹ \times ۱۵$ (جدول ۱۰).

(۳۷) از حاصل جمع شماره این سوره (۴۴) با شماره آیه ای که از رسول میثاق خبر می دهد (۱۳)، عدد ۵۷ یا (۱۹×۳) بدست می آید. (جدول ۱۰).

پایان گرفتن دنیا

(۳۸) فقط خداست که آینده را می داند. بدیهی است که او دقیقاً می داند که این دنیا در چه تاریخی به آخر می رسد ($۴۳:۸۵$) ($۴۱:۴۷$) ($۳۳:۶۳$) ($۳۱:۳۴$) ($۷:۱۸۷$). قرآن به ما می آموزد که خدا برخی از اخبار آینده را برای رسولان منتخبش آشکار می کند. دلایل روشنی در پیوست ۲۵ نشان داده شده که ثابت می کند خدا رشاد خلیفه را طبق ۷۲:۲۷، مورد لطف قرار داد و تاریخ پایان گرفتن دنیا را بر او فاش کرد.

(۳۹) از اول قرآن تا آیه ۷۲:۲۷ دقیقاً ۵۴۷۲ ، یا (۴ × ۷۲ × ۱۹) آیه وجود دارد. توجه داشته باشید که در آیه ۲۷ از سوره ۷۲ است که از رسولی سخن می گوید که از آینده به او خبر داده می شود، و در این سوره ۴ واژه وجود دارد که از ریشه ی "رَسَدَ" گرفته می شود (آیات ۲ , ۱۰ , ۱۴ , ۲۱ سوره ۷۲). از حاصل جمع ارزش رقمی "رشاد خلیفه" (۱۲۳۰)، با شماره این سوره (۷۲)، و شماره چهار آیه ای که لغتی در آن است که از ریشه "رَسَدَ" گرفته شده، چنین بدست می آید: (۱۹ × ۷۱ = ۱۳۴۹ = ۲۱ + ۱۴ + ۱۰ + ۲ + ۷۲ + ۱۲۳۰).

(۴۰) آیه ۷۲:۲۷ با این گفته شروع می شود: "الا من ارتضى من رسول" (فقط رسولی که او انتخاب کند). جمله به رسولی اشاره دارد که خدا او را انتخاب می کند تا برخی از اخبار آینده را بر او فاش کند، و ارزش رقمی جمله ۱۹۱۹ است. (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: ارزش رقمی رسول منتخب در ۷۲:۲۷ "الا من ارتضى من رسول"	
حروف	ارزش رقمی
ا	۱
ل	۳۰
ا	۱
م	۴۰
ن	۵۰
ا	۱
ر	۲۰۰
ت	۴۰۰
ض	۸۰۰
ی	۱۰
م	۴۰
ن	۵۰
ر	۲۰۰
س	۶۰
و	۶
ل	۳۰

	۱۹۱۹

چگونه می توان رسولی راستین را از رسولی دروغین تشخیص داد

قرآن معیارهای روشنی آورده است که بوسیله آنها می توان رسولان راستین را که از سوی خدا فرستاده شده اند از رسولان دروغین تشخیص داد.

[۱] رسول خدا فقط و فقط به عبادت خدا فرمان می دهد، و از شرک و بُت پرستی به هر نحو یا تحت هر عنوان که باشد باز می دارد.

[۲] رسول خدا هرگز مزدی برای خود درخواست نمی کند.

[۳] خدا به رسولش مدرکی برای اثبات رسالت می دهد که انکارناپذیر است.

اگر کسی که مدعی رسالت است یکی از این سه شرط را نداشته باشد، یک دروغگو است.

مهمترین تفاوتی که میان یک رسول خدا و یک رسول دروغین وجود دارد این است که رسول خدا از سوی خدا پشتیبانی می شود ولی کسی که به دروغ ادعای رسالت می کند از سوی خدا پشتیبانی نمی شود:

* سربازان نامریی خدا از رسول خدا پشتیبانی می کنند
(۷۴:۳۱) (۴۸:۴, ۷) (۳۷:۱۷۱ - ۱۷۳) (۳۳: ۹) (۴۰, ۲۶: ۹) (۱۲۶ - ۱۲۴: ۳)

* گنجینه الهی پشتیبان رسول خداست (۸- ۶۳: ۷).

* پیروزی و سربلندی، در این دنیا و نیز برای همیشه برای رسول خدا و مومنان تضمین شده است
(۵۸:۲۱) (۴۰: ۵۱)

بنابراین، دیر یا زود معلوم می شود که چه کسی واقعاً رسول خداست، و چه کسی به دروغ ادعای رسالت کرده است.

وظایف اصلی رسول میثاق خدا

همانطور که در قرآن، ۳:۸۱، گفته شده رسول میثاق خدا تمام کتابهای آسمانی را که پیامبران آوردند، تصدیق می کند، و آنها را به اصل خود باز می گرداند.

رحمتی از سوی خدا [۱۰۷ : ۲۱]

وقتی مومنان با مسئله ای روبرو می شوند، برای رفع آن به دنبال راه حل می گردند، و همین همیشه باعث می شود که پرخاشگری، تفرقه، و ناهماهنگی پیدا شود. از آیات (۲۱:۱۰۷)(۳:۱۶۴)(۲:۱۵۱) یاد می گیریم که خدا به لطف بیکرانش برای ما رسولانی می فرستد تا بهترین راه حل ها را برای رفع این مشکلات به ما نشان دهد. آیه ۴۲:۵۱ به ما تعلیم می دهد که خدا رسولانش را می فرستد تا با ما ارتباط برقرار کند، و اطلاعات تازه ای پخش کند. از اینرو، در (۸۰، ۴:۶۵) دستور اکید داده شده، که تعلیماتی را که خدا از طریق رسولانش به ما می دهد قبول کنیم، و درباره آن هیچ شکی به خود راه ندهیم.

فهرستی از وظایف رسول میثاق خدا در زیر آورده شده است:

۱. آشکار کردن و اعلان معجزه ی ریاضی قرآن (پیوست ۱).
۲. افشا و حذف دو شبه آیه ۱۲۹، ۱۲۸: ۹ از قرآن (پیوست ۲۴).
۳. توضیح دادن اینکه هدف از زندگی چیست؛ و چرا در این دنیا هستیم (پیوست ۷).
۴. اعلام یک دین واحد برای جهانیان، و پاکسازی دین یهود، مسیح، و اسلام از هرگونه تحریف و بدعت (پیوست های ۱۳، ۱۵، ۱۹).
۵. اعلام اینکه زکات از شرایط نجات است (۷:۱۵۶)، و اینکه روش درست زکات دادن چگونه است (پیوست ۱۵).
۶. فاش کردن زمان پایان دنیا (پیوست ۲۵).
۷. اعلام این خبر که هر کس که قبل از ۴۰ سالگی بمیرد به بهشت می رود (پیوست ۳۲).
۸. توضیح چگونگی مرگ عیسی (پیوست ۲۲).
۹. توضیح چگونگی وحی قرآن، و سپس انتقال آن به محمد (پیوست ۲۸).
۱۰. اعلام اینکه محمد، شخصاً، آنچه را که خدا به او وحی می کرد نوشت (پیوست ۲۸).
۱۱. شرح اینکه چرا اکثر کسانی که به خدا ایمان دارند به بهشت نمی روند (پیوست ۲۷).
۱۲. اعلام این مطلب که خدا هرگز به ابراهیم فرمان نداد که پسرش را بقتل برساند (پیوست ۹).
۱۳. اعلام این خبر که سرّ خوشبختی حقیقی در چیست (پیشگفتار، صفحه هجده).
۱۴. چگونگی روش حکم های جزایی (پیوست ۳۷).

پیوست ۳

ما قرآن را آسان کردیم [۱۷ : ۵۴]

آیه ۱:۱۱ ما را آگاه می کند که معجزه ی قرآن مستلزم آن است که [۱] خردی ماوراء توان و اندیشه ی بشر این نوشتار ریاضی را در آن برنامه ریزی کرده باشد و [۲] ضمناً، از یک نظم ادبی بی مانند نیز برخوردار باشد.

شاید کسی بتواند این نظم ریاضی را در یک نمونه ساده ی ریاضی، در یک نوشتار ادبی رعایت کند. گرچه اینکار بی شک به بهای از دست رفتن کیفیت ادبی نوشتار تمام می شود. نظم ادبی، توأم با تقسیمات پیچیده ی ریاضی و حساب یکایک حروف در سراسر قرآن (پیوست ۱) گواه این حقیقت است که قرآن آسان بیان شده است تا مردم براحتی بتوانند آنرا از بر کنند، بفهمند، و بکار ببرند. برخلاف کتاب هایی که بشر آنرا می نویسد، قرآن را می توان بارها و بارها خواند و هربار از خواندنش لذت برد.

عنوان این پیوست، چندین بار در سوره ۵۴، آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰ بازگو شده است. از قرآن معلوم، قرآن از نظم ادبی ویژه ای برخوردار است که هر کس که آنرا می خواند، یا از بر می کند بیاد می آورد که عبارت درست بعدی، یا آیه ی بعد چه باید باشد. خدا ما را آفریده است و او می داند که حافظه ما چگونه بهتر کار می کند. در زمانه ای که کتاب کمیاب بود، کسانی که قرآن را از بر می کردند نقش عمده ای در نگاهداری متن اصلی قرآن، از نسلی به نسل دیگر، ایفا کردند.

کسی که قرآن را بعربی از بر می کند، بی آنکه متوجه باشد، خدا از طریق آهنگ کلمات قرآن که بر پایه ی نظم پیچیده ی ادبی استوار است به او کمک می کند. تقریباً هر آیه از قرآن دارای نُت خاصی است که من آنرا "زنگهای بیاد آورنده" می نامم. نقش این زنگها این است که خواننده را از عبارت بعدی آگاه کنند. زنگهای بیاد آورنده در سطح گسترده ای در سراسر قرآن یافت می شوند، که من فقط دو نمونه از آنها را در اینجا برای مثال می آورم:

۱. آیات ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹ در سوره ۲، با دو نام گوناگون خدا پایان می گیرند. این نامها دو تا دو تا آمده اند که بترتیب عبارتند از: "السمیع العظیم (شنوا، دانا)"، "التواب الرحیم (توبه پذیر، بخشایشگر)"، و "العزیز الحکیم (توانمند، حکیم)". اگر این یک کتاب معمولی بود، شخص بسادگی اشتباه می کرد و این شش نام را جا بجا می گفت. ولی در قرآن اینطور نیست زیرا به کمک زنگ بیاد آورنده ای که در آیه است می توانیم بفهمیم که آیه با کدام دو نام پایان می گیرد. آیه ۱۲۷ درباره ابراهیم و اسماعیل سخن می گوید که پایه های خانه کعبه را بالا می بردند. این آیه با دو نام "السمیع العظیم" پایان می گیرد. صداهای مشخص در این آیه "س"، "م"، "ع" است. این سه حرف در واژه "اسماعیل" نیز فوراً مشخص است. همانطور که می بینیم این واژه تماماً در پایان جمله آمده است و بر کیفیت ادبی آن می افزاید. پس آیه چنین می شود: "هنگامی که ابراهیم پایه های کعبه را بالا می برد، همراه با اسماعیل... معمولاً، اگر بشر بخواهد این جمله را بنویسد آنرا اینطور می نویسد، "هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های کعبه را بالا می بردند." ولی نام اسماعیل تماماً در اواخر جمله آمده، تا به کمک صدای حروف در اسماعیل بفهمیم که آن دو نام خدا که در پایان این آیه می آیند، "السمیع العظیم" است.

در آیه ۱۲۸، واژه "تب"، درست پیش از "التواب الرحیم"، آمده است. واژه "تب" در اینجا نقش زنگ بیاد آورنده را دارد که بفهمیم این آیه با کدام دو نام پایان می گیرد. دو نام خدا که آیه ۱۲۹:۲ با آن پایان می گیرد "عزیز، حکیم" است. صداهای مشخص در این آیه "ز"، "ک" است. آشکارا، واژه "یزکیهم" در این آیه نقش زنگ بیاد آورنده را دارد.

۲. مثال بسیار جالب دیگر در آیه های ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶:۳ آمده است، که عذاب کافران را بترتیب، "عظیم (سهمگین)"، "الیم (دردناک)"، و "مُهین (خوار کننده)" وصف می کند. اگر بشر کتابی بنویسد، کسی که آنرا از بر می کند باسانی می تواند این سه را با هم اشتباه کند و آنها را جابجا بگوید. ولی همانطور که می بینیم بخاطر زنگ بیاد آورنده ای که قبل از این کلمات در این آیه ها آمده چنین اشتباهی رخ نمی دهد. در آیه ی ۱۷۶، واژه "حظاً" پیش از واژه "عظیم" آمده است، که روی حرف "ظ" تأکید دارد (تشدید). این برای آن است که به ما بفهماند که آیه با کدام واژه به پایان می رسد. واژه "الایمن"، پیش از واژه "الیم" در آیه ۱۷۷، نقش زنگ بیاد آورنده را دارد. و دو حرف "م"، "ه" در ۱۷۸:۳ پیش از واژه "مُهین" به همین دلیل به دفعات بازگو شده اند.

نمونه های دیگری از زنگهای بیاد آورنده در بسیاری از آیات قرآن از جمله در پایان ۱۷۳:۳ و آغاز ۱۷۴:۳، در پایان ۵۲:۴ و آغاز ۵۳:۴، در پایان ۶۱:۴ و آغاز ۶۲:۴، در پایان ۵۳:۱۸ و آغاز ۵۴:۱۸ دیده می شود.
* * * * *

پیوست ۴

چرا قرآن به زبان عربی نازل شد؟

از ۴۴:۴۱ چنین می آموزیم که مومنانی که صداقت دارند علیرغم زبان مادری خود، به مفاهیم قرآن دسترسی پیدا می کنند. از طرفی دیگر، ناباوران، اجازه ندارند به مفاهیم آن دست یابند، حتی اگر در عربی استاد باشند) (۱۷:۴۵؛ ۱۸:۵۷؛ ۴۱:۴۴؛ ۵۶:۷۹).

زبان عربی کاملترین زبان دنیاست، خصوصاً وقتی قوانین باید با جزئیات بیان شوند. از آنجا که قرآن، کتاب قانون است، بسیار مهم بود که قوانین بطور واضح و قاطع بیان شوند. خدا برای آخرین کتاب آسمانی اش زبان عربی را انتخاب کرد زیرا این زبان به دلایلی که روشن است مناسب ترین زبان برای این منظور می باشد. زبان عربی از نظر نکته سنجی و کارآرایی همتا ندارد. برای مثال، در زبان انگلیسی [یا فارسی] از واژه "آنها" نمی توان فهمید که "آنها" مذکر هستند یا مؤنث. در صورتیکه در زبان عربی، یک "آنها" برای مذکر بکار می رود "هُنَّ"، و یک "آنها" برای مؤنث "هُنَّ". حتی یک "آنها" هست که برای دو مذکر بکار می رود "هُمَا"، و یک "آنها" برای دو مؤنث "هُتَانِ". هیچ زبان دیگری در دنیا دارای این ویژگیها نیست. برای مثال، هنگامی که آیه ۲:۲۲۸ را ترجمه کردم قابلیت زبان عربی را تحسین کردم. این آیه به زن حامله ای که می خواهد طلاق بگیرد سفارش می کند که اگر شوهرش خواهان آشتی است از خواست خود صرف نظر کند و از او طلاق نگیرد. زیرا مصلحت فرزند در اولویت قرار دارد. کارآرایی زبان عربی در بیان این قانون بسیار مؤثر بود. در هیچیک از سایر زبانها تقریباً امکان نداشت که به این راحتی بتوان فهمید که خواست چه کسی بر خواست دیگری ارجحیت دارد؛ لااقل نه در چند واژه ی کوتاه چنانکه در ۲:۲۲۸ می بینیم.

باز هم برای نمونه، در ۲۸:۲۳ برای ترجمه ی واژه "فالتا" به زبان انگلیسی [یا به زبان فارسی]، به چهار واژه نیاز داریم: "The two women said" [آن دو زن گفتند]. در زبان عربی فقط یک واژه کافی است.

یکی دیگر از دلایلی که احتمالاً در انتخاب زبان عربی مؤثر بوده این است که در عربی ضمیر "او" نشانگر جنسیت نیست. از اینرو، وقتی "او" برای خدا بکار می رود، دلالت به جنس مرد یا زن ندارد. شکوه و جلال خدا ستایش باد که ذات اقدس او از مذکر، و مؤنث مبرا است. ولی وقتی برای مثال، در زبان انگلیسی "او مذکر" را برای خدا بکار می برند، تصور غلطی از خدا به مردم می دهد. اینگونه نکات دستوری باعث شد که واژه "پدر" برای خدا تحریف شود و چیزی نتوانست جلودار آن باشد. چنین عطف و اشاره ای را هرگز در قرآن نمی بینید.

پیوست ۵

بهشت و دوزخ

توصیف بهشت و جهنم در سراسر قرآن، جنبه ی تمثیلی دارد. و قرآن به ما می گوید که چه وقت یک چیز بطور تمثیلی بیان شده، و معنی آن جدا از چیزی است که همه با آن آشنایی دارند. به این آیه ها نگاه کنید: (۱۵:۴۷ ; ۱۳:۳۵ ; ۲۶-۲۴: ۲). واژه "مَثَل" (تمثیلی، کنایه ای) در این آیه ها بکار رفته است. اگر این واژه را در این آیه ها حذف کنیم، باز هم جمله از نظر دستور زبان کامل است، و از کیفیت آن کاسته نمی شود. ولی واژه "مَثَل" در آن جملات آمده است تا روشن کند که بهشت و جهنم، بطور تمثیلی وصف شده اند.

اینکه بهشت و جهنم واقعاً چگونه جایی است از درک ما بیرون است. به همین دلیل، نیاز به مثال و شبیه سازی است.

مثلاً، چگونه می توان مزه شکلات را برای کسی که تا کنون شکلات نخورده است وصف کرد؟ باید آنرا به چیزی مثال زد. تا اینکه او خودش بعداً شکلات بخورد و بداند که آن برآستی چه مزه ای می دهد. هر مثالی هم که ما بیاوریم هرگز نمی تواند مزه شکلات را بدانگونه که واقعاً هست بیان کند.

بهشت از قبل وجود داشت، آدم و حوا در دوران بی گناهی در آنجا می زیستند (۲:۳۵). از سوره ۵۵ چنین می آموزیم که دو "بهشت برین" - یکی برای آدمیان و یکی برای جن ها- و دو "بهشت زیرین" - یکی برای آدمیان و یکی برای جن ها وجود دارد (به پیوست ۱۱ نگاه کنید).
دوزخ (جهنم موعود) هنوز آفریده نشده است. آن، روز قیامت آفریده خواهد شد (۸۹:۲۳ ; ۶۹:۱۷). به پیوست ۱۱ نگاه کنید.

مقایسه ی بهشت برین با بهشت زیرین

تفاوت زیادی میان بهشت برین و بهشت زیرین وجود دارد. آب، بطور تمثیلی، در بهشت برین به فراوانی جریان دارد (۵۵:۵۰)، درحالیکه در بهشت زیرین آب را باید بیرون کشید (۵۵:۶۶).

بهشت برین، بطور تمثیلی، دارای انواع و اقسام میوه هاست (۵۵:۵۲)، درحالیکه میوه های بهشت زیرین محدود است (۵۵:۶۸).

باز هم بطور تمثیلی، همسران پاک، بی درنگ به همسرانشان در بهشت برین می پیوندند (۵۵:۵۶)، درحالیکه ساکنان بهشت زیرین خودشان باید بروند و همسرانشان را بیاورند (۵۵:۷۲).

با اینهمه، حتی بهشت زیرین نیز برای کسانی که به اندازه کافی سعادت داشتند که از جهنم در امان باشند و به آنجا بروند پاداشی بزرگ است (۳:۱۸۵) - راه یافتن به بهشت زیرین پیروزی بزرگی است. کسانی که قبل از چهل سالگی از این دنیا می روند، و نمی توانند روح شان را بقدر کافی پرورش دهند، به بهشت زیرین خواهند رفت (۴۶:۱۵، پیوست های ۱۱ و ۳۲). بهشت برین در انحصار کسانی است که ایمان آوردند، پرهیزگاران زندگی کردند، و روح شان را بقدر کافی وسعت بخشیده اند.

همین قدر که کسی از مرز دوزخ بگذرد و به بهشت وارد شود، به موفقیتی پُرشکوه دست یافته است [۳:۱۸۵]

پیوست ۶

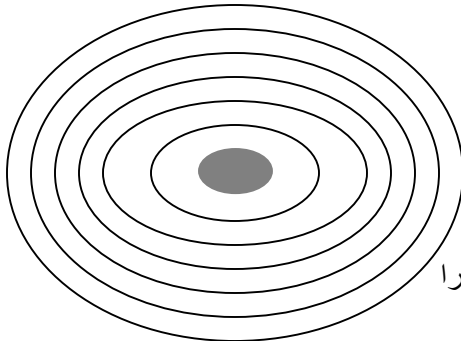
عظمت خدا

از آیه ۶۷:۳۹ می آموزیم که عظمت خدا در اندیشه ی آدمی نمی گنجد - این آیه می گوید که هر هفت جهان "در دست خدا درنور دیده است."

از اعجاز کد ریاضی قرآن، می فهمیم که جهان ما درون هفت جهان دیگر قرار دارد و کوچکترین جهان هاست (۱۲- ۷۲:۸ ; ۶۷:۵ ; ۵۵:۳۳ ; ۱۲:۴۱). بعلاوه، با پیشرفت دانش اینک می دانیم که از این سر کهکشان ما تا آن سر کهکشان ما، که راه شیری نام دارد، ۱۰۰,۰۰۰ سال نوری فاصله است، و می دانیم که جهان ما دارای میلیاردها کهکشان و بیلیون ترلیون ستاره، و دسیلیون اجرام آسمانی غیرقابل شمارش است. تخمین می زنند که از این سر جهان ما تا آن سر جهان ما بیش از ۲۰ میلیارد سال نوری فاصله باشد.

شمارش ستارگان!

اگر تنها یک کوآنتلیون [۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰] ستاره را در نظر بگیریم و ثانیه ای یک ستاره را فقط بشماریم، و شب و روز به این کار مشغول باشیم، ۳۲ میلیارد سال (بیش از عمر کائنات) وقت لازم است که آنها را [از ۱ تا کوآنتلیون] بشماریم. فقط شمارش آنها تا این اندازه به درازا می کشد؛ و حال آنکه خدا آنها را "آفرید". عظمت خدا چنین عظمتی است.



اگر تصور کنیم که به یک سفر پر ماجرای فضایی رفته ایم، تازه می فهمیم که در چه جهان پهناوری هستیم. هنگامی که با سرعت نور از زمین به سوی خورشید حرکت می کنیم، پس از ۹۳,۰۰۰,۰۰۰ مایل [مایل = ۱.۶۱ کیلومتر] یا ۸ دقیقه به خورشید می رسیم. بیش از ۵۰,۰۰۰ سال نوری وقت لازم است که از کهکشان خود بیرون رویم. از دورترین نقطه راه شیری، سیاره زمین غیر قابل رؤیت است. حتی قوی ترین تلسکوپ ها نمی توانند زمین خُرد و کوچک ما را شناسایی کنند.

بیش از ۲,۰۰۰,۰۰۰ سال نوری وقت لازم است که بتوانیم به کهکشانی که در همسایگی ما قرار دارد برسیم. حداقل ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ سال نوری وقت لازم است تا بتوانیم به دورترین نقطه ی جهان خودمان برسیم. از دورترین نقطه ی جهان ما، حتی کهکشان راه شیری به توده ای از خاک می ماند که در فضایی بزرگ پخش است.

دومین جهان، جهان ما را احاطه می کند. سومین جهان از دومی پهناورتر است، و همینطور ادامه می یابد. درست تر بگوییم، جهان ما، باید هفتمین جهان بشمار آید، که ششمین جهان، آن را احاطه کرده است، و پنجمین جهان ششمین جهان را احاطه کرده است، و همینطور ادامه پیدا می کند تا جهان اول. آیا می توانید وسعت اولین، و دورترین جهان را تصور کنید؟ هیچ عددی وجود ندارد که بتوان محیط جهان اول را با آن به تصور آورد. این وسعت غیر قابل درک "در مُشت خداست." از منتهای جهان اول، اصلاً زمین کجا هست؟ این چه پُرمعناست؟ در نقطه ی کوچکی از کائنات سیاره ای بنام زمین وجود دارد، و موجوداتی میکروسکوپی مانند مریم، عیسی، و محمد در آنجا زندگی کردند. حال، برخی از مردم این انسان های ناتوان را به خدایی می رسانند!

نه تنها این واقعیت که خدا هفت جهان را در مُشت خود دارد گواه بر عظمت اوست، بلکه این امر که خدا یکایک اتم ها، و حتی ترکیبات تشکیل دهنده شان را نیز در هر نقطه از جهان هستی تحت کنترل دارد گواه بر عظمت او می باشد (۶:۵۹)، (۱۰:۶۱)، (۳۴:۳).

پیوست ۷

اصلاً چرا آفریده شدیم؟

ما به این علت در این دنیا بسر می‌بریم که گناهی بس هولناک مرتکب شده ایم، و زندگی این دنیا فرصتی است که به ما داده شده تا دیگر بار خود را نجات دهیم، شرک خود را علناً محکوم کنیم، و به درگاه خدا بپیونددیم.

تمام ماجرا از آنجا آغاز شد که میلیاردها سال پیش "نزاعی در ملکوت اعلی در گرفت" (۳۸:۶۹). یکی از مخلوقات بلند پایه، یعنی شیطان، از روی جاه طلبی و تفرعن به فکر افتاد که خود نیز می‌تواند با قدرتی که خدا به او داده در کنار خدا خدایی کند و بدین ترتیب مقام قدوسی خدا را زیر سوال برد. پندار شیطان نه تنها کفرآمیز بود، بلکه بکلی نیز غلط بود - فقط خداست که توانایی و قابلیت لازم را برای خدایی دارد. به دنبال این کفر شیطانی، در ملکوت اعلی تفرقه ایجاد شد، و کلیه مخلوقاتی که در قلمرو خدا بودند به چهار دسته طبقه بندی شدند:

۱. فرشتگان: مخلوقاتی که از اول به مقام قدوسی خدا معترف بودند.
۲. حیوانات: مخلوقاتی که اول عصیان ورزیدند ولی بعد دعوت خدا را برای توبه پذیرفتند.
۳. جن ها: مخلوقاتی که با شیطان موافق بودند؛ که او نیز می‌تواند "خدا" باشد.
۴. آدمیان: مخلوقات غیرمصمم؛ آنها نتوانستند با قاطعیت پای این اعتقاد بایستند که مقام قدوسی فقط از آن خداست.

الرحیم

فرشتگان انتظار داشتند خدا مخلوقاتی را که به مقام قدوسی او معترف نیستند از درگاهش تبعید کند (۲:۳۰). ولی خدا که پیمانۀ پرمهرش از رحم و گذشت و بخشایش سرشار است [الرحیم] تصمیم گرفت به ما مهلتی دیگر بدهد تا به اشتباه خود اعتراف کنیم، و سپس به فرشتگان خبر داد که چیزهایی می‌داند که آنان نمی‌دانند (۲:۳۰). خدا می‌دانست که بعضی از مخلوقات این شایستگی را دارند که مهلتی دیگر به ایشان داده شود تا نجات پیدا کنند.

تو، ابلیس، در دل خود گفتی:
 "من به آسمان ها صعود خواهم کرد.
 بر فراز ستارگان خدا.
 من بر تخت خود جلوس خواهم کرد.
 و کرسی خود را
 بر کوه اجتماع،
 در منتهی الیه شمال خواهم افراشت.
 من بر فراز بلندی های ابرها صعود خواهم کرد؛
 و مثل حضرت اعلی خواهم شد!"
 [اشعیاء پیامبر، فصل ۱۴، از ۱۳ تا ۱۵]

پس ابلیس عیسی را بر فراز کوهی بلند برد و تمام ممالک جهان را با شکوه و جلالش به او نشان داد، و وعده داد: "اگر در برابر من سجده و کرنش کنی همانا که همه اینها را به تو ارزانی خواهم کرد." در این هنگام، عیسی به او گفت، "دور شو، ای شیطان!
 در کتاب آسمانی آمده است که:
 خدا را که پروردگار تست سجده کن؛
 و فقط او را بپرست."

[انجیل متا، فصل ۴، از ۸ تا ۱۰] و
 [انجیل لوقا، فصل ۴، از ۵ تا ۸]

اگر شما ادعا داشته باشید که می‌توانید هوایمایی را هدایت کنید، بهترین راه برای آزمودن این ادعا آن است که هوایمایی را در اختیار شما قرار دهند و هدایتش را بعهده ی شما واگذارند. خدا نیز در پاسخ به ادعای شیطان دقیقاً همین کار را انجام داد. خدا هفت جهان پهناور را آفرید، سپس به فرشتگان خبر داد که شیطان را به خدایی برای منطقه ای بسیار ناچیز بنام "زمین" تعیین می‌کند (۲:۳۰). آنچه قرآن درباره تعیین شیطان همچو خدای موقت نقل می‌کند (۳۶:۶۰)، با آنچه که در کتاب-های آسمانی پیشین آمده منطبق است.

تدبیر خداوندی بر این قرار گرفت که مرگ را خلق کند (۲-۱: ۶۷)، آنگاه، آدمیان و جن ها را به این دنیا بیاورد تا، آنها بدون هیچ تعصبی، همه چیز را از نو شروع کنند، و در نهایت آزادی، یا از مقام قدوسی خدا پاسداری کنند، یا از فرضیه چند خدایی شیطان. برای اخذ تصمیم در این امر حیاتی، هر انسانی پیامی از سوی خدا دریافت می‌کند که وی را به پاسداری از مقام قدوسی خدا فرا می‌خواند، و پیامی از سوی شیطان نیز دریافت می‌کند که مرام چند خدایی یا شرک را تشویق می‌کند.

برای این شروع جدید، خداوند بسیار مهربان تمام انسانها را پیش از آنکه به این دنیای خاکی بفرستد، نزد خود گرد آورد، و همگی شهادت دادیم که او تنها مولا و تنها سرور ماست (۷:۱۷۲). از اینرو، حمایت از مقام قدوسی خدا، بصورت فطری در سرشت هر انسانی قرار دارد و این فطرت از انسان جدا شدنی نیست.

پس از آنکه خدا عصیانگران را به مرگ رسانید، روح آدمیان و جن ها را در جایی مخصوص قرار داد. سپس خدا کالبدی آفرید که هم برای روح جن مناسب باشد و هم برای روح آدمی تا هر دو در طی دوره آزمایش در یک کالبد جا داده شوند. کالبد اولین جن از آتش درست شد، و شیطان در آن کالبد جا داده شد (۱۵:۲۷). کالبد اولین آدم از عناصر خاک، از گل، درست شد (۱۵:۲۶)، و خدا نخستین روح آدمی را در آن جای داد. تدبیر الهی چنین بود که فرشتگان متعهد شوند که در زمین به آدم خدمت کنند - نگاهبانی از آدمیان، حرکت دادن باد و باران برای ایشان، تقسیم رزق و روزی، و غیره از جمله خدمت هایی است که فرشتگان به آدم می کنند. همین واقعیت بطور تمثیلی در قرآن بیان شده است: "پروردگارت به فرشتگان گفت، به آدم سجده کنید." و مسلم است که شیطان نمی خواست کوچکترین سهمی در خدمت به نژاد آدم داشته باشد (۲۰:۱۱۶؛ ۵۰:۱۸؛ ۱۷:۶۱؛ ۷:۱۱؛ ۲:۳۴).

هنگامی که کالبد آدم در زمین وجود داشت، روح آدمی که شخص واقعی است، اجازه یافت به بهشت وارد شود؛ بهشت، بعد از هفت جهان است. خدا دستورات ویژه ای را به آدم داد، که این مطلب بعنوان "درخت ممنوعه" بیان و فهمانده شده است، و شیطان بعنوان همزاد آدم تعیین شد تا پیام شیطانی اش را به انسان ابلاغ کند. بقیه ی ماجرا، رویدادهای تاریخ است.

هرگاه که یک آدم به دنیا می آید، روح یک آدم، از محلی که روح ها در آنجا نگاهداری می شوند، برای کالبد این نوزاد انتخاب می شود. خدا هر روح را طبق شناخت خود در کالبدی جای می دهد (۲۸:۶۸). هر کس (هر روح) سزاوار آن است که در کالبدی خاص جای گیرد، و تحت شرایطی خاص زندگی کند. فقط خدا می داند که کدام روح ها خوب، و کدام روح ها پلید هستند. فرزندان ما به تدبیر خدا در خانه و خانواده ما به دنیا می آیند.

برای هر انسان تازه تولد یافته، یک جن مستقل نیز انتخاب می شود تا دیدگاه های شیطانی را در او تقویت کند. اگرچه کالبد فیزیکی جن ها از یک پدر و مادر جن متولد می شود، ولی جن، فردی مستقل است. جن ها از نسل شیطان هستند (۷:۲۷؛ ۱۸:۵۰). جنی که برای هر انسان تعیین شده از لحظه تولد تا لحظه مرگ همراه و همدم اوست، و روز رستاخیز وی بعنوان شاهد اصلی شهادت خواهد داد (۲۳: ۵۰). روح آدمی و روح جنی در ذهن ما مدام مشغول مشاجره هستند تا سرانجام هر دو با هم هم عقیده شوند.

گناه اصلی

خوردن از درخت ممنوعه و نافرمانی آدم از خدا، برخلاف آنچه مردم عقیده دارند، "گناه اصلی" نبود. گناه اصلی این بود که ما نتوانستیم در آن نزاع بزرگ با قاطعیت پای این اعتقاد بایستیم که فقط خدا صاحب مقام قدوسی است. (یعنی تمام قدرت ها فقط از آن خداست و مقام الوهیت فقط برارنده اوست). اگر انسان بتواند جن خود را متقاعد کند که به گناه اصلی خود اعتراف کند، و پشتیبان مقام قدوسی خدا باشد، هر دو مخلوق مورد عفو و بخشایش خدا قرار می گیرند و روز رستاخیز به سلطنت جاوید خدا باز می گردند. ولی اگر جن همزاد، بتواند انسان را به شرک و بُت پرستی متقاعد کند، آنگاه هر دو مخلوق برای همیشه از درگاه خدا تبعید می شوند.

شیطان و نمایندگاناش، برای اشاعه عقاید اهریمنی خود، به ما فرمان می دهند که در برابر مخلوقات ناتوانی چون محمد، عیسی، مریم، و سایر مومنان پارسا اظهار بندگی و کرنش کنیم. از آنجا که ما به دلیل گرایشی که به شرک داشتیم به این دنیا آمده ایم، اکثریت ما باسانی طعمه ی شیطان می شویم.

با استناد بر میزان فساد، بیماریها، حوادث ناگوار، فقر و بدبختی، و جنگ در دایره ی محدود قدرتمندی شیطان اینک ثابت شده است که او برای خدا شدن و خدایی کردن صلاحیت ندارد (۶۲- ۳۶:۶۰). از طرفی دیگر، انسانهایی که شیطان را از خود دور می کنند، و مقام قدوسی خدا را عملاً پاس می دارند، و از بُت کردن مخلوقات ناتوان و مُرده مانند عیسی و محمد دست بر می دارند، دوباره در پناه خدا قرار می گیرند - آنان از یک زندگی ایده آل در این دنیا و در آخرت برخوردار می شوند.

از آنجا که زندگی دنیا یک سلسله آزمایشات پی در پی است که در نتیجه ی آن تمایل ما نسبت به شرک / چند خدایی معلوم می شود، تنها گناه غیر قابل بخشش، شرک است (۱۱۶ ، ۴:۴۸). خدا این دنیا را پدید آورد تا معلوم شود که آیا تصمیم داریم از مقام قدوسی خدا پاسداری کنیم، یا از دیدگاه های شرک آمیز شیطان (۲ - ۶۷:۱). روزها و شب ها پی در پی می گذرند تا تمایل ما در پیروی از فرمان خدا با بجا آوردن نماز پگاه و روزه داری در گرم ترین و بلندترین روزها معلوم شود. فقط افرادی که به قدرت بی چون و چرای خدا هیچ شکی ندارند و برای کسی جز او هیچگونه الوهیتی قائل نمی شوند مورد بخشایش قرار می گیرند (۲۶:۸۹).

پیوست ۸ افسانه ی شفاعت

اعتقاد به اینکه کسی جز خدا، می تواند برای ما شفاعت کند تا گناهانمان آمرزیده شود، یا دعای ما مستجاب شود، بمنزله آن است که برای خدا شریک گرفته باشیم. این کار شرک و بت پرستی است. قرآن اعلام می کند که ” هر شفاعتی متعلق به خداست“ (۳۹:۴۴)، و اضافه می کند که ” در قیامت هیچ شفاعتی در کار نیست“ (۲:۲۵۴).

افسانه ی شفاعت یکی از مؤثرترین ترفندهای شیطان است که با آن میلیونها نفر را به دام شرک گرفتار کرده است. میلیونها مسیحی معتقدند که عیسی نزد خدا شفاعت شان را خواهد کرد، و میلیونها مسلمان معتقدند که محمد شفاعت آنها را خواهد کرد. در نتیجه، این افراد عیسی و محمد را بت کرده اند.

شفاعت بکلی غیرمنطقی است. برای مثال، کسانی که معتقدند محمد برای آنها شفاعت خواهد کرد، می گویند، پیامبر از خدا درخواست خواهد کرد که آنها را بیمارزد و به بهشت وارد کند. آنها خیال می کنند که محمد در روز رستاخیز از میان سیل داوطلبان، چند نفری را برای شفاعت انتخاب می کند. حال اگر از کسانی که به شفاعت عقیده دارند پرسید: ” محمد از کجا می تواند تشخیص دهد که چه کسی لیاقت شفاعت را دارد و چه کسی برای آن واجد شرایط نیست؟“ به شما پاسخ می دهند، ” خدا به او خواهد گفت!“ یعنی، نخست، شخص نزد محمد می رود و از او تقاضای شفاعت می کند. سپس محمد از خدا می پرسد که آیا این شخص استحقاق شفاعت را دارد، یا نه! آنگاه خدا محمد را آگاه می کند که بله فلان کس استحقاق بهشت را دارد. سپس محمد رو به خدا می کند و می گوید: خدایا، این شخص استحقاق بهشت را دارد! کفر از این واضح تر؟! کسانی که به شفاعت ایمان دارند، خدا را منشی معبود خود، محمد، قرار می دهند. پاک است و برتر است از آنچه که برای او شریک می گیرند.

از آنجا که قرآن کتابی درست و نکته سنج است، تصدیق می کند که بهشتیان به شفاعت از کسانی که دوستانشان دارند برمی خیزند: ”خدایا، لطفاً مادرم را به بهشت وارد کن.“ این شفاعت در صورتی عملی می شود که مادر آن شخص استحقاق رفتن به بهشت را داشته باشد (۲۱:۲۸؛ ۲۰:۱۰۹؛ ۲:۲۵۵). به بیان دیگر، چنین شفاعتی، اگرچه ممکن است صورت بگیرد، کاری است بیهوده.

ما از قرآن می آموزیم که ابراهیم، بنده ی محبوب خدا، نتوانست برای پدرش شفاعت کند (۹:۱۱۴). نوح نتوانست برای پسرش شفاعت کند (۱۱:۴۶). محمد نتوانست برای عمو (۳ - ۱۱۱:۱)، یا سایر خویشاوندانش شفاعت کند (۹:۸۰). چه چیز باعث شده که کسی فکر کند که پیامبران، یا ائمه برای یک ناشناس شفاعت کنند؟! به این آیات نگاه کنید [از چپ به راست - سوره، آیه]: (۱۰:۳) (۷:۵۳) (۶:۵۱، ۷۰، ۹۴) (۲:۴۸، ۱۲۳) (۷۴:۴۸) (۵۳:۲۶) (۴۳:۸۶) (۴۰:۱۸) (۳۹:۴۴) (۳۶:۲۳) (۳۲:۴) (۳۰:۱۳) (۲۶:۱۰۰) (۱۹:۸۷)

آیه ۲۵:۳۰، از شفاعت پیامبر حکایت ها دارد.

پیوست ۹

ابراهیم، پایه گذار دین اسلام

یکی از افسانه های رایج این است که محمد پایه گذار دین اسلام بود. گرچه اسلام، (با جان و دل تسلیم خدا بودن،) از زمان آدم تا آخر دنیا تنها دینی است که مورد قبول خداست (۸۵، ۱۹:۳)، ولی به گزارش قرآن، ابراهیم، اولین کسی است که واژه "اسلام" را بکار بُرد و ما را "مسلمان" نامید (۲۲:۷۸). تسلیم سرمشق آفرین ابراهیم به خدا هنگامی نشان داده شد که وقتی که وی تصور کرد که خدا به وی فرمان داده که پسرش، اسماعیل، را قربانی کند، با جان و دل پذیرفت. از قرار معلوم، این فرمان از سوی شیطان بود.

خدا هرگز به ابراهیم فرمان نداد که پسرش را قربانی کند

خدا از رحم و بخشایش سرشار است [الرحیم]. او هرگز خلاف قانون خود رفتار نمی کند (۷:۲۸). هر کس باور کند که آن وجود بخشایشگر به ابراهیم فرمان داد که پسرش را قربانی کند، هرگز به بهشت نخواهد رفت. یک چنین پندار شیطانی درباره خدا کفر است؛ کفری سهمگین. در هیچ جای قرآن دیده نمی شود که خدا به ابراهیم دستور داده باشد که فرزندش را بقتل برساند. بعکس، خدا با مداخله ی خود ابراهیم و اسماعیل را از ترفند شیطان حفظ کرد (۳۷:۱۰۷)، و به ابراهیم گفت، "تو خواب را باور کردی" (۳۷:۱۰۵). بدون شک، آن خواب، یک خواب شیطانی بود. قانون غیر قابل تغییر خدا این است: "خدا هرگز به گناه فرمان نمی دهد" (۷:۲۸).

مَلَّة ابراهیم

قرآن (۲۲:۷۸ ; ۲۱:۷۳ ; ۱۶:۱۲۳ ; ۳۸-۳۷:۱۲ ; ۱۶:۱۶۱ ; ۴:۱۲۵ ; ۳:۹۵ ; ۱۳۵ , ۱۳۰:۲)، دین اسلام را دین ابراهیم (مَلَّة ابراهیم) می نامد. در ضمن، قرآن به ما خبر می دهد که محمد پیرو ابراهیم بود (۱۶:۱۲۳).

از آنجا که عموم مردم از این حقیقت بی خبرند که ابراهیم پایه گذار دین اسلام بود، بسیاری از افراد به اصطلاح مسلمان درستی سخن خدا را زیر سوال می برند: "اگر (همانطور که خدا گفته است) قرآن کتابی کامل است که جزئیات در آن آمده، پس در کجای آن تعداد رکعت های هر نماز را می توان پیدا کرد؟" قرآن به ما می آموزد که تمام تکالیف دین اسلام از قبل از نزول قرآن بود (۲۷:۲۸ ; ۲۷:۲۲ ; ۲۱:۷۳ ; ۱۶:۱۲۳ ; ۹:۵۴ ; ۸:۳۵). آیه ۱۲۳: ۱۶ گواه آن است که تمام تکالیف دین اسلام تا زمان تولد محمد همچنان دست نخورده باقی مانده بود. به محمد سفارش شده بود که "از دین ابراهیم پیروی کند." اگر من از شما بخواهم که یک تلویزیون رنگی بخرید، پس شما می دانید که تلویزیون رنگی چیست. مانند آن، وقتی خدا به محمد فرمان داد که از تکالیف دین ابراهیم پیروی کند (۱۶:۱۲۳)، پس تکالیف دین ابراهیم باید بخوبی شناخته شده باشد.

دلیل دیگری که نشان می دهد خدا تکالیف دین اسلام را به همان صورتی که به ابراهیم داده بود حفظ کرد، این است که "همه در درست بودن این تکالیف اتفاق نظر دارند." هیچ اختلافی درباره تعداد رکعت های نمازهای پنجگانه نیست. همین ثابت می کند که خدا نماز را از دستبرد حفظ کرده است. کد ریاضی قرآن تصدیق می کند که تعداد رکعت ها در نمازهای پنجگانه بترتیب (از چپ به راست) ۴، ۳، ۴، ۴، ۲ است. عدد ۲۴۴۳۴ مضرب ۱۹ است (۱۷ × ۱۹).

قرآن فقط آن دسته از تکالیف دینی را که تحریف شدند یاد آوری و اصلاح می کند. برای مثال، وضو که از اصل خود تغییر داده شده بود در ۵:۶ دوباره بیان شد تا اصلاح شود و چهار مرحله ی آن گام بگام گفته شد. تن صدای نمازگزار را تغییر داده بودند - بسیاری از مسلمانان نماز خود را در دل می خوانند؛ بنابراین، در قرآن اصلاح شد، ۱۷:۱۱۰. در ضمن، احکام روزه تحوّل پیدا کرد و رابطه جنسی در شب های ماه رمضان آزاد شد (۲:۱۸۷). زکات در آیه ۶:۱۴۱ اصلاح شد، و دوباره مشخص شد که در اصل کدام ماه ها برای حج معین شده بودند (به پیوست ۱۵ نگاه کنید).

پیوست ۱۰

چرا خدا ضمیر اول شخص جمع را بکار برده است

در جهان انگلیسی زبانان، که مَرَام تثلیث متداول است، بعضی از مردم کنجکاوند که بدانند به چه دلیل گاهی خدا در قرآن از ضمیر اول شخص جمع استفاده کرده است. تنها پیام قرآن که به هیچ وجه کوچکترین تغییر یا سازی در آن امکان پذیر نیست این است: **”خدا یگانه و یکتا است“** (۵:۷۳) (۴:۱۷۱) (۲:۱۳۳, ۱۶۳) (۵۱, ۱۶:۲۲) (۵۲, ۱۴:۴۸) (۱۳:۱۶) (۱۲:۳۹) (۹:۳۱) (۶:۱۹) (۱۱۲:۱) (۴۱:۶) (۴۰:۱۶) (۳۹:۴) (۳۸:۶۵) (۳۷:۴) (۲۲:۳۴) (۲۱:۱۰۸) (۱۸:۱۱۰)

هرگاه خدا ضمیر اول شخص جمع را بکار برده است، برای آن است که نشان دهد که برخی دیگر از موجودات از قبیل فرشتگان در کار شرکت داشته اند. برای مثال، لازم بود که جبرئیل، فرشته خدا، و محمد، پیامبر خدا در کار نزول قرآن شرکت داشته باشند. از اینرو، در ۱۵:۹ می فرماید: **”ما این کتاب را نازل کردیم، و ما آنرا حفظ خواهیم کرد.“** ضمیر اول شخص جمع در اینجا نشان می دهد که فرشته خدا، جبرئیل، و پیامبر خدا، محمد در تحویل قرآن شرکت داشته اند.

نمونه دیگر، دمیدن حیات در وجود آدم و عیسی است. آفرینش آدم در بهشت انجام شد. و خدا مستقیماً در او امید تا به او زندگی ببخشد. از اینرو، در این مورد، همیشه از ضمیر اول شخص مفرد استفاده شده است: **”من از روح خود در آدم دمیدم“** (۳۸:۷۲ ; ۱۵:۲۹). از سوی دیگر، آفرینش عیسی، در زمین انجام شد، و جبرئیل **”کلمه“** ی خدا را به مریم رساند. پس وقتی از آفرینش عیسی سخن می گوید، از ضمیر اول شخص جمع استفاده شده است (۶۶:۱۲ ; ۲۱:۹۱).

وقتی خدا مستقیماً، و بدون واسطه ی فرشتگان، با موسی سخن گفت، می بینیم که خدا ضمیر اول شخص مفرد را بکار می برد: **”من خدا هستم. خدایی جز من نیست. فقط مرا عبادت کن، و نماز را مرتب بپا دار تا از من یاد کرده باشی.“** (۱۴-۲۰:۱۲). هرگاه سخن از پرستش یا عبادت خدا به میان آمده باشد، ضمیر اول شخص مفرد بکار رفته است (۵۱:۵۶).

پیوست ۱۱

روز رستاخیز

صور دمیده می شود، که پس از آن همه در آسمانها و زمین از هوش می روند، جز کسانی که خدا آنان را برهاند. سپس برای دومین بار در آن دمیده می شود، که همگی بپا می خیزند. [۳۹ : ۶۸]

تمام نسلهای انس و جن روی همین زمین برانگیخته خواهند شد؛ چیزی در حدود ۱۵۰ میلیارد تن. ولی ما دیگر مخلوقات زمینی نخواهیم بود. خدا این را با مثال کرم ابریشم به ما تعلیم می دهد؛ کرم ابریشم در پیله (گور) به شفیره تبدیل می شود، سپس به شکل پروانه ای سُبک بال از پیله (گور) بیرون می آید. ما هم همینطور، در زمین زندگی می کنیم، و وقتی روز قیامت از گور بیرون می آییم، دیگر از مخلوقات زمینی نخواهیم بود؛ مانند پروانه (۴ : ۱۰۱).

وقتی خدا با فرشتگان به جهان ما می آیند (۸۹:۲۲)، زمین از نور خدا خواهد درخشید (۳۹:۶۹). از آنجا که دنیای ما قلمرو موقتی شیطان است، نمی تواند حضور فیزیکی خدا را متحمل شود (۷:۱۴۳). در نتیجه، وقتی خدا همچنان نزدیک و نزدیکتر می شود، ستارگان با هم تصادم می کنند (۸۱:۲ ; ۷۷:۸)، و زمین زیرپای ما شکافته خواهد شد (۸۹:۲۱ ; ۶۹:۱۴). این وقایع هولناک مومنان را نگران خواهد کرد (۲۱:۱۰۳).

بهشت برین

لحظه ای که خدای تعالی می آید، تمام آدمیان و جن ها، خود بخود، بنا بر درجه رشد و تکامل شان طبقه بندی می شوند. کسانی که روح خود را با یگانه پرستی، و ایمان به آخرت، و گذراندن یک زندگی پرهیزگارانانه بزرگ کرده اند بقدر کافی قدرت خواهند داشت که به خدا نزدیک شوند؛ آنها به بالاترین رتبه ها دست می یابند (به پیوست ۵ نگاه کنید).

بهشت زیرین

کسانی که تا اندازه ای روح شان را بزرگ کرده اند ولی در حدی نیستند که بتوانند به بهشت برین بروند، و نیز کسانی که قبل از چهل سالگی می میرند، به سوی بهشت زیرین سرازیر می شوند. هریک از ایشان بنا بر درجه رشد و تکامل روح خود به مکانی خواهد رفت که بیشتر بتواند به خدا نزدیک باشد.

اعراف (برزخ)

برخی دیگر از مردم روح شان را همین قدر که از جهنم دور بمانند بزرگ کرده اند، ولی وسعت روح شان در حدی نیست که بتوانند به بهشت زیرین وارد شوند. آنها نه در جهنم هستند، و نه در بهشت. آنان از خدا درخواست می کنند که ایشان را به بهشت زیرین راه دهد (۵۰- ۴۶ : ۷). خدا به ایشان رحم خواهد کرد، و اعراف را به بهشت زیرین پیوند خواهد داد.

دوزخ (جهنم)

یک جهان جدید، جهان هشتم، خلق خواهد شد تا منزلگاه کسانی باشد که از فرط ضعف از خدا می گریزند؛ آنها در پرورش دادن و وسعت بخشیدن به روح خود کوتاهی کردند (۶۹:۱۷). خدا حتی یک موجود را هم به جهنم نمی اندازد؛ آنها بخواست خود به جهنم می روند (پیوست ۵).

پیوست ۱۲

نقش محمد، پیامبر خدا

تنها مأموریت پیامبر این بود که قرآن را بیاورد، تمام قرآن را، و هیچ چیز جز قرآن را :
(۶۴:۱۲ ; ۴۲:۴۸ ; ۲۹:۱۸ ; ۲۴:۵۴ ; ۸۲ ; ۱۶:۳۵ ; ۱۳:۴۰ ; ۱۹:۶ ; ۹۹ ; ۵۰- ۴۸:۵ ; ۳:۲۰)

آوردن قرآن بقدری کار مهم و پر مسوولیتی بود که پیامبر برای کار دیگری فرصت نداشت. بعلاوه، پیامبر از هرگونه تدریس دینی جز قرآن اکیداً منع شده بود (۴۷- ۶۹:۳۸). او حتی از شرح دادن قرآن هم منع شده بود (۱۹- ۷۵:۱۵) — تنها معلم قرآن، خداست (۲- ۵۵:۱) و قرآن بهترین حدیث است (۶:۴۵ ; ۳۹:۲۳).

این حقایق قرآنی در این واقعیت تاریخی دیده می شود که سخنان و کارهایی که به پیامبر نسبت داده اند، (یعنی حدیث و سنت)، دو قرن پس از مرگ پیامبر بوجود آمدند. قرآن از پیش خیر داده است که دشمنان پیامبر چیزهایی را بنام حدیث و سنت بدعت خواهند گذارد (۱۱۵- ۱۱۲:۶). قرآن به ما می آموزد که این خواست خدا بود که اجازه دهد که حدیث و سنت ساخته شود تا از این طریق کسانی را که زبانا ایمان دارند، و قلب هایشان خالی از ایمان است محک زند و افشا کند. کسانی که به حدیث و سنت جلب می شوند، مومنان دروغین هستند (۶:۱۱۳). شگفتا که حتی در احادیث نوشته شده است که پیامبر دستور داد که از جانب او چیزی جز قرآن ننویسند! دو نمونه از این احادیث که در معتبرترین کتابهای حدیث یافت می شوند، در زیر نقل می شود. در حدیث صحیح مسلم، اصحاب احمد بن حنبل نوشته شده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « لَا تَكْتُبُوا عَلَيَّ شَيْئًا سِوَى الْقُرْآنِ . مَنْ كَتَبَ شَيْئًا سِوَى الْقُرْآنِ فَلَيْمَحْهُ » .
پیامبر گفت، " از جانب من چیزی جز قرآن ننویسد."
[احمد، جلد اول، صفحه ۱۷۱، و صحیح مسلم]

عَنْ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ : [دَخَلَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، فَحَدَّثَهُ حَدِيثًا ، فَأَمَرَ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَكْتُبَ ، فَقَالَ زَيْدُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ تَكْتُبَ شَيْئًا مِنْ حَدِيثِهِ ، فَمَحَاهُ] .
این حدیث می گوید که پیامبر تا پای مرگ با حدیث مخالف بود.
[احمد، جلد اول، صفحه ۱۹۲]

پیوست ۱۳

اولین ستون دین اسلام:

"لا اله الا الله" (نیست خدایی جز خدا)

اولین ستون دین اسلام (تسلیم) در آیه ۱۸، سوره ۳ آمده است: "خدا شهادت می دهد که خدایی جز او نیست، و فرشتگان و کسانی که دانش دارند نیز همین شهادت را ادا می کنند."

این ستون که مهمترین رکن دین است تحریف شده است. میلیونها مسلمان شهادت شرک آمیز شیطان را پذیرفته اند، و اصرار دارند نام محمد را در کنار نام خدا بیاورند. در صورتی که، قرآن در ۳۹:۴۵، چنین مسلمانانی را کافر معرفی می کند و می گوید: "هرگاه فقط نام خدا آورده شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند تنگ می گردد، ولی وقتی نام دیگران در کنار نام او آورده شود، راضی می شوند."

من در اینباره تحقیقات گسترده ای انجام داده ام، و به نتیجه ای بس تکان دهنده رسیده ام: کسانی که اولین رکن دین اسلام یعنی تشهد را که کلمه به کلمه همانطور که در ۳:۱۸ آمده ادا نکنند مشرک هستند، و خدا مانع از آن می شود که این افراد تشهد درست را ادا کنند. آنها نمی توانند بی آنکه نام محمد را بر زبان آورند، بگویند: "اشهد ان لا اله الا الله". خودتان می توانید نزد یکی از مشرکانی که ادعا دارد مسلمان است بروید و از نزدیک شاهد این واقعیت باشید. از ایشان بخواهید که بگویند: "اشهد ان لا اله الا الله". آنها هرگز نمی توانند آنرا بگویند. از آنجا که این دین، دین ابراهیم است (۲۲:۷۸ ; ۱۶:۱۲۳ ; ۳۸-۳۷ : ۱۲ ; ۱۶۱ : ۶ ; ۴:۱۲۵ ; ۳:۹۵ ; ۱۳۵ ، ۱۳۰ : ۲ و پیوست ۹)، تنها تشهدی که می تواند درست باشد، "لا اله الا الله (خداچه ای نیست جز خدا)" است. محمد قبل از ابراهیم در زمین نبود.

کفر نفرت انگیز

هیچ کفری بدتر از این نیست که قرآن را تحریف کنند و پیامبر را برخلاف خواست او بُت کنند. آیه ۱۹ سوره "محمد" (۴۷:۱۹) می گوید: "بدان که خدایی جز خدای واحد نیست." آنچه در زیر نشان داده شده است، آرم یک نشریه ی اسلامی بنام "The Review Of Religions" (بازنگری مذاهب) است که در لندن چاپ می شود (مسجد لندن، خیابان گرسن هال، شماره ۱۶، لندن/ انگلستان). این نشریه، با استفاده از سبک نگارش قرآن، جمله "محمد رسول الله" را طوری به آن افزوده که بیننده به اشتباه تصور کند که این عبارت در ۴۷:۱۹ در قرآن آمده است. چه کفر ناهنجاری!



بدان که خدایی نیست جز
خدای یکتا، الله.
محمد رسول خداست.
[کفر]

شاخص یک اسلام تحریف شده

پیوست ۱۴

سرنوشت از پیش مقدر شده

همه ما کاملاً آزادیم که به خدا ایمان بیاوریم، یا ایمان نیاوریم. خواست خدا این است که ما آزادانه تصمیم بگیریم: (۱۲:۸۰; ۳۹:۷۸; ۲۹:۷۶; ۳۷:۷۴; ۱۹:۷۳; ۵۷:۲۵; ۲۹:۱۸).

پس از آنکه گناه اصلی را مرتکب شدیم (پیوست ۷)، خدا فرصتی دیگر به ما داد که از گناه خود دست بکشیم و مقام قدوسی او را بپذیریم (۳۳:۷۲). ولی ما تصمیم گرفتیم که نظاره گر گوشه ای از قدرتمندی شیطان باشیم. بسیاری از مردم معترض هستند که چرا خدا آنها را آفرید تا در این آزمایش هولناک قرار دهد. روشن است که این افراد خبر ندارند که [۱] چه گناه هولناکی مرتکب شده اند (پیشگفتار و پیوست ۷)، و [۲] اینک به ایشان مهلتی داده شده که از گناه خود دست بردارند و مورد بخشایش قرار گیرند، ولی این انتخاب خود آنها بود که در بوته آزمایش نهاده شوند.

از ۲۲:۵۷ می آموزیم که زندگی ما، و آنچه در اطراف ما می گذرد، از قبل روی چیزی مانند یک نوار ویدیو ثبت شده است. خدا بخوبی می داند که هر یک از ما چه تصمیمی خواهد گرفت؛ او می داند که از میان ما چه کسانی به بهشت می روند، و چه کسانی به جهنم. حتی پیش از آنکه به این دنیا گام نهیم، خدا می داند که کدام روح ها خوب، و کدام روح ها پلید هستند. از دیدگاه خدا، که همه چیز را می داند، می توانیم چنین تصور کنیم که بر پیشانی هر کس مهری زده شده که می گوید: "بهشتی" یا "جهنمی". از دیدگاه انسان، ما کاملاً آزادیم که جانب مقام قدوسی خدا را بگیریم، یا هواخواه دیدگاه های شرک آلود شیطان باشیم. بنابراین، سرنوشت از پیش نوشته شده، برای خدا (از دید خدا) جنبه واقعی را دارد که انجام شده است، ولی برای انسان اینطور نیست.

این بینش، مفهوم آیتی را که می گویند: "خدا هر کس را که بخواهد هدایت می کند، و هر کس را که بخواهد گمراه می کند" روشن کرده است. خدا بنا بر شناخت خود، روح ما را در شرایطی که سزاوار آن هستیم قرار می دهد. وقتی خدا به فرشتگان گفت، "من چیزی می دانم که شما نمی دانید" (۲:۳۰)، بدین معنی بود که بعضی از ما سزاوار فرصتی دیگر برای نجات بودند. نمونه ای از هدایت خدا برای کسانی که شایستگی هدایت را دارند در ۵۱:۲۱ دیده می شود: "ما ابراهیم را هدایت کردیم، زیرا خوب او را می شناختیم." به بیان دیگر، چون خدا می دانست که ابراهیم از خوبان است، و شایستگی هدایت را دارد، آنچه را که ضامن هدایت و درک بود به او داد.

نمونه‌ی بسیار خوب دیگر در ۱۲:۲۴ دیده می‌شود. یک زن سرشناس مصری برای یوسف دام گسترانید، و ”اگر بخاطر نشانه‌ای که از جانب پروردگارش دید نبود،“ چیزی نمانده بود که او زنا کند. خدا در ۱۲:۲۴ به ما می‌آموزد که ”او پلیدی و گناه را از یوسف دور کرد، زیرا او یکی از بندگان مخلص درگاه خدا بود.“ آیا این یوسف بود که توانست بر شهوت خود غلبه کند؟ یا، حمایت الهی بود که باعث شد یوسف از گناه پاک بماند؟ سرنوشت از پیش مقدر شده یعنی همین.

پیوست ۱۵

تکالیف دین، هدیه‌ای از جانب خدا

وقتی ابراهیم به درگاه خدا دعا کرد (۱۴:۴۰)، برای مال دنیا یا درخواست تندرستی نبود؛ هدیه‌ای که او درخواست کرد این بود: ”خدایا، تقاضا دارم مرا از کسانی قرار دهی که نماز را بر پا می‌دارد.“ تکالیف دین که خدا آنها را مقرر کرده است در واقع هدیه‌ای بزرگ از جانب خداست. آنها غذای روح ما هستند و ما برای بزرگ کردن روحمان بدانها نیاز داریم. اگر روح ما رشد نکند، این توانایی را نخواهیم داشت که روز دآوری در برابر انرژی بیکران خدا تاب آوریم. ایمان داشتن به خدا، برای آموزش کافی نیست؛ بلکه باید روح خود را نیز تقویت کنیم (۹۲-۹۰:۹۰؛ ۱۵۸:۶). بعلاوه، آیه ۱۵:۹۹ می‌گوید که تکالیفی که خدا ما را به انجام آن فرمان داده، وسیله‌ای است که به کمک آنها می‌توانیم به یقین برسیم: ”برای آنکه بتوانی یقین پیدا کنی، پروردگارت را عبادت کن.“

نماز (صلاة)

نمازهای پنجگانه، غذای اصلی روح است. گرچه ممکن است که کسی بی آنکه نماز بخواند، بتواند با کارهای درستی که انجام می‌دهد تا اندازه‌ای رشد کند و بر وسعت روح خود بیفزاید، ولی این مانند آن است که کسی فقط با تنقلات خود را زنده نگاه دارد، و هرگز یک غذای درست و حسابی نخورد.

از آیه ۲:۳۷ یاد می‌گیریم که با گفتن کلمات خاصی به زبان عربی که خدا آنها را به ما هدیه کرده است می‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم. سوره ۱، (کلید)، دارای صداها و ویژه‌ای است که نوشتار ریاضی آن به گونه‌ای است که دری را که میان ما و خدا است می‌گشاید:

۱. نماز پگاه [فجر] باید پیش از طلوع آفتاب در فاصله دو ساعتی که سپیده دم است خوانده شود (۱۱:۱۱۴ ; ۲۴:۵۸).
 ۲. نماز نیمروز [ظهر] موقعی است که خورشید در بالاترین نقطه اش در ظهر پایین می‌آید (۱۷:۷۸).
 ۳. نماز پسین [عصر] را معمولاً می‌توان ۳ تا ۴ ساعت پیش از غروب آفتاب بجا آورد (۲:۲۳۸).
 ۴. نماز شامگاه [مغرب] را باید پس از غروب آفتاب، هنگامی که هنوز شب نشده بجا آورد (۱۱:۱۱۴).
 ۵. نماز شب [عشا] را می‌توان از زمانی که نور خورشید کاملاً ناپدید می‌شود بجا آورد (۲۴:۵۸).
- * نماز جماعت ظهر جمعه برای همه مردان و زنان مسلمان واجب است (۶۲:۹). شرکت نکردن در نماز جمعه از گناهان کبیره است.

برای هر نماز، از زمانی که ساعتش رسیده باشد تا فرا رسیدن وقت نماز بعدی فرصت هست. اگر نماز را در زمان تعیین شده بجا نیاورید، فرصتی است که از دست رفته و قابل جبران نیست [یعنی نماز قضا پذیرفته نیست]؛ اگر نمازی از دست برود، تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که توبه کنیم و از خدا طلب بخشایش کنیم. نمازهای پنجگانه بترتیب - از چپ به راست - دارای ۴، ۳، ۴، ۲ رکعت می‌باشند.

آیات (۲۱:۷۳) (۱۶:۱۲۳) (۹:۵۴) (۸:۳۵) ثابت می‌کنند که نماز از تکالیفی است که ابراهیم آنرا آورده بود. نماز، که مهمترین تکلیف دین اسلام است بقدری تحریف شده که برای اکثر مسلمانان بصورت عبادتی شرک آمیز درآمده است. با وجودیکه قرآن اکیداً دستور داده که از آغاز تا پایان نماز همه چیز از هر لحاظ فقط باید به خدا اختصاص داده شود (۲۰:۱۴) و (۴۵ : ۳ ، ۳۹)، باز هم مسلمان‌های زمان ما اصرار دارند که نام ” محمد و خاندانش “ و نیز نام ” ابراهیم و خاندانش “ را در نمازشان یاد کنند. اینکار نماز را باطل می‌کند و از آن هیچ ثوابی نمی‌برند (۶۵ : ۳۹).

[۷] از آنجا که نگارش اعداد بسیار دراز در اینجا امکان پذیر نیست، من از این شکل [*] برای نوشتن این عدد ۲۷۲ رقمی، استفاده می‌کنم. این عدد دراز چنین بدست آمده است: نخست شماره آیه اول، سپس تعداد حروف آن آیه، سپس ارزش رقمی یکایک حروف در آیه نوشته شد، بعد شماره آیه دوم، سپس تعداد حروف آیه، سپس ارزش رقمی یکایک حروف آن، و اینکار را تا آخرین آیه ادامه می‌دهیم.

اگر شماره سوره الفاتحه را بنویسیم، و پشت سرش تعداد آیات این سوره را بنویسیم، عدد ۱۷ بدست می‌آید، که پنج وعده نماز روزانه ۱۷ رکعت است. بعد از ۱۷، شماره اولین نماز را می‌نویسیم: نماز (۱)، سپس تعداد رکعت های اولین نماز را، که (۲) رکعت است، سپس دو بار عدد [*] را می‌نویسیم، سپس شماره دومین نماز را می‌نویسیم (۲)، سپس تعداد رکعت های دومین نماز را (۴)، سپس چهار بار عدد [*] را می‌نویسیم، و تا آخر همینطور ادامه می‌دهیم. عدد بسیار درازی بدست می‌آید که دارای ۴۶۳۶ رقم است. نه تنها این عدد بسیار دراز مضرب ۱۹ است، بلکه خود ۴۶۳۶ نیز مضرب ۱۹ است (۱۹ × ۲۴۴). لطفاً توجه داشته باشید که می‌توانیم بجای [*]، هر یک از ترکیبات دلخواه را که شاخص سوره ۱ باشد جایگزین کنیم و باز هم عددی که بدست می‌آید مضرب ۱۹ خواهد بود. برای مثال، عدد کوتاهی که شاخص سوره الفاتحه می‌باشد این است: (۱۷۱۳۹۱۰۱۴۳). این عدد نسبتاً کوتاه که دارای ده رقم است چنین بدست آمده که نخست شماره سوره الفاتحه (۱)، و سپس تعداد آیات آن (۷)، و سپس تعداد حروف این سوره (۱۳۹)، و سپس حاصل جمع ارزش رقمی این حروف (۱۰۱۴۳) را پشت سر هم نوشتیم. اینک اگر بجای آن عدد ۲۷۲ رقمی، این عدد نسبتاً کوتاه ده رقمی را بنویسیم، باز هم حساب ما درست در می‌آید.

۱۷ ۱۲ [*] [*] ۲۴ [*] [*] [*] [*] ۳۴ [*] [*] [*] [*] ۴۳ [*] [*] [*] [*] ۵۴ [*] [*] [*] [*]

در تصدیق نماز روز جمعه

[۸] از آنجا که نماز جمعه دارای ۲ خطبه و ۲ رکعت است (که جمعاً = ۴)، روز جمعه فقط ۱۵ بار سوره الفاتحه را می‌خوانیم. عبدالله اریک به این مطلب پی برد که اگر دو الفاتحه را از نماز ظهر روز جمعه حذف کنیم و عدد ۱۵ را جایگزین عدد ۱۷ کنیم، باز هم عددی که باقی می‌ماند مضرب ۱۹ است. این تصدیق می‌کند که نماز جمعه، در ظهر، دارای (۲) "الفاتحه" است. عدد درازی که در زیر نمایش داده شده، شاخص ۵ نمازی است که روز جمعه باید بجا آورده شود؛ مضرب ۱۹ است.

۱۵ ۱۲ [*] [*] ۲۴ [*] [*] ۳۴ [*] [*] [*] [*] ۴۳ [*] [*] [*] [*] ۵۴ [*] [*] [*] [*]

"کلید" (الفاتحه) حتماً باید به زبان عربی خوانده شود

[۹] اولین سوره ی قرآن دارای چنان نوشتار ریاضی ئی است که بزرگترین ریاضی دانان روی زمین را به هم‌آورد خواهی فرا می‌خواند و آنها از چنین عظمتی در حیرت هستند. اینک به این واقعیت ارزشمند پی برده ایم که وقتی سوره "کلید" را در نماز می‌خوانیم، چیز خارق العاده ای در جهان رخ می‌دهد و ما با آفریدگارمان ارتباط برقرار می‌کنیم. نتیجه ی آن این است که از همین حالا و برای همیشه شادی و خوشبختی را احساس خواهیم کرد. ما از طریق ارتباطی که ۵ بار در روز با آفریدگار مقتدر مان برقرار می‌کنیم، روح خود را تقویت می‌کنیم و خود را برای آن روز بزرگی که با خدا دیدار خواهیم کرد آماده می‌کنیم. فقط آنهایی که روح خود را تقویت کنند می‌توانند در برابر حضور فیزیکی خدا تاب آورند و سرشار از شادمانی شوند.

تمام تسلیم شدگان، از هر جا که باشند، کلمات سوره "الفاتحه" را که عین کلام خداست، و خدا به این منظور آنرا به ما اهدا کرده که بتوانیم با او ارتباط برقرار کنیم، می خوانند (۲:۳۷).

واژه	حرف	ارزش رقمی
۱. بسم	ب	۲
۲. بسم	م	۴۰
۳. رحمن	م	۴۰
۴. رحیم	م	۴۰
۵. الحمد	م	۴۰
۶. رب	ب	۲
۷. عالمین	م	۴۰
۸. رحمن	م	۴۰
۹. رحیم	م	۴۰
۱۰. مالک	م	۴۰
۱۱. یوم	م	۴۰
۱۲. نعید	ب	۲
۱۳. مستقیم	م	۴۰
۱۴. مستقیم	م	۴۰
۱۵. انعمت	م	۴۰
۱۶. علیهم	م	۴۰
۱۷. مغضوب	م	۴۰
۱۸. مغضوب	ب	۲
۱۹. علیهم	م	۴۰

کشف ادیب یوکسل نیز اعجاز سوره "کلید" را هر چه بیشتر نشان می دهد، و ثابت می کند که الفاتحه حتماً باید به زبان عربی خوانده شود.

وقتی "کلید" را بعربی می خوانید، ۱۹ بار لب های شما با هم تماس پیدا می کنند. لب ها فقط هنگام تلفظ "ب" ، "م" با هم تماس پیدا می کنند.

۴ "ب"، و ۱۵ "م" در سوره الفاتحه وجود دارد که حاصل جمع آنها ($19 = 4 + 15$) است. ارزش رقمی "ب" ۲ است، در نتیجه، ۴ "ب" می شود ($8 = 4 \times 2$)، و ارزش رقمی "م" ۴۰ است که در نتیجه، ۱۵ "م" می شود ($600 = 15 \times 40$).

عددی که از حاصل جمع آنها بدست می آید ($608 = 600 + 8$)، مضرب ۱۹ است (32×19).

در تصدیق ۵ وعده نماز روزانه ، و تعداد رکعت ها، سجود، و تشهد

[۱۰] یکی از چالش های متداول این است: "اگر (همانطور که در ۱۱۴، ۳۸، ۱۹:۶ گفته شده)، قرآن کتابی است کامل که جزئیات در آن آمده، پس تعداد رکعت های هر نماز در کجای آن آمده است؟" این افراد به این علت این سوال را مطرح می کنند که نمی دانند که به گزارش قرآن ابراهیم کسی است که نماز را آورده، نه محمد: ($21:73$ و $22:78$). اگر شماره ی سوره الفاتحه را که در هر پنج نماز خوانده می شود بنویسیم، سپس عدد (۱) را برای اولین نماز که نماز پگاه است بنویسیم، سپس تعداد رکعت های آن (۲)، سپس تعداد رکوع (۲)، سجود (۴)، و تشهد (۱) را بنویسیم، و به دنبال آن عدد (۲) را که دومین نماز یعنی نماز ظهر را نشان می دهد بنویسیم، سپس تعداد رکعت های نماز ظهر (۴)، سپس تعداد رکوع ها (۴)، و سجود (۸)، و سپس (۲) را که نشان می دهد چند بار تشهد می گوئیم، و به دنبال آن عدد (۳) که سومین نماز را نشان می دهد و ... تا آخر (تا نماز شب) ادامه دهیم، یک عدد ۲۶ رقمی بدست می آید که مضرب ۱۹ است:

۱ ۱ ۲ ۲ ۴ ۱ ۲ ۴ ۴ ۸ ۲ ۳ ۴ ۴ ۸ ۲ ۴ ۳ ۳ ۶ ۲ ۵ ۴ ۴ ۸ ۲

بنابراین، کد ریاضی قرآن تمام جزئیات نماز را مشخص می کند و معلوم می کند که هر نماز دارای چند رکعت، چند رکوع، و چند سجود است، و تشهد چند بار گفته می شود، و سوره ای که باید خوانده شود کدام است.

زکات

زکات را باید "روز برداشت" پرداخت کرد (۶:۱۴۱). هرگاه درآمد خالص خود را دریافت کنیم، باید دو و نیم در صد آنرا [۵ / ۲ %] کنار بگذاریم و به افراد واجد شرایط بترتیبی که در آیه (۲:۲۱۵) گفته شده بدیم - به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، تهیدستان، و مسافران غریب. اهمیت فوق العاده زکات در قانون خدا از اینجا معلوم می شود که خدا می گوید: "رحمت من همه چیز را در بر می گیرد، ولی من آنرا به پرهیزگاران اختصاص خواهم داد که زکات می دهند" (۷:۱۵۶).

زکات را باید با دقت حساب کرد و بطور مرتب، هرگاه درآمدی دریافت می کنیم، بپردازیم. مالیات دولتی را از اصل درآمد خود کم کنید، و زکات را از آنچه باقی مانده است حساب کنید، ولی نمی توانید بدهی ها، اقساط، و سایر مخارج زندگی را از زکات کم کنید. اگر کسی فرد نیازمندی را نمی شناسد می تواند زکاتش را به مسجد، یا به سازمانهای خیریه ای که به تهیدستان کمک می کنند بدهد. کمک های مالی که به مساجد و بیمارستانها و یا سایر سازمانها داده می شود زکات محسوب نمی شود.

روزه

شرح کامل آن با تمام جزئیات در ۱۸۷-۱۸۳:۲ آمده است.

حج : تمتع و عمره

برای کسانی که توانایی مالی اش را دارند واجب است که در طول زندگی شان، یکبار، به حج و عمره بروند. حج، یاد آور تسلیم سرمشق آفرین ابراهیم به خدا بود (پیوست ۹)، و باید در طی ماه های مقدس [ماه های حرام] انجام شود - این ماهها عبارتند از: ذیحجه، محرم، صفر، ربیع الاول (دوازدهمین، اولین، دومین، و سومین ماه قمری) (۲:۱۹۷) (۳۶، ۲:۹). عمره را در هر زمانی می توان بجا آورد. حج نیز مانند سایر تکالیف دین اسلام تحریف شده است. اکثر مسلمانان فقط در طی چند روز در ماه ذیحجه به حج تمتع می روند، و ماه های رجب، ذیقعد، ذیحجه، و محرم را (هفتمین، یازدهمین، دوازدهمین، و اولین ماه قمری) ماههای حرام می دانند. خدا چنین تغییراتی را شدیداً محکوم کرده است (۹:۳۷).

حج با حمام کردن یا دوش گرفتن آغاز می شود، و سپس فرد مُحرم می شود، و لباس احرام به تن می کند. این لباس برای مردان از ملحفه ای است که دوخته نمی شود و زن ها نیز لباسی متواضع و بی پیرایه می پوشند (۲:۱۹۶). در طول حج، زائر باید از آمیزش جنسی، پیرایش هایی از قبیل تراشیدن صورت، کوتاه کردن مو، مشاجره، کارهای ناپسند، بد خلقی و بد زبانی بپرهیزد (۲:۱۹۷). تمیزی، حمام کردن، و بهداشت عمومی از چیزهایی است که بدان سفارش شده است. هنگام ورود به مسجدالحرام در مکه، زائر تسبیح گویان و ستایش کنان، هفت بار کعبه را طواف می کند (۲۹-۲۶:۲۲؛ ۲:۱۲۵). آنچه معمولاً گفته می شود این است: "اللّٰه لیبیک" (خدایا، من به دعوت تو پاسخ گفته ام). "لیبیک لا شریک لک لیبیک" (من به دعوت تو پاسخ گفته ام، و اعلام می کنم که معبودی نیست جز تو؛ من به دعوت تو پاسخ گفته ام). مرحله بعدی این است که هفت بار میان تپه های صفا و مروه را بحالت نیمه دو [هروگه] بپیمایید (۲:۱۵۸). در اینجا زیارت عمره به پایان می رسد.

سپس زائر به عرفات می رود تا یک روز، از پگاه تا شامگاه به طاعت و عبادت بپردازد و از شکوه و جلال خدا یاد کند (۲:۱۹۸). بعد از غروب آفتاب، زائر به مزدلفه می رود که نماز عشا در آنجا برگزار می شود، و او ۲۱ ریگ برای سنگسار کردن نمادین شیطان، در منا بر می دارد. از مزدلفه، زائر برای دو تا سه روز به منا می رود (۲:۲۰۳). صبح روز اولی که زائر در مناست، حیوانی را برای غذا دادن به تهیدستان قربانی می کند که در ضمن، این یاد آور آن است که خدا اسماعیل و ابراهیم را از ترفند شیطان در امان نگاه داشت (۳۷:۱۰۷ و پیوست ۹). شیطان حامی شرک است، و مراسم سنگسار کردن شیطان، نشانگر تکذیب شرک است، و بدین ترتیب انجام می شود که زائر در حالیکه خدا را تسبیح می گوید، در سه ایستگاه، هفت سنگ می اندازد (۱۵:۳۴). سپس زائر به مکه بازمی گردد و هفت بار پیرامون کعبه برای وداع طواف می کند.

متأسفانه، اکثر مسلمین زمان ما هنگامی که برای زیارت به مکه می روند، به زیارت آرامگاه پیامبر هم می روند و با اینکار، خود را به معبود پرستی آلوده می کنند و حج شان را باطل می کنند. قرآن مکرراً از یک "مسجد مقدس" صحبت می کند، درحالیکه مسلمانان زمان ما از "دو مسجد مقدس" صحبت می کنند! مسلمین زمان ما در وراء این رفتار شرک آمیز، "مسجد" دیگری از آرامگاه پیامبر آراسته اند! آنها با اینکار، از قرآن سرپیچی کرده اند و به مصادیق کفر آلوده شده اند، و، شگفت اینجاست که این بار حتی از احادیث هم نافرمانی کرده اند. حدیثی که در زیر نشان داده شده گویای این شگفتی است:

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ
ترجمه ی این حدیث ساختگی: "خدا، یهودیان و مسیحیان را لعنت کرد زیرا آنها مقبره پیامبران خود را به
مسجد تبدیل کردند." [بخاری، انتشارات نوای، جلد ۶، صفحه ۱۴]

سودهای غیر معنوی

علاوه بر سودهای معنوی نماز، زکات، روزه در ماه رمضان، و حج که غیر قابل ارزش گذاری است، هریک از آنها از نظر جسمانی، اقتصادی، و بهداشتی نیز بسیار سودمند هستند.

بجا آوردن نماز پگاه مانع از آن می شود که بدن برای یک مدت طولانی همچنان بی حرکت در خواب باشد؛ امروزه ثابت شده است که حرکت، از ورم مفاصل جلوگیری می کند. در ضمن، سحر خیزی برای غلبه کردن بر افسردگی و دیگر مشکلات روانی بسیار سودمند است. حرکت سجود که چندین بار در نماز تکرار می شود، باعث می شود که خون بیشتری به مغز برسد، و همین از سردرد جلوگیری می کند. وقتی هنگام رکوع خم می شویم، این حرکت برای مفاصل و ستون فقرات ورزشی سودمند است. تمام اینها از نظر علمی ثابت شده است.

وضو که لازمه ی نماز است ما را بر آن می دارد که بیشتر به دستشویی برویم. این عادت ما را از ابتلا به سرطان رابج و کشنده روده حفظ می کند. در ادرار و مدفوع مواد زیانبار شیمیایی وجود دارد. اگر این مواد برای زمان زیاد در روده بمانند، دوباره جذب بدن می شوند و باعث سرطان می شوند.

روزه در ماه رمضان باعث می شود که معده های ما که در طول سال باز شده اند، جمع شوند و بحالت طبیعی برگردند، کم آبی موقت باعث می شود فشار خون پایین آید، و کلیه ها بیشتر استراحت کنند، در ضمن روزه باعث می شود که سموم بدن دفع شود، و چربی های اضافی و زیانبار آب شوند و از وزن ما کاسته شود.

زکات و زیارت حج نیز از نظر اقتصادی و اجتماعی بسیار سودمند هستند.

پیوست ۱۶

تحریم مواد غذایی

قرآن به ما می آموزد که خدا از کسانی که چیزی را حرام کنند که قرآن آنرا حرام اعلام نکرده است، بسیار ناراضی است (۱۱۶-۱۱۷:۱۶). حرام دانستن چیزی که قرآن بصراحت آنرا حرام اعلام نکرده، نوعی شرک و بت پرستی محسوب می شود (۱۵۲-۱۴۲:۶). اینکار (حرام دانستن چیزی که خدا حرام نکرده) معرف آن است که شما دیگران را در کنار خدا به خدایی پذیرفته باشید. اگر فقط خدا را می پرستید، فقط از تعلیمات خدا پیروی خواهید کرد و فقط فرمانهای خدا را قبول می کنید، و فقط آنچه را که خدا حرام کرده است حرام می شمارید. آیه های ۱۴۶-۱۴۵:۶ بخوبی نشان داده اند که آنچه خوردنش حرام است چگونه با جزئیات گفته می شود تا جای هیچ ابهامی نباشد. از این دو آیه می فهمیم که وقتی خدا "گوشت" را حرام می کند، فقط "گوشت" را حرام می کند، و نه چیز دیگر را، و وقتی "چربی" را حرام می کند، فقط چربی است که حرام است، نه چیز دیگر. این دو آیه ما را آگاه می کنند که "گوشت" خوک است که حرام است، نه "چربی" آن. بدیهی است، خدا می دانست که در بسیاری از کشورها، چه در پخت و پز، یا در سایر فرآورده های غذایی از چربی خوک استفاده خواهند کرد، و این باعث نمی شود که غذا حرام شود. قرآن فقط چهار عنصر گوشتی را با ذکر نام مشخص، و حرام اعلام کرده است (۱۱۲:۱۶) (۱۴۵-۱۴۲:۶) (۳:۵) (۱۷۳:۲):

بگو، "در آنچه به من وحی شده

چیزی نمی یابم که خوردنش بر کسی حرام باشد

جز (۱) مردار، (۲) خون جهنده،

(۳) گوشت خوک ها، زیرا آلوده است، و

(۴) گوشتی که کفرآلود برای کسی جز خدا نذر یا اهدا شده باشد."

چنانچه کسی ناچار شد از اینها بخورد

بی آنکه علاقه ای داشته باشد یا غرض ورزد،

پس پروردگار تو آمرزنده و بخشاینگر است. [۱۴۵:۶]

پیوست ۱۷

مرگ

مرگ برای اغلب مردم یک معمای بزرگ است. ولی نه برای شاگردان قرآن. ما چنین فرا می گیریم که مرگ دقیقاً مانند خواب است؛ همراه با رؤیا (۴۶:۴۰ و ۶۰:۶). درازای زمان مرگ تا رستاخیز مانند یک شب خوابیدن است (۵۵:۳۰، ۲۵، ۱۹، ۱۱:۱۸، ۲۱:۱۶، ۴۵:۱۰، ۶۰:۶، ۲۵۹:۲). هر کس در لحظه ی مرگ می فهمد که چه سرنوشتی در انتظار اوست؛ بهشت یا دوزخ. برای کافران، مرگ واقعه ای است وحشتناک؛ هنگامی که فرشتگان جانشان را می گیرند، بر صورت ها و نشیمنگاه شان می زنند. (۷۹:۱، ۲۷:۴۷، ۵۰:۸).

قرآن، به دفعات، از دو مرگ سخن می گوید، نخستین مرگ هنگامی رخ داد که ما ایستادگی لازم را برای پاسداری از مقام قدوسی خدا از خود نشان ندادیم (پیوست ۷)، و این مرگ تا لحظه ی تولد ما در این جهان طول می کشد. دومین مرگ، به زندگی ما در این دنیا خاتمه می دهد (۱۱:۴۰، ۶۶:۲۲، ۲۸:۲).*

[توجه: مطلبی که در صفحه بعد چاپ شده مقاله ای است که رشاد خلیفه آن را در دسامبر ۱۹۸۹ در "دیدگاه تسلیم شدگان" به چاپ رساند. دیدگاه تسلیم شدگان، نام ماهنامه ای بود که سازمان همبستگی جهانی تسلیم شدگان چاپ می کرد؛ این مطلب، سرمقاله ی ماهنامه فوریه ۱۹۹۰ است که رشاد خلیفه شخصاً آن را به چاپ رساند و پیش از شهادت از طریق پست برای همه ارسال داشت. او در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۰ به شهادت رسید.]

*خوانندگان گرامی این مطلب را با تناسخ اشتباه نکنند و توجه داشته باشند که اعتقاد به تناسخ، مغایر با قرآن است (۲۸:۶)(۱۰۰:۲۳) (۳۷:۳۵)(۳۲:۱۲). آنچه رشاد خلیفه درباره دو مرگ و دو زندگی شرح داده، چیز دیگری است که بکلی با تناسخ فرق دارد [مترجم].

پرهیزگاران در حقیقت نمی میرند آنها مستقیماً به بهشت می روند

به کسانی که ایمان می آورند و پرهیزگاران زندگی می کنند مژده بده که به باغهایی می روند که در آن نهرها روان است. هنگامی که از میوه های آنجا به ایشان روزی دهند، خواهند گفت، " این از آنهایی است که قبلاً به ما داده شده بود." مانند آن روزیها به آنها داده خواهد شد، و در آنجا همسرانی پاک خواهند داشت و برای همیشه در آنجا خواهند بود. (۲:۲۵)

افرادی را که در راه خدا کشته می شوند "مرده" میندار؛ آنها نزد پروردگارشان زنده اند، و از روزیهای او بهره مند هستند. (۳:۱۶۹) درباره کسانی که در راه خدا کشته شده اند نگوید، " آنها مردگانند." زیرا آنها زنده هستند، ولی از درک شما خارج است. (۲:۱۵۴) ای افراد با ایمان، وقتی خدا و رسول شما را به چیزی فرا میخوانند که به شما زندگی جاوید می بخشد به دعوتشان پاسخ دهید. (۸:۲۴) کسانی که بخاطر خدا مهاجرت کنند، سپس کشته شوند یا بمیرند، خدا مسلماً به آنها روزیهای نیکو خواهد داد. پس از مرگ نخستین، دیگر طعم مرگ را نخواهند چشید، و خدا آنها را از عذاب دوزخ در امان نگاه می دارد. (۴۴:۵۶) به او گفته شد، "به بهشت برو." گفت، "کاش قوم من (که در زمین هستند) بدانند که پروردگارم مرا آمرزیده و گرامی داشته است (۳۶:۲۶-۲۷)

وَيَسِّرُ اللَّهُ لَكَ ذِكْرَهُ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا
فَمَنْ جَاءَكَ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلَا يَمَسُّهُ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ
وَلَا يَحْزَنُ وَلَا يَسْتَكْبِرُ
وَلَا يَتَّبِعُ فِيهَا النَّاسَ لَمَنْ يَسْتَكْبِرُ
وَلَا يَحْزَنُ وَلَا يَسْتَكْبِرُ
وَلَا يَتَّبِعُ فِيهَا النَّاسَ لَمَنْ يَسْتَكْبِرُ
وَلَا يَحْزَنُ وَلَا يَسْتَكْبِرُ

سَبِيلَ اللَّهِ آمَنَّا بِالْحَيَاةِ وَمِنْدَرِيحِهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۳۶﴾
وَلَا تَتَّبِعُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ آمَنَّا بِالْحَيَاةِ وَلَكِنْ
لَا تَتَّبِعُونَ ﴿۳۷﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ فَأُولَٰئِكَ لَأُولُو
الْأَعْيُنِ أُولَٰئِكَ لَمْ يَذْكُرْ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

لَا يَذْكُرُونَ فِيهَا السَّمَوَاتِ
إِلَّا السَّمَوَاتِ الْأُولَىٰ وَوَقَّهِنَّ غَدَابَ الْجَحِيمِ ﴿۳۸﴾
فِيهَا أَدْخِلِ اللَّيْلَةَ قَالَ بَلَّغْتَنِي قَوْلِي
يَتَلَمَّحُونَ ﴿۳۹﴾ بِمَا عَفَّرَ رَيْبِي وَعَمَلِي مِنَ الشُّكْرِ وَرَيْبِي

مزد گناه مرگ است
رومیان ۲۳: ۶

مسلماً پرهیزگاران راهی بهشت می شوند

و اما تا آنجا که موضوع به مردم روی زمین ربط پیدا می کند، پرهیزگاران "می میرند." از درک مردم خارج است که پرهیزگاران کالبد خود را رها می کنند، و عازم بهشت می شوند. آیاتی که در بالا بدانها اشاره شد، خود بخود گویای تمام این جریان است.

این آیات به ما می فهمانند که پرهیزگاران فقط یکبار می میرند - مرگ اولی که همه در نتیجه نبرد بزرگ در ملکوت اعلی قبلاً تجربه کرده ایم (۳۸:۶۹). آیه های (۲۷-۳۶:۲۶) گواه آن هستند که پرهیزگاران به بهشت می روند، در حالی که دوستان و اقوامشان هنوز در زمین بسر می برند. درست مثل اینکه کسی به جایی خوش آب و هوا مانند هاوایی سفر کند، و در آنجا منتظر ما باشد که به او بپیوندیم. به آیات (۶۰:۶۰-۶) و (۱۶:۳۲) نگاه کنید.

تجربه ی شخصی خودم

هنگامیکه طبق ۳:۸۱، میثاق خدا با پیامبران به انجام رسید، مرا به بهشتی که اینک پرهیزگاران در آنجا زندگی میکنند بُردند (۴:۶۹). کالبد من در زمین بود، درحالیکه خودم در بهشتی بودم که آدم و حواً سابقاً در آن بودند.

کافران

و اما کافران، آنها در لحظه مرگ می دانند که سرانجامشان دوزخ است. فرشتگان بر صورت ها و بر نشیمنگاهشان می زنند (۸:۵۰) (۴۷:۲۷)، و به آنها دستور می-دهند که غالب تهی کنند (۶:۹۳)، سپس، فرشتگان "روح آنان را می رُبایند" (۷۹:۱). قرآن تعلیم می دهد که کافران دو بار میرانده می شوند (۴۰:۱۱) (۲:۲۸).

آنها در مرگ خواهند بود - مرحله ای از عَدَم که در آن هیچ چیز نیست جز اینکه شبانه روز، جهنم را در کابوس می بینند و این تا روز قیامت ادامه دارد (۴۰:۴۶). دوزخ موعود هنوز بوجود نیامده است (۸۹:۲۳) (۴۰:۴۶).

همانطور که در ۳:۸۱ و ۴۶:۹ گفته شده است، رسول میثاق خدا چیز تازه ای نمی آورد؛ هر آنچه من دریافت می کنم و شما را در جریان آن قرار می دهم، از قبل در قرآن بوده است. گرچه، قرآن پر از اطلاعاتی است که قادر متعال زمان خاصی را برای آشکار کردن آنها در نظر گرفته است. اکنون زمان آن فرا رسیده که به آیاتی که در بالا به آنها اشاره شد توجه کنیم و این خبر خوش را بیاموزیم که: پرهیزگاران نمی میرند؛ وقتی زندگی مومنان در زمین به پایان می رسد، فرشته مرگ فقط از ایشان دعوت می کند که کالبد زمینی خود را رها کنند و عازم بهشت شوند، همان بهشتی که آدم و حواً روزی در آن زندگی می کردند. بهشت از زمان آدم و حواً وجود داشته است. از آیات ۳۰-۲۷:۸۹ یاد می گیریم که خدا از افراد مومن دعوت می کند: "به بهشت من وارد شوید."

پیوست ۱۸

قرآن، یگانه چیزی که به آن نیاز دارید

کلمات قرآن در ۶۴ : ۱۹ حرف می زنند، و می گویند، ” ما به فرمان پروردگاران فرود می آییم. گذشته، حال، و آینده از آن اوست. پروردگار تو هرگز فراموش نمی کند.“ برای مثال، خدا فراموش نکرد که به ما بگوید چگونه بخوابیم (۳۱:۲۷ ; ۱۸:۱۰۹). با اینحال، هنوز هم پیروان حدیث و سنت، با رساله های دروغین خود به مقلدان خود فرمان می دهند که چگونه بخوابند، یا حتی چگونه ناخن شان را کوتاه کنند. حتی عده ای را برای مسجد الحرام در مکه و عده ای دیگر را برای ”مسجد پیامبر“ که خلاف شرع است در مدینه استخدام کرده اند تا اگر زوار خسته و بی رمق به پهلوی اشتباه بخوابند، آنان را با ترکه بیدار کنند!

قرآن اعلام میکند که قرآن کتابی است کامل و جامع که تمام جزئیات در آن آمده است (۱۱۵، ۱۱۴، ۳۸، ۱۹:۶) (۵۰:۴۵)، و کسانی که قواعد و احکامی درست کرده اند که صریحاً در قرآن نیامده، دین دیگری بوجود آورده اند که دین اسلام یا ”تسلیم“ نیست (۱۷:۴۶ ; ۴۲:۲۱). مومنان راستین، فقط از قرآن پیروی می کنند، تمام قرآن، و هیچ چیز جز قرآن. کد ریاضی قرآن نیز گواه این اصل است. آیه ۴۶ سوره ۱۷ اعلام می کند که فقط باید از قرآن پیروی کنیم. واژه ”واحد“ شش بار در قرآن آمده است: (۶۰:۴ ; ۸۴، ۱۲ : ۴۰ ; ۳۹:۴۵ ; ۱۷:۴۶ ; ۷۰:۷۰). تمام آنها به خدا عطف می شود، جز ۱۷:۴۶. وقتی شماره سوره ها و آیه هایی را که واژه ”واحد“ در آنها به خدا عطف می شود با هم جمع کنیم، عدد ۳۶۱، یا (۱۹ × ۱۹) بدست می آید. همین ثابت می کند که ۱۷:۴۶ عطف به ”قرآن واحد“ است.

پیوست ۱۹

حدیث و سنت از بدعت های شیطان

غیر از خدا و آیاتش از کدام حدیث پیروی می کنند؟
 قرآن یک حدیث ساختگی نیست؛ ... و هر نکته ای را با جزئیات شرح می دهد. [۱۲:۱۱۱]
 بعضی از مردم از احادیث بی اساس حمایت می کنند تا دیگران را از راه خدا منحرف سازند. [۳۱:۶]
 تنها سنتی که باید از آن پیروی شود، سنت خداست. [۱۱۴:۶ ; ۴۸:۲۳ ; ۳۳:۶۲ ; ۱۷:۷۷]

قرآن از پیش به ما خبر داده است که برخی از دشمنان پیامبر، که بعنوان ”شیاطین انس و جن“ از آنها نام برده شده، سخنانی خواهند ساخت که آنرا به پیامبر نسبت می دهند (۲۵:۳۱ ; ۶:۱۱۲). و این دقیقاً همان چیزی است که پس از مرگ پیامبر اتفاق افتاد؛ حدیث (سخنان نقل قول شده) و سنت (چگونگی انجام کارها) بوجود آمد و به پیامبر نسبت داده شد. حدیث و سنت از بدعت های شیطان است، زیرا: [۱] با این اصل که قرآن کتابی کامل است که جزئیات در آن آمده، و باید تنها مرجع تقلید مسلمین جهان باشد مغایر است (۷-۶:۴۵ ; ۱۱۴، ۳۸، ۱۹:۶)، [۲] کفر و ناروا به پیامبر است زیرا او را همچو مردی خیره سر و سرکش معرفی می کنند که پیرو قرآن نبود، و [۳] مرام دروغینی بر پایه ی خرافات، جهل، و سنت های تصدیق نشده و خارج از منطق بدعت گذاردند. محمد، پیامبر خدا، از تعلیم هرگونه دروس فقهی و دینی جز قرآن اکیداً نهی شده بود (۴۸-۳۸ : ۶۹).

مسلمین سازشکار می گویند: ” اگر حدیثی موافق قرآن باشد آنرا می پذیریم، ولی اگر با قرآن منافات داشته باشد، آنرا تکذیب خواهیم کرد!“ همین ثابت می کند که این افراد، به کلام خدا که می گوید قرآن کتابی ”جامع، و کامل است که تمام جزئیات در آن آمده“ ایمان ندارند. لحظه ای که از مرجعی جز قرآن راهنمایی بخواهند، هر اندازه هم که درست به نظر برسد، به دام شیطان گرفتار شده اند (به ۶۳:۱ نگاه کنید). زیرا این بدین معنی است که آنها کلام خدا را رد کرده اند و خدایی دیگر در کنار خدا نشانده اند (۱۸:۵۷). به پیوست ۳۳ نگاه کنید.

معجزه ی ریاضی قرآن با دلایل محکم ریاضی ثابت می کند که قرآن باید تنها مرجع تعلیمات دینی ما باشد. در اینجا دو نمونه از آنها ذکر می شود:

۱. "ما فرطنا فی الکتب من شیء = چیزی نیست که آنرا در این کتاب بیان نکرده باشیم،" که در

آیه ۳۸ (۱۹ × ۲) بیان شده است و مرکب از ۱۹ حرف عربی است (۶:۳۸).

۲. "انزل الیکم مفضلاً = او این کتاب را با تمام جزئیات فرو فرستاد،" که در آیه ۱۱۴

(۱۹ × ۶) بیان شده است و مرکب از ۱۹ حرف عربی است (۶:۱۱۴).

پیوست ۲۰

قرآن، غیر از کتابهای دیگر است

قرآن، آخرین کتاب خدا به جهانیان است، و خدا قول داده است که آنرا از کوچکترین تغییر یا تحریف حفظ کند (۱۵:۹). از اینرو، نیروهای نامریی پیرامون قرآن حلقه زده اند تا از آن حفاظت کنند (۴۲:۲۴؛ ۴۱:۴۲؛ ۱۳:۳۹).

بی شبهات به هر کتاب دیگری، قرآن را خدا تعلیم می دهد (۲-۵۵:۱)؛ او آنچه را که ما باید بدانیم در زمانی که باید آنرا بدانیم به ما تعلیم می دهد. به همین دلیل است که قرآن را صدها بار می خوانیم و خسته نمی شویم. برای مثال، یک کتاب داستان را فقط یکبار می توان خواند. ولی قرآن را بارها و بارها می توان مطالعه کرد، و هر بار اطلاعات جدید و ارزشمندی از آن بدست آورد. از طرف دیگر، خوانندگانی که قرآن را با صداقت مطالعه نمی کنند - همان کسانی که قرآن را می خوانند تا در آن ایراد پیدا کنند - از قرآن منحرف می شوند (۴۱:۴۴؛ ۱۸:۵۷؛ ۱۷:۴۵؛ ۷:۱۴۶). در واقع، نیروهای نامریی خدا به آنها کمک هم می کنند تا ایراداتی را که به دنبالش هستند بیابند. از آنجا که قرآن از هر لحاظ درست و کامل است، این "ایرادها" نشانگر آن است که دشمنان خدا تا چه اندازه نادان هستند.

خدا از صفات خودش برای وصف قرآن استفاده می کند؛ او قرآن را کتابی "عظیم = بزرگ" (۱۵:۸۷)، "حکیم = سرشار از حکمت" (۳۶:۲)، "مجید = ستایش برانگیز" (۵۰:۱)، و "کریم = محترم" (۵۶:۷۷) توصیف می کند. آیا وصفی بهتر از این برای قرآن می توان یافت؟

از آنجا که قرآن پیامی است که خدا برای همه مردم فرستاده است، هرکس که مومن باشد، علیرغم زبان مادری خود، می تواند آنرا بفهمد (۴۱:۴۴). گواه این پدیده ی شگرف این است که: مومنانی که عربی نمی دانند قرآن را بهتر از کافران عرب زبان می دانند. بخاطر وجود همان نیروهای نامریی که در خدمت قرآن هستند، مومنان براحتی می توانند به مفاهیم کتاب آسمانی پی ببرند و از آن لذت می برند، و در عین حال کسانی که ایمان ندارند نمی توانند به مفاهیم کتاب دسترسی پیدا کنند (۱۷:۴۵؛ ۱۸:۵۷؛ ۵۶:۷۹).

پیوست ۲۱

شیطان، فرشته ای که از درگاه رانده شد

در گستره ی بی پایان فرمانروایی خدا، الزاماً به بعضی از مخلوقات قدرت هایی داده می شود که برای انجام وظایف خود بدان نیاز دارند. شیطان می پنداشت که نیروی خداداده اش این قابلیت را به او می دهد که خود نیز بتواند مستقلاً خدایی کند. با توجه به میزان روز افزون فقر و بدبختی، امراض، حوادث ناگوار، و جنگ در دایره محدود قدرتمندی شیطان اینک می دانیم که وی تا چه اندازه فاقد صلاحیت است.

قرآن بصراحت می گوید که شیطان یکی از فرشتگان بلند پایه بود که به او نیروی فراوان داده شده بود. به همین دلیل هم از او تا پیش از زمان رانده شدنش بعنوان یک فرشته نام برده شده است. بترتیب از چپ به راست - شماره سوره، آیه: (۳۸:۷۱؛ ۲۰:۱۱۶؛ ۱۸:۵۰؛ ۱۷:۶۱؛ ۱۵:۲۹؛ ۷:۱۱؛ ۲:۳۴). به بیان دیگر، هر فرشته ای که رانده شود، یک جن است (۱۸:۵۰). ما از "عصیان شیطان" می فهمیم که فرشتگان با عقلی مستقل آفریده شده بودند، و از آزادی انتخاب برخوردار بودند (۲:۳۴).

پیوست ۲۲

عیسی

قرآن ما را آگاه می کند که عیسی بشری بیش نبود که خدا او را به رسالت فرستاد، و تنها مأموریتش این بود که پیغام خدا را برساند. او هرگز قدرتی نداشت، و اینک وفات یافته است (۱۱۷، ۷۵:۵؛ ۱۷۱:۴). کسانی که عیسی را خدا، یا پسر خدا، یا یکی از اقنوم سه گانه تلقی کنند "مُرتد" هستند (۷۳، ۷۲، ۱۷:۵). پژوهشگران برجسته ی مسیحی نیز به همین نتیجه رسیده اند (اسطوره حلول خدا در قالب انسان، اثر جان هیک، انتشارات وست مینستر، فیلادلفیا، سال ۱۹۷۷. و افسانه پرداز، اثر هایم مکابی، انتشارات هارپر و رو ۱۹۸۶). مسیحیت کنونی زاپیده کنفرانس نیقیه است (۳۲۵ سال پس از میلاد).

عیسی در انجیل

عیسی با صدای بلند اعلام کرد: "آن کس که به من ایمان آورد، نه به من بلکه به آنکه مرا فرستاده است ایمان آورده است؛ زیرا من از خود سخن نگفته ام؛ نه، پدری که مرا فرستاده به من فرمان داده است که چه بگویم و چگونه تکلم کنم. و چون می دانم فرمان او بمعنای حیات جاوید است، آنچه می گویم، دقیقاً همان است که او آنرا به من فرمان داد."

"من هیچ کاری به اراده خودم نمی توانم انجام دهم. و آنطور که می شنوم داوری می کنم، و داوری من صادقانه است زیرا من طالب خواست خودم نیستم بلکه طالب خواست کسی هستم که مرا فرستاد." [یوحنا ۵:۳۰]

عیسی گفت: "تعالیم من از من نیست؛ از فرستنده من است."

[یوحنا ۷:۱۶]

"ای مردان اسرائیل، به من گوش دهید! عیسی ناصری مردی بود که خدا او را با معجزات، شگفتی ها، و نشانه ها نزد شما فرستاد تا سخنش اعتبار داشته باشد. خدا از طریق او به این کارها اثر بخشید، چنانکه خودتان هم خوب می دانید."

[۲:۲۲ اعمال رسولان]

"... هر کس سخنان مرا بشنود و به فرستنده من ایمان بیاورد حیات جاودانی دارد."

[یوحنا ۵:۲۴]

"هر کس که مرا پذیرفت، نه مرا، بلکه فرستنده مرا پذیرفته است."

[۱۳:۲۰ یوحنا؛ ۹:۴۸ لوقا؛ ۹:۳۷ مرقس؛ ۱۰:۴۰ متا]

"... من از جانب خود نیامده ام. فرستنده ی من کسی است که حق فرستادن از آن اوست، و او را شما نمی شناسید. او را من می شناسم زیرا از جانب اوست که من آمده ام؛ او مرا فرستاد."

[۲۹-۷:۲۸ یوحنا]

عیسی به سوی آسمان نگاه کرد و گفت، "... این است آن حیات جاوید: شناختن تو، تنها خدای بحق، و کسی که تو فرستاده ای، عیسی مسیح."

[۳-۱:۱۷ یوحنا]

همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند پسران خدا هستند.

[۸:۱۴ رومیان]

عیسی به آسمان نگاه کرد و گفت، "پدر، از تو متشکرم که سخن مرا شنیدی. می دانم که تو همیشه مرا می شنوی ولی این را بخاطر جمعیتی که در اینجا هستند گفته ام، تا باور کنند که تو مرا فرستاده ای."

[۴۲-۱۱:۴۱ یوحنا]

و چون رهسپار می شد، شخصی دوان دوان آمد، نزد او زانو زد و پرسید، "ای استاد نیکو، چه کار باید بکنم تا به حیات جاوید برسم؟" عیسی پاسخ داد، "چرا مرا نیکو می خوانی؟ هیچ کس نیکو نیست جز خدای یگانه."

[۱۸-۱۰:۱۷ مرقس]

”هیچ یک از کسانی که مرا پروردگار می خواند به ملکوت آسمان داخل نخواهد شد، بلکه فقط کسیکه اراده پدر مرا که در آسمانهاست بجا آورد به ملکوت آسمان داخل می شود.“ [متا ۷:۲۱]

”... نزد برادران من برو و به ایشان بگو، من نزد پدر خود و پدر شما، خدای خود و خدای شما بالا می روم.“ [یوحنا ۲۰:۱۷]

”خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ فقط او را عبادت کنید. این است راه راست.“ [قرآن ۳:۵۱؛ ۱۹:۳۶؛ ۴۳:۶۴]

تثلیث، مرامی است که مسیحیان درباره خدا تعلیم می دهند و می خواهند بزور به دیگران بقبولانند که خدا در گوهر ذات، یگانه، ولی مرکب از سه "اقتوم"، پدر، پسر، و روح القدس است. در هیچ جای انجیل، نه کلمه "تثلیث" دیده می شود، و نه به چنین مرامی اشاره شده است. از این گذشته، عیسی و پیروانش هرگز بر آن نبودند که با نخستین اصل تورات مخالفت کنند: "بشنو ای اسرائیل: پروردگار ما خدای واحد است" (سفر تثنیه ۶:۴). [دایرة المعارف بریتانیا، ۱۹۷۵]

مرگ عیسی

این مطلب، جدال انگیزترین مطلب دنیا بوده است. معجزه ی ریاضی قرآن به این بحث خاتمه می دهد:

روح عیسی به آسمان برده شد، یعنی قبل از آنکه کالبد او را دستگیر و مصلوب کنند، جان او گرفته شد. بنابراین، کسانی که می خواستند او را شکنجه دهند یک کالبد خالی از روح را دستگیر کردند، شکنجه دادند، و بر صلیب آویزان کردند - عیسی قبل از تمام این وقایع به دنیای ارواح پیوسته بود. (۳:۵۵؛ ۴:۱۵۷)

آنان ترفندی بکار بردند و نیرنگی زدند،
ولی خدا نیز چنین کرد،
و بهترین ترفند از آن خداست.
از اینرو، خدا گفت، ”ای عیسی،
اینک به زندگی تو پایان می دهم،
تو را نزد خود می آورم، در این بالا؛
و تو را از دست کافران خلاص می کنم.“

[۵۵-۵۴: ۳ قرآن]

آنان مدعی شدند که مسیح، عیسی بن مریم،
رسول خدا را کشتند!
در واقع، هرگز او را نکشتند؛
هرگز او را بر صلیب اعدام نکردند؛
امر بر آنها مشتبه شد که چنین کرده اند.

[۱۵۷: ۴ قرآن]

خدا به لطف خود، نمونه زنده ای را از کسی که روح او از این جهان رخت بست ولی کالبد او بمدت ۱۹ ماه به زندگی ادامه داد به نسل ما نشان داد. در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۴، پزشکان بیمارستان هومانا، واقع در شهر لویزیویل، ایالت کنتاکی، قلب بیمار آقای ویلیام شرودر را با دستگاهی ساخته شده از پلاستیک و فلز عوض کردند (نیویورک تایمز، دوشنبه، ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴).

۱۹ روز پس از این عمل جراحی تاریخی - روز پنج شنبه، ۱۳ دسامبر ۱۹۸۴ - روح آقای شرودر، که شخص واقعی است، از این دنیا رفت. آقای شرودر وفات یافت. ولی کالبدش با آن قلب مصنوعی که در بدنش کار گذاشته بودند همچنان به کار خود ادامه داد.

به سراسر دنیا مخابره شد که وی " احتمالاً دچار حمله قلبی شده است" (نیویورک تایمز، ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴). درخور توجه است که، آقای شرودر، درست یک روز پیش از آنکه دار فانی را وداع گوید در تلویزیون سراسری امریکا با رئیس جمهور این کشور- رونالد ریگان- به گفتگو پرداخت، و تقاضا کرد تا سازمان خدمات اجتماعی حقوق بازنشستگی اش را که چندین ماه عقب افتاده بود برایش بفرستند. او کاملاً هشیار بود. از لحظه ای که " او دچار حمله شد،" دیگر روز، زمان، و حتی اعضای خانواده اش را نمی شناخت. در واقع، آقای شرودر دیگر در این دنیا نبود.

انجیل بوضوح بیان می کند که کالبد دستگیر شده ی عیسی از وقایعی که در اطرافش می گذشت، بی خبر بود: در این گیر و دار، رهبر روحانیون، اتهامات فراوانی بر علیه عیسی مطرح کرد. پپلاطس دوباره از او بازجویی کرد: " حتماً جوابی برای گفتن داری؟" ببین چه اتهاماتی بر تو وارد کرده اند.

ولی عیسی دیگر پاسخی نداد،

بطوریکه باعث تعجب پپلاطس شد.

[۵ - ۳ : ۱۵ مرقس]

هیرودیس از دیدن عیسی بی نهایت خوشحال شد. زیرا او بخاطر گزارش هایی که درباره عیسی به عرض رسانده بودند از مدت ها پیش مایل بود او را ببیند، و امیدوار بود که خود نیز با چشم خود شاهد معجزاتی از جانب او باشد. او زمان درازی را صرف سوال کردن از عیسی کرد، ولی عیسی هیچ جوابی نداد. رهبر روحانیون و کاتبان در جا آماده بودند تا اتهامات سنگینی را به او نسبت دهند. سپس هیرودیس و محافظانش به او اهانت کردند و ناسزا گفتند.

نجات دهنده به من گفت، " کسی را که خوشحال و خندان، در بالای درخت، دیدی همان عیسی زنده است. ولی این که در دست و پایش میخ فرو می کنند، مُشتی پوست و گوشت است. [۸۱، ۳، VII مکاشفه پطرس] "صحیفه های نج حَمَدی"، هارپر و رو، جیمز. م. رابینسون، ۱۹۷۷. صفحه ۳۳۹.

اینکه (۱) روح آقای شرودر، ۱۹ روز پس از عمل جراحی دارفانی را وداع گفت، و (۲) کالبد او بمدت ۱۹ ماه زنده بود، تذکر غریبی است که خدا می خواست تمام دنیا وضعیت شرودر را بدانند و آنرا با موضوع بالا بردن روح بدون کالبد عیسی - پیش از دستگیری، شکنجه، و به صلیب آویختن - مقایسه کنند.

پیوست ۲۳

ترتیب نزول و ترتیب شماره گذاری سوره ها

ترتیب نزول / شماره سوره											
۹۸.....۱۰۰	۲۹.....۸۵										
۵۹.....۱۰۱	۸۳.....۸۶	۷۱.....۷۱	۳۱.....۵۷	۳۵.....۴۳	۱۰۶.....۲۹	۱۰۸.....۱۵	۹۶.....۱				
۲۴.....۱۰۲	۲.....۸۷	۱۴.....۷۲	۳۴.....۵۸	۱۹.....۴۴	۱۰۱.....۳۰	۱۰۲.....۱۶	۶۸.....۲				
۲۲.....۱۰۳	۸.....۸۸	۲۱.....۷۳	۳۹.....۵۹	۲۰.....۴۵	۷۵.....۳۱	۱۰۷.....۱۷	۷۳.....۳				
۶۳.....۱۰۴	۳.....۸۹	۲۳.....۷۴	۴۰.....۶۰	۵۶.....۴۶	۱۰۴.....۳۲	۱۰۹.....۱۸	۷۴.....۴				
۵۸.....۱۰۵	۳۳.....۹۰	۳۲.....۷۵	۴۱.....۶۱	۲۶.....۴۷	۷۷.....۳۳	۱۰۵.....۱۹	۱.....۵				
۴۹.....۱۰۶	۶۰.....۹۱	۵۲.....۷۶	۴۲.....۶۲	۲۷.....۴۸	۵۰.....۳۴	۱۱۳.....۲۰	۱۱۱.....۶				
۶۶.....۱۰۷	۴.....۹۲	۶۷.....۷۷	۴۳.....۶۳	۲۸.....۴۹	۹۰.....۳۵	۱۱۴.....۲۱	۸۱.....۷				
۶۴.....۱۰۸	۹۹.....۹۳	۶۹.....۷۸	۴۴.....۶۴	۱۷.....۵۰	۸۶.....۳۶	۱۱۲.....۲۲	۸۷.....۸				
۶۱.....۱۰۹	۵۷.....۹۴	۷۰.....۷۹	۴۵.....۶۵	۱۰.....۵۱	۵۴.....۳۷	۵۳.....۲۳	۹۲.....۹				
۶۲.....۱۱۰	۴۷.....۹۵	۷۸.....۸۰	۴۶.....۶۶	۱۱.....۵۲	۳۸.....۳۸	۸۰.....۲۴	۸۹.....۱۰				
۴۸.....۱۱۱	۱۳.....۹۶	۷۹.....۸۱	۵۱.....۶۷	۱۲.....۵۳	۷.....۳۹	۹۷.....۲۵	۹۳.....۱۱				
۵.....۱۱۲	۵۵.....۹۷	۸۲.....۸۲	۸۸.....۶۸	۱۵.....۵۴	۷۲.....۴۰	۹۱.....۲۶	۹۴.....۱۲				
۹.....۱۱۳	۷۶.....۹۸	۸۴.....۸۳	۱۸.....۶۹	۶.....۵۵	۳۶.....۴۱	۸۵.....۲۷	۱۰۳.....۱۳				
۱۱۰.....۱۱۴	۶۵.....۹۹	۳۰.....۸۴	۱۶.....۷۰	۳۷.....۵۶	۲۵.....۴۲	۹۵.....۲۸	۱۰۰.....۱۴				

پیوست ۲۴

تحریف کلام خدا

وجود یک نظام ریاضی مافوق بشر در قرآن، این کتاب آسمانی را از هر لحاظ حفظ می کند و درستی یکایک پیچیده های آنرا ثابت می کند. نوزده سال پس از وفات پیامبر، برخی از نگارشگران دو شبه آیه بیابان سوره ۹، آخرین سوره ای که در مدینه نازل شد، گنجانیدند. شواهدی که در این پیوست گزارش شده، این شبه آیات را که مسلماً به دست بشر گنجانیده شده بود حذف می کنند، قرآن را به اصالت اولیه اش بازمی گردانند، و با ارائه یک نمونه زنده، نشان می دهند که کد ریاضی قرآن چگونه این کتاب را از کوچکترین دست زدنی حفظ می کند. از قرار، تنها چیزی که کد ریاضی قرآن آنرا تکذیب می کند شبه آیه های (۱۲۹، ۱۲۸: ۹) است که می خواستند در پایان سوره ۹ بگنجانند.

بیگمان، ما این کتاب را فرو فرستاده ایم، و بیگمان، ما از آن محافظت خواهیم کرد. [۹ : ۱۵]

قرآن آخرین کتاب خداست. از اینرو خدا قول داده است که آنرا به تمام و کمال حفظ کند. خدا ترکیبات بسیار پیچیده و حساب شده ای از لحاظ ریاضی در کتاب خود قرار داده تا ما یقین پیدا کنیم که قرآن یک کتاب آسمانی است، و او آنرا به تمام و کمال حفظ خواهد کرد. شواهد عینی که در پیوست ۱ گزارش شده گواه آن هستند که هوشی بس تواناتر و برتر از آن انسان این نوشتار پیچیده ی ریاضی را در قرآن قرار داده است. کوچکترین تحریف در آخرین کتاب خدا سرانجام به گونه ای چشمگیر مشخص می شود و معلوم می شود که با کتاب همهانگ نیست. هر تغییری - در یکی از سوره ها، آیه ها، کلمات، و حتی یک حرف- بسادگی آشکار می شود.

نوزده سال پس از مرگ محمد، پیامبر خدا، در زمان حکومت "عثمان"، هیئتی از نگارشگران انتخاب شدند تا نسخه هایی از قرآن را برای پخش، رونویسی کنند و به سرزمین های تازه مسلمان بفرستند. قرار بود که این نسخه ها از روی نسخه ی اصلی قرآن که به دست محمد نوشته شده بود رونویسی شوند (پیوست ۲۸).

نظارت این هیئت بعهد عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبدالله بن الزبیر، سعید بن العاص، عبدالرحمن بن الحارث بن هشام بود. و البته شخص پیامبر تمام قرآن را به همان ترتیبی که بر او وحی شده بود نوشته بود (پیوست ۲۳)، و مشخص کرده بود که هر سوره و هر آیه بنا بر دستور خدا کجا و چگونه باید قرار گیرد. آخرین سوره ای که وحی شد، سوره ی نهم بود که در مدینه نازل شد؛ فقط سوره ۱۱۰، که سوره ای بسیار کوتاه است، پس از سوره ۹، در مینا نازل شد.

سرانجام، هیئت نگارشگران به سوره ی نهم رسیدند، و آنرا در جای درست خود قرار دادند. یکی از نگارشگران پیشنهاد کرد که دو آیه به احترام پیامبر به آن افزوده شود. بیشتر نگارشگران موافقت کردند. علی سخت برآشفت و شدیداً مخالفت کرد. او مصرانه عقیده داشت که نباید در کلام خدا که به دست آخرین پیامبرش نوشته شده است کوچکترین تغییری داد.

این اعتراض علی در بسیاری از مأخذ مستند به ثبت رسیده است. ولی من در اینجا به یک مأخذ قدیمی اشاره می کنم: الاتقان فی علوم القرآن، نوشته جلال الدین السیوطی، نشر الازهریه، قاهره، مصر، ۱۳۱۸ هجری قمری، صفحه ۵۹ [به کادر ۱ نگاه کنید].

قعد علی بن ابی طالب فی بینه فقیل مأقعدک قال رأیت کتاب الله یزادفیه
 فحدثت نفسی أن لألپس ردائی الالصلاة حتی ا جمعه
ترجمه : از علی پرسیدند: "چرا در خانه نشسته ای و بیرون نمی آیی؟" گفت، "چیزی به قرآن اضافه کرده-
 اند، و من عهد کرده ام تا قرآن پاکسازی نشود، ردای خود را بر تن نکنم، جز برای نماز جمعه." [کادر ۱]

ابعاد هولناک این جنایت را می توان با نگاهی به عواقب آن دریافت:

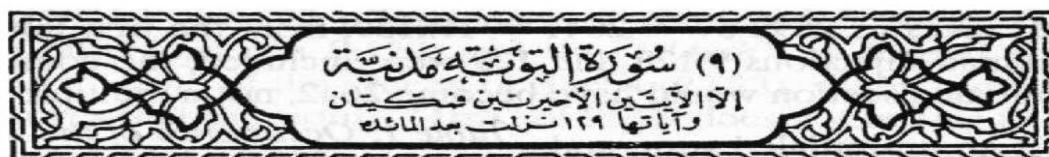
- (۱) عثمان بقتل رسید، و علی بعنوان چهارمین خلیفه برگزیده شد.
- (۲) پنجاه سال جنگ و خونریزی میان خلیفه جدید و یارانش با محمد پرستانی که قرآن را تحریف کردند درگرفت.
- (۳) علی به شهادت رسید، و پس از چندی، یکایک افراد خانواده اش، خانواده پیامبر، کشته شدند و جز چند زن و کودک کسی باقی نماند.
- (۴) این فاجعه به جنگ معروف کربلا انجامید که در آن حسین بن علی، و خانواده اش قتل عام شدند.
- (۵) مسلمانان بمدت ۱۴۰۰ سال از دسترسی به قرآن خالص و تحریف نشده محروم ماندند.

سرانجام تحریف کنندگان قرآن در این جنگ پیروز شدند، و آنچه رسماً در تاریخ به ثبت رسید عقاید و دیدگاه کسانی است که در جنگ پیروز شدند. مسلماً دشمنان خدا، بخواست خدا، به این پیروزی ظاهری دست یافتند. دو دهه پس از فوت پیامبر، مشرکانی که در فتح مکه از پیامبر شکست خورده بودند (۶۳۲ پس از میلاد) دوباره به شرک بازگشتند. جای بسی شگفتی است که اینبار شخص پیامبر را معبود خود قرار دادند. واضح است که چنین مشرکانی لیاقت قرآنی خالص را نداشتند. از اینرو، مومنان راستینی که برای پاکسازی قرآن تلاش کردند به شهادت رسیدند، و پیروزی ظاهری نصیب تحریف کنندگان کلام خدا شد.

پس از این جنگ طولانی و ویرانگر، مروان بن حکم اولین خلیفه زمان صلح بود (متوفی به سال ۶۵ هجری قمری / ۶۸۴ میلادی). یکی از اولین کارهای او این بود که نسخه ی اصل قرآن را که پیامبر با دقت فراوان با دست خود نوشته بود "از بیم بروز درگیری های تازه" نابود کرد [نگاه کنید به علوم القرآن، اثر احمد فون دنفر، بنیاد اسلامی، لیسنتر، بریتانیای کبیر؛ ۱۹۸۳، صفحه ۵۶]. سوالی که در ذهن یک فرد باهوش مطرح می شود این است: "اگر نسخه اصل قرآن با قرآنی که در آن زمان در دست مردم بود یکسان بود، پس چرا مروان بن حکم باید آنرا از میان ببرد؟!"

با بررسی کهن ترین متون و مأخذ اسلامی، متوجه می شویم که در صحت ۱۲۹ - ۱۲۸: ۹، همیشه شک بوده است. برای نمونه، در حدیث معروف بخاری، و الاتقان معروف السیوطی چنین می خوانیم که: چندین شاهد به صحت یکایک آیه های قرآن شهادت دادند، "به استثنای آیه های ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره ۹ که نزد ابی خزیمه بن ثابت انصاری یافت شد و نزد غیر او نبود." و چون بعضی از مردم علت این استثنای نابجا را پرسیدند، یک نفر حدیثی ساخت که اظهار می داشت: "شهادت خزیمه با شهادت دو نفر برابر است !!!"

با کمال شگفتی، در تمام نسخه های کهن قرآن گزارش شده است که شبه آیات (۱۲۹ - ۱۲۸: ۹) از آیات "مکی" هستند [به کادر ۲ نگاه کنید].



در عنوان سوره ی نهم، در یک قرآن متداول و مورد قبول عامه، مشاهده می شود که این سوره از سوره های مدنی است؛ " به استثنای دو آیه آخر؛ که مکی است!!! " [کادر ۲]

چگونه ممکن است این آیه های "مکی" نزد خزیمه یافت شوند که از تازه مسلمانان مدینه بود؟! چگونه ممکن است که سوره ای مدنی شامل آیات مکی باشد، در صورتیکه همه متفق القولند که پس از هجرت پیامبر از مکه، تمام آیات، "مدنی" هستند؟!؟! به رغم استدلالهای فوق، و تناقض هایی که در رابطه با شبه آیات ۱۲۹ - ۱۲۸ : ۹ دیده می شود، هیچکس جرأت نداشت درستی آنها را مورد سوال قرار دهد. اما کشف رمز ریاضی قرآن در سال ۱۹۷۴، طلایعه ی عصر جدیدی بود که در آن درستی هر پدیده ای در قرآن ثابت شد (پیوست ۱).

از قرار معلوم، افزودن دو شبه آیه به قرآن چنین پیامدهایی داشت:
 (۱) کار اصلی نظام پیچیده ی ریاضی قرآن معلوم شد، و
 (۲) معجزه ای بزرگ را در حد خود نشان داد، و
 (۳) مومنان راستین از منافقان (افراد سنت گرا) جدا شدند.
 ترجمه دو شبه آیه در کادر ۳ نشان داده شده است:

" شما را آمد رسولی از خودتان که به رنج افتادنتان گران است بر او، و نگران است مر شما را، و مومنان را مهربان است، و رحم می کند ایشان را. اگر روی گردانند، پس بگو، ' خدا مرا کفایت کند. خدایی نیست جز او. توکل کنم بر او. پروردگار عرش بزرگ است او. ' " [کادر ۳]

شواهد عینی

[۱] اولین ناهماهنگی در کد قرآن که بخاطر شبه آیات ۱۲۹ - ۱۲۸: ۹ پدید آمد هنگامی ظاهر شد که دیدیم شمارش واژه "الله" در قرآن، به ۲۶۹۹ رسیده است، و این در صورتی مضرب نوزده است که یکی از آن کم شود. در پایین هر صفحه از این ترجمه نوشته شده که چند واژه "الله" از اول قرآن تا آن صفحه وجود دارد. و حاصل جمعی که در آخرین صفحه نوشته شده نشان می دهد که جمعاً ۲۶۹۸ (۱۴۲ × ۱۹) واژه "الله" در قرآن وجود دارد، زیرا شبه آیات (۱۲۹ - ۱۲۸: ۹) پاکسازی شده اند.

[۲] حاصل جمع شماره آیه هایی که واژه "الله" در آنها آمده (۱۱۸۱۲۳) یا (۶۲۱۷ × ۱۹) است. یعنی اگر شماره همه آیه هایی را که واژه "الله" در آنها آمده با هم جمع کنیم، عدد فوق بدست می آید. اگر شبه آیه ۱۲۹ : ۹ را نیز بحساب می آوریم، این پدیده از میان می رفت.

[۳] همانطور که در پایان سوره ی نهم در این ترجمه نشان داده شده است، واژه "الله" جمعاً ۱۲۷۳ بار تا پایان سوره ۹ آمده است که این عدد مضرب نوزده است (۶۷ × ۱۹). اگر شبه آیات (۱۲۹ - ۱۲۸: ۹) را در محاسبه بگنجانیم، حاصل جمع به ۱۲۷۴ می رسد، که مضرب نوزده نیست.

[۴] از آیه ای که اولین حروف مقطع در آن آمده (" ا . ل . م . " در ۱: ۲) تا آیه ای که آخرین حروف مقطع در آن آمده (" نون . " در ۱: ۶۸)، ۲۶۴۱ = (۱۳۹ × ۱۹) واژه "الله" وجود دارد. از آنجا که نوشتن فهرست سوره- هایی که خارج از بخش حروف مقطع هستند آسانتر است، جدول ۱ نشان می دهد که واژه "الله" جمعاً ۵۷ بار در این بخش از قرآن آمده است. ۲۶۹۸ واژه "الله" در قرآن وجود دارد، اگر ۵۷ را از آن کم کنیم، ۲۶۴۱، بدست می آید که مضرب نوزده است (۱۳۹ × ۱۹ = ۲۶۴۱ = ۵۷ - ۲۶۹۸)، یعنی از آیه ای که اولین حروف مقطع را دارد تا آیه ای که آخرین حروف مقطع را دارد، جمعاً ۲۶۴۱ واژه "الله" وجود دارد. اگر آنچه را بشر گنجانیده یعنی شبه آیات ۱۲۹، ۱۲۸: ۹ را در محاسبه بگنجانیم، تعداد واژه "الله" در بخشی که حروف مقطع نیز دارد، به ۲۶۴۲ می رسد که مضرب ۱۹ نیست.

جدول ۱: تعداد واژه "الله" در بخشی که هنوز حروف مقطع شروع نشده، و نیز در بخشی که از آن به بعد حروف مقطع نیست

سوره	چند بار در این سوره آمده	سوره	چند بار در این سوره آمده
۱	۲	۸۴	۱
۶۹	۱	۸۵	۳
۷۰	۱	۸۷	۱
۷۱	۷	۸۸	۱
۷۲	۱۰	۹۱	۲
۷۳	۷	۹۵	۱
۷۴	۳	۹۶	۱
۷۶	۵	۹۸	۳
۷۹	۱	۱۰۴	۱
۸۱	۱	۱۱۰	۲
۸۲	۱	۱۱۲	۲

$۵۷ = ۱۹ \times ۳$

جدول ۲: تعداد واژه "الله" از غیبت بسم الله تا بسم الله فوق العاده

چند آیه اش "الله" دارد	کدام سوره ها	چند سوره
۱۰۰	۹	۱
۴۹	۱۰	۲
۳۳	۱۱	۳
۳۴	۱۲	۴
۲۳	۱۳	۵
۲۸	۱۴	۶
۲	۱۵	۷
۶۴	۱۶	۸
۱۰	۱۷	۹
۱۴	۱۸	۱۰
۸	۱۹	۱۱
۶	۲۰	۱۲
۵	۲۱	۱۳
۵۰	۲۲	۱۴
۱۲	۲۳	۱۵
۵۰	۲۴	۱۶
۶	۲۵	۱۷
۱۳	۲۶	۱۸
۶	۲۷	۱۹
-----	-----	-----
۵۱۳	۳۴۲	۱۹

تعداد سوره ها = ۱۹

حاصل جمع شماره سوره ها = $۳۴۲ = ۱۹ \times ۱۸$

حاصل جمع شماره آیه ها = $۵۱۳ = ۱۹ \times ۲۷$

[۵] سوره ۹ از سوره هایی است که حرف مقطع ندارد، اگر به ۸۵ سوره ای که حرف مقطع ندارند نگاه کنیم، می بینیم که واژه "الله" فقط در ۵۷ سوره آمده است (۱۹×۳). حاصل جمع شماره ی آیه ها در تمام سوره هایی که واژه "الله" در آنها آمده است، ۱۰۴۵، یا (۱۹×۵۵) است. اگر شبه آیات (۱۲۹، ۱۲۸ : ۹) را هم در محاسبه بگنجانیم، به تعداد آیاتی که واژه "الله" دارند یکی اضافه می شود.

[۶] واژه "الله" از سوره ۹ که بسم الله ندارد تا سوره ۲۷ که خلاء بسم الله در آن جبران می شود، در ۵۱۳ آیه (۱۹×۲۷) آمده است. در ضمن از سوره ۹ تا سوره ۲۷ نوزده سوره وجود دارد (جدول ۲). اگر شبه آیات ۱۲۹ - ۱۲۸ : ۹ را در محاسبه می گنجانیم، تعداد آیه هایی که واژه "الله" در آنها آمده به ۵۱۴ آیه می رسد، و این پدیده از میان می رفت.

[۷] واژه "اله" که "خداچه" معنی می دهد در ۹:۱۲۹ دیده می شود. این واژه جمعاً ۹۵ بار (۱۹×۵) در قرآن آمده است. اگر شبه آیات ۱۲۹، ۱۲۸ : ۹ را در محاسبات بگنجانیم، یکی به آن اضافه می شود، و ۹۶ واژه "اله" خواهیم داشت.

[۸] فهرست لغات قرآن نشان می دهد که ۱۱۶ واژه "رسول" در قرآن آمده است. یکی از این واژه ها در شبه آیه ۹:۱۲۸ دیده می شود. با حذف این شبه آیه، ۱۱۵ واژه "رسول" باقی می ماند. رسول دیگری که در این محاسبه بحساب نمی آید، رسولی است که در ۱۲:۵۰ از او صحبت شده، زیرا در آنجا این کلمه، به "رسول فرعون" اشاره دارد، نه رسول خدا. بنابراین، واژه "رسول"، ۱۱۴ بار (۱۹×۶) برای "رسول خدا" بکار برده شده است.

[۹] واژه دیگری که فوق العاده مهم است و در شبه آیات ۱۲۹ - ۱۲۸ : ۹ نوشته شده است، واژه "رحیم" (بخشایشگر) است. این واژه در قرآن انحصاراً بعنوان یکی از نامهای خدا بکار رفته است، و پس از آنکه "رحیم" را که در ۹:۱۲۸، به پیامبر عطف کرده اند، حذف کنیم، جمعاً ۱۱۴ بار این واژه در قرآن آمده است، ($۱۹ \times ۶ = ۱۱۴$). به استناد آیات قرآن (۷:۱۸۸) (۱۰:۴۹) (۷۲:۲۱) پیامبر هرگز قدرتی نداشته و ندارد که بتواند دیگران را مورد بخشایش قرار دهد.

[۱۰] فهرست لغات قرآن نشان می دهد که ۲۲ واژه "عرش" (تخت) در قرآن آمده است. پس از حذف آنچه به باطل در شبهه آیه ۹:۱۲۹ گنجانیده شده، و "عرش" یوسف در (۱۲:۱۰۰)، و عرش ملکه سبا در (۲۷:۲۳)، درست ۱۹ واژه "عرش" باقی میماند. این نیز ثابت می کند که واژه "عرش" در ۹:۱۲۹ جزء قرآن نیست.

[۱۱] فرمان قرآنی "قل" (بگو) ۳۳۲ بار در قرآن آمده است. واژه "قالو" (گفتند) نیز ۳۳۲ بار در قرآن آمده است. از آنجا که واژه "قل" (بگو) در شبهه آیه ۹:۱۲۹ دیده می شود، افزایش آن، این پدیده ی برجسته را در قرآن از میان می برد.

جدول ۳: کد ریاضی شماره سوره ها و آیه های قرآن بر پایه ی ۱۹

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع شماره آیه ها	جمع کل
۱	۷	۲۸	۳۶
۲	۲۸۶	۴۱۰۴۱	۴۱۳۲۹
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
-	-	-	-
۱۱۴	۶	۲۱	۱۴۱

۶۵۵۵	۶۲۳۴	۳۳۳۴۱۰	۳۴۶۱۹۹
(۹۵۹ × ۱۹ × ۱۹)			

[۱۲] قرآن دارای ۶۲۳۴ آیه ی شماره دار، و ۱۱۲ آیه ی بدون شماره (بسم الله الرحمن الرحيم) است. پس، قرآن جمعاً دارای ۶۳۴۶ آیه است (۳۳۴ × ۱۹). شبهه آیات ۱۲۹-۱۲۸: این رابطه های حساس قرآنی را از میان می برند.

[۱۳] علاوه بر آنچه درباره تعداد واژه ها در بالا گفته شد، شبهه آیات (۱۲۹-۱۲۸: ۹) برخی از رابطه های را که از لحاظ ریاضی در قرآن وجود دارد از میان می برند. وقتی تعداد آیات هر سوره را با شماره یکایک آیه های آن سوره جمع کنیم ($n + 2 + 3 + \dots + 1$)، تعداد آیات را با حرف n نشان می دهیم - و شماره هر سوره را اضافه کنیم، حاصل جمع آن در تمام قرآن، ۳۴۶۱۹۹، یا ($۹۵۹ \times ۱۹ \times ۱۹$) است. این پدیده درستی یکایک آیات قرآن را تصدیق می کند، و ثابت می کند که شبهه آیات ۹:۱۲۸ و ۹:۱۲۹ در قرآن جایی ندارند. جدول ۳ محاسباتی را که در بخش ۱۳ انجام شد به اختصار نشان می دهد. شبهه آیات ۱۲۹-۱۲۸: این پدیده را غیرممکن می کنند.

جدول ۴: نمودار کد ریاضی قرآن در ۸۵ سوره ای که حرف مقطع ندارند

شماره سوره	تعداد آیات	جمع آیات	جمع کل
۱	۷	۲۸	۳۶
۴	۱۷۶	۱۵۵۷۶	۱۵۷۵۶
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
-	-	-	-
۱۱۴	۶	۲۱	۱۴۱

			۱۵۶۰۶۶
(۸۲۱۴ × ۱۹)			

[۱۴] اگر همان محاسباتی را که در بخش ۱۳ انجام دادیم فقط با ۸۵ سوره ای که حرف یا حروف مقطع ندارند، (که سوره ۹ نیز جزء آنهاست) انجام دهیم، باز هم از حاصل جمع آنها عددی بدست می آید که مضرب ۱۹ است. از حاصل جمع تمام سوره هایی که حروف مقطع ندارند، ۱۵۶۰۶۶، یا (۸۲۱۴×۱۹) بدست می آید. این نتیجه به این واقعیت بستگی دارد که سوره ۹، ۱۲۷ آیه داشته باشد، نه ۱۲۹ آیه. نمودار این بسامد در جدول ۴ نشان داده شده است. شبهه آیه ها، این رابطه ی حساس را که میان سوره هاست از میان می برند.

جدول ۵: سوره هایی که حروف مقطع ندارند و تعداد آياتشان از اول قرآن تا سوره ۹

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع شماره سوره ها با تعداد آياتشان
۱	۷	۸
۴	۱۷۶	۱۸۰
۵	۱۲۰	۱۲۵
۶	۱۶۵	۱۷۱
۸	۷۵	۸۳
۹	۱۲۷	۱۳۶

۷۰۳		
(۳۷ × ۱۹)		

[۱۵] اگر از اول قرآن تا آخر سوره ۹، شماره ی سوره هایی را که حروف مقطع ندارند، با تعداد آياتشان جمع کنیم، ۷۰۳، یا (۳۷×۱۹) بدست می آید. این داده ها در جدول ۵ نشان داده شده است. این پدیده به این واقعیت بستگی دارد که سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه باشد.

[۱۶] اگر از ۹:۱ که بسم الله ندارد تا پایان قرآن، شماره ی ۸۵ سوره ای را که حرف مقطع ندارند، با تعداد آیات، و حاصل جمع شماره آیاتشان جمع کنیم، عدد ۱۱۶۰۹۰، یا ۶۱۱۰×۱۹ بدست می آید. این داده ها در جدول ۶ نشان داده شده است. اگر ۱۲۹-۱۲۸:۹ را به تعداد آیات سوره ۹ اضافه کنیم، این سوره ۱۲۹ آیه خواهد داشت که جمع کل آن ۱۱۶۳۴۹ است و مضرب ۱۹ نیست.

جدول ۶ : هشتاد و پنج سوره ای که حرف مقطع ندارند و تعداد آیاتشان از غیبت بسم الله در سوره ۹ تا آخر قرآن			
شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع شماره آیه ها	جمع کل
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
۱۶	۱۲۸	۸۲۵۶	۸۴۰۰
-	-	-	-
۱۱۳	۵	۱۵	۱۳۳
۱۱۴	۶	۲۱	۱۴۱
			۱۱۶۰۹۰
(۱۹ × ۶۱۱۰)			

جدول ۷ : سوره ها و آیه ها از غیبت بسم الله تا ۷۴:۳۰			
شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع شماره آیه ها	جمع کل
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
۱۰	۱۰۹	۵۹۹۵	۶۱۱۴
-	-	-	-
۷۳	۲۰	۲۱۰	۳۰۳
۷۴	۳۰	۴۶۵	۵۶۹
۲۷۳۹	۴۲۸۸	۲۰۰۶۴۳	۲۰۷۶۷۰
(۱۹ × ۱۰۹۳۰)			

جدول ۸ : آیه هایی که حاصل جمع ارقام آنها ۱۰ می باشد، از ۹:۱ تا ۲۷:۲۹			
شماره سوره	تعداد آیات	چند آیه اش چنین است	جمع کل
۹	۱۲۷	۱۲	۱۴۸
۱۰	۱۰۹	۱۰	۱۲۹
۱۱	۱۲۳	۱۱	۱۴۵
۱۲	۱۱۱	۱۰	۱۳۳
۱۳	۴۳	۳	۵۹
۱۴	۵۲	۴	۷۰
۱۵	۹۹	۹	۱۲۳
۱۶	۱۲۸	۱۲	۱۵۶
۱۷	۱۱۱	۱۰	۱۳۸
۱۸	۱۱۰	۱۰	۱۳۸
۱۹	۹۸	۹	۱۲۶
۲۰	۱۳۵	۱۲	۱۶۷
۲۱	۱۱۲	۱۰	۱۴۳
۲۲	۷۸	۷	۱۰۷
۲۳	۱۱۸	۱۱	۱۵۲
۲۴	۶۴	۶	۹۴
۲۵	۷۷	۷	۱۰۹
۲۶	۲۲۷	۲۲	۲۷۵
۲۷	۲۹	۲	۵۸
-----	-----	-----	-----
۳۴۲	۱۹۵۱	۱۷۷	۲۴۷۰
$۲۴۷۰ = (۱۹ \times ۱۳۰)$ و $(۱۹ \times ۱۸) = ۳۴۲$			

[۱۷] اگر همان محاسباتی را که در بخش ۱۶ انجام دادیم، از ۹:۱ که بسم الله ندارد تا سوره ۲۷ که دو بسم الله دارد انجام دهیم، از حاصل جمع آنها ۱۱۹۹۶۶ یا (۱۹×۶۳۱۴) بدست می آید. اگر سوره ی نهم دارای ۱۲۹ آیه می بود، این پدیده از میان می رفت، و حاصل جمع به ۱۹ تقسیم نمی شد. از آنجا که این پدیده به غیبت بسم الله در سوره ۹ مربوط می شود، اقلام ریز آن در جدولی در پیوست ۲۹ نشان داده شده است.

[۱۸] اگر محاسباتی را که در بخش های ۱۶ و ۱۷ انجام شد، از $(۹:۱)$ که بسم الله ندارد تا $۷۴:۳۰$ که عدد ۱۹ در آن آمده - انجام شود، می بینیم که جمع کل ۲۰۷۶۷۰ یا (۱۹×۱۰۹۳۰) خواهد شد (جدول ۷). سوره ۹ باید ۱۲۷ آیه داشته باشد.

[۱۹] سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه است. حاصل جمع ارقام آن، ۱۰، است $(۱ + ۲ + ۷ = ۱۰)$. اینک تمام آیه-هایی را که جمع ارقام آنها ۱۰ است، از سوره ۹ که بسم الله ندارد تا سوره ۲۷ که دو بسم الله دارد، بررسی می کنیم.

اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، حاصل جمع ارقام، بجای ۲۴۷۰ (۱۹×۱۳۰) ، ۲۴۷۲ می شد که مضرب ۱۹ نیست و این پدیده نیست می شد. جدول ۸ این داده ها را نشان می دهد.

[۲۰] بدعت گذاران می خواستند ما باور کنیم که سوره نهم ۱۲۹ آیه دارد. عدد ۱۲۹ به ۹ ختم می شود. اینک بیابید ببینیم که اولین سوره و آخرین سوره ای که تعداد آیات آنها به "۹" ختم می شود کدام سوره ها هستند. آنها عبارتند از سوره ۱۰ و سوره ۱۰۴. اگر شماره سوره ها، و آیه ها، و حاصل جمع شماره آیه ها را از سوره ۱۰ تا سوره ۱۰۴ جمع کنیم، عدد ۲۳۶۵۵ بدست می آید که مضرب ۱۹ است (۱۹×۱۲۴۵) . اقلام ریز آن در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹: همه سوره هایی که تعداد آیاتشان عددی است که به ۹ ختم می شود.

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع شماره آیه ها	جمع کل
۱۰	۱۰۹	۵۹۹۵	۶۱۱۴
۱۵	۹۹	۴۹۵۰	۵۰۶۴
۲۹	۶۹	۲۴۱۵	۲۵۱۳
۴۳	۸۹	۴۰۰۵	۴۱۳۷
۴۴	۵۹	۱۷۷۰	۱۸۷۳
۴۸	۲۹	۴۳۵	۵۱۲
۵۲	۴۹	۱۲۲۵	۱۳۲۶
۵۷	۲۹	۴۳۵	۵۲۱
۸۱	۲۹	۴۳۵	۵۴۵
۸۲	۱۹	۱۹۰	۲۹۱
۸۷	۱۹	۱۹۰	۲۹۶
۹۶	۱۹	۱۹۰	۳۰۵
<u>۱۰۴</u>	<u>۹</u>	<u>۴۵</u>	<u>۱۵۸</u>
۷۴۸	۶۲۷	۲۲۲۸۰	۲۳۶۵۵

(19×1245)

جدول ۱۰: شمارش اها در ۸۵ سوره ای که حروف مقطع ندارند

سوره	تعداد آیات	دارای چند ا می باشد
۱	۷	۱
۴	۱۷۶	۱۱۵
-	-	-
۹	۱۲۷	۶۱
-	-	-
۱۱۳	۵	۱
۱۱۴	۶	۱
		<u>۱۴۰۶</u>

(19×74)

جدول ۱۱: شمارش تمام ارقامی که در ۱۲۸ و ۱۲۹ وجود دارند، در تمام قرآن

سوره	تعداد ۱ ها	تعداد ۲ ها	تعداد ۸ ها	تعداد ۹ ها	جمع کل
۱	۱	۱	۰	۰	۲
۲	۱۵۹	۱۴۶	۵۵	۴۸	۴۰۸
-	-	-	-	-	-
۹	۶۱	۳۱	۲۲	۲۲	۱۳۶
۱۰	۳۱	۲۱	۲۱	۲۱	۹۴
-	-	-	-	-	-
<u>۱۱۴</u>	<u>۱</u>	<u>۱</u>	<u>۰</u>	<u>۰</u>	<u>۲</u>
	۲۵۴۶	۱۶۴۱	۹۰۸	۸۳۳	۵۹۲۸

(19×312)

اگر سوره ۹ را با تعداد غلط آیتش، ۱۲۹، در محاسبه بگنجانیم، نه تنها تعداد آیات، بلکه حاصل جمع آنها را نیز دیگرگون می کند - در آنصورت، حاصل جمع تعداد آیات $756 = 129 + 627$ می شد، و جمع کل، ۲۳۶۵۵ نمی شد - و رابطه هایی که بصورت رمز میان آنها وجود دارد از میان می رفت. (جدول ۹).

[۲۱] شبه آیات را بپایان سوره ۹ اضافه کردند، و شماره ی آنها ۱۲۸ و ۱۲۹ است. اگر به این دو عدد نگاه کنیم، دو ۱، دو ۲، یک ۸، و یک ۹ در آنها می بینیم. اینک تمام آیه های قرآن را بررسی می کنیم، و تمام ۱ ها را می شمیریم. یعنی تمام ۱ ها را در آیه هایی که ۱ دارند - مانند ۱، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ...، ۲۱، ۳۱، می شمیریم. در سراسر قرآن ۲۵۴۶ عدد ۱ وجود دارد (19×134)، مشروط برآنکه تعداد درست آیات سوره ۹ یعنی ۱۲۷ را در محاسبه حساب کرده باشیم. اگر ۱۲۸ و ۱۲۹ را نیز در محاسبه بگنجانیم، حاصل جمع آن، ۲۵۴۸ خواهد شد که مضرب ۱۹ نیست (جدول ۱۱).

[۲۲] چون سوره ۹ از سوره هایی است که حرف مقطع ندارد، اینبار به ۸۵ سوره ای که حرف مقطع ندارند نگاه می کنیم و تمام آیه هایی را که (۱) دارند، می شماریم. همانطور که در جدول ۱۰ نشان داده شده است جمعاً ۱۴۰۶ (۱) در تمام سوره هایی که حرف مقطع ندارند وجود دارد که این عدد مضرب ۱۹ است (19×74). پر واضح است که اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، بخاطر ۱۲۸ و ۱۲۹، دو (۱) اضافه می آمد، و رابطه هایی که بصورت رمز میان آنها وجود دارد از میان می رفت.

[۲۳] اینک همان محاسباتی را که در بخشهای ۲۱ و ۲۲ برای "۱" انجام دادیم، برای همه ۲ها، ۸ها، و ۹ها در قرآن انجام می دهیم. همانطور که در جدول ۱۱ نشان داده شده است، حاصل جمع تمام ۲ها، ۸ها، و ۹ها

(۳۳۸۲)، یا (۱۷۸ × ۱۹) است. حاصل جمع تمام ۱ها، ۲ها، ۸ها، و ۹ها در قرآن (۵۹۲۸ = ۳۳۸۲ + ۲۵۴۶)، یا ۱۹ × ۳۱۲ است.

در این پدیده ی قابل توجه، تک تک آیه های قرآن، و تک تک ارقامی را که در اعداد ۱۲۸ و ۱۲۹ هست بررسی کرده ایم. از آنجا که ۱۲۸ و ۱۲۹ جمعاً ۶ رقم است، اگر این دو شبه آیه غیر الهی را نیز در محاسبه بگنجانیم، جمع کل این ارقام در قرآن به (۵۹۳۴ = ۵۹۲۸ + ۶) می رسد که مضرب نوزده نیست.

[۲۴] از حاصل جمع ارقام آیه ها (از ۱ تا ۹) در ۸۵ سوره ای که حرف مقطع ندارند، از جمله سوره ۹ که ۱۲۷ آیه دارد، ۲۷۰۷۵ یا (۷۵ × ۱۹ × ۱۹) بدست می آید.

جدول ۱۲: حاصل جمع ارقام همه سوره ها و آیه ها در قرآن

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع ارقام سوره ها	حاصل جمع ارقام آیه ها
۱	۷	۱	۷
۲	۲۸۶	۲	۱۶
۳	۲۰۰	۳	۲
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۹	۱۰
-	-	-	-
۱۱۴	۶	۶	۶
		۹۷۵	۹۰۶
۹۰۶ + ۹۷۵ = ۱۸۸۱ = ۱۹ × ۹۹			

[۲۵] از حاصل جمع ارقام آیه ها و سوره های قرآن عددی بدست می آید که مضرب ۱۹ است، مشروط بر آنکه تعداد درست آیات سوره ۹، یعنی ۱۲۷ را در محاسبه حساب کنیم. برای اینکار فهرستی از ۱۱۴ سوره قرآن و تعداد آیات هر سوره تهیه کنید. ارقام هر یک از سوره ها را با هم جمع کنید. مثلاً، حاصل جمع ارقام عدد ۱۰ = ۱، عدد ۱۱ = ۲، عدد ۱۲ = ۳، عدد ۹۹ = ۱۸، تا آخر. عددی که از حاصل جمع ارقام تمام سوره ها بدست می آید ۹۷۵ میباشد. همین کار را برای تعداد آیات هر سوره انجام دهید. برای نمونه، سوره دوم قرآن ۲۸۶ آیه دارد. حاصل جمع ارقام عدد ۲۸۶ (۱۶ = ۱ + ۸ + ۲) است. حاصل جمع ارقام آیات سوره نهم (۱۰ = ۱ + ۲ + ۷) است. از حاصل جمع ارقام تعداد آیات در ۱۱۴ سوره قرآن عدد ۹۰۶ بدست می آید. بنابراین، حاصل جمع کل سوره ها و تعداد آیات

۱۸۸۱، است که مضرب ۱۹ است (۱۸۸۱ = ۱۹ × ۹۹). (۹۷۵ + ۹۰۶). طبیعتاً، اگر سوره ی نهم ۱۲۹ آیه داشت، این مشاهدات امکان پذیر نبود. جدول ۱۲ این محاسبات را به اختصار نشان می دهد.

[۲۶] براستی معجزه است که اگر ارقام هر سوره را با هم جمع کنیم، و آنرا با عددی که از حاصل جمع تعداد آیات آن بدست می آید، بجای جمع زدن، در هم ضرب کنیم، باز هم عددی بدست می آید که مضرب ۱۹ است. برای نمونه، سوره ۲ دارای ۲۸۶ آیه است. حاصل جمع ارقام آن (۱۶ = ۲ + ۸ + ۶) است. اینک اگر بجای اینکه ۲ و ۱۶ را مانند بخش ۲۵ با هم جمع کنیم (۲ + ۱۶)، آنها را در هم ضرب کنیم (۲ × ۱۶)، عدد ۳۲ بدست می آید. اینکار برای یکایک سوره های قرآن انجام شده است. حاصل جمع کل برای تمام سوره ها ۷۷۷۱، یا (۱۹ × ۴۰۹) است. بنابراین، درستی یکایک آیات قرآن یک بار دیگر نیز تصدیق می شود، و شبه آیه ها به هیچ وجه در آن راه پیدا نمی کنند. (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: حاصل ضرب ارقام همه سوره ها و آیه های قرآن

شماره سوره	تعداد آیات	جمع ارقام سوره ها	جمع ارقام آیه ها	حاصل ضرب
۱	۷	۱	۷	= ۷
۲	۲۸۶	۲	۱۶	= ۳۲
۳	۲۰۰	۳	۲	= ۶
-	-	-	-	= -
۹	۱۲۷	۹	۱۰	= ۹۰
-	-	-	-	= -
۱۱۴	۶	۶	۶	= ۳۶
		۹۷۵	۹۰۶	۷۷۷۱
۱۹ × ۴۰۹				
۹۰۶ + ۹۷۵ = ۱۸۸۱ = ۱۹ × ۹۹				

جدول ۱۴: همان نمودار جدول ۱۲ است، ولی فقط سوره هایی را نشان می دهد که شماره شان فرد است

سوره	تعداد آیات	جمع ارقام سوره	جمع ارقام تعداد آیات	جمع کل
۱	۷	۱	۷	۸
۳	۲۰۰	۳	۲	۵
-	-	-	-	-
۹	۱۲۷	۹	۱۰	۱۹
-	-	-	-	-
۱۱۳	۵	۵	۵	۱۰
		۵۱۳	۴۳۷	۹۵۰
		(۱۹ × ۲۷)	(۱۹ × ۲۳)	(۱۹ × ۵۰)

[۲۷] اینک به پدیده ای دیگر نگاه می کنیم که براساسی مبهوت کننده است: سوره ۹ از سوره های فرد قرآن است، و اگر همان محاسبه بالا را اینبار فقط درباره سوره های فرد قرآن انجام دهیم، می بینیم که از حاصل جمع ارقام سوره ها، ۵۱۳ (۲۷ × ۱۹) بدست می آید، و از حاصل جمع ارقام آیات، ۴۳۷، یا (۲۳ × ۱۹) بدست می آید، و حاصل جمع کل آنها (۴۳۷ + ۵۱۳ = ۹۵۰) یا ۵۰ × ۱۹ است. این پدیده جالب توجه در جدول ۱۴ نشان داده شده است.

[۲۸] اینک همه سوره هایی را که دارای ۱۲۷ آیه یا کمتر است بررسی می کنیم. ۱۰۵ سوره دارای این ویژگی است. حاصل جمع شماره سوره ها و تعداد آیات این ۱۰۵ سوره، ۱۰۹۶۳ یا (۵۷۷ × ۱۹) است. سوره ۹، تنها سوره ای است که ۱۲۷ آیه دارد (جدول ۱۵).

اگر سوره ی نهم ۱۲۹ آیه می داشت، در فهرست این سوره ها قرار نمی گرفت، و حاصل جمع شماره سوره ها و تعداد آیات آنها ۱۰۸۲۷ می شد (۱۰۸۲۷ = ۱۳۶ - ۱۰۹۶۳)، و این پدیده از میان می رفت، و رابطه هایی که بصورت رمز در قرآن وجود دارد ناپدید می شد.

[۲۹] چون سوره ۹، از سوره های فرد قرآن است، و تعداد آیات آن نیز فرد است، اینک تمام سوره های فرد را که تعداد آیاتشان نیز فرد است بررسی می کنیم. در این محاسبه ۲۷ سوره خواهیم داشت: ۱، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۵۷، ۶۳، ۸۱، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳.

جدول ۱۵: رابطه ی ریاضی میان تمام سوره-هایی که دارای ۱۲۷ آیه، یا کمتر هستند

سوره	تعداد آیات	جمع کل
۱	۷	۸
۵	۱۲۰	۱۲۵
۸	۷۵	۸۳
۹	۱۲۷	۱۳۶
-	-	-
۱۱۳	۵	۱۱۸
۱۱۴	۶	۱۲۰
۶۴۳۴	۴۵۲۹	۱۰۹۶۳
		(۱۹ × ۵۷۷)

تعداد آیات این سوره ها بترتیب عبارتند از: ۷، ۱۲۷، ۱۲۳، ۴۳، ۹۹، ۱۱۱، ۷۷، ۹۳، ۶۹، ۷۳، ۴۵، ۷۵، ۸۹، ۳۷، ۲۹، ۱۱، ۲۹، ۱۹، ۱۵، ۱۱، ۵، ۱۱، ۳، ۵، ۷، ۵، و ۵ آیه. حاصل جمع شماره این سوره ها و تعداد آیات آنها ۲۷۷۴ یا ۱۴۶ × ۱۹ است. گفتنی است که، اگر تعداد آیات سوره ۹ را، به غلط، ۱۲۹ آیه فرض کنیم، این معجزه ناپدید خواهد شد.

[۳۰] تعداد درست آیات سوره ی نهم ۱۲۷ است، که این یک عدد اول است - عدد اول، عددی است که جز به خودش و به ۱، به هیچ عدد دیگری تقسیم نمی شود. اینک تمام سوره هایی را که تعداد آیاتشان، عدد اول است بررسی می کنیم، این سوره ها عبارتند از: ۱، ۹، ۱۳، ۳۳، ۴۳، ۴۵، ۵۷، ۶۳، ۸۱، ۸۷، ۹۳، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۱، و ۱۱۳. تعداد آیات این سوره ها بترتیب عبارتند از: ۷، ۱۲۷، ۴۳، ۷۳، ۸۹، ۳۷، ۲۹، ۱۱، ۲۹، ۱۹، ۱۱، ۵، ۱۱، ۳، ۵، ۷، ۵، و ۵. اگر ارقام این سوره ها را با هم جمع کنید عدد ۱۳۷ بدست می آید، و اگر ارقام آیه ها را با هم جمع کنید عدد ۱۲۹ بدست می آید. جمع کل آنها (۱۲۹ + ۱۳۷ = ۲۶۶) یا ۱۴ × ۱۹ است.

[۳۱] تحریف کنندگان، دو شبه آیه بپایان سوره ۹، افزودند، و همین باعث شد که تعداد آیات این سوره، ۱۲۹ شود. از آنجا که عدد ۱۲۹ یک عدد ۳ رقمی است، و بر ۳ قابل تقسیم است، به سوره هایی که تعداد آیاتشان بر ۳ قابل تقسیم است، و ۳ رقمی هستند نگاه می کنیم. شش سوره دارای این ویژگی است. حاصل جمع شماره این شش سوره ۷۱، و حاصل جمع تعداد آیات آنها ۷۶۵ است. جمع کل آنها (۷۱ + ۷۶۵ = ۸۳۶) یا (۴۴ × ۱۹) است. جدول ۱۶ این داده ها را نشان می دهد. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، در این جدول قرار می گرفت، و این پدیده از میان می رفت.

جدول ۱۶: همه سوره هایی که شماره آیتشان سه رقمی است، و به سه تقسیم می شوند

سوره	تعداد آیات	جمع کل
۵	۱۲۰	۱۲۵
۶	۱۶۵	۱۷۱
۱۱	۱۲۳	۱۳۴
۱۲	۱۱۱	۱۲۳
۱۷	۱۱۱	۱۲۸
۲۰	۱۳۵	۱۵۵
-----	-----	-----
۷۱	۷۶۵	۸۳۶
		(۱۹ × ۴۴)

جدول ۱۷: همه سوره هایی که دارای ۱۲۹ آیه، یا بیشتر هستند

شماره سوره	تعداد آیات
۲	۲۸۶
۳	۲۰۰
۴	۱۷۶
۶	۱۶۵
۷	۲۰۶
۲۰	۱۳۵
۲۶	۲۲۷
۳۷	۱۸۲
	۱۵۷۷
	(۱۹ × ۸۳)

جدول ۱۸: سوره هایی که تعداد آیات آنها عددی است که در آن ۱ و ۲ است، در رابطه با آیات مورد سوال (۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹).

شماره سوره	تعداد آیات	جمع کل
۵	۱۲۰	۱۲۵
۹	۱۲۷	۱۳۶
۱۱	۱۲۳	۱۳۴
۱۶	۱۲۸	۱۴۴
۲۱	۱۱۲	۱۳۳
۳۷	۱۸۲	۲۱۹
۶۵	۱۲	۷۷
۶۶	۱۲	۷۸
۹۲	۲۱	۱۱۳
۳۲۲	۸۳۷	۱۱۵۹
		(۱۹ × ۶۱)

[۳۲] فرض کنیم که سوره ۹، همانطور که تحریف-کنندگان می خواستند باور کنیم، دارای ۱۲۹ آیه باشد، و همه سوره هایی را که دارای ۱۲۹ آیه یا بیشتر است بررسی کنیم. هشت سوره دارای این ویژگی است. جدول ۱۷ این داده ها را نشان می دهد. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، حاصل جمع کل آیات ($1577 + 129 = 1706$) می شد، که مضرب ۱۹ نیست.

[۳۳] اعداد ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹ همه دارای ۱ و ۲ می باشند. اینک به تمام سوره هایی که تعداد آیات آنها عددی است که در آن ۱ و ۲ است نگاه می کنیم. اگر شماره این سوره ها و آیه ها را با هم جمع کنیم، ۱۱۵۹ یا (19×61) بدست می آید. (جدول ۱۸). اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، جمع کل آن ($1159 + 2 = 1161$) می شد، که مضرب ۱۹ نیست.

[۳۴] شماره ی سوره ۹ یک رقم است. تعداد آیات این سوره ۱۲۷ است که در آن ۱ و ۲ وجود دارد. فقط یک سوره دیگر هست که همین ویژگی را دارد: سوره ۵؛ شماره این سوره دارای یک رقم است و ۱۲۰ آیه دارد که در آن ۱ و ۲ وجود دارد. همانطور که در جدول ۱۹ نشان داده شده، تعداد آیات این دو سوره جمعاً ($247 = 127 + 120$) یا (19×13) است. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، حاصل جمع آن ۲۴۹ می شد ($247 + 2 = 249$)، که مضرب نوزده نیست.

[۳۵] تمام سوره هایی را که تعداد آیتشان عددی است که دارای ۱ و ۲ میباشند بررسی کردیم. اینک تمام سوره هایی را بررسی کنیم که تعداد آیات آنها عددی است که با ۱ شروع می شود. ۳۰ سوره دارای این ویژگی است: سوره های ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۳۷، ۴۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱.

تعداد آیات آنها بترتیب: ۱۷۶، ۱۲۰، ۱۶۵، ۱۲۷، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۱۱، ۱۲۸، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۳۵، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۸۲، ۱۵، ۱۳، ۱۴، ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۸، ۱۲، ۱۲، ۱۹، ۱۷، ۱۹، ۱۵، ۱۱، ۱۹، ۱۱، و ۱۱ است. حاصل جمع آیه های این ۳۰ سوره ($1 + 2 + 3 + \dots + n$) یا (19×6638) است.

جدول ۱۹: سوره هایی که شماره سوره، یک رقمی است، و تعداد آیتشان عددی است که در آن ۱ و ۲ است

شماره سوره	تعداد آیات
۵	۱۲۰
۹	۱۲۷
	(19×13) ۲۴۷

اگر سوره ی نهم ۱۲۹ آیه می داشت، حاصل جمع آیات آن ($126379 = 129 + 128 + 126122$) می شد، که مضرب ۱۹ نیست.

شماره سوره	تعداد آیات	جمع کل
۹	۱۲۷	۱۳۶
۲۲	۷۸	۱۰۰
۲۶	۲۲۷	۲۵۳
۴۵	۳۷	۸۲
۵۴	۵۵	۱۰۹
۶۴	۱۸	۸۲
۷۲	۲۸	۱۰۰
۷۷	۵۰	۱۲۷
۷۸	۴۰	۱۱۸
۸۴	۲۵	۱۰۹
۵۳۱	۶۸۵	۱۲۱۶
		(19×64)

[۳۶] سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه است، و حاصل جمع این ارقام ($9 + 1 + 2 + 7$)، ۱۹ است. اینک به تمام سوره-هایی که حاصل جمع ارقام سوره و تعداد آیاتشان ۱۹ می-شود نگاه می کنیم. ۱۰ سوره دارای این ویژگی است، و حاصل جمع شماره ی این سوره ها با تعداد آیاتشان ۱۲۱۶، یا (19×64) است. جدول ۲۰ این داده ها را نشان میدهد.

آقای گاتوت آدیسوما از مسجد توسان به دو مورد زیر پی برد.

[۳۷] سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه می باشد، و (9) + ($1 + 2 + 7$) می شود ۱۹. سه سوره دیگر در قرآن وجود دارد که جمع ارقام شماره سوره ، ۹ ، می شود و جمع ارقام تعداد آیاتشان ۱۰ می شود. این سوره ها عبارتند از: سوره ۹، سوره ۴۵، سوره ۵۴، و سوره ۷۲. هر یک از آنها بترتیب دارای ۱۲۷، ۳۷، ۵۵، و ۲۸ آیه است. در این چهار سوره جمعاً ۲۴۷، (13×19) آیه وجود دارد. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه بود، سرآغاز این جدول نبود. به جدول ۲۱ نگاه کنید.

شماره سوره	تعداد آیات
۹	۱۲۷
۴۵	۳۷
۵۴	۵۵
۷۲	۲۸
	۲۴۷
	(13×19)

[۳۸] اگر طبق ادعای تحریف کنندگان، سوره ۹، دارای ۱۲۹ آیه می بود، در آنصورت فقط یک سوره ی دیگر بود که جمع ارقام شماره سوره ، ۹، می شد، و جمع ارقام شماره آیاتش، ۱۲ می شد، و آن سوره ی ۲۷ است. همانطور که در جدول ۲۲ نشان داده شده ، اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه باشد، مجموعه ای خواهیم داشت که با رابطه هایی که بصورت رمز در قرآن وجود دارد هماهنگی ندارد.

شماره سوره	تعداد آیات
۹	۱۲۹
۲۷	۹۳
	۲۲۲
	(مضرب ۱۹ نیست)

[۳۹] فرض کنیم که سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه باشد. از آنجا که عدد ۱۲۹ به "۹" ختم می شود، به تمام سوره-هایی که تعداد آیات آنها به ۹ ختم می شود نگاه می کنیم. ۱۳ سوره در قرآن وجود دارد که تعداد آیات آنها عددی است که به "۹" ختم می شود. این سوره ها عبارتند از: سوره های ۱۰، ۱۵، ۲۹، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۵۲، ۵۷، ۸۱، ۸۲، ۸۷، ۹۶، و ۱۰۴. تعداد آیات آنها بترتیب عبارت است از: ۱۰۹، ۹۹، ۶۹، ۸۹، ۵۹، ۲۹، ۴۹، ۲۹، ۲۹، ۱۹، ۱۹، و ۹.

همانطور که در جدول ۲۳ نشان داده شده است، نتایج بسیاری بدست خواهیم آورد که با نظام ریاضی قرآن مطابقت می کنند - مشروط برآنکه سوره شماره ۹ در این محاسبات حذف شود زیرا این سوره دارای ۱۲۹ آیه نیست. جمع کل آیات این ۱۳ سوره ، بدون سوره ۹، ۶۲۷، یا (33×19) است. در ضمن، اگر شماره سوره، و

جدول ۲۳: تمام سوره هایی که تعداد آیاتشان به ۹ ختم می شود

سوره	تعداد آیات	جمع آیات	جمع کل
۱۰	۱۰۹	۵۹۹۵	۶۱۱۴
۱۵	۹۹	۴۹۵۰	۵۰۶۴
۲۹	۶۹	۲۴۱۵	۲۵۱۳
۴۳	۸۹	۴۰۰۵	۴۱۳۷
۴۴	۵۹	۱۷۷۰	۱۸۷۳
۴۸	۲۹	۴۳۵	۵۱۲
۵۲	۴۹	۱۲۲۵	۱۳۲۶
۵۷	۲۹	۴۳۵	۵۲۱
۸۱	۲۹	۴۳۵	۵۴۵
۸۲	۱۹	۱۹۰	۲۹۱
۸۷	۱۹	۱۹۰	۲۹۶
۹۶	۱۹	۱۹۰	۳۰۵
<u>۱۰۴</u>	<u>۹</u>	<u>۴۵</u>	<u>۱۵۸</u>
۷۴۸	۶۲۷	۲۲۲۸۰	۲۳۶۵۵
(۱۹ × ۱۲۴۵)		(۱۹ × ۳۳)	

جدول ۲۴: تمام سوره های فرد قرآن که تعداد آیاتشان عددی است که به "۹" ختم می شود.

شماره سوره	تعداد آیات	جمع کل
۱۵	۹۹	۱۱۴
۲۹	۶۹	۹۸
۴۳	۸۹	۱۳۲
۵۷	۲۹	۸۶
۸۱	۲۹	۱۱۰
<u>۸۷</u>	<u>۱۹</u>	<u>۱۰۶</u>
۳۱۲	۳۳۴	۶۴۶
		(۱۹ × ۳۴)

جدول ۲۵: تمام سوره هایی که تعداد آیاتشان عددی است که به "۷" ختم می شود.

شماره سوره	تعداد آیات	حاصل جمع
۱	۷	۸
۹	۱۲۷	۱۳۶
۲۵	۷۷	۱۰۲
۲۶	۲۲۷	۲۵۳
۴۵	۳۷	۸۲
۸۶	۱۷	۱۰۳
<u>۱۰۷</u>	<u>۷</u>	<u>۱۱۴</u>
۲۹۹	۴۹۹	۷۹۸
		(۱۹ × ۴۲)

شماره آیات، و تعداد آیات را با هم جمع کنیم، ۲۳۶۵۵، یا (۱۲۴۵ × ۱۹) بدست می آید. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، این پدیده از میان می رفت.

[۴۰] سوره ۹ از سوره های فرد قرآن است و تعداد آیات آن عددی است که به "۹" ختم می شود. اینک بیابید به تمام سوره های فرد قرآن که تعداد آیاتشان عددی است که به "۹" ختم می شود نگاه کنیم. همانطور که در جدول ۲۴ نشان داده شده است، حاصل جمع شماره این سوره ها با تعداد آیات آنها ۶۴۶، یا ۳۴ × ۱۹ است. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، در این مجموعه قرار می گرفت، و (۶۴۶ + ۱۲۹ + ۹ = ۷۸۴) بدست می آمد، که مضرب ۱۹ نیست.

[۴۱] تا حال، تمام شواهد گواه آن است که سوره ۹ فقط ۱۲۷ آیه دارد. اینک بیابید به تمام سوره هایی که تعداد آیات آنها عددی است که به "۷" ختم می شود نگاه کنیم. ۷ سوره دارای این ویژگی هستند؛ آنها عبارتند از سوره های ۱، ۹، ۲۵، ۲۶، ۴۵، ۸۶، و ۱۰۷. تعداد آیات آنها بترتیب: ۷، ۱۲۷، ۷۷، ۲۲۷، ۳۷، ۱۷، و ۷ آیه است. حاصل جمع شماره این سوره ها با تعداد آیات این هفت سوره ۷۹۸، یا (۱۹ × ۴۲) است. این داده ها در جدول ۲۵ نشان داده شده است. پس، این رابطه میان تمام سوره هایی هم که تعداد آیاتشان به "۷" ختم می شود وجود دارد از جمله سوره ۹.

[۴۲] دو آیه ی آخر سوره ۹، آیات ۱۲۶ و ۱۲۷ می باشند. از آنجا که تحریف کنندگان، دو شبه آیه بیان آن افزودند، پس به دو آیه ی آخر تمام سوره های قرآن نگاه می کنیم، و تمام ۷ ها را در دو آیه ی آخر سوره ها می شماریم.

همانطور که جدول ۲۶ نشان می دهد، جمعاً ۳۸ هفت (۷) در دو آیه ی آخر سوره های قرآن وجود دارد. یعنی تعداد ۷ها در دو آیه ی آخر سوره ها مضرب ۱۹ است ۱۹ × ۲.

اگر شماره آخرین آیه ی سوره ۹، بجای ۱۲۷، ۱۲۹ باشد، تعداد ۷ها در دو آیه ی آخر سوره ها، ۳۷ می شد، نه ۳۸، و این رابطه های سری میان پدیده های قرآن از میان می رفت.

[۴۳] فرض می کنیم که سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه باشد، بیابید به تمام سوره هایی که در آنها آیه ای به شماره ۱۲۹ وجود دارد نگاه کنیم. بعبارت دیگر، تمام سوره هایی را که دارای ۱۲۹ آیه یا بیشتر از ۱۲۹ آیه هستند، بررسی می کنیم. برای مثال، سوره ۲ دارای

۲۸۶ آیه است. بنابراین، در این سوره آیه ای با شماره "۱۲۹" وجود دارد. پس این آیه را با بقیه آیه هایی که شماره ی آنها ۱۲۹ است جمع می کنیم. با این فرض، ۹ سوره وجود دارد که دارای آیه ای با شماره ۱۲۹ است. با کمال شگفتی می بینیم که حاصل جمع شماره های این چند سوره ، ۱۱۴ ، است که مضرب ۱۹ است، درحالیکه حاصل جمع آیه های شماره ۱۲۹ فقط در صورتی مضرب ۱۹ می شود که ۲ تا از آن کم شود. به بیان دیگر معجزه ی ریاضی به ما می فهماند که یکی از این دو سوره ، دو آیه ی اضافی دارد. جدول ۲۷ اقلام ریز آنرا نشان می دهد.

وقتی ۱۱۴ را با ۱۱۶۱ جمع می کنیم، و ۲ تا از آن کم می کنیم، ۱۲۷۳، یا ۶۷×۱۹ بدست می آید. این حاصل جمع را با آن حاصل جمعی که در بخش ۴۴ گزارش شده مقایسه کنید. از ۹ سوره ای که فهرست آن در جدول ۲۷ آمده ، کدامیک دارای ۲ آیه اضافی است؟ جواب این پرسش در بخش ۴۴ داده شده است.

جدول ۲۶: تعداد کل "۷" ها در دو آیه ی آخر یکایک سوره های قرآن.

سوره	تعداد "۷" در دو آیه آخر	۲ آیه آخر
۱	۱	۷, ۶
۲	۰	۲۸۵, ۲۸۶
۳	۰	۱۹۹, ۲۰۰
۴	۲	۱۷۵, ۱۷۶
-	-	-
۹	۱	۱۲۶, ۱۲۷
-	-	-
۲۵	۳	۷۶, ۷۷
-	-	-
۱۱۴	۰	۵, ۶
	۳۸	
	(۱۹ × ۲)	

[۴۴] برای اینکه بفهمیم این دو شبه آیه در کجا گنجانیده شده اند، همه سوره هایی را که دارای آیه ای به شماره "۱۲۸" هستند بررسی می کنیم، و فرض می کنیم که سوره ۹، دارای آیه باشد. با اینکار همان فهرستی را که در جدول ۲۷ است خواهیم داشت، بعلاوه سوره ۱۶ که درست ۱۲۸ آیه دارد.

همانطور که جدول ۲۸ نشان می دهد، سوره ۹ ،

جدول ۲۷: تمام سوره هایی که آیه ای بشماره ۱۲۹ دارند

سوره	دارای آیه ای بشماره ۱۲۹
۲	۱۲۹
۳	۱۲۹
۴	۱۲۹
۶	۱۲۹
۷	۱۲۹
۹	۱۲۹
۱۶	۱۲۹
۲۰	۱۲۹
۲۶	۱۲۹
۳۷	۱۲۹
-----	-----
۱۱۴	۱۱۶۱
	(۱۱۶۱ - ۲ + ۱۱۴ = ۱۲۷۳ = ۱۹ × ۶۷)

جدول ۲۸: تمام سوره هایی که آیه ای بشماره ۱۲۸ دارند

سوره	دارای آیه ای بشماره ۱۲۸
۲	۱۲۸
۳	۱۲۸
۴	۱۲۸
۶	۱۲۸
۷	۱۲۸
۹	۱۲۸
۱۶	۱۲۸
۲۰	۱۲۸
۲۶	۱۲۸
۳۷	۱۲۸
-----	-----
۱۳۰	۱۲۸۰
	(مضرب ۱۹ نیست، ۱۴۱۰ = ۱۳۰ + ۱۲۸۰)
	اگر سوره ۹ را با ۱۲۸ آیه حذف کنیم، نتیجه:
	$۱۴۱۰ - ۹ - ۱۲۸ = ۱۲۷۳ = ۱۹ \times ۶۷$

بعنوان سوره ای ناموزون مشخص می شود؛ و معلوم می شود که شبه آیه ها در آن گنجانیده شده اند. حاصل جمع سوره ها و آیه ها فقط در صورتی به ۱۹ قابل تقسیم است که سوره ۹ از این محاسبه حذف شود. پس از حذف سوره ۹، عدد بدست آمده ، ۱۲۷۳ ، یا ۶۷×۱۹ است که این همان عددی است که در بخش ۴۳ ، پس از حذف ۲ شبه آیه بدست آمد. این پدیده ی بسیار جالب ثابت می کند که سوره ۹ نمی تواند دارای آیه ای به شماره ۱۲۸ باشد.

جدول ۲۹: خلاصه ای از نمودار دو آیه ی آخر سوره هایی که حرف مقطع ندارند.

سوره	۲ آیه ی آخر	حاصل جمع
۱	۷ + ۶	۱۳
۴	۱۷۶ + ۱۷۵	۳۵۱
۵	۱۲۰ + ۱۱۹	۲۳۹
-	-	-
۹	۱۲۷ + ۱۲۶	۲۵۳
-	-	-
۱۱۴	۶ + ۵	۱۳
		۶۸۹۷
		(۱۹ × ۳۶۳)

[۴۵] سوره ۹ از سوره هایی است که حرف مقطع ندارد، و دو آیه ی آخر آن، آیات ۱۲۶ و ۱۲۷ است. پس بیابید به ۸۵ سوره ای نگاه کنیم که حرف مقطع ندارند، و شماره ی دو آیه ی آخر آنها را با هم جمع کنیم. برای مثال، دو آیه ی آخر سوره ۱، آیه ۶ و آیه ۷ میباشند که حاصل جمع آنها ۱۳ است (۶ + ۷ = ۱۳). سوره بعدی که حرف مقطع ندارد، سوره ۴ است؛ دو آیه ی آخر این سوره، آیات ۱۷۵ و ۱۷۶ میباشند که حاصل جمع آنها ۳۵۱ است (۱۷۵ + ۱۷۶ = ۳۵۱). دو آیه ی آخر همه سوره هایی را که حرف مقطع ندارند به همین شکل با هم جمع می کنیم. نمودار آن در جدول ۹ نشان داده شده است. بنابراین، تصدیق می شود که دو آیه ی آخر سوره ۹، آیات ۱۲۶ و ۱۲۷ می باشند.

جدول ۳۰: حاصل جمع ارقام دو آیه ی آخر در یکایک سوره های قرآن

سوره	۲ آیه ی آخر	حاصل جمع ارقام
۱	۷, ۶	۷ + ۶
۲	۲۸۶, ۲۸۵	۲ + ۸ + ۶ + ۲ + ۸ + ۵
۳	۲۰۰, ۱۹۹	۲ + ۰ + ۰ + ۱ + ۹ + ۹
-	-	-
۹	۱۲۷, ۱۲۶	۱ + ۲ + ۷ + ۱ + ۲ + ۶
-	-	-
۱۱۳	۵, ۴	۵ + ۴
۱۱۴	۶, ۵	۶ + ۵
		۱۸۲۴
		۱۸۲۴ = ۱۹ × ۹۶

[۴۶] اینک به دو آیه ی آخر تمام سوره های قرآن نگاه می کنیم - چه حروف مقطع داشته باشند یا نداشته باشند - و ارقام ۲ آیه ی آخر هر سوره را جمع می کنیم (جدول ۳۰).

واضح است که شماره دو آیه ی آخر هر سوره را خدا تعیین کرده است، و با رابطه های پیچیده ای که بصورت رمز در قرآن قرار داده، از آنها محافظت می کند. این رابطه های ریاضی گواه آن هستند که دو آیه ی آخر سوره ۹، آیات ۱۲۶ و ۱۲۷ می باشند، نه شبه آیات ۱۲۸ و ۱۲۹.

[۴۷] سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه است، و عدد ۱۲۷ دارای ۳ رقم است. بیابید به همه سوره هایی که تعداد آیات آنها یک عدد سه رقمی است نگاه کنیم؛ این سوره ها عبارتند از: سوره های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۳۷ و تعداد آیات آنها نیز بترتیب عبارتند از: ۲۸۶، ۲۰۰، ۱۷۶، ۱۲۰، ۱۶۵، ۲۰۶، ۱۲۷، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۱۱، ۱۲۸، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۳۵، ۱۱۲، ۱۱۸، ۲۲۷، و ۱۸۲. اگر آخرین رقم تمام این آیه ها را با هم جمع کنیم، ۷۶، یا (۱۹ × ۴) بدست می آید:

(۶ + ۰ + ۶ + ۰ + ۵ + ۶ + ۷ + ۹ + ۳ + ۱ + ۸ + ۱ + ۰ + ۵ + ۲ + ۸ + ۷ + ۲ = ۷۶ = ۱۹ × ۴)

اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، آخرین رقم تعداد آیات آن بجای اینکه ۷ باشد، ۹ می شد، و حاصل جمع ارقام آخر بجای ۷۶، ۷۸ می شد، و این پدیده از میان می رفت.

جدول ۳۱: همه سوره هایی که تعداد آیاتشان فرد است، و دارای ۳ رقم می باشند

سوره	تعداد آیات	آخرین رقم
۶	۱۶۵	۵
۹	۱۲۷	۷
۱۰	۱۰۹	۹
۱۱	۱۲۳	۳
۱۲	۱۱۱	۱
۱۷	۱۱۱	۱
۲۰	۱۳۵	۵
۲۶	۲۲۷	۷
		۳۸
		(۱۹ × ۲)

[۴۸] اینک به فهرست سوره هایی که در بخش ۴۷ آمده نگاه می کنیم. از آنجا که تعداد آیات سوره ۹، فرد است، آیاتی را که شماره آنها فرد است بررسی می کنیم. هشت سوره وجود دارد که تعداد آیات آنها سه رقمی، و فرد

است: سوره های ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۰، و ۲۶. تعداد آیات آنها بترتیب عبارتند از: ۱۶۵، ۱۲۷، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۱۱، ۱۱۱، ۱۳۵، و ۲۲۷. آخرین ارقام این آیات بترتیب عبارتند از: ۵، ۷، ۹، ۳، ۱، ۱، ۵، و

۷، و حاصل جمع این ارقام ۳۸، یا (2×19) است. آشکارا، اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، آخرین رقم آن ۹ بود، نه ۷، و حاصل جمع آخرین ارقام ۴۰ می شد، که مضرب ۱۹ نیست. اقلام ریز این داده ها در جدول ۳۱ نشان داده شده است. پس، هر چه بیشتر به آخرین رقم تعداد آیات توجه می کنیم، به نکات گسترده تری پی می بریم.

جدول ۳۲ : همه سوره هایی که هم شماره ی سوره شان فرد است، و هم تعداد آیاتشان، و دارای ۳ رقم هستند	
شماره سوره	تعداد آیات
۹	۱۲۷
۱۱	۱۲۳
۱۷	۱۱۱

	۳۶۱
	(19×19)

[۴۹] باز هم با همان سوره هایی که در بخش های ۴۷ و ۴۸ با آنها سر و کار داشتیم، به محاسبه ادامه می دهیم. از آنجا که سوره ۹ از سوره های فرد قرآن است، تمام سوره های زوج را از فهرستی که در بخش ۴۷ نشان داده شده خارج می کنیم. بنابراین، فقط سوره هایی در فهرست باقی می مانند که شماره سوره، و تعداد آیاتشان فرد است. فقط ۳ سوره در قرآن دارای این ویژگی است: ۹، ۱۱، و ۱۷. تعداد آیات آنها ۱۲۷، ۱۲۳، و ۱۱۱ است (جدول ۳۲). اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، این پدیده ی خارق العاده از میان می رفت.

[۵۰] بیابید با همان سه سوره ای که در بخش ۴۹ به آن اشاره شد به محاسبه ادامه دهیم. این سوره ها، تنها سوره هایی هستند که شماره آنها فرد است (مانند سوره ۹)، و تعداد آیاتشان نیز (مانند سوره ۹) فرد است، و سه رقمی هستند (مانند سوره ۹). همانطور که در جدول ۳۲ نشان داده شده است، تعداد آیات این ۳ سوره عبارتند از: ۱۲۷، ۱۲۳، و ۱۱۱. اگر همه ی این ارقام را با هم جمع کنید، $(1 + 1 + 1 + 1 + 2 + 3 + 1 + 1 + 2 + 7 + 1) = 19$ بدست می آید.

روشن است که این پدیده به این حقیقت ثابت شده بستگی دارد که سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه باشد. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، از حاصل جمع ارقام تنها سوره هایی که در قرآن دارای این ویژگی هستند چنین بدست می آمد $(1 + 1 + 1 + 1 + 2 + 3 + 1 + 1 + 2 + 9 + 1 + 2 + 7 + 1) = 21$. به بیان دیگر، رابطه هایی را که بصورت رمز ریاضی در میان آنها وجود دارد از میان می برد.

[۵۱] فقط سه سوره داریم که (الف) شماره آنها فرد است، (ب) تعداد آیات آنها فرد است، و (ج) تعداد آیات آنها عددی است که از ۳ رقم تشکیل شده است. آنها عبارتند از سوره های ۹، ۱۱، و ۱۷. (به بخش ۴۸ تا ۵۰ نگاه کنید). فقط ارقام شماره این سه سوره را با هم جمع کنید و نتیجه را ببینید: $(9 + 1 + 1 + 1 + 7 = 19)$.

[۵۲] عدد ۱۲۹ به ۳ قابل تقسیم است. اگر سوره ۹، طبق ادعای تحریف کنندگان، ۱۲۹ آیه می داشت، آنگاه این سوره، (الف) سوره ای فرد، (ب) و تعداد آیات آن عددی ۳ رقمی، (ج) فرد، و (د) قابل تقسیم به ۳ بود. فقط دو سوره در قرآن وجود دارد که دارای این ویژگی است: سوره ۱۱ با ۱۲۳ آیه، و سوره ۱۷ با ۱۱۱ آیه. حاصل جمع ارقام شماره سوره ها و شماره آیات آنها $(1 + 1 + 1 + 2 + 3 + 1 + 7 + 1 + 1 + 1) = 19$ است. این مشاهدات فقط در صورتی امکان پذیر است که سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه باشد.

[۵۳] سوره ۹: (الف) فرد است، (ب) تعداد آیاتش، ۱۲۷، فرد است، (ج) و به "۷" ختم می شود، (د) و ۱۲۷، از اعداد اول است، و (ه) شماره سوره به ۳ و به ۹ قابل تقسیم است. فقط دو سوره در قرآن وجود دارد که دارای این ویژگی است: سوره ۹ (۱۲۷ آیه)، و سوره ۴۵ (۳۷ آیه). کافی است این ارقام را با هم جمع کنید تا ببینید چه بدست می آید:

$$9 + 1 + 1 + 2 + 7 = 19 \text{ و } 4 + 5 + 3 + 7 = 19 \text{ حاصل جمع دو سوره ؛ } 19 + 19 = 38$$

جدول ۳۳: سوره هایی که شماره ی سوره با ۹ شروع می شود، و تعداد آیاتشان نیز به ۹ ختم میشود.

سوره	تعداد آیات	جمع آیه ها	جمع کل
۹	۱۲۹	۸۳۸۵	۸۵۲۳
۹۶	۱۹	۱۹۰	۳۰۵
۱۰۵	۱۴۸	۸۵۷۵	۸۸۲۸

(مضرب ۱۹ نمی باشد)

جدول ۳۴: همان نمودار جدول ۳۳ است، ولی پس از اصلاح تعداد آیات در سوره ی نهم

سوره	تعداد آیات	جمع آیه ها	جمع کل
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
۹۶	۱۹	۱۹۰	۳۰۵
۱۰۵	۱۴۶	۸۳۱۸	۸۵۶۹

(۱۹×۴۵۱)

جدول ۳۵: سوره هایی که حاصل جمع ارقام سوره و آیه شان ۲۱ است، با فرض بر اینکه سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه باشد.

سوره	تعداد آیات	حاصل جمع آیه ها	جمع کل
۹	۱۲۹	۸۳۸۵	۸۵۲۳
۲۵	۷۷	۳۰۰۳	۳۱۰۵
۲۷	۹۳	۴۳۷۱	۴۴۹۱
۳۷	۱۸۲	۱۶۶۵۳	۱۶۸۷۲
۶۸	۵۲	۱۳۷۸	۱۴۹۸
۹۴	۸	۳۶	۱۳۸
۹۷	۵	۱۵	۱۱۷
۳۵۷	۵۴۶	۳۳۸۴۱	۳۴۷۴۴

(مضرب ۱۹ نمی باشد)

جدول ۳۶: همان محاسبات جدول ۳۵ است، ولی پس از اصلاح تعداد آیات سوره ی نهم

سوره	تعداد آیات	حاصل جمع آیه ها	جمع کل
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
۲۵	۷۷	۳۰۰۳	۳۱۰۵
۲۷	۹۳	۴۳۷۱	۴۴۹۱
۳۷	۱۸۲	۱۶۶۵۳	۱۶۸۷۲
۶۸	۵۲	۱۳۷۸	۱۴۹۸
۹۴	۸	۳۶	۱۳۸
۹۷	۵	۱۵	۱۱۷
۳۵۷	۵۴۶	۳۳۵۸۴	۳۴۷۴۴

$۳۴۴۸۵ = (۱۹ \times ۱۸۱۵)$

[۵۴] فرض می کنیم که سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه باشد. در آنصورت فقط دو سوره در قرآن وجود دارد که شماره سوره با ۹ شروع می شود، و تعداد آیات آن به ۹ ختم می شود: سوره ۹ (۱۲۹ آیه) و سوره ۹۶ (۱۹ آیه). همانطور که در جدول ۳۳ نشان داده شده، از حاصل جمع شماره سوره، و تعداد آیات، و شماره تعداد آیات، ۸۸۲۸، بدست می آید که مضرب ۱۹ نیست.

اینک شبه آیات (۱۲۸ و ۱۲۹) را از سوره ۹ برمی داریم، و محاسبه را از سر می گیریم. نتیجه ی این تصحیح در جدول ۳۴ نشان داده شده است. جمع کل، ۸۵۶۹، یا (۱۹×۴۵۱) است.

[۵۵] فرض می کنیم که سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه باشد. مشاهده می کنید که از حاصل جمع این ارقام ($۲۱ = ۹ + ۱ + ۲ + ۹$)، ۲۱ بدست می آید. پس به تمام سوره هایی که حاصل جمع ارقام شماره سوره با تعداد آیاتشان ۲۱ می شود، نگاه می کنیم. هفت سوره دارای این ویژگی است: ۹، ۲۵، ۲۷، ۳۷، ۶۸، ۹۴، و ۹۷. از حاصل جمع شماره سوره، و تعداد آیات هر سوره، و شماره تمام آیه ها، ۳۴۷۴۴ بدست می آید، که مضرب ۱۹ نیست (جدول ۳۵).

اینک محاسبه ای را که در جدول ۳۵ انجام شد، با تعداد صحیح آیات سوره ۹ یعنی، ۱۲۷، از سر می-گیریم. همین باعث می شود که جمع کل، ۳۴۴۸۵، یا (۱۹×۱۸۱۵) بشود. به جدول ۳۶ نگاه کنید.

[۵۶] برای آخرین بار، فرض می کنیم که سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه باشد. بنابراین، با سوره ای سر و کار داریم که (الف) شماره سوره فرد است (ب) و به ۳ قابل تقسیم است، (ج) تعداد آیات آن، ۱۲۹، به ۳ قابل تقسیم است، و (د) به "۹" ختم می شود. با فرض اینکه سوره ۹ دارای این ویژگیهاست، فقط یک سوره دیگر وجود دارد که این ویژگیها در آن نیز هست و آن سوره ۱۵ است. سوره ۱۵ به ۳ قابل تقسیم است، تعداد آیات آن ۹۹ است، که به ۳ تقسیم می شود و به "۹" ختم می شود. اگر سوره ۹ دارای ۱۲۹ آیه می بود، و شماره این دو سوره را با تعداد آیاتشان جمع میکردیم، ۲۵۲ بدست می آمد که مضرب ۱۹ نیست ($۲۵۲ = ۱۲۹ + ۹ + ۹۹ + ۱۵$).

اگر شماره ۱۲۹ را که در سوره ۹ باطل است کنار بگذاریم، آنگاه فقط یک سوره در قرآن وجود دارد که شماره سوره فرد است، و تعداد آیاتش به ۳ قابل تقسیم است و به ۹ ختم می شود - سوره ۱۵. اینک به این نتیجه می رسیم:

$$۱۵ + ۹۹ = ۱۱۴ = ۱۹ \times ۶$$

[۵۷] پس از محاسبات گسترده ای که با اعداد و ارقام انجام دادیم، اینک به بررسی چند کلمه و حرف در شبه آیات ۱۲۹-۱۲۸: ۹ می پردازیم.

جدول ۳۷: ارزش رقمی اولین و آخرین حرف هر سوره از اول قرآن تا آخر سوره ۹

سوره	اولین حرف	آخرین حرف	جمع کل
۱	ب = ۲	ن = ۵۰	۵۲
۲	ا = ۱	ن = ۵۰	۵۱
۳	ا = ۱	ن = ۵۰	۵۱
۴	ی = ۱۰	م = ۴۰	۵۰
۵	ی = ۱۰	ر = ۲۰۰	۲۱۰
۶	ا = ۱	م = ۴۰	۴۱
۷	ا = ۱	ن = ۵۰	۵۱
۸	ی = ۱۰	م = ۴۰	۵۰
۹	ب = ۲	ن = ۵۰	۵۲
	۳۸	۵۷۰	۶۰۸
	(۱۹ × ۲)	(۱۹ × ۳۰)	۱۹ × ۳۲

آخرین عبارت در آیه ۹:۱۲۷ کافران را بعنوان "لا یفقهون" (کسانی که نمی فهمند) وصف می کند. پس، آخرین حرف در سوره ۹، "ن" (نون) است.

به ادعای تحریف کنندگان، آخرین آیه ی این سوره ۱۲۹، است و آخرین حرف آن "م" (میم) است، زیرا آخرین واژه ی بدعت نهاده شده، "عظیم" است.

اینک بیابید به اولین، و آخرین حرف هر سوره از اول قرآن تا آخر سوره ۹ نگاه کنیم، و ارزش رقمی آنها را حساب کنیم. جدول ۳۷ نشان می دهد که آخرین حرف درست، در سوره ۹ باید حرف "ن" باشد، نه حرف "م".

[۵۸] خواهر، احسان رمضان، از هموندان مسجد توسان تمام سوره های قرآن را که به حرف "ن" - آخرین حرف سوره ۹ است - ختم می شوند، شمرد.

او متوجه شد که ۴۳ سوره در قرآن وجود دارد که مانند سوره ۹ به (ن) ختم می شوند - سوره های ۱، ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۱، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۷، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۹۵، ۱۰۷، ۱۰۹. کافی است شماره سوره ها را با تعداد سوره هایی که به "ن" ختم می شوند جمع کنید، و ببینید چه بدست می آید:

$$۱۹۱۹$$

پس، یکبار دیگر ثابت می شود که آخرین حرف در سوره ۹ "ن" است، نه "م".

[۵۹] اینک بگذارید به عبارت "لا اله الا هو" (خدایی نیست جز او) که یک عبارت حیاتی است نگاه کنیم. این جمله در شبه آیه ۹:۱۲۹ آمده است.

این عبارت بسیار مهم در ۱۹ سوره، ۲۹ بار بازگو شده است (جدول ۳۸). از حاصل جمع شماره این ۱۹ سوره، و شماره آیه هایی که عبارت "لا اله الا هو" در آنها آمده، و تعداد دفعاتی که این عبارت حیاتی بازگو شده، ۲۱۲۸، یا ۱۹×۱۱۲ بدست می آید. این نتیجه مبهوت کننده به این واقعیت بستگی دارد که شبه آیات ۱۲۹-۱۲۸: ۹ جزء قرآن نباشد.

پُر واضح است که اگر ۹:۱۲۹ را اضافه کنیم، عبارت مهم "لا اله الا هو"، که اولین رکن دین اسلام است، با کد ریاضی قرآن هماهنگی پیدا نمی کند.

[۶۰] اولین آیه ای که عبارت "لا اله الا هو" در آن آمده است، آیه ۱۶۳:۲ است، و آخرین آیه ای که این عبارت در آن آمده است، آیه ۷۳:۹ است. از حاصل جمع شماره سوره، و شماره آیه ها، و تعداد آیات از آیه ای که این عبارت برای اولین بار در آن آمده تا آیه ای که این عبارت برای آخرین بار در آن آمده، ۳۱۶۵۰۲ ، یا ۱۹×۱۶۶۵۸ بدست می آید.

جدول ۴۰: چند بار عبارت "لا اله الا هو" از سوره ای که بسم الله ندارد تا سوره ای که دارای ۲ بسم الله است آمده

سوره	آیه ای که این عبارت در آن آمده
۹	۳۱
۱۱	۱۴
۱۳	۳۰
۲۰	۸
۲۰	۹۸
۲۳	۱۱۶
۲۷	۲۶

۳۲۳	
(۱۷ × ۱۹)	

اگر ۹:۱۲۹ جزیی از قرآن می بود، حاصل جمع اعداد در جدول ۴۰ (۴۵۲ = ۳۲۳ + ۱۲۹) می شد، که مضرب ۱۹ نیست. خدا گفتار منافقان را تکذیب می کند، حتی اگر واقعیت باشد (۱:۶۳).

جدول ۳۹ اقلام ریز این داده ها را نشان می دهد. طبیعتاً، اگر آن "لا اله الا هو" که در شبه آیه ی ۱۲۹ آمده به آن اضافه شود، این پدیده از میان می رود.

جدول ۳۸: فهرست تمام سوره ها و آیه هایی که عبارت قاطع و مهم "لا اله الا هو" (خدایی نیست جز او)، در آنها آمده است، پس از حذف ۹:۱۲۹

تعداد	شماره	آیات حامل عبارت کلیدی	چند بار بازگو شده
۱	۲	۲۵۵, ۱۶۳	۲
۲	۳	۱۸, ۱۸, ۶, ۲	۴
۳	۴	۸۷	۱
۴	۶	۱۰۶, ۱۰۲	۲
۵	۷	۱۵۸	۱
۶	۹	۳۱	۱
۷	۱۱	۱۴	۱
۸	۱۳	۳۰	۱
۹	۲۰	۹۸, ۸	۲
۱۰	۲۳	۱۱۶	۱
۱۱	۲۷	۲۶	۱
۱۲	۲۸	۸۸, ۷۰	۲
۱۳	۳۵	۳	۱
۱۴	۳۹	۶	۱
۱۵	۴۰	۶۵, ۶۲, ۳	۳
۱۶	۴۴	۸	۱
۱۷	۵۹	۲۳, ۲۲	۲
۱۸	۶۴	۱۳	۱
۱۹	۷۳	۹	۱
-----		۵۰۷	۲۹
		۱۵۹۲	۱۱۲
		۲۹ + ۱۵۹۲ + ۵۰۷ = ۲۱۲۸ = ۱۹ × ۱۱۲	

جدول ۳۹: همه سوره ها و آیه ها از اولین تا آخرین باری که "لا اله الا هو" در آنها آمده

سوره	آیه	حاصل جمع آیه ها	جمع کل
۲	۱۲۳	۲۷۶۷۵	۲۷۸۰۰
			(از ۱۶۳ تا ۲۸۶)
۳	۲۰۰	۲۰۱۰۰	۲۰۳۰۳
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
-	-	-	-
۷۲	۲۸	۴۰۶	۵۰۶
۷۳	۹	۴۵	۱۲۷
-----		-----	-----
۲۷۰۰	۵۳۱۲	۳۰۸۴۹۰	۳۱۶۵۰۲
			(۱۹ × ۱۶۶۵۸)

[۶۱] عبارت "لا اله الا هو" از سوره ۹ که بسم الله ندارد تا سوره ۲۷ که دو بسم الله دارد، ۷ بار بازگو شده است. از چپ به راست (۱۱:۱۴) (۹:۳۱) (۲۷:۲۶) (۲۳:۱۱۶) (۲۰:۹۸) (۲۰:۸) (۱۳:۳۰) از حاصل جمع شماره این هفت آیه، ۳۲۳ بدست می آید که مضرب ۱۹ است (۱۷ × ۱۹). ریز این داده ها در جدول ۴۰ نشان داده شده است.

نهایت معجزه ی قرآن

[۶۲] برادر، عبدالله اریک، به کشف چیزی توفیق یافت که من آنرا نهایت معجزه ی قرآن می نامم. این پدیده معجزه آمیز درستی تک تک آیات قرآن را - از تعداد آیات هر سوره گرفته تا اعدادی که برای هر یک از آیه های قرآن تعیین شده - تصدیق می کند و در عین حال شبه آیات ۱۲۹-۹:۱۲۸ را آشکار، و تکذیب می کند. اگر می-خواهید شاهد این پدیده باشید، به صفحه ۶۳۰ نگاه کنید. اگر بترتیب، شماره یکایک آیه های قرآن را از اول تا آخر قرآن، پشت سرهم بنویسیم، و تعداد آیات هر سوره را قبل از شماره آیه های آن سوره بنویسیم، عددی بدست می آید که دارای ۱۲۶۹۲ رقم است و مضرب نوزده است، درضمن خود این عدد هم مضرب ۱۹ است: $(۱۲۶۹۲ = ۱۹ \times ۶۶۸)$. اگر تعداد آیات سوره ۹ را که ۱۲۷ آیه است، به نادرست، ۱۲۹ آیه حساب کنیم، نه عدد بدست آمده مضرب ۱۹ می شود، و نه ارقام آن.

[۶۳] از آنجا که موضوع این پیوست، سوره ی نهم، و تعداد درست آیات آن است، درخور توجه است که اگر شماره این سوره را بنویسیم، ۹، و به دنبال آن، تعداد درست آیات آنرا، ۱۲۷، و سپس شماره هر آیه را از ۱ تا ۱۲۷ بنویسیم، عدد درازی بدست می آید که مضرب ۱۹ است. نیاز به گفتن نیست که اگر بجای ۱۲۷، عدد ۱۲۹ را در این محاسبه بگنجانیم، این معجزه ی شگرف ناپدید می شود:

۹ ۱۲۷ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷

نخست، شماره سوره ۹، سپس تعداد آیات این سوره، سپس شماره هر یک از آیه های این سوره از ۱ تا ۱۲۷ را پشت سرهم قرار می دهیم. عدد درازی که از آن بدست می آید مضرب ۱۹ است.

[۶۴] تعداد آیات سوره ۹، یعنی ۱۲۷، عددی است فرد. بدعتگذاران دو شبه آیه به آن اضافه کردند، و تعداد آنها را ۱۲۹ کردند که آن هم یک عدد فرد است. آقای عبدالله اریک با استفاده از همان برنامه رایانه ای که در بخش ۶۲ به آن اشاره شد، همه آیه های فرد قرآن را بررسی کرد. او تعداد آیات هر سوره را نوشت، و پشت سر آن، آخرین رقم یکایک آیات فرد در آن سوره را نوشت. عدد (۷۱۳۵۷) شاخص سوره ۱ بود. و عدد (۵ ۲۸۶۱۳۵۷۹) شاخص سوره ۲ بود، و به همین ترتیب تا آخرین سوره قرآن ادامه داد. سرانجام عددی دراز، که دارای ۳۳۷۱ رقم است، بدست آمد که مضرب ۱۹ است. روشن است که عدد (۷ ۱۲۷۱۳۵۷۹) شاخص سوره ۹ بود:

۷ ۱ ۳ ۵ ۷ ۲۸۶ ۱ ۳ ۵ ... ۳ ۵ ۵ ۱ ۳ ۵ ۶ ۱ ۳ ۵

تعداد آیات هر سوره، سپس آخرین رقم تمامی آیه هایی را که شماره ی آنها فرد است می نویسیم. عدد درازی که بدست می آید، دارای ۳۳۷۱ رقم است، و مضرب ۱۹ است.

[۶۵] از آنجا که سوره ۹ از سوره هایی است که حرف مقطع ندارد، آقای عبدالله اریک همان برنامه رایانه ای را اینبار برای ۸۵ سوره ای که حرف مقطع ندارند پردازش کرد. شماره یکایک آیه ها در این ۸۵ سوره نوشته شد، ولی تعداد آیات سوره ها نوشته نشد. پس، بجای ۷۱۲۳۴۵۶۷، عدد ۱۲۳۴۵۶۷ شاخص سوره ۱ بود. او با تمام سوره هایی که حرف مقطع ندارند طبق همین فرمول عددی بدست آورد. عدد درازی که در آخر کار بدست آمد دارای ۶۶۳۵ رقم بود، و مضرب ۱۹ است. اگر بجای ۱۲۷، تعداد نادرست آیات سوره ۹، یعنی ۱۲۹ را حساب می کردیم، این پدیده های مبهوت کننده از میان می رفت.

مقدر بود که رسول میثاق خدا قرآن را پاکسازی کند

[۶۶] سرانجام، خداوند متعال که قرآن کتاب اوست، "نام کسی را که قرار بود ثابت کند که سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه است، بصورت رمز، بعنوان رشاد خلیفه، رسول میثاق" در قرآن قرار داد (پیوست ۲) تا نشان دهد که از قبل، از همه چیز آگاه بوده است. در این بخش، یکی دیگر از آن شواهد بیشمار نشان داده شده است که بخاطر ارتباطی که با این پیوست دارد در اینجا نوشته می شود.

ارزش رقمی "رشاد"، بشکلی که در قرآن (۳۸، ۲۹: ۴۰) نوشته شده، ۵۰۵ است. (ر = ۲۰۰، ش = ۳۰۰، ا = ۱، د = ۴). ارزش رقمی "خلیفه"، بشکلی که در قرآن (۳۸: ۲۶) نوشته شده، ۷۲۵ است (خ = ۶۰۰، ل = ۳۰، ی = ۱۰، ف = ۸۰، ه = ۵). از نوشتن ارزش رقمی "رشاد"، "خلیفه"، و شماره ی سوره ۹، و تعداد درست آیه های این سوره، عدد ۵۰۵۷۲۵۹۱۲۷ بدست می آید که مضرب ۱۹ است؛ (۱۹ × ۲۶۶۱۷۱۵۳۳).

[۶۷] از ۳:۸۱، که از ظهور رسول میثاق خدا خبر می دهد، تا ۹:۱۲۷، پایان سوره ی نهم، ۹۸۸، یا (۵۲ × ۱۹) آیه وجود دارد. (جدول ۴۱).

سوره	تعداد آیه ها	حاصل جمع شماره آیه ها
۳	۱۱۹	۱۶۸۶۰
۴	۱۷۶	۱۵۵۷۶
۵	۱۲۰	۷۲۶۰
۶	۱۶۵	۱۳۶۹۵
۷	۲۰۶	۲۱۳۲۱
۸	۷۵	۲۸۵۰
۹	۱۲۷	۸۱۲۸
	۹۸۸	۸۵۶۹۰
	(۱۹ × ۵۲)	(۱۹ × ۴۵۱۰)

[۶۸] حاصل جمع شماره آیات از ۳:۸۱ تا ۹:۱۲۷ نیز مضرب ۱۹ است (جدول ۴۱).

[۶۹] از اول قرآن تا ۳:۷۸، یعنی درست ۳ آیه قبل از اعلام کردن رسول میثاق، ۳۶۱ بار (۱۹ × ۱۹) واژه "الله" آمده است. آیه ۷۸:۳ همان آیه ای است که به ما اطلاع می دهد که بدعتگذاران "چیزی به قرآن اضافه می کنند، و سپس ادعا می کنند که آن از قرآن است؛ آنها به خدا دروغ می بندند، و خودشان می دانند."

[۷۰] واژه "الله" از ۳:۷۸ که بدعتگذاران را افشا می کند تا ۹:۱۲۷، درست ۹۱۲ بار (۴۸ × ۱۹) آمده است.

سوره	جند بار واژه "الله" در آن آمده
۳	۱۳۲
۴	۲۲۹
۵	۱۴۷
۶	۸۷
۷	۶۱
۸	۸۸
۹	۱۶۸

	۹۱۲
	(۱۹ × ۴۸)

[۷۱] میان تعداد حروف و تعداد کلمات در ۳:۷۸، با تعداد حروف و تعداد کلمات در شبه آیات ۱۲۹ - ۱۲۸: ۹ تساوی وجود دارد، هر کدام ۱۴۳ حرف و کلمه دارند. آیه ۳:۷۸ شامل ۲۷ کلمه و ۱۱۶ حرف است (۱۴۳ = ۲۷ + ۱۱۶)، و ۱۲۹ - ۱۲۸: ۹ مرکب از ۲۸ کلمه و ۱۱۵ حرف است (۱۴۳ = ۲۸ + ۱۱۵). [عبارت دیگر این معادله ها به ما می فهمانند که ۳:۷۸ اشاره به ۱۲۹، ۱۲۸: ۹ دارد].

وَلَا يَنْهَىٰ عَنْ كُفْرًا يَلْعَنُ الْكُفْرَ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبُ وَهُوَ يَخْلُقُ ۝۸۰

چه می توان گفت ؟

شواهد عینی قاطع و دربرگیرنده ای که قادر متعال برای حفظ پیام و اثبات کلامش در اختیار گذارده جای هیچ شکی باقی نمی گذارند که (الف) امکان ندارد چیزی به غلط وارد قرآن شود، (ب) شبه آیات ۱۲۹، ۱۲۸: ۹ جزء قرآن نیست، و (ج) میان تمام عناصر قرآن - از تعداد سوره ها و آیه ها گرفته تا شماره ای که برای هر سوره و آیه تعیین شده، و بسآمد عبارات کلیدی، تعداد کلمات و حروف، و نگارش بی مانند و غیر معمول بعضی از لغات - رابطه های پیچیده و حساب شده ای وجود دارد که ممکن نیست بشر بتواند از عهده ی تنظیم آن برآید.

این پیوست به نوبه خود معجزه ای بزرگ را با مدرک ثابت می کند. ولی با تمام گستردگی و اعجازش، نه تنها از معجزه ریاضی قرآن که در پیوست ۱ آمده فراتر نیست، بلکه حتی با آن قابل قیاس هم نیست. و صرفاً گواه آن است که نویسنده ی توانای قرآن آگاهانه اجازه داد ۲ شبه آیه ی کفرآمیز به سوره ۹ اضافه شود تا:

- (۱) در عمل نشان داده شود که نوشتار ریاضی قرآن چه استفاده ای دارد.
 (۲) ثابت شود که هرگونه دخل و تصرفی در قرآن غیرممکن است.
 (۳) وعده ی خدا برای مشخص کردن مومنان و افشا کردن منافقان انجام شود.

چرا خدا تا ۱۴۰۰ سال چنین چیزی را اجازه داد ؟ ؟

بخاطر تحریفات گسترده ای که به فاصله کوتاهی پس از فوت پیامبر در دین اسلام انجام شد، روشن است که خدا به قول خود در ۴۷:۳۸ وفا کرد. خدا در آیه ۳۸ (۲ × ۱۹)، سوره ۴۷ که "محمد" نام دارد بصراحت گفته است که چنین مقرر کرده که: " اگر عربها قرآن را چنانکه باید و شاید پاس ندارند، ایشان را از رحمتش محروم می کند، و مردمی دیگر را جایگزینشان خواهد کرد."

چند سال پس از مرگ پیامبر، وقتی عرب ها قرآن را تحریف کردند، و خانواده ی پیامبر را بخاطر مخالفت با این تحریف ها مورد حمله و کشتار قرار دادند، مستحق آن شدند که حکم خدا در ۴۷:۳۸ درباره ایشان اجرا شود، و نشان دادند که لیاقت قرآن را ندارند؛ قرآن راستین را. این واقعیت را نمی توان انکار کرد که اعراب گروه گروه قرآن را رها کرده اند.

برای مثال، در دنیای به اصطلاح مسلمان امروز (سال ۱۹۸۹ میلادی)، حتی یک مسجد نیست که از این فرمان مهم پیروی کند: "مساجد متعلق به خداست؛ نام احدی را در کنار نام خدا نبرید" (۱۸:۷۲).

امروز دیگر، اذان (فراخواندن به نماز) و نماز فقط برای خدا نیست؛ نام محمد نیز پیوسته در کنار نام خدا برده می شود.

"اولین ستون دین اسلام" بطور واضح در قرآن (۱۸:۳) و (۴۷:۱۹) آمده است، و کلمات آن باید چنین باشد: لاله الا الله (خدایی نیست جز خدا). ولی مسلمانان، از همان قرن اول هجری، خدا را بی آنکه نام محمد در کنار نام او برده شود نمی خواستند. برای پی بردن به این واقعیت کافی است به یکی از مساجد بروید و بگویید: "لااله الا الله"؛ خواهد دید که این تشهد توحیدی، مسلمین زمان ما را برآشفته می کند. این عکس العمل در قرآن گزارش شده است، ۳۹:۴۵. در ضمن، به دنبال پژوهش هایی که کردم به این نتیجه رسیدم که **خدا مانع از آن می شود که مسلمانان سنت گرا، تشهدی را که خدا کلمه به کلمه در قرآن گفته است بیان کنند: "اشهد ان لااله الا الله"**. آنها نمی توانند این تشهد را (بدون ذکر نام محمد) ادا کنند. خودتان آنان را بیازمایید. اولین ستون دین در اسلامی که تحریف شده، **لااله الا الله، محمد رسول الله**، با فرمانی که خدا از طریق محمد به ما ابلاغ کرد منافات دارد (به پیوست ۱۳ نگاه کنید).

محمدپرستان با این تشهد مبالغه آمیز خود، از برخی دیگر از احکام نیز نافرمانی می کنند. برای مثال، قرآن به دفعات به ما فرمان داده است که میان رسولان خدا هیچ فرقی نگذاریم (۳:۸۴؛ ۲۸۵، ۱۳۶:۲). با ادای این تشهد تحریف شده، محمد، برخلاف خواست خود، مورد استثنا قرار می گیرد. با اینکه قرآن به دفعات یاد آور می-شود که کتابی "کامل، جامع، و مفصل" است (۱۱۴، ۳۸، ۱۹:۶)، "مسلمانان" سخن آفریدگار را باور ندارند؛ آنان از مراجع و مأخذ غیر منطقی و تمسخر آمیز حدیث و سنت پیروی می کنند. این عصیان و نافرمانی همگانی بر علیه خدا و رسولش، و بازگشت نفرت انگیز به سوی شرک و بُت پرستی - معبود قرار دادن پیامبر و ائمه - باعث شد که خدا به قول خود در ۴۷:۳۸ وفا کند.

با نگاهی به این شواهد انکارناپذیر الهی که در همین پیوست و در پیوست های ۱ و ۲ و ۲۶ گزارش شده، هرکس برآستی می تواند به اهمیت آیه های زیر پی ببرد و برای آن سپاسگزار باشد:

بیگمان، ما این پیام را نازل کرده ایم،
و بیگمان، ما آنرا حفظ خواهیم کرد.

[۹: ۱۵]

بگو، "اگر همه آدم ها، و همه جن ها،
دست به دست یکدیگر دهند، تا قرآنی مانند این بیاورند،
هرگز توفیق نخواهند یافت، هر چند که نهایت همکاری و همفکری را
بخرج دهند."

[۸۸: ۱۷]

وقتی این پیام به کافران رسید
آنرا تکذیب کردند، هر چند که این کتابی است گرانمایه.
هیچ باطلی نمی تواند در آن راه یابد،
خواه اضافه شود یا کم.
زیرا این وحیی است از جانب آن حکیم، که
سزاوار بالاترین ستایش هاست.

[۴۱:۴۱ - ۴۲]

اگر این قرآن را بر کوه وحی می کردیم،
می دیدی که کوه در برابر اینهمه عظمت سر فرود می آورد،
و از ترس خدا می ریزد.

[۲۱: ۵۹]

از کوششهای ارزشمند محمود علی ایبیب، گاتوت آدیسوما، عبدالله اریک، احسان رمضان، لیسا اسپری، و ادیپ یوکسل صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می کنم. این پژوهشگران سخت کوش در مسجد توسان به کشف برخی از شواهد شگرف ریاضی که در این پیوست گزارش شده توفیق یافتند.

پیوست ۲۵

پایان دنیا

(خداست) که آینده را می داند؛
 او به کسی اجازه نمی دهد که از چنین دانشی پرده بردارد.
 فقط از طریق رسولی که خودش انتخاب کند
 اخبار ویژه را از گذشته و آینده آشکار می کند.
 [۲۷:۲۶ - ۷۲]

از جمله وظایفی که بعنوان رسول میثاق خدا بر عهده من است، این است که تاریخ پایان دنیا را آشکار کنم (صفحه ۶۴۷). از آیات (۸-۷: ۱۸) و (۱۵-۱۳: ۶۹) می فهمیم که این دنیا سرانجام به آخر می رسد. زمینی جدید و آسمانهایی جدید جایگزین آسمانها و زمین کنونی خواهند شد (۴۸: ۱۴).

نشانه های نزدیک شدن آخر دنیا

- قرآن نشانه های بسیار در دسترس نهاده و می گوید، " تمام اطلاعات لازم جهت پرده برداشتن از تاریخ آخر زمان" را به ما داده است (۴۷: ۱۸). نشانه هایی که در قرآن آمده است عبارتند از:
۱. **جدا شدن پاره ای از ماه:** این رویداد هنگامی رخ داد که نخستین افراد بشر در ماه ژوئیه سال ۱۹۶۹ در کره ماه پیاده شدند و سنگهایی از ماه را به زمین آوردند. مردم سیاره زمین هم اکنون می توانند به بسیاری از موزه ها، دانشگاه ها، و رصدخانه ها بروند و قطعات (یا پاره های) ماه را ببینند.
 ۲. **کشف کد ریاضی قرآن بر پایه ی عدد ۱۹ (۳۷-۳۰ : ۷۴):** در سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ تحقق یافت.
 ۳. **موجود ساخته شده از عناصر خاک (۲۷: ۸۲):** " مردم را آگاه می کند که آنها نسبت به پروردگارشان غافل بوده اند." موجود ساخته شده از عناصر خاک، ظاهر شد و وسیله ای بود تا کد ریاضی قرآن توسط آن آشکار شود، و اعلام کند که دنیا نسبت به پیام خدا بی توجه است. این موجود / مخلوق رایانه است. توجه داشته باشید که از حاصل جمع شماره ی ارقام این سوره و آیه (۲۷: ۸۲)، ۱۹ بدست می آید (۲ + ۷ + ۸ + ۲ = ۱۹).
 ۴. **ظهور رسول میثاق خدا (۳: ۸۱):** همانطور که در پیوست ۲ گزارش شده است، قرآن از ظهور رسولی خبر می دهد که بعد از آنکه تمام پیامبران آمدند و تمام کتابهای آسمانی را آوردند به رسالت فرستاده می شود تا شرک زدایی کند و همه را زیر پرچم توحید جمع کند. این پیشگویی در رمضان ۱۴۰۸ هجری تحقق یافت.
 ۵. **دود (۴۴: ۱۰):** پس از آنکه رسول میثاق پیام خدا را بصورت یک پیام یگانه ابلاغ کرد و اعلام کرد که تنها دین قابل قبول نزد خدا دین تسلیم است، دود فرا می رسد.
 ۶. **یاچونگ و ماچونگ [یاچوج و ماچوج]:** آنها طبق برنامه خدا، در سال ۱۷۰۰ هجری (برابر با ۲۲۷۱ میلادی) دوباره ظهور خواهند کرد. از آنها در آیات (۱۸: ۹۴) و (۲۱: ۹۶) سخن به میان آمده است. از آیه ۹۴ سوره ۱۸ تا پایان سوره ۱۸، درست ۱۷ آیه وجود دارد. از آیه ۹۶ سوره ۲۱ تا پایان سوره ۲۱ نیز درست ۱۷ آیه وجود دارد. این از نشانه های قرآن است که یاچونگ و ماچونگ در سال ۱۷۰۰ هجری دوباره ظاهر می شوند.

برای همیشه پنهان نخواهد ماند [۲۰ : ۱۵]

آیه ۱۵ از سوره ۲۰ ما را باخبر می کند که خدا تاریخ پایان دنیا را، پیش از آنکه دنیا به پایان برسد آشکار خواهد کرد. و آیه ۸۷ سوره ۱۵ زمان این رویداد را به ما خبر می دهد:

ما هفت جفت را به تو داده ایم، و قرآن عظیم را داده ایم. [۱۵: ۸۷]

هفت جفت، ۱۴ حروف مقطع قرآن است. حاصل جمع ارزش رقومی این حروف که پایه های معجزه ی قرآن هستند برای ما مشخص می کند که دنیا در چه سالی به آخر می رسد. درخور توجه است که آیه ۸۵ سوره ۱۵ می گوید: " دنیا، مسلماً، به آخر خواهد رسید." آیه ی بعد، ۱۵:۸۶ می گوید که خدا این دنیا را آفریده است، و، مسلماً، او میداند که دنیا در چه تاریخی به آخر می رسد. و در آیه ی بعد، ۱۵:۸۷ تاریخ آخر دنیا داده شد.

جدول ۱: جمع کل ارزش رقومی هفت جفت از حروف مقطع قرآن	
ارزش رقومی	حروف مقطع قرآن
۱۰۰	۱. ق.
۵۰	۲. ن.
۹۰	۳. ص.
۴۸	۴. ح. م.
۷۰	۵. ی. س.
۱۴	۶. ط. ه.
۶۹	۷. ط. س.
۷۱	۸. ا. ل. م.
۲۳۱	۹. ا. ل. ر.
۱۰۹	۱۰. ط. س. م.
۲۳۰	۱۱. ع. س. ق.
۱۶۱	۱۲. ا. ل. م. ص.
۲۷۱	۱۳. ا. ل. م. ر.
۱۹۵	۱۴. ک. ه. ی. ع. ص.

۱۷۰۹	

همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است، اگر ارزش رقومی "هفت جفت" حروف مقطع را با هم جمع کنیم، عدد ۱۷۰۹ بدست می آید (به جدول ۱ در پیوست ۱ نیز نگاه کنید.) به استناد ۱۵:۸۷، از زمانی که این پیشگویی در قرآن آمده، دنیا بمدت ۱۷۰۹ سال پا بر جا خواهد بود. یعنی این دنیا در سال ۱۷۱۰ هجری به پایان می رسد. این عدد، مضرب نوزده است؛ $1710 = 19 \times 90$

این اطلاعات در سال ۱۴۰۰ هجری آشکار شد، یعنی درست ۳۰۹ سال پیش از آنکه دنیا به آخر برسد. $(1709 - 1400 = 309)$. عددی است که در قرآن آمده (۱۸:۲۵)، و مستقیماً با پایان دنیا ربط دارد (۱۸:۲۱). طرز گفتن ۳۰۹ در آیه ۱۸:۲۵، "سیصد سال، باضافه سه"، این را می رساند که منظور، ۳۰۹ سال قمری است.

۳۰۰ سال خورشیدی و ۳۰۰ سال قمری، ۹ سال با هم اختلاف دارند.

این مطلب در سال ۱۴۰۰ هجری قمری، برابر با ۱۹۸۰ میلادی کشف شد. اگر ۳۰۰ سال خورشیدی به سال ۱۹۸۰ اضافه شود، می شود ۲۲۸۰، که این عدد مضرب ۱۹ است، (19×120) . پس، دنیا در سال ۱۷۱۰ هجری، (90×19) ، برابر با ۲۲۸۰ میلادی (19×120) به آخر می رسد. برای ناباورانی که این شواهد محکم قرآنی را نپذیرند، دنیا بناگاه به پایان می رسد: [از چپ به راست - سوره، آیه] $(4:31, 44, 47; 7:95, 187; 12:107; 21:40; 22:55; 26:202; 29:53; 39:55; 43:66; 47:18)$

اگرچه مراجعه به احادیث اگر بمنظور کسب آموزشهای دینی باشد حرام است (پیوست ۱۹)، ولی می توان برای پی بردن به آنچه در تاریخ اتفاق افتاده از آنها استفاده کرد. ما می توانیم اطلاعات بسیاری در زمینه ی وقایع تاریخی، و نیز آداب و سنن قرن های نخست پس از اسلام از آنها بدست آوریم. کتابهای حدیث نشان می دهند که در طول تاریخ اعتقاد بر این بوده که حروف مقطع قرآن، طول عمر امت مسلمان را مشخص می کنند. طبق تفسیر البیضاوی، واقعه تاریخی زیر می تواند توضیحی برای حروف مقطع باشد. همین مطلب در تفسیر الاتقان السیوطی، جلد ۲، صفحه ۱۰ نیز گزارش شده است (چاپ اول، سال ۱۳۱۸ هجری قمری):

یهودیان مدینه نزد پیامبر رفتند و گفتند، " قرآن تو دارای حروف مقطع "ا. ل. م." است، و این حروف، نشان می دهند که دین تو چند سال دوام می آورد. زیرا "ا" = ۱، "ل" = ۳۰، "م" = ۴۰ است، و این بدین معنی است که دین تو ۷۱ سال دوام خواهد داشت." محمد گفت، " ا. ل. م. ص. نیز داریم." آنها گفتند، " ا = ۱، ل = ۳۰، م = ۴۰، ص = ۹۰، که رویهم ۱۶۱ سال می شود. آیا چیز دیگری هم هست؟" پیامبر گفت، " بله، ا. ل. م. ر." آنها گفتند، " این بسیار بزرگتر و سنگین تر است؛ ا = ۱، ل = ۳۰، م = ۴۰، ر = ۲۰۰، که رویهم ۲۷۱ سال می شود." سرانجام آنها دست برداشتند و گفتند، " ما که نمی دانیم چند حرف مقطع به او داده شده!" [مرجع مشهور السیوطی اتقان]

گرچه این روایت از روایات بسیار معروف است، ولی بسیاری از فقها و طلاب نخواستند این ارتباط انکار- ناپذیر آن را با حروف مقطع قرآن و تاریخ پایان دنیا بپذیرند. آنها صرفاً به این دلیل که این محاسبات، موضوع آخر دنیا و روز قیامت را به یک واقعیت تبدیل می کند نتوانستند آن را بپذیرند.

پیوست ۲۶

سه رسول دین اسلام

شواهد ریاضی که در این پیوست آورده شده حاکی از آن است که [۱] ابراهیم بنیانگذار دین اسلام (تسلیم) بود (۲۲:۷۸)، [۲] محمد، رسولی بود که کتاب آسمانی را آورد (۴۷:۲)، و [۳] رشاد، رسولی است که برای پاکسازی و ایجاد همبستگی و نشان دادن حجت دین فرستاده شد (۳:۸۱ و پیوست ۲).

شواهد جاوید و قابل بررسی

[۱] همانطور که در پیوست ۲ (جدول ۵) نشان داده شده، ارزش رقمی نام "ابراهیم" ۲۵۸ است، ارزش رقمی "محمد" ۹۲، ارزش رقمی "رشاد" ۵۰۵ است، و $(۹۲ + ۲۵۸ + ۵۰۵ = ۸۵۵ = ۱۹ \times ۴۵)$.

[۲] اگر "اسمعیل" را که ارزش رقمی آن (۲۱۱) است و "اسحق" را که ارزش رقمی آن (۱۶۹) است به آن اضافه کنیم، $(۱۶۹ + ۲۱۱ + ۸۵۵ = ۱۲۳۵ = ۱۹ \times ۶۵)$ بدست می آید. حاصل جمع ارزش رقمی نام این سه رسول، یا این پنج رسول فقط در صورتی با کد ریاضی قرآن بر پایه ۱۹ مطابقت پیدا می کند که هیچیک از نام های ابراهیم، محمد، یا رشاد از آن حذف نشود.

جدول ۱: سوره ها و آیه ها از اولین آیه تا آخرین آیه ای که نام ابراهیم در قرآن آمده است			
سوره	شماره آیه	حاصل جمع آیات	جمع کل
۲	۱۶۳	۳۳۴۱۵	۳۳۵۸۰
۳	۲۰۰	۲۰۱۰۰	۲۰۳۰۳
۴	۱۷۶	۱۵۵۷۶	۱۵۷۵۶
۵	۱۲۰	۷۲۶۰	۷۳۸۵
-	-	-	-
۹	۱۲۷	۸۱۲۸	۸۲۶۴
-	-	-	-
۸۴	۲۵	۳۲۵	۴۳۴
۸۵	۲۲	۲۵۳	۳۶۰
۸۶	۱۷	۱۵۳	۲۵۶
۸۷	۱۹	۱۹۰	۲۹۶
۳۸۲۷	۵۸۳۵	۳۲۳۵۹۸	۳۳۳۲۶۰
(۱۹ × ۱۷۵۴۰)			

[۳] آیه های ۲:۱۲۴ و ۸۷:۱۹، اولین و آخرین آیه هایی هستند که نام "ابراهیم" در آنها آمده است. از حاصل جمع شماره سوره ها، و آیه ها، و تعداد آیه ها از اولین آیه تا آخرین آیه ای که نام ابراهیم در آنها آمده، عدد ۳۳۳۲۶۰ یا ۱۷۵۴۰×۱۹ بدست می آید (جدول ۱).

[۴] همانطور که در پیوست ۲ بدان اشاره شده، رسول میثاق از طریق کد ریاضی در این عصر کامپیوتر معرفی شده است. اگر نام او هم مانند نام رسولان پیشین بصراحت در قرآن آمده بود، میلیونها نفر نام فرزندشان را "رشاد خلیفه" می گذاشتند. از اینرو، ریشه ی نام رشاد، "رشد" ۱۹ بار در قرآن آمده است (پیوست ۲).

[۵] نام "ابراهیم" در ۲۵ سوره، نام "محمد" در ۴ سوره، و "رشاد" در ۹ سوره آمده است.

حاصل جمع شماره این سوره ها $(۲۵ + ۴ + ۹ = ۳۸ = ۱۹ \times ۲)$ است. (فهرست لغات قرآن، عبدالباقی).
[۶] اگر شماره ی سوره هایی را که نام ابراهیم، محمد، و رشاد در آنها آمده با هم جمع کنیم، و بعد ببینیم که هر یک از این نام ها چند بار در این سوره ها آمده، و آنرا هم اضافه کنیم، ۱۰۸۳ ، یا $(۱۹ \times ۱۹ \times ۳)$ بدست می آید (جدول ۲).

[۷] اگر شماره ی سوره هایی را که ابراهیم، محمد، و ریشه ی نام رشاد "رشد" در آنها آمده با هم جمع کنیم، و بعد شماره ی تمام آیه هایی را که این سه نام در آنها آمده به آن اضافه کنیم، ۲۷۹۳ یا (۱۹×۱۴۷) بدست می آید (جدول ۳).

* ابراهیم در قرآن، ابراهیم، نوشته شده است (پیوست ۲، جدول ۵) بجز عنوان سوره ۱۴ که در آنجا ابراهیم نوشته شده است. [مترجم]

جدول ۳: سوره ها و اولین آیه ای که در آن سوره - ابراهیم، محمد، و رشد آمده است.

سوره	اولین آیه ای که نامشان آمده:	ابراهیم	محمد	رشد
۲		۱۲۴	-	۱۸۶
۳		۳۳	۱۴۴	-
۴		۵۴	-	۶
۶		۷۴	-	-
۷		-	-	۱۴۶
۹		۷۰	-	-
۱۱		۶۹	-	۷۸
۱۲		۶	-	-
۱۴		۳۵	-	-
۱۵		۵۱	-	-
۱۶		۱۲۰	-	-
۱۸		-	-	۱۰
۱۹		۴۱	-	-
۲۱		(۵۱)	-	(۵۱)
۲۲		۲۶	-	-
۲۶		۶۹	-	-
۲۹		۱۶	-	-
۳۳		۷	۴۰	-
۳۷		۸۳	-	-
۳۸		۴۵	-	-
۴۰		-	-	۲۹
۴۲		۱۳	-	-
۴۳		۲۶	-	-
۴۷		-	۲	-
۴۸		-	۲۹	-
۴۹		-	-	۷
۵۱		۲۴	-	-
۵۳		۳۷	-	-
۵۷		۲۶	-	-
۶۰		۴	-	-
۷۲		-	-	۲
۸۷		۱۹	-	-
-----		-----	-----	-----
۹۹۱		۱۱۲۳	۲۱۵	۴۶۴

$۱۹ \times ۱۴۷ = ۲۷۹۳ = ۱۱۲۳ + ۲۱۵ + ۴۶۴$

* نمی توان آیه ۵۱:۲۱ را دو بار حساب کرد.

آیاتی که این سه واژه در آنها آمده، با حذف تکراری ها عبارتند از: ۲، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۹۵، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰. از حاصل جمع تمام این اعداد، ۵۴۸۸، بدست می آید، و: (۶۴۷۹ = ۵۴۸۸ + ۹۹۱)، یا (۱۹ × ۳۴۱) است.

[۸] از حاصل جمع سوره هایی که این سه واژه در آنها آمده - بی آنکه سوره ای را تکرار کنیم - و حاصل جمع شماره ی این آیه ها - بی آنکه تکرار شوند - عدد ۶۴۷۹، یا ۱۹×۳۴۱ بدست می آید. شماره ی این سوره ها عبارتند از: ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۶۰، ۷۲، ۸۷، ۸۷. از حاصل جمعشان، ۹۹۱ بدست میاید (جدول ۳).

جدول ۲: چند بار و در کدام سوره ها نام ابراهیم، محمد، و رشد آمده است.

سوره	چند بار نام:	ابراهیم	محمد	رشد
۲		۱۵	-	۲
۳		۷	۱	-
۴		۴	-	۱
۶		۴	-	-
۷		-	-	۱
۹		۳	-	-
۱۱		۴	-	۳
۱۲		۲	-	-
۱۴		۱	-	-
۱۵		۱	-	-
۱۶		۲	-	-
۱۸		-	-	۴
۱۹		۳	-	-
۲۱		۴	-	۱
۲۲		۳	-	-
۲۶		۱	-	-
۲۹		۲	-	-
۳۳		۱	۱	-
۳۷		۳	-	-
۳۸		۱	-	-
۴۰		-	-	۲
۴۲		۱	-	-
۴۳		۱	-	-
۴۷		-	۱	-
۴۸		-	۱	-
۴۹		-	-	۱
۵۱		۱	-	-
۵۳		۱	-	-
۵۷		۱	-	-
۶۰		۲	-	-
۷۲		-	-	۴
۸۷		۱	-	-
-----		-----	-----	-----
۹۹۱		۶۹	۴	۱۹

$۱۹ \times ۱۹ \times ۳ = ۱۰۸۳ = ۶۹ + ۴ + ۹۹۱$

* "رشد"، ۱۹ بار آمده است.

* جمع کل برابر است با $۱۹ \times ۱۹ \times ۳$ ، (۳ رسول)

[۹] از حاصل جمع شماره سوره، بعلاوه شماره آیه، بعلاوه تعداد آیاتی که در آنها واژه ابراهیم، محمد، و رشد آمده است ۷۵۰۵، یا (۱۹×۳۹۵) بدست می آید (جدول ۴).

سوره	نامشان در این آیه ها آمده:	ابراهیم	محمد	رشد	تعداد آیه ها
۲		۱۲۷, ۱۲۶, ۱۲۵, ۱۲۴, ۱۳۵, ۱۳۳, ۱۳۲, ۱۳۰, ۲۶۰, ۲۵۸, ۱۴۰, ۱۳۶	-	۲۵۶, ۱۸۶	۱۴
۳		۶۸, ۶۷, ۶۵, ۳۳, ۹۷, ۹۵, ۸۴	۱۴۴	-	۸
۴		۱۶۳, ۱۲۵, ۵۴	-	۶	۴
۶		۱۶۱, ۸۳, ۷۵, ۷۴	-	-	۴
۷		-	-	۱۴۶	۱
۹		۱۱۴, ۷۰	-	-	۲
۱۱		۷۶, ۷۵, ۷۴, ۶۹	-	۹۷, ۸۷, ۷۸	۷
۱۲		۳۸, ۶	-	-	۲
۱۴		۳۵	-	-	۱
۱۵		۵۱	-	-	۱
۱۶		۱۲۳, ۱۲۰	-	-	۲
۱۸		-	-	۶۶, ۲۴, ۱۷, ۱۰	۴
۱۹		۵۸, ۴۶, ۴۱	-	-	۳
۲۱		۶۹, ۶۲, ۶۰, ۵۱	-	۵۱	۵
۲۲		۷۸, ۴۳, ۲۶	-	-	۳
۲۶		۶۹	-	-	۱
۲۹		۳۱, ۱۶	-	-	۲
۳۳		۷	۴۰	-	۲
۳۷		۱۰۹, ۱۰۴, ۸۳	-	-	۳
۳۸		۴۵	-	-	۱
۴۰		-	-	۳۸, ۲۹	۲
۴۲		۱۳	-	-	۱
۴۳		۲۶	-	-	۱
۴۷		-	۲	-	۱
۴۸		-	۲۹	-	۱
۴۹		-	-	۷	۱
۵۱		۲۴	-	-	۱
۵۳		۳۷	-	-	۱
۵۷		۲۶	-	-	۱
۶۰		۴	-	-	۱
۷۲		-	-	۲۱, ۱۴, ۱۰, ۲	۴
۸۷		۱۹	-	-	۱
-----		-----	-----	-----	-----
۹۹۱		۵۰۶۸	۲۱۵	۱۱۴۵	۸۶

$۸۶ + ۱۱۴۵ + ۲۱۵ + ۵۰۶۸ + ۹۹۱ = ۷۵۰۵ = ۱۹ \times ۳۹۵$

بنابراین، قرآن ابراهیم، محمد، و رشاد را از طریق کد ریاضی بعنوان سه رسول دین تسلیم معرفی می کند.

[۱۰] همانطور که در جدول ۴ نشان داده شد، ریشه لغوی نام رشاد "رشد" در ۱۹ آیه آمده که عبارتند از آیات: ۱۸۶، ۲۵۶، ۶، ۱۴۶، ۷۸، ۸۷، ۹۷، ۱۰، ۱۷، ۲۴، ۶۶، ۵۱، ۲۹، ۳۸، ۷، ۲، ۱۰، ۱۴، ۲۱. اینها ۳۸ رقم است، (۱۹ × ۲).

[۱۱] جدول ۴، نشان می دهد که حاصل جمع ۱۹ آیه ای که ریشه لغوی نام رشاد در آنها آمده، ۱۱۴۵ است. اگر این حاصل جمع را با ارزش رقمی نام "رشاد" (۵۰۵)، خلیفه (۷۲۵) جمع کنیم، ۲۳۷۵، بدست می آید که مضرب نوزده است (۱۹ × ۱۲۵ = ۲۳۷۵ = ۷۲۵ + ۵۰۵ + ۱۱۴۵).

[۱۲] اگر این اعداد را کنار هم بنویسیم، یعنی اگر حاصل جمع شماره آیات را بنویسیم، ۱۱۴۵، و به دنبال آن ارزش رقمی رشاد (۵۰۵)، و سپس ارزش رقمی خلیفه (۷۲۵) را بنویسیم، عدد بدست آمده مضرب صحیحی از ۱۹ است: (۱۹ × ۶۰۲۸۹۷۷۵ = ۱۱۴۵۵۰۵۷۲۵).

حاصل جمع شماره ۱۹ آیه ای که ریشه نام رشاد در آنها آمده است = ۱۱۴۵
 ارزش رقمی نام "رشاد" = ۵۰۵
 ارزش رقمی "خلیفه" = ۷۲۵

$$۱۱۴۵ + ۵۰۵ + ۷۲۵ = ۲۳۷۵ = ۱۹ \times ۱۲۵$$

$$۱۱۴۵ \ ۵۰۵ \ ۷۲۵ = ۱۱۴۵۵۰۵۷۲۵ = ۱۹ \times ۶۰۲۸۹۷۷۵$$

پیوست ۲۷ خدای شما کیست؟

اکثر مردم با شنیدن این سوال خشمگین می شوند و می گویند: "منظورتان چیست که 'خدای شما کیست؟' خدای من، آفریدگار آسمانها و زمین است." "اکثر مردم اگر بدانند که اعتراف آنها به توحید، بیش از یک عبارت لفظی نیست، و در واقع سرنوشتی جز جهنم در انتظارشان نخواهد بود، بسیار شگفت زده می شوند (۱۲:۱۰۶).

خدای شما، آن کس و یا آن چیزی است که اکثر اوقات فکر شما را به خود مشغول می دارد.

این خدا می تواند فرزند شما باشد (۷:۱۹۰)، یا همسر شما (۹:۲۴)، یا کسب و کار شما (۱۸:۳۵)، یا خود شما (۲۵:۴۳). حالا می فهمیم که چرا یکی از مهمترین دستورات قرآن که پی در پی در آیه ها بازگو شده، این است:

ای کسانی که ایمان دارید، همیشه بیاد خدا باشید؛ شب و روز به مدح و ستایش او مشغول باشید. [۳۳:۴۱]

برای پیروی از این فرمان، باید خود را طوری عادت دهیم که مطمئن شویم خدا بیش از هر کس و هر چیز فکر ما را به خود مشغول می دارد. قرآن به ما کمک می کند که این عادت های نجات بخش را در خود ایجاد کنیم تا روح خود را نجات دهیم:

۱. نماز: کسانی که نمازهای پنجگانه را بجا می آورند، بخش قابل توجهی از اوقات بیداری خود را بیاد خدا سپری می کنند. نماز به ما کمک می کند که نه تنها در طی چند دقیقه ای که نماز می خوانیم بیاد خدا باشیم، بلکه زمانی را هم که در انتظار رسیدن وقت نماز هستیم بیاد خدا بسر ببریم. مثلاً ممکن است که شما رأس ساعت ۱۱ به عقربه ساعت نگاه کنید تا ببینید که آیا وقت نماز فرا رسیده است یا نه. شما با همین کار بیاد خدا افتاده اید، و به پاس این یاد آوری امتیازی به سود شما ثبت می شود (۲۰:۱۴).
۲. پیش از آنکه چیزی بخورید از خدا یاد کنید: در آیه ۶:۱۲۱ اکیداً سفارش شده است که پیش از آنکه چیزی بخورید حتماً نام خدا را ببرید: "نخورید از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است."
۳. انشاءالله (بخواست خدا): "هرگز نگو 'فردا چنین و چنان خواهم کرد'، بی آنکه 'انشاءالله' بگویی. اگر یادتان رفت، زود از خدا طلب بخشایش کنید و بگویید، 'باشد که پروردگارم مرا هدایت کند، تا بار دیگر بهتر از اینبار عمل کنم'." [۱۸:۲۴]. این چیزی است که خدا بصراحت به ما فرمان داده است و ما مؤظف هستیم که آنرا بگوییم، و مهم نیست که طرف صحبت شما چه کسی است.
۴. ماشاءالله (هدیه خداست): برای اینکه خودمان، و آنچه را که بدان علاقه داریم از قبیل فرزندان، ماشین، خانه، و غیره - در امان خدا باشند، قرآن (۱۸:۳۹) به ما سفارش کرده است که حتماً "ماشاءالله" (این هدیه ی خداست) بگوییم.
۵. شب و روز از شکوه و بزرگی خدا یاد کنید: وقتی چیزی می خوریم نباید مانند حیوانات باشیم؛ ما باید در آفرینش غذایی که می خوریم بیندیشیم - به مزه غذا، به حس چشایی که خدا به انسان داده تا از آنچه می خورد لذت ببرد، به موز یا پرتقال که چگونه در پوست خود بسته بندی می شوند، انواع خوراک دریایی که خدا آفریده، و نیز به آفرینش دیگر چیزها - و هنگامی که از روزیهای خدا بهره مند می شویم، او را به پاس آنها ستایش کنیم. هنگامی که گلی زیبا، یا حیوانی خوش نقش و نگار، یا غروب آفتاب را می بینیم، از شکوه و بزرگی خدا یاد کنیم. هر لحظه غنیمتی است و به اصطلاح هر فرصتی را باید در هوا قاپید و زبان به ستایش خدا گشود، به این امید که خدا، خدای ما باشد.
۶. نخستین گفتار: خود را عادت دهید که وقتی صبح از خواب بیدار می شوید، بگویید، "بسم الله الرحمن الرحيم. لااله الا الله." اگر خود را به این خوی پسندیده عادت دهید، و روزتان را با آن شروع کنید، روز رستاخیز نیز هنگامی که برانگیخته می شوید، همین گفتار را بر زبان می رانید.

پیوست ۲۸

تمام آیه های نازل شده را محمد با دست خود نوشت

"اقرأ" [بخوان]، اولین کلمه ای بود که وحی شد، و آیه حامل این پیام بود که "خدا بوسیله قلم تعلیم می دهد" (۹۶:۱-۶)، دومین چیزی که وحی شد "قلم" بود (۶۸:۱). تنها کار بُرد قلم "نوشتن" است.

دویست سال از نزول قرآن می گذشت، و فقهای نادان مسلمان نتوانستند بفهمند که منظور خدا از آوردن کتابی مانند قرآن چیست. آنها هیچ اطلاعی از نوشتار ریاضی آن نداشتند، و خوب می دانستند که بسیاری از بزرگان ادب می توانند نوشتاری بیاورند که با قرآن قابل قیاس باشد. در واقع، چند تن از بزرگان ادب هم مدعی شدند که توانسته اند شاهکارهایی در حد قرآن بنویسند. آخرین مدعی، طه حسین است که از نویسندگان بنام مصری است.

فقهای نادان مسلمان به فکر چاره افتادند و تصمیم گرفتند اعلام کنند که محمد بی سواد بود! آنها به این نتیجه رسیده بودند که با اینکار، نوشتار فوق العاده ی قرآن حقیقتاً معجزه جلوه می کند. و بدین منظور واژه "امی" را دستاویز قرار دادند. با اظهار تأسف برای این دسته از "فقها یا علما"، باید بگویم که معنی این واژه "گوئیم" (غیر اهل کتاب) است، یا "کسی که از پیروان هیچیک از کتاب های آسمانی (تورات، انجیل، یا قرآن) نیست." [به آیات ۶۲:۲، ۷۵، ۲۰:۳؛ ۲:۷۸؛ مراجعه کنید]؛ این واژه "بی سواد" معنی نمی دهد.

پیغمبر تاجر موفق بود. "علمای مسلمانی" که به دروغ به او نسبت بیسوادی داده اند، فراموش کردند که در عصر پیامبر، اعدادی که امروزه با آنها سر و کار داریم وجود نداشت؛ و حروف الفبا بعنوان اعداد بکار برده می شدند. پیامبر بعنوان یک تاجر هم که شده، هر روز با اعداد سر و کار داشت و باید حروف الفبا را - از یک تا هزار - بداند.

به گزارش قرآن، محمد، خودش، آیاتی را که به او وحی می شد می نوشت - کسانی که در عصر پیامبر بودند، می گفتند، " اینها افسانه های قدیمی است که او نوشته است، و شب و روز به او دیکته می شود (۲۵:۵)." شما نمی توانید به یک آدم بیسواد چیزی دیکته کنید. دشمنان پیامبر که او را به "بیسوادی" متهم می کنند، آیه ۲۹:۴۸ را مورد سوء استفاده قرار می دهند، و توجه ندارند که این آیه فقط درباره کتابهای آسمانی پیشین است، نه هر کتابی.

در شب بیست و هفتم ماه رمضان، سال سیزده پیش از هجرت، روح محمد، که شخص اصلی است، نه کالبدش، به بالاترین نقطه در جهان هستی احضار شد [یعنی به معراج رفت] و تمام قرآن به او داده شد (۹۷ : ۲)، (۱ : ۱۷)، (۳ : ۴۴)، (۱۸ - ۱ : ۵۳)، (۵ - ۱ : ۹۷). سپس، به یاری جبرئیل، هر از چند گاه، چند آیه از قرآن، از روح محمد به حافظه اش انتقال می یافت. پیامبر تمام آیه هایی را که بر او رها می شد می نوشت و آنها را از بر می کرد. او پیش از مرگش، تمام قرآن را بطور کامل بترتیبی که بر او نازل شده بود با دست خود نوشته بود، و ذکر کرده بود که هر سوره و هر آیه به دستور خدا چگونه و کجا باید قرار گیرند. قرآن، آخرین کتاب آسمانی می بایست طبق دستورالعملی که خدا آنرا به پیامبر داده بود تنظیم می شد و بصورت کتاب به جهانیان داده می شد (۷۵:۱۷). نسل اولی که مسلمان شد نتوانست کار ردیف کردن تمام سوره ها و آیه ها را به پایان برساند و قرآن را کتاب کند، تا آنکه در زمان خلیفه راشد عثمان کمیته ای برای این کار مهم تشکیل شد. برای کسب اطلاع بیشتر به پیوست ۲۴ نگاه کنید.

پیوست ۲۹

نبود بسم الله

تمام سوره های قرآن با عبارت "بسم الله الرحمن الرحيم" معروف به "بسم الله" گشایش پیدا می کنند، بجز سوره ی نهم. این غیبت آشکار بسم الله در سوره ی نهم بمدت ۱۴ قرن، همچون معمایی در سیمای قرآن باقی مانده بود. فرضیه های بسیاری برای توجیه این پدیده تا کنون آورده شده است.

اکنون آموخته ایم که غیبت بسم الله، نقش بسیار حساسی را ایفا می کند. غیبت بسم الله [۱] بخش عمده ای از معجزه ریاضی قرآن است، و [۲] نشانه ای است از سوی خدا که در سوره ی نهم دست می برند، و سرانجام باید پاکسازی شود (پیوست ۲۴). هر دو نقش غیبت بسم الله با کشف کد ریاضی قرآن آشکار شد. فهرست زیر نموداری است از مشاهدات حقیقی که نقش معجزه آسای غیبت بسم الله را نشان می دهد.

[۱] از آنجا که بسم الله الرحمن الرحيم دارای ۱۹ حرف الفبا است، و پیشوند تمام سوره های قرآن است - به استثنای یک سوره - می توان آنرا زیربنایی دانست که کد ۱۹ قرآن بر پایه ی آن بنا شده است. ولی غیبت بسم الله در سوره ی نهم باعث می شود که تعداد این عبارت آغازگر قرآنی ۱۱۳ باشد، و این عدد با کد قرآن هماهنگ نیست. ولی همانطور که خواهیم دید این کمبود در سوره ۲۷ جبران می شود. در سوره ۲۷ دو "بسم الله" آمده است. یکی که سرآغاز سوره آمده، و دیگری که در آیه ۳۰ آمده است.

بدین ترتیب، تعداد کل "بسم الله الرحمن الرحيم" در قرآن به ۱۱۴، یا 6×19 می رسد.

* دیکته کردن: چیزی را شمرده بگویند و دیگری آنرا بنویسد [مترجم]

[۲] از سوره ۹ که بسم الله ندارد تا سوره ۲۷ که دو بسم الله دارد، ۱۹ سوره فاصله است.

جدول ۱: آیه‌هایی که واژه "الله" در آنها آمده، از غیبت بسم الله تا بسم الله فوق العاده	
شماره سوره	چند آیه اش "الله" دارد
۹	۱۰۰
۱۰	۴۹
۱۱	۳۳
۱۲	۳۴
۱۳	۲۳
۱۴	۲۸
۱۵	۲
۱۶	۶۴
۱۷	۱۰
۱۸	۱۴
۱۹	۸
۲۰	۶
۲۱	۵
۲۲	۵۰
۲۳	۱۲
۲۴	۵۰
۲۵	۶
۲۶	۱۳
۲۷	۶
$19 \times 18 = 342$	$19 \times 27 = 513$

[۳] حاصل جمع شماره ی سوره ها از سوره ۹ که بسم الله ندارد تا سوره ۲۷ که دو بسم الله در آن آمده ، ($9 + 10 + 11 + 12 + \dots + 25 + 26 + 27 = 342$) یا (19×18) است. این یک پدیده ی ریاضی است که حاصل جمع هر ۱۹ عدد متوالی به ۱۹ قابل تقسیم است. ولی پدیده ی اعجاز انگیز این است که از اولین بسم الله در سوره ۲۷ تا دومین بسم الله در همان سوره (۲۷:۳۰)، ۳۴۲ کلمه است.

[۴] وجود بسم الله در ۲۷:۳۰ با کد قرآن همخوانی و هماهنگی دارد، حاصل جمع شماره همان سوره و همان آیه مضرب ۱۹ است: ($27 + 30 = 57 = 19 \times 3$).

[۵] این بسم الله فوق العاده در آیه ۳۰ را با خود ۱۹ در آیه ۳۰ (سوره ۷۴) مقایسه کنید.

[۶] قرآن دارای ۶۲۳۴ آیه ی شماره دار است. غیبت بسم الله در سوره ی نهم و جبران آن در آیه شماره ۳۰ سوره ۲۷، به ما دو بسم الله شماره دار می دهد (۱:۱) و (۲۷:۳۰)؛ در ضمن ۱۱۲ بسم الله داریم که شماره ندارند. همین باعث می شود که قرآن ۶۳۴۶ آیه داشته باشد: ($6234 + 112 = 6346$)، یا (19×334).

[۷] واژه "الله"، از غیبت بسم الله تا ظهور فوق العاده بسم الله ، در ۵۱۳ آیه آمده است، یا (19×27). در ضمن توجه داشته باشید که ۲۷، شماره ی همان سوره ای است که بسم الله فوق العاده در آن آمده است. به نمودار این داده ها در جدول ۱ نگاه کنید.

[۸] حاصل جمع شماره آیات $(1 + 2 + 3 + \dots + n)$ ، باضافه تعداد کل آیه ها از غیبت بسم الله تا ظهور فوق العاده بسم الله ۱۱۹۶۲۴، یا (19×6296) است. به جدول ۲ نگاه کنید.

[۹] این بخش، همچنین ثابت می کند که سوره ۹ دارای ۱۲۷ آیه است، نه ۱۲۹ آیه (پیوست ۲۴). حاصل جمع ارقام ۱۲۷ $(1 + 2 + 7 = 10)$ است. اینک اگر همه آیه هایی را که حاصل جمع ارقام آنها ۱۰ می-شود (از غیبت بسم الله در سوره ۹ تا ظهور فوق العاده ی بسم الله در سوره ۲۷) پیدا کنیم، و حاصل جمع شماره تمام آیه ها را از غیبت بسم الله تا آیه ای که بسم الله فوق العاده در آن آمده، به آن اضافه کنیم، عدد ۲۱۲۸، یا 112×19 بدست می آید (جدول ۳).

جدول ۳: آیه هایی که حاصل جمع ارقام آنها ۱۰ است، از غیبت بسم الله تا بسم الله فوق العاده		
سوره	تعداد آیات	چند آیه چنین است
۹	۱۲۷	۱۲
۱۰	۱۰۹	۱۰
۱۱	۱۲۳	۱۱
۱۲	۱۱۱	۱۰
۱۳	۴۳	۳
۱۴	۵۲	۴
۱۵	۹۹	۹
۱۶	۱۲۸	۱۲
۱۷	۱۱۱	۱۰
۱۸	۱۱۰	۱۰
۱۹	۹۸	۹
۲۰	۱۳۵	۱۲
۲۱	۱۱۲	۱۰
۲۲	۷۸	۷
۲۳	۱۱۸	۱۱
۲۴	۶۴	۶
۲۵	۷۷	۷
۲۶	۲۲۷	۲۲
۲۷	۲۹	۲
<u>۳۴۲</u>	<u>۱۹۵۱</u>	<u>۱۷۷</u>

(19×18) و $19 \times 112 = 2128 = 1951 + 177$

جدول ۲: سوره ها و آیه ها از غیبت بسم الله تا بسم الله فوق العاده		
سوره	تعداد آیات	حاصل جمع آیات
۹	۱۲۷	۸۱۲۸
۱۰	۱۰۹	۵۹۹۵
۱۱	۱۲۳	۷۶۲۶
۱۲	۱۱۱	۶۲۱۶
۱۳	۴۳	۹۴۶
۱۴	۵۲	۱۳۷۸
۱۵	۹۹	۴۹۵۰
۱۶	۱۲۸	۸۲۵۶
۱۷	۱۱۱	۶۲۱۶
۱۸	۱۱۰	۶۱۰۵
۱۹	۹۸	۴۸۵۱
۲۰	۱۳۵	۹۱۸۰
۲۱	۱۱۲	۶۳۲۸
۲۲	۷۸	۳۰۸۱
۲۳	۱۱۸	۷۰۲۱
۲۴	۶۴	۲۰۸۰
۲۵	۷۷	۳۰۰۳
۲۶	۲۲۷	۲۵۸۷۸
۲۷	۲۹	۴۳۵
<u>۳۴۲</u>	<u>۱۹۵۱</u>	<u>۱۱۷۶۷۳</u>

$19 \times 6296 = 119624 = 1951 + 117673$

[۱۰] سوره ۹ از سوره های فرد قرآن است، و تعداد آیات آن (۱۲۷) نیز فرد است. از غیبت بسم الله تا بسم الله فوق العاده، هفت سوره وجود دارد که از این ویژگی برخوردار هستند. یعنی هفت سوره است که هم شماره سوره شان فرد است، و هم تعداد آیاتشان. همانطور که در جدول ۴ آمده است، این سوره ها عبارتند از سوره های ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۲۷. اگر ارقام سوره ها و آیه هایی را که شماره شان فرد است با هم جمع کنیم، عدد ۱۱۴، یا ۱۹×۶ بدست می آید.

شماره سوره	جمع ارقام	تعداد آیات	جمع ارقام
۹	۹	۱۲۷	۱۰
۱۱	۲	۱۲۳	۶
۱۳	۴	۴۳	۷
۱۵	۶	۹۹	۱۸
۱۷	۸	۱۱۱	۳
۲۵	۷	۷۷	۱۴
۲۷	۹	۲۹	۱۱
	---		---
	۴۵		۶۹
$۶۹ + ۴۵ = ۱۱۴ = ۱۹ \times ۶$			

جدول ۴: سوره هایی که هم شماره ی آنها فرد است و هم تعداد آیات آنها فرد است.

[۱۱] دو ترکیب بعدی، نشان می دهند که سوره ۹ نباید بسم الله داشته باشد و تعداد آیه های آن باید ۱۲۷ آیه باشد. (دو شبه آیه بپایان این سوره گنجانیده بودند.) اگر سوره های داده شده در جدول ۴ را که شماره ی سوره و تعداد آیاتشان فرد است - برداریم، و شماره هر سوره را بنویسیم، و به دنبال آن تعداد آیات همان سوره را بنویسیم، عدد درازی بدست می آوریم که دارای ۳۰ رقم است، و مضرب ۱۹ است (شکل ۱).

[۱۲] اینک آخرین رقم همه آیه ها را از غیبت بسم الله تا بسم الله فوق العاده در نظر بگیریم. اگر شماره هر سوره را بنویسیم، سپس آخرین رقم هر آیه را به دنبال آن بنویسیم، عدد درازی بدست می آید که دارای ۱۹۸۸ رقم است و مضرب ۱۹ است (شکل ۲).

۹ ۱۲۷ ۱۱ ۱۲۳ ۱۳ ۴۳ ۱۵ ۹۹ ۱۷ ۱۱۱ ۲۵ ۷۷ ۲۷ ۲۹
 بترتیب شماره ی هر هفت سوره، و تعداد آیات آنها نوشته شده است.
 این عدد دراز مساوی است با $۱۹ \times ۴۸۰۳۷۴۲۷۵۳۳۳۸۵۰۵۲۱۹۵۳۲۲۴۰۹۰۹۱$ [شکل ۱]

۹ ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰۱۲۳ ... ۲۷ ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰ ... ۷۸۹
 شماره ی هر هفت سوره، سپس آخرین رقم یکایک آیه های آنها نوشته شد. سوره ۹ تا ۲۷: [شکل ۲]

پیوست ۳۰

چند همسری (تعدد زوجات)

تعدد زوجات تا پیش از نزول قرآن، ۱۴۰۰ سال پیش، جزء رسوم زندگی بود. هنگامی که زمین جوان و کم جمعیت بود، تعدد زوجات راهی برای افزایش جمعیت، و تولد انسانهایی بود که طبق برنامه ریزی خدا می باید به این دنیا بیایند. زمانی که قرآن وحی شد، جمعیت دنیا به اندازه ی کافی افزایش یافته بود، و قرآن بود که برای نخستین بار گامی درست در جهت محدود کردن روشهای پیشین در زمینه تعدد زوجات را پیش نهاد.

تعدد زوجات در قرآن مجاز شمرده شده است، ولی شرایط آن فوق العاده سخت است. هرگونه سوء استفاده از این اجازه الهی هولناک به دنبال دارد. بنابراین، گرچه تعدد زوجات از جانب خدا مجاز شمرده شده، ولی بهتر است که پیش از آنکه دهان باز کنیم و بگوییم قرآن اجازه داده که چند زن بگیریم، به دقت شرایط خود را بسنجیم.

بهترین مثال ما در اینجا شخص پیامبر است. او فقط یک زن - بنام خدیجه - داشت تا زمانی که وی از دنیا رفت. همه فرزندان پیامبر از خدیجه بودند، به استثنای یکی. بنابراین، در طول ۲۵ سالی که خدیجه همسر پیامبر بود، او و فرزندان از تمام توجه پیامبر برخوردار بودند. عبارت دیگر، محمد از ۲۵ سالگی تا ۵۰ سالگی فقط یک زن داشت. و در ۱۳ سال باقیمانده عمرش، با بیوه زنان سالخورده ی دوستانش که فرزندان بسیاری از خود بیادگار گذاشته بودند ازدواج کرد. این بچه ها نیازمند کانون گرم خانواده، و دست پُر مهر پدر بودند که پیامبر ایفاگر این نقش بود. تنها موردی که قرآن از تعدد زوجات حمایت می کند، آنجاست که ایفای نقش پدر برای بچه هایی که یتیم هستند مطرح است (۳: ۴).

غیر از ازدواج با مادر یتیمان، سه ازدواج سیاسی نیز در زندگی پیامبر وجود داشت. دوستان نزدیک او ابوبکر و عمر اصرار داشتند که پیامبر با دخترانشان عایشه و حفصه ازدواج کند، تا با او خویشاوند شوند. سومین ازدواج سیاسی، ازدواج با یک دختر مصری - بنام ماریا - بود که از سوی حاکم مصر بعنوان نشان دوستی به زنی به او داده شد.

از این نمونه خوب، می فهمیم که یک مرد باید در زندگی زناشویی خود کاملاً وفادار باشد و تمام توجه اش را به زن و فرزندان معطوف کند تا خانواده ای سالم و خوشبخت بار آورد.

قرآن در محدود کردن تعدد زوجات بسیار تأکید دارد: ” اگر می ترسید که نتوانید مساوات کامل را برقرار کنید، پس به یک زن اکتفا کنید.“ (۳: ۴) ” هر قدر هم که بکوشید، هرگز نمی توانید میان چند زن به انصاف رفتار کنید.“ (۴: ۱۲۹)

فرمان های محدود کننده تعدد زوجات در قرآن نشان دهنده آن است که خداوند احتمال سوء استفاده از قوانین را در نظر داشته است. بنابراین، تا زمانی که اطمینان حاصل کنیم که از مقررات الهی ذره ای سوء استفاده نشده، باید از هوی و هوس شخصی، و ازدواج با چند زن خود داری کنیم. اگر در جایی هستیم که تعدد زوجات رایج نیست، بهتر است همه توجه خود را به یک زن و فرزندانمان معطوف کنیم. رفاه اجتماعی، و آسایش روانی کودکان، خصوصاً در کشورهایی که چند همسری در آنها قانونی نیست در این است که فقط به یک زن اکتفا شود. آنچه در تعدد زوجات ملاک است و رعایت آن واجب است از این قرار است:

۱. هدف از تعدد زوجات این بوده که از مشکلات و محرومیت ها بکاهد، نه اینکه باعث محرومیت شود و مشکل ایجاد کند.
۲. اگر خانواده ای جوان تشکیل داده اید، مسلماً، گرفتن چند زن، سوء استفاده از قانون است.
۳. تعدد زوجات اگر به این خاطر باشد که زنی جوانتر را بجای زن قبلی بگیرید، سوء استفاده از قانون خداست (۲۰-۱۹: ۴).

پیوست ۳۲

چهل سالگی، کمال بلوغ

سن مسوولیت چه سنی است؟ اگر بچه ای در ۱۲ سالگی بمیرد و هرگز چیزی درباره خدا نشنیده باشد، به بهشت خواهد رفت یا به جهنم؟ اگر این بچه ۱۵ سال داشته باشد، یا ۲۱ سال، یا ۲۵ سال، آنوقت چطور؟ در چه سنی انسان برای عقابش مسوول شناخته می شود؟ مدتهاست که این سوال برای محققین تمام ادیان معمایی بوده است.

قرآن، چهل سالگی را سن مسوولیت تعیین کرده است. هرکس پیش از رسیدن به چهل سالگی بمیرد به بهشت می رود (۴۶:۱۵). اگر کسی به خدا ایمان داشت و از ایمانش بهره گرفت و روحش را بزرگ کرد به بهشت برین خواهد رفت (پیوست ۱۵). وگرنه، به بهشت زیرین خواهد رفت.

اولین عکس العمل شما در برابر اینگونه اطلاعات این است که اعتراض می کنید: "اگر کسی، واقعاً بد، شرور، و منکر خدا بود، و پیش از چهل سالگی بمیرد چطور؟ آیا باز هم به بهشت می رود؟" علت اعتراض شما این است که شما بی رحم هستید، درحالیکه خدا از رحم و بخشایش سرشار است [الرحیم]. انسان به بی رحمی گرایش دارد: "همه آنها را به جهنم اندازید."

کسانی که به این رحمت الهی سخت اعتراض دارند نمی توانند معلوم کنند که چه سنی، سن مسوولیت است. آنها می پرسند، "اگر آن شخص واقعاً آدم بد و پلیدی باشد، چطور؟" جواب این است که، "آیا خدا می داند که این شخص پلید است یا نمی داند؟" "البته می داند." "آیا خدا می داند که این شخص لیاقت بهشت را ندارد؟" "البته." "بنابراین، این شخص پیش از چهل سالگی نمی میرد." به همین سادگی. خدا تنها کسی است که به زندگی ما در این جهان خاکی پایان می دهد. او خوب می داند که چه کسی لیاقت بهشت را دارد، و چه کسی سزاوار آن است که به جهنم برود.

در اوایل سال ۱۹۸۹ میلادی مردی بنام "تئودور رابرت بندی" [Theodore Robert Bundy] به جرم قتل چندین زن اعدام شد. همه معتقد بودند که او یکی از شرورترین جنایتکاران تاریخ بوده است. اعدام این شخص، از موارد نادری بود که حتی انجمن مبارزه با اعدام، به صدور این حکم اعتراض نداشت. بعکس، بسیاری از مردم از خیر اعدام او به جشن و سرور پرداختند. بسیاری از خبرنگاران، سردبیران، و مقامات سیاسی از اینکه اعدام تئودور بندی یازده سال به تأخیر افتاد اعتراض کردند و گفتند که او حداکثر شش سال پس از محکومیتش می بایست اعدام می شد. اگر چنین کرده بودند، به استناد قرآن، بزرگترین لطفی بود که کسی می توانست برای او انجام دهد. بندی هنگام اعدام، ۴۲ سال داشت. اگر او پنج سال زودتر، یعنی در سن ۳۷ سالگی اعدام می شد، مستقیم به بهشت می رفت، و او لیاقت بهشت را نداشت.

از قرار معلوم، بندی یکی از نمونه هایی بود که خدا به ما داد تا نشان دهد که کسی که لیاقت بهشت را ندارد پیش از چهل سالگی نمی میرد. نام او [Theodore Robert Bundy] دارای ۱۹ حرف است، و درست یک روز پیش از اعدامش اعتراف کرد که ۱۹ زن را کشته است. نشانه های دیگری نیز در این رابطه از سوی خدا داده شده بود.

اعلام این خبر مهم، یکی از مسوولیت های عمده ای است که بعنوان رسول میثاق به من واگذار شده است. بدانید که این عقیده شخصی من نیست.

درخور توجه است که مارتین لوتر کینگ [Martin Luther King]، و ملکم اکس [Malcolm X]، هر دو، درست چند ماه پیش از رسیدن به سن چهل سالگی کشته شدند.

پیوست ۳۳

چرا خدا حالا رسول فرستاد؟

همانطور که در ۳:۸۱ و پیوست ۲ گفته شد، خدا رسولی فرستاده تا پیام های همه پیامبران را، پس از پاکسازی از غبار زواندی که بر آن نشسته، یکی کند، و بعنوان یک دین واحد بهم پیوند دهد: دین تسلیم. زمان، برای انجام چنین مأموریتی کاملاً مناسب است:

۱. یهودیت، مسیحیت، و اسلام به اندازه ای تحریف شده اند که تشخیص درستی و نادرستی آن دشوار است.
۲. تمام پیام های خدا به مردم رسانیده شده است؛ قرآن، آخرین کتاب آسمانی است.
۳. بیش از ۹۳٪ از انسانهایی که قرار است به این دنیا بیایند، هنوز متولد نشده اند. همانطور که در پیشگفتار، صفحه دوازده، شرح داده شد، تخمین زده می شود که تعداد انسانهایی که از زمان آدم تا امروز [سال ۱۹۸۹] در این دنیا گام نهاده اند، فقط یک پانزدهم جمعیت انسانهایی است که قرار است چند صباحی را در این سیاره خاکی "زمین" بسر برند.

یهودیت

بهترین نمونه ای که نشان می دهد یهودیت امروز تا چه حد تحریف شده است در کتاب یکی از خاخام های معروف بنام "هارولد اس. کوشنر"، پیدا می شود. او در کتاب پُرفروش خود تحت عنوان "وقتی پیشامد های ناگوار برای مردمان خوب رخ می دهد"، (انتشارات ایوان، چاپ ۱۹۸۱) می نویسد:

...، بهترین توصیه ای که می توان کرد این است که حتی المقدور این جهان فانی را جدی بگیریم تا احياناً اگر معلوم شد که این تنها حیات ماست، معنای زندگی و عدالت را در همین دنیا جویا شده باشیم. (ص ۲۹)

بی شک در این دنیا پیشامدهای ناگوار برای خوبان رخ می دهد، ولی این پیرو قانونمدی خدا نیست. خدا مایل است که مردم آنچه را که استحقاقش را دارند بدست آورند، ولی، او که همیشه نمیتواند به تمام امور سامان دهد. (صفحه ۴۲)

خدا از آن بالا پایین نمی آید که قانون حاکم بر طبیعت را بخاطر نجات مردم پرهیزگار برهم زند. دومین دلیل اینکه چرا در این دنیا پیشامدهای ناگوار برای آدمهای خوب اتفاق می افتد این است که خدا باعث آن نیست تا بتواند آنرا متوقف کند. (صفحه ۵۸)

خدا نمی تواند همه کارها را انجام دهد، ولی می تواند بعضی از کارهای مهم را انجام دهد. (صفحه ۱۱۳)

ما نمی توانیم از خدا بخواهیم که ما را از امراض مصون دارد، زیرا اینکار از توان او خارج است. (ص ۱۲۵)

من می پذیرم که دست خدا باز نیست. تا آنجا که قوانین طبیعت، تکامل طبیعی بشری، آزادی معنوی و اخلاقی بشری به او اجازه می دهد، در این چارچوب می تواند کارهایی را انجام دهد. (ص ۱۳۴)

مسیحیت

اگر عیسی مسیح همین امروز زنده می شد، مسیحیان او را به صلیب می کشیدند. علمای برجسته جهان مسیحیت به این نتیجه رسیده اند که دین مسیح به دنبال تصمیمی که در کنفرانس معروف نیقیه (سال ۳۲۵ میلادی) گرفته شد تا سر حد نابودی تحریف شد و آنچه امروز از آن مانده هیچ ربطی به دین حقیقی عیسی ندارد. به کتاب "اسطوره حلول خدا در قالب انسان" نگاه کنید؛ انتشارات وست مینستر، فیلادلفیا، سال ۱۹۷۷.

اسلام

اگر محمد همین امروز زنده می شد، مسلمانان او را تا پای مرگ سنگسار می کردند. دینی که مسلمانان امروز پیرو آن هستند بکلی با آن اسلام یا "تسلیمی" که ابراهیم و محمد موعظه می کردند مغایر است. هرچه مسلمانان امروز بعنوان تکلیف دین انجام می دهند از تشهد که اولین ستون دین است گرفته تا اذان، وضو، نمازهای روزانه، زکات، حج، و دیگر آداب دین اسلام، همه را غلط انجام می دهند (به پیوستهای ۲، ۱۳، ۱۵ نگاه کنید).

"دینی که خدا هرگز به آن مشروعیت نبخشیده" (۴۲:۲۱)

جدول زیر نشان می دهد که اسلام تا چه اندازه تحریف شده است:

آیه هایی که از آنها سربلایی شده است	بدعت ها
(۱۲:۱۱۱) (۷:۱-۳) (۱۱۴, ۳۸, ۱۹: ۶)	حدیث و سنت
(۱۷:۴۶) (۳۱:۶) (۴۵:۶) (۶۹:۳۸-۴۷)	کسی که مُرتد است باید کشته شود
و بسیاری دیگر از آیات	احکام وحشیانه کیفری:
(۲۲-۸۸:۲۱) (۱۸:۲۹) (۱۰: ۹۹) (۴:۹۰) (۲:۲۵۶)	دست دزد باید قطع شود
(۵:۳۸) (۱۲:۳۱)	زناکار باید سنگسار شود
(۴:۲۵) (۲۴:۲)	کسی که نماز نمی خواند واجب القتل است
(۲:۲۵۶) (۱۸:۲۹)	کسی که برای چهارمین بار نوشابه الکی مصرف کند، واجب القتل است
(۲:۲۵۶) (۱۸:۲۹)	عبادت را برای زنانی که عادت ماهانه هستند ممنوع کرده اند
(۲:۲۲۲)	اجازه نمی دهند زنان در نماز جمعه شرکت کنند
(۶۲:۹)	محمد را بر خلاف میلش بُت می کنند:
(۲:۲۸۵)	او را "محترم ترین رسول" [رسول اکرم] نامیده اند
(۳۳:۳۷) (۷۴-۷۳:۱۷) (۹:۱۱۷) (۴:۷۹)	او را معصوم [منزه از گناه] می دانند
(۴۰:۶۶) (۶۶:۱) (۸۰:۱-۱۰) (۹۳:۷)	
(۲:۱۴۹-۱۵۰)	مقبره اش را "مسجد" کرده اند
(۲:۴۸, ۱۲۳, ۲۵۴) (۶: ۷۰, ۹۴) (۷:۵۳) (۱۰:۳)	ادعا دارند که او می تواند شفاعت کند
(۳۹:۴۴) (۴۳:۸۶) (۷۴:۴۸)	
	درباره معراج پیامبر، چنان داستانی سر هم کرده اند که قابل دفاع نیست؛ و
	می گویند پیامبر، با اسبی، بسرعت نور، به آسمان رفت،
	و خدا را از مقرر کردن پنجاه نماز منصرف کرد.
	اگر پیامبر با سرعت نور به آسمان رفته بود، هنوز هم که هنوز است می بایست در کهکشان راه شیری
(۱۷:۱) (۵۳:۱-۱۸)	در حرکت می بود.
(۲۰:۱۴) (۷۲:۱۸)	نام او را به نماز و اذان اضافه کردند
(۳:۱۸) (۳۷:۳۵) (۳۹:۴۵)	نام او را به اولین رکن دین اسلام اضافه کردند
(۳: ۱۵۹) (۶۸:۴)	به پیامبر اهانت می کنند و او را یک وحشی معرفی می کنند:
(۱۸:۱۱۰) (۲۵:۲۰)	ادعا می کنند او چشمان مردم را از حدقه در می آورد
	ادعا می کنند قدرت جنسی او با قدرت جنسی ۳۰ مرد برابری می کرد
	قبول ندارند که محمد خاتم النبیین است زیرا
(۳۳:۴۰)	تعلیم می دهند که عیسی دوباره به این جهان برمی گردد؛ با این حساب، عیسی خاتم النبیین می شود
	ادعا دارند که محمد، پیامبر خدا، مردی بی سواد، و بی استعداد بود
	با تحریم برخی از مواد غذایی، روش عجیب و غریبی در خوردن و خوراک ابداع کردند (۱۱۶-۱۱۵:۱۶) (۶:۱۴۵-۱۵۰)
(۹:۳۷)	ماههای حرام (ماههای مقدس) را تغییر دادند
۱۵ پیوست (۶:۱۴۱)	با تحریفات خود، از پرداخت زکات طفره می روند
	به زنان ظلم می کنند و آنها را مجبور می کنند که موی خود را بپوشانند و لباس های غیرمعقول بپوشند؛ و
(۲:۲۲۸) (۳:۱۹۵) (۴: ۱۹, ۳۲) (۹:۷۱)	آنها را از کلیه حقوق ازدواج، طلاق، ارث، و غیره محروم می کنند.
	با این حدیث که "اگر میمونی، سگی، یا زنی در برابر یک نمازگزار عبور کند نمازش باطل است"، به زنان اهانت میکنند
	احکام بسیاری بدعت نهادند:
(۵:۱۰۱) (۴۲:۲۱) (۴۵:۶-۷) (۲:۱۶۸-۱۷۲)	از وضو و نماز گرفته تا طرز خوابیدن و ناخن گرفتن
(۵:۴۸-۴۹) (۷:۳۱-۳۲)	طلا و ابریشم را برای مردان حرام کردند
(۷:۳۲) (۴۲:۲۱) (۳۴:۱۳)	موسیقی و هنر را حرام کردند
	با یاهو گویی های خود از قبیل آنکه: زمین بر پشت یک ماهی عظیم الجثه بنا شده است!!، دین اسلام را
(۷۹:۳۰)	مورد تمسخر قرار می دهند (ابن خطیر، ۱۲۰۰ میلادی، بن باز، ۱۹۷۵ میلادی)

این فقط نمونه ی کوچکی از زیاده روی ها و گناهان مسلمین زمان ماست که هر روز شاهد آن هستیم. برای همین است که خدا رسول میثاقش را در این زمان فرستاده است.

پیوست ۳۴

دست نخوردگی

به پسران و دختران مومن راستین باید آموخته شود که اگر از احکام و قوانین خدا پیروی کنند و نجابت شان را حفظ کنند خوشبخت می شوند. این به این معنی است که آنها باید خود را برای همسر آینده شان دست نخورده نگاه دارند و هرگز اجازه ندهند که کسی از نظر جنسی به آنها دست بزند.
(۳۰-۲۹:۷۰) (۳۳:۳۵) (۲۴:۳۰) (۶-۵:۲۳)

جامعه امروز مآلما از وسوسه های نفسانی است. در دهه هشتاد در امریکا، حتی پدران و مادران هم درباره اینکه فرزندان شان دوست پسر، یا دوست دختر بگیرند با آنها صحبت می کنند. وقتی بچه ها به سن ۱۳ تا ۱۹ سالگی می رسند، بسیاری از والدین برای فرزندان شان وسایل جلوگیری از حاملگی هم تهیه می کنند. آمار نشان می دهد که درصد نگران کننده ای از جوانان کشور، با آنکه هنوز بالغ نشده اند، از نظر جنسی فعال هستند، و با ارزشهای اخلاقی بیگانه هستند. هر ماه میلیون ها نفر بطور نامشروع در امریکا حامله می شوند و از عواقب ناگوار آن این است که میلیون ها سقط جنین مصیبت بار رخ می دهد.

از جمله پیامدهای سقوط این ارزشهای اخلاقی: کودکان بی پناه و ناخواسته، پدران غافل و غیرمسئول، جنایتکارانی که هیچ ارزشی برای جان و مال مردم قائل نیستند، میلیونها وصله ناجور در اجتماع، امراض مقاربتی لاعلاج، تبخال مقاربتی، زگیل لاعلاج مقاربتی، سفلیس، سوزاک، دیس پلازیا، مرض گشنده ایدز [سیدا]، و سایر امراض جدید است که پیش از این وجود نداشتند.

آنچه اکثر مردم نمی دانند این است که پامال شدن ارزشهای اخلاقی در زندگی برای آنان بسیار گران تمام می شود. تنها قانونی که بر جهان حکمفرماست، قانون خداست، و سرپیچی آشکار از قوانین خدا، موجب بدبختی و مشکلات فراوان است (۲۰:۱۲۴).

مومنانی که به فرزندان شان اهمیت می دهند، با راهنمایی های خود مرتب به آنان یاد آور می شوند که نجابت شان را حفظ کنند (۲۰:۱۳۲). یعنی اینکه تا شب ازدواج دست نخورده بمانند، و پس از آن نیز نسبت به همسرشان کاملاً وفادار باشند و با هیچکس بطور نامشروع همبستر نشوند. تمام این دستورات برای آن است که خودشان خوشبخت شوند. فرمان خدا برای حفظ نجابت - چه پیش از ازدواج یا پس از ازدواج - به سود خود ماست. خدا بر سلامتی، دارایی، خوشبختی، و بدبختی ما کنترل دارد (۴۸، ۴۳:۵۳).

پیوست ۳۵

مواد مخدر و الکل

درباره مواد مخدر، و مشروبات الکلی که شرعاً نهی شده اند به هیچ وجه نباید انعطاف نشان داد و هر گونه سازشکاری در مورد آنها محکوم است؛ قرآن آنها را بعنوان "اعمال شیطانی، و پلید" معرفی می کند (۵:۹۰). در آیات ۲:۲۱۹ و ۵:۹۰ مشاهده می کنیم که "مسکرات، قمار، معابد بتان، و هر آنچه که به حکم قرعه به کسی بیفتد" حرام است. واژه "خمر" که برای مسکرات بکار برده شده است از ریشه "خمر" بمعنای "پوشاندن" گرفته شده است. بنابراین، هر آنچه فکر را بپوشاند، حرام است. این شامل تمام چیزهایی است که در عقل یا فکر اختلال ایجاد کند، مانند ماری جوانا، هرویین، کوکائین، تریاک، الکل، حشیش، و هر چیز دیگری که بر مغز اثر بگذارد.

پیوست ۳۶

یک ملت بزرگ چه قیمتی باید بپردازد

کافی است اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، و مسلمانان) ایمان بیاورند و پرهیزگاران زندگی کنند، آنگاه گناهانشان را می‌زداییم، و آنان را به باغ‌های پر نعمت وارد می‌کنیم. اگر فقط از تورات و انجیل و آنچه در این از جانب پروردگارشان فرو فرستاده شده پیروی کنند، از بالای سرشان و از زیر پایشان بر آنان نعمت می‌فرستیم. بعضی از ایشان پرهیزگارند، ولی اکثرشان پلید هستند. [۶۶-۶۵: ۵] اگر اهالی آن جوامع ایمان می‌آوردند، و پرهیزگار می‌شدند، باران رحمت خود را از آسمان و زمین بر آنان می‌بارانیدیم.

خدا خوشبختی و بدبختی شما را کنترل می‌کند.

[۴۸، ۴۳: ۵۳]

.... خداست که شما را ثروتمند یا تهیدست می‌کند.

ملتی که پاسدار احکام خداست، در جهان سربلند خواهد بود، و پیروزی، رفاه، و سعادت برای چنین ملتی تضمین شده است (۳۱- ۴۱:۳۰؛ ۲۴:۵۵؛ ۱۶:۹۷؛ ۶۴-۱۰:۶۲). از طرف دیگر، ملتی که از قوانین خدا سرپیچی کند، زندگی اسفناکی در پیش خواهد داشت (۲۰:۱۲۴). برای ملتی که پشتیبان و پیرو قوانین خدا باشد ضمانت شده است که به ملتی بزرگ تبدیل شود. این یک خواب و خیال نیست؛ زیرا همه چیز تحت کنترل خدا است (۱۰:۶۱)، و عده‌های خدا و آنچه خدا آنرا ضمانت کرده انجام شده است. ویژگیهای ملتی که قوانین خدا را رعایت می‌کند، چنین است:

۱. حداکثر آزادی برای مردم تأمین شده است- آزادی در دین، آزادی در عقیده، آزادی در سفر، آزادی در اقتصاد (۲۲- ۸۸:۲۱) (۱۰:۹۹) (۲:۲۵۶).
۲. تضمین رعایت حقوق بشر برای همگان؛ همه مردم صرفنظر از نژاد، رنگ، اعتقاد، مقام اجتماعی، موقعیت مالی، یا وابستگی‌های سیاسی از حقوق مساوی برخوردار هستند (۴۹:۱۳) (۵:۸).
۳. رفاه عمومی برای همه؛ روش اقتصادی خدا بر اساس گردش دایم ثروت و سرمایه‌گذاری سازنده است، و رباخواری حرام است. اقتصاد غیرسازنده از قبیل قمار، بخت آزمایی، و بهره‌های گزاف حرام است (۵۹:۷) (۲:۲۷۵-۲۷۷).
۴. عدالت اجتماعی برای همه. چرا که در اثر پرداخت درست زکات، دیگر کسی گرسنه و یا بی‌سرنپناه نخواهد ماند (۷- ۱۰۷:۱) (۲۵- ۷۰:۲۴) (۲:۲۱۵).
۵. یک رژیم سیاسی که بر پایه‌ی آرا همگانی بنیاد نهاده شده است. هواخواهان و یا مخالفان هر موضوعی، پس از مشورت متقابل، در نهایت آزادی حرفشان را می‌زنند و دیگران را از روی منطق و استدلال متقاعد می‌کنند. نتیجه این می‌شود که همه باهم به توافق می‌رسند. رأی اکثریت ۵۱٪ نباید بر اقلیت ۴۹٪ تحمیل شود (۴۲:۳۸).
۶. جامعه‌ای که پشتیبان بالاترین معیارهای اخلاقی است و در حفظ آن کوشاست. در چنین جامعه‌ای کانون خانواده گرم و استوار خواهد بود و اعتیاد به الکل، مصرف نامشروع مواد مخدر، حاملگی‌های نامشروع، سقط جنین و طلاق عملاً وجود نخواهد داشت.
۷. حداکثر امنیت جانی و مالی برای مردم. بنابراین، هیچ جنایت و تجاوزی علیه جان و مال مردم صورت نخواهد گرفت.
۸. گسترش عشق و محبت، و صلح و احترام متقابل میان افراد این ملت؛ و نیز میان این ملت با سایر جوامع جهان (۹- ۶۰: ۸) (۳:۱۱۰).
۹. سلامت محیط زیست از طریق حفظ منابع طبیعی، و جلوگیری از روش‌های تخریبی و اسراف آمیز ضمانت شده است (۳۰:۴۱).

پیوست ۳۷

احکام جزایی در اسلام

اگر دزدی هزار دلار از شما بدزدد، و او را بگیرند و زندانی کنند، چه چیز عاید شما می‌شود؟ اگر دزد زن و فرزند داشته باشد، آنها چه گناهی دارند؟ چرا بچه‌ها باید از پدرشان محروم شوند؟

همانطور که قرآن درباره‌ی سایر مسائل کیفری که در جهان امروز با آن روبرو هستیم، راه حل‌هایی نشان داده، برای این مشکل نیز راه حلی نشان داده است.

کیفر، بر اساس مساوات [۱۷۹ - ۱۷۸ : ۲]

بر اساس قانون جزایی قرآن، دزدی که هزار دلار از شما دزدیده است، باید آنقدر برای شما کار کند تا هزار دلاری را که از دست داده‌اید جبران کند. در ضمن باید تمام خسارت‌ها و ناراحتی‌هایی را که مسبب آن بوده جبران کند. و در عین حال، زن و فرزندان بی‌گناه آن دزد نیز از مرد خانواده محروم نشده‌اند، و از مخارج سنگین زندان‌ها نیز کاسته می‌شود. زندانی کردن، مجازاتی است بی‌رحمانه و غیرانسانی که ثابت شده است که نتیجه‌ی خوبی ندارد.

برخلاف آنچه که عموم مردم تصور می‌کنند، دست دزد نباید قطع شود. سیاس خدای را که به شکرانه‌ی رحمت بیکرانش، و معجزه ریاضی قرآنش اکنون متوجه شده‌ایم که دست دزد را باید علامت گذارد. این مطلب در آیه ۵:۳۸ بیان شده است. حاصل جمع شماره سوره و آیه، ۴۳ می‌شود: $(۳۸ + ۵ = ۴۳)$. در آیه ۱۲:۳۱ نیز به "بریدن دست" اشاره شده است. در این آیه می‌بینیم که زمانی که از حُسن یوسف به شگفت آمدند، دستهای خود را "بریدند". پُر واضح است که زنان دستهای خود را قطع نکردند؛ هیچکس نمی‌تواند چنین کاری بکند. از حاصل جمع شماره این سوره و آیه $(۳۱ + ۱۲ = ۴۳)$ ، همان عددی بدست می‌آید که از حاصل جمع ۵:۳۸ بدست آمد. پس، دلایل ریاضی در قرآن ثابت و تأیید می‌کنند که "بریدن در حد علامتگذاری" کیفر دزد است، نه قطع دست. یک دلیل ریاضی دیگر هم غیر از آن هست و آن اینکه ۱۹ آیه بعد از ۱۲:۳۱، دوباره از "بریدن دست" سخن گفته شده است. احکام جزایی در اسلام، بر اساس برابری است و علتش این است که خلافکاران در جامعه شناخته شوند (۲:۲۴؛ ۵:۳۸؛ ۲:۱۷۸).

در مقوله‌ی کفرآمیز حدیث و سنت آمده است که کسی را که زنا می‌کند، محصنه مرتکب می‌شود، سنگسار کنید. این حکم، حکم خدا نیست. همانطور که در ۲۴:۲ بیان شده، کیفر زنا این است که صد ضربه شلاق - نه بصورت جدی - در برابر مردم زده شود. همانطور که در بالا بدان اشاره شد، اساس این تنبیه این است که مجرم در اجتماع شناخته شود. اینکار با شلاق زدن در ملاعام، عملی می‌شود.

و اما درباره قتل، آنچه مسلم است این است که قرآن مشوق اعدام نیست (۲:۱۷۹). آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، و مؤنث در برابر مؤنث (۲:۱۷۸). از آنجا که انسان اصولاً بی‌رحم و ستمگر است بسیاری از مردم حتی نمی‌توانند تصور کنند که قرآن با این فرمان چه می‌خواهد بگوید. آنها حاضر نیستند این دستور واضح را قبول کنند که مساوات حتماً باید اجرا شود - اگر زنی مردی را بقتل برساند، یا مردی زنی را بقتل برساند، یا اگر برده‌ای کسی را که آزاد است بقتل برساند، یا کسی که آزاد است برده‌ای را بقتل برساند، قاتل نباید به مرگ محکوم شود. قرآن ترجیح می‌دهد که قاتل به خانواده مقتول غرامت بپردازد. کشتن قاتل، نه مقتول را بازمیگرداند و نه خانواده مقتول از اعدام قاتل چیزی عایدشان می‌شود. غرامت باید به اندازه‌ای باشد که دیگران را از ارتکاب به این عمل بازدارد. در اسلام "دین تسلیم"، کسی که به او ستم شده، و یا کسان او نقش مهمی در رأی دادگاه دارند. آنها هستند که با نظرخواهی از یک شخص با صلاحیت که از دانش قرآنی برخوردار است، تصمیم می‌گیرند که مجازات چه باشد؟

پیوست ۳۸

۱۹، امضای آفریدگار

کتاب های آسمانی تنها آفریده های خدا نیستند که با نوشتار ریاضی بر پایه ی ۱۹ پی ریزی شده اند. بیگمان سخن گاليله بسیار عمیق و پرمعناست که: "ریاضی، زبانی است که خدا جهان هستی را با آن آفرید." چیزهای بسیاری از نظر علمی کشف شده است که همگی گواه آن هستند که عدد ۱۹ همچو امضای خدا بر برخی از آفریده-های جهان است. همانگونه که امضای هنرمندانی چون میکال آنژ و پیکاسو در آثارشان دیده می شود، این مهر الهی نیز در سراسر جهان هستی همچو امضای پروردگار بر آثارش دیده می شود. برای مثال:

۱. خورشید، ماه، و زمین هر ۱۹ سال یک بار در یک خط مستقیم قرار می گیرند (به دایرة المعارف جوداییکا، بخش "گاهنامه" نگاه کنید).

۲. ستاره دنباله دار هالی گمیت، این پدیده شگرف آسمانی، هر ۷۶ سال یا 4×19 به جو زمین نزدیک می شود.

۳. مهر خدا بر شما و من در این اصل آشکار است که بدن انسان دارای ۲۰۹ یا 11×19 استخوان است.

۴. کتاب جنین شناسی لنگمن، نوشته "T.W. Sadler" که در اکثر مدارس و مراکز پزشکی ایالات متحده امریکا تدریس می شود، در صفحه ۸۸، چاپ پنجم می نویسد: "دوره حاملگی برای یک جنین کامل معمولاً ۲۸۰ روز، یا ۴۰ هفته پس از شروع آخرین عادت ماهانه، یا بطور دقیق تر ۲۶۶ روز یا ۳۸ هفته پس از لقاح است." اعداد ۲۶۶ و ۳۸، هر دو مضرب صحیحی از عدد ۱۹ هستند.

سبحان الله